[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

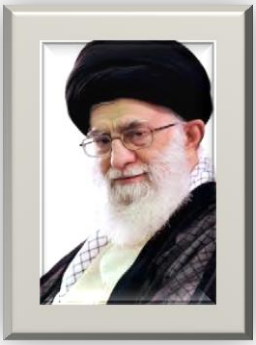

مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

باید تصویر درستی از اقتصاد مقاومتی ارائه بشود... مسئولین و صاحبان فکر و دلسوزان بایستی تصویر درستی از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند و گفتمان‌سازی بشود تا مردم بتوانند و معتقد باشند و بخواهند؛ در این صورت کار عملی خواهد شد (۲۰ اسفند ۹۲)

خداوند منان در آیه ٦٠ سوره انفال می‌فرماید:

«وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ»

این آیه تأکید دارد که هر چه می‌توانید قوت و توان خود را افزایش دهید و زمینه‌های استعداد و مقاومت را در جامعه اسلامی فراهم کنید، این آیه باید سرلوحه اقتصاد مقاومتی باشد، در قرآن و حدیث عبارات زیادی را در مورد جهاد اقتصادی داریم که در آن‌ها مسأله عزت اسلام و مسلمانان موضوع محوری است، عزت از منظر قرآن کریم به معنای شکست‌ناپذیری است و ملت عزیز، ملتی است که مقاومت و پایداری کرده و فشارها را تحمل می‌کند تا به سربلندی دست یابد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

اقتصاد و بانکداری اسلامی

شماره چهارم وپنجم – پاییز و زمستان ۱۳۹۲

اعضاء هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

ابوالفضل پاسبانی‌صومعه: استادیار جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران

حسین حشمتی‌مولایی: استادیار مؤسسه عالی بانکداری ایران

عباس عرب‌مازار: دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

سیدهادی عربی: استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

مرتضی عزتی: استادیار دانشگاه تربیت مدرس

غلامرضا مصباحی‌مقدم: دانشیار دانشگاه امام صادق(ع)

میثم موسایی: استاد دانشگاه تهران

سیدعباس موسویان: دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

به استناد گواهی شماره ۳/۲۳۳۱۶۶ مورخ ۹۰/۱۱/۱۵ کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری) فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی دارای درجه **علمی – ترویجی** است.

صاحب امتیاز:
انجمن علمی اقتصاد اسلامی ایران

مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر عباس عرب‌مازار

مدیر داخلی:
عباس پورحسن‌یامی

نشانی:
تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق(ع)، ساختمان جدید، طبقه پنجم

صندوق پستی: ۱۵۹-۱٤٦٥٥

تلفکس: ۸۸۵۷۹۹۸۵-۰۲۱

وب‌گاه فصلنامه
http://www.mieaoi.ir

پست الکترونیک فصلنامه
m_ieaoi@yahoo.com

قیمت: ۶۰,۰۰۰ ریال

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

راهنمای ارسال مقالات

در ارسال مقالات لازم است موارد زیر رعایت شود:

۱. مقاله نباید در مجلات داخلی و یا خارجی چاپ شده باشد.
۲. درخواست کتبی نویسنده برای بررسی و چاپ مقاله در نشریه، خطاب به سردبیر نشریه ارسال شود.
۳. چکیده حداکثر ۳۰۰ کلمه، واژگان کلیدی حداکثر ۱۰ واژه و مجموعاً حجم مقاله از ۳۰۰۰ کلمه کمتر و از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.
٤. مقاله در سایز کاغذ A4 به صورت فایل Word با فونت فارسی B Lotus در سایز ۱۲ و انگلیسی TimeNewRoman در سایز ۱۰ برای مجله ارسال شود.
۵. در ساختار نگارش مقاله موارد زیر رعایت شود:
   - ❖ نام نویسندگان همراه با درج رتبه علمی، پست الکترونیک و شماره همراه؛
   - ❖ چکیده و کلید واژه (به فارسی و انگلیسی)؛
   - ❖ طبقه بندی JEL؛

فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی در اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است مسئولیت نظرات و آراء به عهده نویسندگان است، مطالب مقالات الزاماً نظر انجمن علمی اقتصاد اسلامی ایران و این فصلنامه نمی‌باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

فهرست مطالب

- **آسیب‌شناسی بکارگیری عقد مرابحه در روش تأمین مالی اسلامی.....۷**
  حسین کفشگر، محمدنقی نظرپور
- **نقش وقف پول در تأمین مالی خُرد اسلامی.....۳۹**
  سیدمحمد سیدحسینی، تقی ابراهیمی‌سالاری، سیدمهدی نریمان زمان‌آبادی
- **مدل قیمت‌گذاری بازار کالا و خدمات در اقتصاد مقاومتی.....۷۹**
  سیدعباس موسویان، حسن بهاری
- **آموزه‌های اخلاقی خرید و فروش (معاملات) در جامعه اسلامی و تأثیر آن بر انباشت سرمایه اجتماعی و تقویت سایر بخش‌های مولد اقتصادی.....۱۲۳**
  وحید ارشدی
- **مقایسه تطبیقی عقود مبادله‌ای و مشارکتی و شناخت مشکلات و فواید کاربرد آن‌ها در نظام بانکداری اسلامی.....۱۶۱**
  معین اکبرزاده
- **تمرکززدایی مالی و اقتصاد اسلامی؛ برخی ملاحظات نظری در باب مالیات‌ستانی و تخصیص بودجه.....۱۹۹**
  محمدجواد رضایی، مهدی موحدی
- **نقد نگاه ابزاری به عقود شرعی در بانکداری بدون ربا.....۲۲۳**
  علیرضا جعفرزاده، محمدجعفر اسماعیلی
- **حقانیت دین اسلام مبنی بر زیان بار بودن قمار برای فرد و جامعه.....۲۴۵**
  محمود فرخی‌کاشانی
- **معرفی کتاب.....۲۶۶**
- **چکیده انگلیسی مقالات.....۲۷۱**

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهارم و پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص۷-۳۸

آسیب‌شناسی بکارگیری عقد مرابحه در روش تأمین مالی اسلامی

حسین کفشگر[۱]
محمدنقی نظرپور[۲]

چکیده

ابزارهای تأمین مالی اسلامی براساس مطابقت با شریعت اسلام بنا شده و با قوانین محلی در کشورهای اسلامی سازگار می‌باشد. بدین ترتیب کشورها با اکثریت جمعیت مسلمان سعی در گسترش استفاده از آن دارند. این ابزارها در مدت زمان کوتاهی سرمایه‌گذاران و پس‌اندازکنندگان با سلایق متفاوت را به خود جلب نموده است. به گونه‌ای که به عنوان جایگزین ابزارهای مرسوم و متعارف تلقی گردید. در این میان عقد مرابحه نیز یکی از شیوه‌های تأمین مالی است. این شیوه با رشدی معادل ٦٧ درصد به عنوان برجسته‌ترین روش تأمین مالی بین بانک‌های اسلامی شناخته شده است. عقد مرابحه در کشورما نیز در ماده ۹۸ قانون برنامه توسعه سال ۱۳۸۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی و سپس شورای نگهبان رسید و آیین‌نامه‌های اجرایی آن در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۲۵ به تصویب شورای پول و اعتبار رسید و به مدیران عامل بانک‌های دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پست بانک و مؤسسه اعتباری توسعه ابلاغ گردید. این روش تأمین مالی در کنار مزیت‌هایی همچون کاربردی‌ترین روش تأمین مالی، سهم بالای آن درمقایسه با دیگر عقود با بازدهی ثابت، تنوع متناسب با سلیقه سرمایه‌گذاران و ریسک کمتر نسبت به دیگر عقود، همچنان با انتقادهای زیادی از سوی برخی از فعالان اقتصادی مواجه است. من جمله اینکه این روش تامین مالی با روح کلی حاکم بر بانکداری اسلامی و به طور کل تأمین مالی اسلامی منافات دارد. همچنین آنها منتقد گسترش این روش در بین تمامی عقود به کار گرفته در تأمین مالی هستند و شیوع این شیوه را یک خطر بزرگ برای دیگر عقود با بازدهی انتظاری می‌دانند. در این مقاله با بکارگیری روش توصیفی و تحلیل محتوی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به دنبال اثبات این فرضیه هستیم که تأمین مالی به روش عقد مرابحه نه تنها منافات با روح حاکم بر اسلام ندارد بلکه به عنوان یکی از برجسته‌ترین روش تأمین مالی اسلامی است و ضمن متناسب بودن با سلایق مختلف سرمایه‌گذاران، همسو با دیگر عقود دارای بازدهی ثابت و انتظاری می‌باشد.

واژگان کلیدی

عقد مرابحه، فروش اقساطی، انعطاف‌پذیری، ریسک‌گریزی، بازدهی ثابت

طبقه‌بندی JEL: G21. G32

[۱] دانشجو دکتری دانشگاه عدالت تهران (نویسنده مسئول) hkj6066@gamil.com
[۲] دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مفید nazarpur@mofidiu.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مقدمه

در نظام بانکی کشور بیع مشارکت مدنی در کنار فروش اقساطی جز کاربردی‌ترین انواع بیع به حساب می‌آید. بر اساس آمار بانک مرکزی سهم تسهیلات عقود مشارکت مدنی تا بهمن ماه سال گذشته، ۳۵/۷ درصد از کل تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را به خود اختصاص داده است. همچنین فروش اقساطی حدود ۳۰ درصد از کل تسهیلات را به خود اختصاص داده است (donya-e-eqtesad.com). از آنجایی که فروش اقساطی به لحاظ کاربرد موضوعی فقط برای کالاهای محدود و معینی قابل استفاده است و همچنین از لحاظ شیوه پرداخت، عموماً شیوه پرداخت اقساطی تدریجی را مورد توجه قرار داده است نوع دیگری از عقد، نظیر مرابحه، مورد توجه قرار گرفت که علاوه بر نداشتن محدودیت‌های فوق، کاربردهای قابل ملاحظه‌ای در تأمین مالی خرید کالاها و دارایی‌ها دارد. بانکداری اسلامی هم این نوع قرارداد را به عنوان یکی از تکنیک‌های کاری خود پذیرفته است و معتقد است که در بیع مرابحه فروشنده (بانک) هزینه تمام شده تحصیل دارایی (کالا) اعم از قیمت خرید، هزینه‌های حمل‌و نقل و نگهداری و سایر هزینه‌های مربوطه را به اطلاع مشتری می‌رساند و سپس تقاضای مبلغ یا درصدی اضافی (mark – up) به عنوان سود می‌کند. در این عقد به عنوان یک تکنیک مالی؛ مشتری از بانک درخواست می‌کند که یک کالای مشخص را برای وی خریداری کند و بانک با اعلام میزان سود علاوه بر هزینه خرید به مشتری این کار را انجام می‌دهد.

عقد مرابحه یکی از ابزارهای تأمین مالی اسلامی است که در حدود ۸۰ درصد عملیات بانک‌های اسلامی درجهان برای تأمین مالی تجارت از طریق این عقد انجام می‌گردد و با رشدی معادل ٦٧ درصد به عنوان برجسته‌ترین روش تأمین مالی بین بانک‌های اسلامی شناخته شده است و حتی در برخی از کشورها از جمله امارات متحده عربی و کویت بیش از ۹۰ درصد از تأمین مالی انجام شده در درقالب عقد مرابحه انجام می‌پذیرد. در کشور

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

ایران عقد مرابحه گرچه هنوز در کشور ما عملیاتی نشده است ولی طبق ماده ۹۸ قانون برنامه توسعه در سال ۱۳۸۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی و سپس شورای نگهبان رسید و آیین‌نامه‌های اجرایی آن در تاریخ۱۳۹۰/۵/۲۵ به تصویب شورای پول و اعتبار رسید و به مدیران عامل بانک‌های دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پست بانک و مؤسسه اعتباری توسعه ابلاغ گردید.

تعریف مرابحه:

مرابحه از صیغه مفاعله و از کلمه «ر ب ح » گرفته شده است (احمد بن فارس، ١٤٠٤، ج۲، ص ٤٧٤) و در لغت به معنای زیاده (حمیری، ١٤٢٠، ج٤، ص ٢٣٩٣) و زیادی حاصل شده در بیع (راغب اصفهانی، ١٤١٢، ص ٣٣٨) و نماء فی التجر(ابن منظور، ١٤١٤، ج۲، ص ٤٤٢) آمده است. در لغت فارسی هم مرابحه از کلمه «ربح» گرفته شده و به معنی «نفع دادن»، « ربح گرفتن» (معین، ١٣٧٦، ص ٣٩٧٩)، « سود بازرگانی»، « سود دادن کسی را بر متاع او» است (دهخدا، ١٣٧٧، ج١٣، ص ٢٠٥٨١). عقد مرابحه آن است که فروشنده قیمتی را که برای کالائی پرداخته است ذکر کند و با افزودن مبلغی بر آن به عنوان سود، مجموع را قیمت فروش بعدی قرار می‌دهد.

فقها برای بیان تعریف اصطلاحی مرابحه ابتدا تقسیم‌بندی جامعی از انواع بیع انجام داده و سپس آنرا تعریف کرده‌اند. آنها بیع را به اعتبار ذکر ثمن و عدم ذکر آن به دو قسمت تقسیم کرده‌اند. (علامه حلّی، ١٤١٤، ج١١، ص ٢١٥؛ و ١٠٧؛ شهید اول، ١٤١٠، ص ١١٧)

أ- بیع مساومه: که در آن ثمن خریده شده ذکر نمی‌شود.

ب-بیع الامانه: که در آن ثمن خریده شده به مشتری خبر داده شود و خود به ۳ صورت تقسیم می‌شود:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۱. بیع المرابحه: بیعی که در آن ثمن خریداری شده ذکر می‌گردد و مقداری هم به عنوان ربح و زیادی در نظر گرفته می‌شود؛
۲. بیع المواضعه: بیعی که در آن ثمن خریداری شده ذکر می‌گردد و کالا را کمتر از قیمت خریداری شده به مشتری بفروشد؛
۳. بیع التولیه: بیعی که در آن ثمن خریداری شده ذکر می‌گردد و مساوی با همان قیمت خرید به خریدار بفروشد (حلی، ۱۳۸۷ ه ق، ج۱، ص ٤٧٢؛ علامه حلی، ١٤١٤،ج١١، ص ٢١٥). برخی از علما مانند شهید اول و به تبع آن شهید ثانی بیع الشرکه را به عنوان قسم چهارم این بیع اضافه کرده‌اند (نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج۲۳، ص ۳۰۳). بیع الشرکه یعنی پرداختن نصف ثمن مال خریداری شده به صاحب مال و شریک کردن مشتری در مال مورد نظر به اندازه ثمن را گویند. علمای اهل سنت نیز این تقسیم را انجام داده‌اند (عبدالرحمن بن حامد ،١٤٣٢، ص ٧).

در یک تعریف جامع، مقصود اصطلاحی از مرابحه در میان فقها معامله‌ای است که فروشنده، قیمت تمام شده کالا اعم از قیمت خرید و هزینه‌های حمل و نقل و نگهداری و سایر هزینه‌های مربوطه را به اطلاع مشتری می‌رساند و سپس تقاضای مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود می‌کند. برای مثال اعلان می‌کند که این کالا را به هزار تومان خریده است و حاضر است به هزار و صد تومان یا با ده درصد سود به مشتری بفروشد. مرابحه در حقیقت توافق درباره معامله خرید و فروش برای تأمین مالی دارایی است که در آن هر دو طرف از هزینه‌ها و حاشیه سود اطلاع دارند و آن را قبول کرده‌اند. در این توافق فروشنده می‌پذیرد که دارایی مورد نیاز مشتری را خریداری کند و آن را به قیمتی بالاتر و توافق شده به وی بفروشند. پرداخت این مبلغ با توجه به توافق دو طرف می‌تواند نقدی و یا به صورت اقساط باشد (بابا قادری و فیروزی، ١٣٧٦، ص۲۳۲؛ صالح‌آبادی، ۱۳۸۵، ص۲۲).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

بیع مرابحه در خلال مباحث فقه شیعه از سابقه بسیار طولانی برخوردار است و فقهای بزرگوار شیعه در ضمن مباحث بیع یا ملحقات آن به این بحث پرداخته‌اند و مراجعه به کتب قدمای فقهای شیعه و تتبع در آرای آنان این حقیقت را به اثبات می‌رساندکه بدون آنکه گسستی بین ادوار فقه امامیه واقع شود بیع مرابحه در تمامی این دوران مورد توجه فقها بوده و از آن غافل نگشته‌اند و بر جواز این بیع به کتاب و سنت و اجماع تمسک کرده‌اند:

الف) استدلال به قرآن کریم: برخی از علماء برای جواز بیع مرابحه به عمومات ادله «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبا» تمسک کرده‌اند (سیوری حلّی، ۱٤۲۵، ج۲، ص ۳۷) و بیان نموده‌اند که بیه مرابحه هم یک بیع است و هر منعی نیاز به دلیل دارد و دلیلی مبنی بر منع هم در این مورد پیدا نشد. پس تحت عمومات ادله «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» باقی می‌ماند (علامه حلّی، ۱٤۱۰، ج۲، ص ۲۸۸). برخی از علمای اهل سنت نیز برای جواز این بیع به آیه «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُناحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّكُمْ» (بقره، آیه ۱۹۸) و آیه «اِذا قُضِيَتِ الصَّلاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ ...» (جمعه، آیه ۱۰) تمسک کرده و منظور از «ابتغاء فضل» را مرابحه در بیع دانسته‌اند (کاسانی، ۱۹۸۲، ج ۵، ص ۲۲۰ ؛ محمود البعلی، بیتا، ص۲۹). لذا اگر آیات به طور مستقیم این بیع را بحث نکرده باشد، از عمومات ادله بیع می‌توان بیع مرابحه را تا زمانی که منعی نباشد، تأیید نمود.

ب) استدلال به روایات؛ قرارداد مرابحه یکی از پرکاربردترین قراردادها در متون‌روایی است و شاید بتوان گفت در مورد هیچ قرارداد مالی این مقدار روایت نقل نشده است. در بسیاری از کتب روایی فصلی را با عنوان مرابحه و احکام‌ها بیان نموده‌اند و حتی در کتب فقهی هم روایات زیادی در تأیید و مشروعیت بیع مرابحه وارد شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن الحسین بن سعید، عن النضر بن سوید، عن عبدالله بن سنان، عن أبی عبد الله(ع) قال:"لا بأس بأن تبیع الرجل المتاع لیس عندک تساومه ثم تشتری له نحو الذی طلب ثم توجبه علی نفسک ثم تبیعه منه بعد" (الطوسی، تهذیب الاحکام، ج۷، ص۴۹، باب ٤ (البیع بالنقد و النسیئة)، ح۱۲).

امام صادق(ع) می‌فرماید: اشکالی ندارد کالایی را که هنوز مالک نشده‌ای بفروشی، به این صورت که ابتدا صحبت‌هایتان را می‌کنید (قرار می‌گذارید)، سپس کالا را به نحوی که مشتری مطالبه می‌کند برای خودت خریداری می‌کنی سپس به مشتری می‌فروشی[1] (رک: موسویان، پاییز ۱۳۹۰، ص ۳۸-٤۰).

عن یحیی بن الحجاج قال: سألت الصادق(ع) "عن رجل قال لی اشتر هذا الثوب و هذه الدابه، و بعنیها اربحک فیها کذا و کذا؟ قال: لا باس بذلک، اشترها و لاتواجبه البیع قبل أن تستوجبها أو تشتریها» (حرّعاملی، ١٤١٣، ج٦، باب ۸، احکام العقود، ح۱۳).

یحیی بن حجاج می‌گوید از امام صادق(ع) سوال کردم: در مورد مردی که به من می‌گوید این لباس یا این حیوان را برای من خریداری کن و به من بفروش به تو اینقدر سود می‌دهم؟ امام(ع) فرمود: اشکالی ندارد، آن‌ها را خریداری کن و قبل از اینکه بیع را برای خودت ایجاب نکرده‌ای یا کالا را خریداری نکرده‌ای برای او ایجاب نکن.

با دقت در روایات علاوه بر مشروعیت این عقد می‌توان احکام دیگری را هم استنباط نمود:

۱. اطلاع دو طرف از قیمت و سود و غیره؛ در بیع مرابحه فروشنده و خریدار باید از قیمت خرید (رأس‌المال)، مقدار سود، مقدار غرامت و نیز هزینه‌هایی که فروشنده برای حمل‌و نقل کالا و جز آن، متحمّل شده است، آگاهی داشته باشند (الطوسی،

۱. ترجمه روایات از مقاله «سیدعباس موسویان، امکان سنجی کاربرد مرابحه در بانکداری بدون ربا، فصلنامه روند پژوهش‌های اقتصادی، پاییز ۱۳۹۰، سال نوزدهم، شماره ۵۹، ص ۳۸-٤۰ »گرفته شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

المبسوط، ۱۳۸۷ هق، ج۲، ص ۱٤۱). بنابراین اگر فروشنده باز گوید این لباس را به مبلغی که خریده‌ام به اضافهٔ فلان مقدار سود به تو فروختم، معامله باطل است؛ چون قیمت خرید معلوم نیست (بحرانی، ۱۳۷۷ ق، ج۱۹، ص۲۰۰-۲۰۱).

۲. وجوب اخبار خریدار از قیمت و هزینه‌ها؛ بر فروشنده واجب است قیمت خرید و هزینه‌های پرداختی را صادقانه به خریدار خبر دهد و چنانچه در اخبار از قیمت خرید یا هزینه های خرید دروغ بگوید مشتری - بنا به قول مشهور - بین فسخ عقد و گرفتن کالا با همان قیمتی که در عقد ، معیّن شده، مخیّر است و خیار فسخ دارد (حسینی عمیدی، ١٤١٦ ه ق، ج۱، ص ٤٣٩؛ القطّان حلّی ،١٤٢٤ ه ق، ج۱، ص ۳۹۳؛ و نجفی، پیشین، ج۲۳، ص۳۱۷).

۳. فروختن بعض از مجموعه به بیع مرابحه؛ اگر کسی مجموعه‌ای از کالا را به قیمتی بخرد، فروختن بعض آنها به صورت بیع مرابحه صحیح نیست، هرچند هرکدام را جداگانه قیمت‌گذاری کند، مگر آنکه حقیقت حال را به خریدار اطّلاع دهد (اسدی حلی، ١٤١٠ ه ق، ج۱، ص ۳۷۳؛ محقق حلی، ١٤٠٨ ه ق، ج۲، ص ۳۵).

۴. فروش کالای نسیه به بیع مرابحه؛ اگر فروشنده، کالایی را که به صورت نسیه خریده است بدون آنکه به خریدار خبر دهد، به بیع مرابحه به او بفروشد، در اینکه برای مشتری نیز مشابه مقدار زمانی که جهت پرداخت قیمت برای فروشنده است، ثابت می‌شود یا آنکه وی تنها بین فسخ عقد و پرداخت قیمت کالا به صورت نقد، مخیّر می‌باشد، اختلاف است (بحرانی، پیشین، ج۱۹، ص ۲۰۲-۲۰۵).

۵. نسبت دادن سود به رأس‌المال؛ در بیع مرابحه، نسبت دادن سود به رأس‌المال - که در روایت به بیع ده یازده یا ده دوازده تعبیر شده - مکروه است (الطوسی، المبسوط؛ پیشین، ج۲، ص ١٤١؛ کیدری، پیشین، ص ۲۳۰)؛ بدین صورت که

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

بگوید: این کالا را به تو در برابر صد تومان و سود هر ده تومان، یک تومان فروختم؛ لیکن اگر بگوید این کالا را به ۱۱۰ تومان یا به صد تومان با ده تومان سود فروختم، کراهت بر طرف می‌شود (نجفی، جواهرالکلام، پیشین، ج۲۳، ص۳۱۳).

۶. مطابق روایات بایستی کالایی خریداری و سپس به مشتری فروخته شود؛ یعنی در اقتصاد واقعی باید پدیده‌ای رخ دهد.

۷. مطابق روایات بایستی قرارداد مرابحه بعد از خرید بایع و تملک او انجام گیرد و قبل از آن هر نوع تعهدی بر خرید هم بوده باشد هنوز بیع مرابحه واقع نشده است.

۸. مطابق روایات بیع مرابحه می‌تواند به صورت مستقیم و اصالتی یا به صورت وکالتی باشد. به عنوان مثال در روایتی از امام صادق پرسیده شده است:

عن منصور بن حازم قال: قلت للصادق(ع): "الرجل یرید أن یتعین من الرجل عینه فیقول له الرجل أنا أبصر بحاجتی منک فأعطنی حتی أشتری فیأخذ الدراهم فیشتری حاجته، ثم یجئ بها إلی الرجل الذی له المال فیدفعه إلیه فقال: ألیس إن شاء اشتری و إن شاء ترک و إن شاء البایع باعه و إن شاء لم یبع؟ قلت: نعم، قال: لابأس" منصور بن حازم می‌گوید به امام صادق(ع) گفتم: گاهی فردی از فرد دیگر قصد معامله عینه دارد به این صورت که سراغ وی می‌آید و می‌گوید: من به نیاز خودم آگاه‌تر از تو هستم، پولی در اختیار من بگذار تا مایحتاج خود را خریداری کنم، پس دراهم را می‌گیرد و مایحتاج خود را خریداری می‌کند، سپس آن‌ها را پیش صاحب پول می‌آورد پس او کالا را به وی می‌فروشد؟ ایشان فرمود: آیا این دو اختیار دارند؛ اگر بخواهد خریداری کند و اگر بخواهد ترک کند و بایع هم اگر بخواهد بفروشد و اگر بخواهد ترک کند؟ گفتم: بله چنین اختیاری دارند، ایشان فرمود: اشکالی ندارد. هر گاه در نتیجه عمل بایع و یا دیگری در قیمت کالا افزایش حاصل گردد،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

لازم است بهای خرید و اجرت آن بیان گـردد (علامـه اسـدی حلـی، ۱٤۱۳ ه ق، ج۵، ص ١٦٤؛ شهید اول، ۱٤۱۰ ه ق، ص ١١٦).

۹. بیع مرابحه می‌تواند نقدی یا به صورت نسـیه باشـد و ایـن اسـتدلال بـه روایـات متعددی شده است.

عن محمد بن مسلم قال:"سألت الباقر(ع) عن رجل أتاه رجـل فقـال: ابتـع لـی متاعـاً لعلّـی أشتریه منک بنقد أو نسیئة، فابتاعه الرجل من أجله، قال: لیس به بأس إنما یشتریه منه بعد ما یملکه." (حرّعاملی، ۱٤۱۳، ج٦، باب ۸، احکام العقود، ح۸).

محمد بن مسلم می‌گوید از امام باقر(ع) سوال کردم: در مـورد مـردی کـه نـزد مـردی دیگر آمده می‌گوید کالایی برای من خریداری کن، شاید بـه صـورت نقـد یـا نسـیه از تـو خریداری کنم، پس وی کالا را به خاطر او خریداری می‌کند؟ ایشان فرمود: اشـکالی نـدارد، همانا از او خریداری می‌کند بعد از آنکه مالک شد.

و یا در روایت دیگری از امام صادق آمده است: ابن سنان عـن الصـادق(ع) قـال"عـن الرجل یأتینی یرید منی طعاماً أوبیعاً نسیاً و لیس عندی أیصلح أن أبیعه ایاه و أقطع له سـعره ثم أشتریه من مکان آخر فأدفعه إلیه؟ قال: لابأس به"(حرّعاملی، ۱٤۱۳، ج٦، باب ۸، احکام العقود، ح۲).

ابن‌سنان از امام صادق(ع) نقل می‌کند که از ایشان سوال شد: مردی سراغ من می‌آیـد و قصد معامله طعام یا قصد انجام بیع نسیه دارد و آن کالا را من ندارم، آیا جایز است که مـن آن کالا را برای او بفروشم، به این صورت که قیمت را با او تمام کنم، سپس از جایی دیگـر خریداری کنم بعد به او بپردازم؟ ایشان فرمود: اشکالی ندارد.

به نظر می‌رسد که این دو روایت نمی‌خواهد بیع نقد و نسـیه را دو قسـم بیـع مرابحـه قرار دهد بلکه می‌خواهد بیان کند که خرید وکالتی هم می‌تواند به صورت بیع مرابحـه نقـد باشد و هم به صورت بیع نسیه نه بیع مرابحه نسیه کما این که در روایت دوم تصریح کـرده

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

است به بیع نسیه. اما برخی از فقها در این مورد ادعای اجماع کرده‌اند که بیع مرابحه هم می‌تواند به صورت نقد باشد و هم به صورت مدت دار (بیع نیسه). (علامه حلی، إرشاد الأذهان، ج۱، ص ۳۷۳؛ حسینی عمیدی، ج۱، ص ٤۳۸؛ هاشمی، ۱٤۱۷ ه ق، ج۵، ص ۳۳۱). لذا می‌توان با استفاده از کلام فقها این امر را اثبات نمود و برای تمسک به روایات بهتر است از روایات دیگری استفاده شود.

ج) استدلال به اجماع؛ تمامی علمای شیعه بالاجماع قرارداد مرابحه را جائز دانسته‌اند (علامه حلی، ۱٤۱٤، ج۱۱، ص ۲۱٦ و ۲۱۷) و علمای اهل سنت نیز بر این نوع از بیع اتفاق نظر داشته و بالاجماع آن را جایز می‌داند (رک: علامه طبری، اختلاف العلماء، بیتا، ص ۱۱۵؛ علاء الدین کاسانی، ۱۹۸۲م، ج۵، ص ۲۲۰). البته برخی از علماء شیعه در بیع مرابحه به طریق ده – یازده یا ده- دوازده که همان نسبت دادن سود به راس المال است، اختلاف کرده و آن را مکروه دانسته‌اند (الطوسی،۱۳۸۷ق، ج۲، ص ۱٤۱؛ قطب‌الدین کیدری، ۱٤۱٦ق، ص ۲۳۰). به عنوان مثال در این نوع از بیع گفته شود که این کالا را به تو در برابر صد تومان و سود هر ده تومان، یک تومان فروختم؛ برخی علمای شیعه این نوع بیع را به اعجمی‌ها و فارسی زبانان نسبت داده‌اند و این عمل را مکروه دانسته‌اند (الطوسی،۱٤۰۷ق، ج۳، ص ۱۳٤). اما اکثر علمای اهل سنت (سرخسی، ۱۳۸۷ق، ج۱۳، ص ۹۱؛ ابن قدامه المقدسی، ۱٤۰۵ق، ج٤، ص ۱۳۰). از فرقه‌های مختلف حنفی، شافعی و حنبلی و اکثر علمای شیعه قول به کراهت را رد کرده (طبرسی، ۱٤۱۰ق، ج۱، ص ۵۰۷؛ علاء الدین کاسانی، ج۵، ص ۱۵۸) و آن را بیع جائزی دانسته‌اند و برای استدلال به روایات زیادی که در این باره وارده شده، تمسک کرده‌اند (عبدالرحمن بن حامد، ۱٤۳۲، ص ۱٦ و ۱۷).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

از مجموع آنچه که بیان شد می‌توان گفت که بیع مرابحه اتفاق شیعه و سنتی به استدلال کتاب و سنت و اجماع آنها، قرارداد جایزی بوده و اگر در نوع خاصی هم اختلاف نظر در بین برخی فقها وجود داشته باشد (مثل بیع مرابحه ده- یازده) اما اکثر فقها هم این بیع را مکروه ندانسته و به صحت آن حکم کرده‌اند.

با توجه به این تأیید شرعی، عقد مرابحه مورد توجه مسئولان نظام مالی قرار گرفت است. در نظام مالی کشورهای اسلامی سهم این عقد قابل توجه است. در جدول زیر ترکیب دارایی‌های بانک‌های اسلامی با توجه به انواع خدمات و روش‌های مختلف تأمین مالی، بر اساس آمارهای سرویس اطلاعات مالی اسلامی و بانک توسعه اسلامی نشان داده شده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود به طور متوسط بین روش‌های مختلف تأمین مالی، عقد مرابحه بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و از ۳۸ درصد در سال ۲۰۰۸ به ٤٥ درصد در سال ۲۰۱۱ رسیده است. این عقد طی دوره مورد نظر با رشدی معادل ٦٧ درصد به عنوان برجسته‌ترین روش تأمین مالی بین بانک‌های اسلامی شناخته شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

جدول (۱)

سهم وام‌های اعطایی به تفکیک عقود مختلف در بانک‌های اسلامی

سال / تسهیلات پرداختی	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	پایان سه ماهه دوم ۲۰۱۱
مرابحه	۳۸	٤۲/٦	٤٤/۹	٤٥
اجاره	۲۲	۱٤/۳	۱۲/۷	۱۱/۷
استصناع	۲/۷	٦/۱	٥/۸	۳/۳
مشارکت	۲/۰٥	۱/۸	۲/۹	۲/۸
مضاربه	۰/۲	۱/۲	۰/۲	۰/۱
مشارکت کاهنده	۲۸/۷	۲۹/٥	۲۸/۳	۳۱/۸
سایر	۳٥	٤/٥	٥/۲	٥/۳

مأخذ: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۰، ص۱۸ و ۱۹

در سال ۲۰۱۰ سهم عقد مرابحه از کل روش‌های تأمین مالی (تسهیلات اعطایی) در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) به بیش از ۷۵ درصد در منطقه جنوب شرق آسیا (SEA) حدود ۵ درصد و در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و سایر نقاط به حدود ۲۰ درصد رسیده است.

با گسترش این شیوه در کشورهای اسلامی، مصوبه جدید دولت به وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و معاونت برنامه‌ریزی، ابلاغ شد و سه عقد "استصناع"، "مرابحه" و "خرید دین" رسماً به آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا اضافه شدند. هیأت وزیران بنا به پیشنهاد بانک مرکزی و به استناد ماده (۹۸) قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران – مصوب۱۳۸۹، تصویب نمود تا بخش‌هایی ازجمله قوانین

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مربوط به مرابحه به «آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۸۶۲۰ مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۱۲ الحاق شوند (www.cbi.ir).

در کنار این تأیید شرعی و به کارگیری وسیع آن در نظام تأمین مالی، برخی از صاحب نظران اقتصاد اسلامی منتقد اصالت بخشی به این شیوه از تأمین مالی شدند. این افراد علاوه بر اظهار نگرانی در امر مذکور به کارگیری این نوع عقد در نظام مالی و بانکداری اسلامی را مخالف با اهداف و روح حاکم بر تعالیم اسلامی می‌دانند. چرا که معتقدند که این عمل مشارکت اولیه در ریسک یعنی من له الغنم فعلیه الغرم را نادیده می‌گیرد. علاوه براین در حال حاضر اکثر بانک‌ها و بیشتر بانک‌های خصوصی برخی از قوانین بانکداری اسلامی را به نحوی بکارمی‌گیرند که کاملاً به نفع خود باشد، بعنوان مثال از عقودی در ارائه تسهیلات استفاده می‌کنند که سود بیشتری را برای بانک به همراه داشته باشد و یا در ارائه برخی از تسهیلات که طبق قانون از نوع "مبادله‌ای" هستند با قید "مشارکت در فروش اقساطی" به سمتی می‌روند که همان سود مشارکتی را از تسهیلات رسماً مبادله‌ای دریافت کنند. البته این مسأله مورد اتفاق اکثر صاحب‌نظران اقتصاد است. که ریشه تخلفات بانک‌ها به موارد فوق ختم نمی‌شود بلکه در حال حاضر بانک‌ها به راحتی درحالی برای عقود مشارکتی سود ثابت در نظر می‌گیرند که طبق قانون بانکداری اسلامی نرخ سود انتظاری نباید در عقود مشارکتی به نرخ سود قطعی تبدیل شود. قبل از پرداختن به این موضوع نیازمندیم تا پیشینه موضوع روشن گردد و در ادامه مباحث به این اشکالات و دیگر اشکالات وارد بر این عقد و پاسخ‌های آن پرداخته می‌شود.

ادبیات و پیشینه تحقیق

در موضوع مورد تحقیق هیچ مقاله و یا نوشته منسجمی وجود ندارد که عقد مرابحه و یا عقود با بازدهی ثابت را مورد مطالعه قرار داده وآسیب‌ها و راهکارهای اساسی و اسلامی را

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

بیان دارد. برخی فقط در صدد اشکال بر این شیوه تأمین مالی برآمده و جواب‌هایی برای آن ذکر کرداند.

محمد عمرچپرا (۱۹۸۵) در قسمتی از کتاب خود با عنوان «بورس یک نظام پولی عادلانه»[1] به شیوه تأمین مالی بر اساس عقود با بازدهی ثابت اشاره کرده و ضمن اظهار نگرانی در مورد امر مذکور، معتقد است این ابزارها با روح کلی حاکم بر تعالیم اسلامی هم‌خوانی ندارد.

محمد نجات الله صدیقی (۱۹۸۳) هم در بخشی ازکتاب خود با عنوان «مباحثی در بانکداری اسلامی»[2] باز به همین مطلب اشاره کرده و منتقد اصالت بخشی به شیوه تأمین مالی از طریق عقود با بازدهی ثابت شده و معتقد است که این روش اصل اولیه مشارکت در ریسک که بر مبنای «من له الغنم فعلیه الغرم» را نادیده می‌گیرد. لذا با روح کلی حاکم بر تعالیم اسلامی هم‌خوانی ندارد.

حسین هروانی و همکاران (۱۳۸۹) در کتاب خود با عنوان «نقدی بر بانکداری اسلامی» هم به معایب عقد مرابحه اشاره کرده و بیان داشتند که در این عقود، بانکداری اسلامی بدون ربا همانند بانکداری سنتی صرفاً واسطه وجوه بوده و از یک طرف به متقاضی پول داده و از طرف دیگر بعد از گذشت مدت زمانی پول را با مبلغی اضافی دریافت می‌کند و بالواقع نقشی در اقتصاد حقیقی ندارد. همچنین آنها سود بانک را با قطع نظر از عملکرد آن از دیگر معایب این عقد دانسته‌اند.

آنچه در این مقاله اهمیت دارد این است که اولاً اشکالاتی که بر این عقد گرفته شده شناسایی شود و ثانیاً با استفاده از منابع دینی و همچنین مطالعات کتابخانه‌ای در صدد جوابگویی به این اشکالات باشد. این امر می‌تواند علاوه بر اطمینان دادن بیشتر به

[1] Towards a Just Monetary System
[2] Issues in Islamic Banking. The Islamic foundation

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

سرمایه‌گذاران با سلایق مختلف و همچنین ارائه وجه شرعی آن در به کارگیری این عقد و عدم مخالفت آن با دیگر شیوه‌های تأمین مالی، این روش را در کنار دیگر روش‌های تأمین مالی (عقود با بازدهی انتظاری) مورد تأیید قرار می‌دهد.

اصول عقد مرابحه

برای پاسخ به سوالات فوق و همچنین دیگر اشکالات وارده بر این عقد نیازمند به برخی قواعد فقهی هستیم که از باب مقدمه توضیح آنها خواهد آمد: ممنوعیت سود حاصل از قرارداد وام (ربا)؛ قابلیت‌های عقدهای اسلامی و تجربه بازارهای مالی باعث شد تا در مدت زمان کوتاهی انواعی از ابزارهای مالی اسلامی طراحی و برای اجرا پیشنهاد و بعضاً نیز اجرایی شود. در کنار گسترش روز افزون ابزارهای مالی اسلامی، بررسی‌های فقهی و تخصصی آن در بازارهای مالی کشور جهت پاسخ‌گویی به نیارهای روز افزون سرمایه‌گذاران بر اساس اصول شریعت امری ضروری و بسیار مهم است. بی‌تردید زمانی ابزارهای مالی در کشور مقبولیت عمومی پیدا می‌کنند که اولاً منطبق با اصول شریعت باشند و ثانیاً از اصول و معیارهای مالی و اقتصادی برخوردار باشند. به عبارت دیگر انتشار این ابزار براساس احکام مقدس شریعت اسلامی یکی از مهمترین اهداف بانکداری و مالیه اسلامی و از جمله برجسته‌ترین ابزار توسعه اقتصادی اسلامی در جامعه است (موسویان، نظرپور و کفشگر، ۱۳۸۸، ص۵۹– ۸۸). مشروط بر اینکه در سازوکارهای آن تمام اصول بنیادی که اقتصاد اسلامی را از دیگر اقتصادها متمایز می‌سازد، رعایت شود؛ یکی از این اصول مهم در نظام مالی اسلام «ممنوعیت سود حاصل از قرارداد وام (ربا)» است. شاید مهم‌ترین و شاخص‌ترین تفاوت اقتصاد اسلامی با سایر اقتصادها، ممنوعیت ربا از دیدگاه اسلام باشد. در حالی که ربا و بهره در تارو پود اقتصاد متعارف حضور دارد و به اشکال مختلف اوراق قرضه، سپرده‌ها، وام‌ها و اعتبارات بانکی، کارت‌های اعتباری و در همه ابعاد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

اقتصاد سرمایه‌داری جریان دارد، اسلام با شدت تمام از آن نهی کرده و از گناهان کبیره شمرده است و دریافت و پرداخت آن را ممنوع کرده است (سیدعباس موسویان، ابزارهای مالی اسلامی، ص ۱۳۲ و ۱۳۳). حرمت این عمل به وسیله قرآن و سنت و اجماع مسلمین ثابت است.

خداوند در قرآن می فرماید: «...إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبا فَمَنْ جاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهى فَلَهُ ما سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَ مَنْ عادَ فَأُولئِکَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فيها خالِدُونَ»

«دادو ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست) در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است.) و اگر کسی اندرز الهی به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق [قبل از نزول حکم تحریم] به دست آورده، مال اوست (و این حکم، گذشته را شامل نمی‌گردد) و کار او به خدا واگذار می‌شود (و گذشته او را خواهد بخشید.) امّا کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند)، اهل آتشند و همیشه در آن می‌مانند (بقره(۲)، آیه ۲۷۵).

همچنین ائمه معصومین(ع) در کلام خود ربا را از گناهان کبیره (فقه الرضا علیه السلام، ص ٢٥٦) دانسته (علامه مجلسی، ١٤٠٣ ه‍ ق، ج ١٠٠، ص ١٢١) و کسب از این طریق را بدترین نوع کسب دانسته است (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج۳، ص ۳۷۷؛ شعیری، جامع الاخبار لشعیری، ص ١٤٥). ربا در لغت به معنای زیاده و زیاده بر مال است در اصطلاح فقها ربا همان زیاده مشروط در قرارداد قرض و معامله کالاهای همجنس است (محقق کرکی، ج ٥، ص ٤١١؛ شهید ثانی، ١٤١٣ ه‍ ق، ج۳، ص ٣١٦؛ نجفی، جواهر الکلام، ج۲۵، ص۵– ۷). نزدیک‌ترین واژه مورد استعمال در اقتصاد کلمه بهره (Interest) است. ربا در اصطلاح فقها قرارداد خاص یا زیاده در قرارداد خاص است. در اسلام، با این که تجارت و کسب سودآوری واقعی مورد تشویق قرار گرفته است، اما با عملیات ربا به

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

شدت مخالفت شده است چون با روح سودآوری و همچنین گسترش معاملات و فعالیت‌های اقتصادی سالم در تضاد است. شیوع این‌گونه فعالیت‌ها باعث می‌شود که گیرندگان این وجوه نوعاً آنها را در فعالیت‌هایی به کاربرند که بازدهی بالا و غیرمتعارف (مثل تولید و فروش محصولات قاچاق و مضر اجتماعی) داشته باشد (المودودی، ۱٤۰۷ هق، ص ۱٤۹– ۱۵۲) و از این طریق بتواند هزینه‌های آن را پرداخت اصل و فرع وام با نرخ‌های بالا ی برونزا را پوشش دهند. همچنین رواج انجام معاملات بر اساس قرارداد ربا با روح صدقات و انفاقات و قرض‌الحسنه و کارهای خداپسندانه منافات خواهد داشت و در کنار گسترش این فعالیت‌ها، روحیه حرص و طمع و سودآوری بدون زحمت نیز افزایش یافته و انجام کارهای خداپسندانه در سطح جامعه به شدت کاهش خواهد یافت. همچنین این پدیده موجب می‌شود که سرمایه‌ها در مسیر غلطی قرار گیرد و به جای اینکه در راه تولید یا تجارت به کار گرفته شود، در راه کسب درآمدهای غیر مشروع به کار افتد و موجب افزایش فاصله طبقاتی گردد (جعفری، بیتا، ج۲، ص ۳۷).

همچنین یکی از تفاوت‌های اساسی بین بیع و قراردادهای ربوی، «غرر و جهالت» است. اصولاً طبع ربا غرری بودن آن است. به این معنا که مجهول و مخاطره‌آمیز است. خطری که از نامعلوم بودن چگونگی آن ناشی می‌شود و بیم از بین رفتن ما را با خود نیز دارد. در ادامه به این مطلب اشاره می‌گردد.

ممنوعیت غرر

یکی دیگر از ویژگی‌های فقه اسلام در باب معاملات، ممنوعیت معاملات غرری است. لفظ غرر، اسم مصدر غرر یغرر تغریرا، به معنای به خطر و هلاکت انداختن و در معرض هلاک افتادن آمده است (راغب اصفهانی، ۱٤۱۲ **ه ق**، ص ٦۰۳؛ زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۳، ص ٤٤۳؛ قریشی، قاموس قران، ج۵، ص ۹۲). در اصطلاح فقها برای غرر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

تعاریف مختلفی ذکر کردند. در یک تعریف جامع غرر را می‌توان این‌گونه بیان کرد «عقد یا معامله غرری، عقدی است که به جهتی از جهات، نتیجه و پایان آن برای طرفین معامله یا یکی از آن‌ها مجهول باشد و در نتیجه احتمال ضرر و زیان وجود داشته باشد؛ به عبارت دیگر، معامله غرری، قرارداد و عقدی است که وضعیت و شرایط انعقاد آن برای یک یا دو طرف قرارداد زیان مالی به دنبال داشته و سبب ایجاد اختلاف و کشمکش بین آن‌ها خواهد شود».

قاعده «نفی غرر» در ابواب گوناگون فقهی چون بیع، اجاره و ... مطرح است. بی‌تردید، مدرک اصلی قاعده نفی غرر، حدیث معروف «نهی النبی عن بیع الغرر» است که فقهای شیعه و فقیهان اهل سنّت نیز به اتّفاق به این روایت استناد می‌کنند (ابن ادریس حلی، ۱٤۱۰، ج۲، ص ۳۵۹؛ شیخ مرتضی انصاری، مکاسب، ص ۱۸۵؛ و رک: امام خمینی، البیع، ج ۳، ص ۲۰٤) و هیچ اشکالی در صحّت استناد به آن نیست و از از مسلّمات امّت اسلامی است (امام خمینی: کتاب البیع، ج ۳، ص ۲۰٤؛ حکیم طباطبایی، نهج الفقاهۀ، ص ۳۹۵).

آسیب شناسی عقد مرابحه

تعداد قابل توجهی از صاحب‌نظران اقتصاد و بانکداری اسلامی منتقد اصالت بخشی به شیوه تأمین مالی از مرابحه و یا از طریق عقود با سود ثابت هستند. این افراد علاوه بر اظهار نگرانی در مورد امر مذکور، معتقدند این ابزارها با روح کلی حاکم بر تعالیم اسلامی همخوانی ندارد؛ چرا که اصل اولیه مشارکت در ریسک یعنی «من له الغنم فعلیه الغرم» را نادیده می‌گیرد (حبیب احمد، ۱۳۹۰، ص ۱۸). برخی از افراد هم در نقد این مباحث به ویژگی‌های این عقود اشاره کرده‌اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

۱. وارد نشدن در بازار حقیقی: در این عقود، بانکداری اسلامی بدون ربا همانند بانکداری سنتی صرفاً واسطه در وجوه بوده و از یک طرف پول داده و از طرف

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

دیگر بعد از گذشت مدت زمانی دریافت می‌کند و بالواقع نقشی در اقتصاد حقیقی ندارد. به این بیان که در معاملات مرابحه و یا فروش اقساطی بانک معمولاً به خود متقاضی وکالت می‌دهد که سرمایه یا کالای مورد نیاز را نقداً به اسم بانک خریداری کند و متقاضی فقط باید فاکتور خرید را به بانک تحویل دهد و بانک با احتساب سود خود قیمت را تعیین کرده و به مشتری منتقل می‌کند. در نتیجه بانک تنها برای چند ساعت کوتاه آن هم روی کاغذ مالک آن سرمایه یا کالا می‌شود و بعد از سپری شدن آن چند ساعت رابطه مشتری و بانک رابطه بدهکار و طلبکار است. در مورد خرید دین آن چند ساعت هم در کار نیست؛ بانک مبلغی را می‌پردازد و بعد از سپری شدن سررسید مبلغ دیگری را دریافت می‌کند (حسین هرورانتی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ٤٠). لذا برخی بر همین اساس معتقدند که این شیوه تأمین مالی همانند وام ربوی است و اگر وجه تمایزی هم باشد در اموری صوری و تشریفاتی است و این‌گونه قراردادها هیچ نقشی واقعی در اقتصاد ندارد. کارشناسان هم معتقدند که به خاطر همین ویژگی‌ها است که این عقود از اهمیت بیشتری برخوردار هستند نه بخاطر توجیه اقتصادی بنگاه اقتصادی.

پاسخ به این اشکال مشخص و روشن است و صرفاً به خاطر شباهت نمی‌شود از این عقود صرف نظر نمود. این عقود به لحاظ شرعی مورد تأیید شارع مقدس است و می‌توان از این عقود استفاده نمود. همانطور که در مطالب قبلی گفته شد یکی از قواعد فقهی برای ابزارهای مالی اسلامی، ممنوعیت سود حاصل از قرارداد وام (ربا) است و خداوند این عمل را حرام نموده است و بیان نموده «...إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا...».
«داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست) در حالی که خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است) (بقره(۲)، آیه ۲۷۵).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

ظاهر آیه این است خدواند درصدد پاسخ به حال رباخواران بر آمده و اعتقاد آنها مبنی بر این که عمل ربا همانند خرید و فروش است و هیچ اشکالی در آن نیست، را رد کرده و این افکار را خطا دانسته و بین این دو عمل فرق گذاشته و ربا را حرام و بیع را حلال کرده است و اگر بیع حلال شده برای این بوده است که بر طبق سنت فطرت و خلقت است و اگر ربا حرام شده علتش این بوده که از روش صحیح زندگی خارج است و منافی با ایمان به خدا و ناسازگار با آن است و نیز یکی از مصادیق ظلم است (علامه طباطبایی، ۱٤۱۷ ه ق، ج۲، ص ٤۱٥ – ٤۱٦). لذا اینکه از دید ربا خواران این دو عمل از جهاتی ظاهری شبیه هم باشند نمی‌توان حکم یکی را به طرف مقابل تسری داد و بیع را که حلال الهی است ربا و حرام دانست و بالعکس. در مورد تمامی اقسام بیع این حکم جاری است و نمی‌توان دلایلی مانند وارد نشدن در بخش واقعی و صوری شدن قراردادها را بهانه‌ای برای ربا دانستن اصل قرارداد بیع مرابحه دانست؛ بلکه این اشکالات را باید از طرق مختلف نظیراجرای واقعی و نه صوری این عقد، برطرف نمود نه این که اصل این قراردادها را زیر سوال برد.

۲. تعیین سود با قطع نظر از عملکرد بنگاه: به مقتضای ماهیت این عقود و مطابق آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی آنها سود بانک با قطع نظر از وضعیت اقتصادی آینده و با صرفنظر از عملکرد بنگاه استفاده‌کننده از تسهیلات بانکی، تعیین و مشتری متعهد به پرداخت آن می‌شود و این همان ماهیت بانکداری ربوی است. چون در بانکداری ربوی، بانک با قطع نظر از نقش‌آفرینی سرمایه در کل اقتصاد و با قطع‌نظر از عملکرد بنگاهی که متقاضی سرمایه است، وام و اعتبار در اختیار او قرار داده و بهره مشخصی را مطالبه می‌کند. به عنوان مثال کشاورزی که در نظام ربوی جهت خرید وسایل مورد نیاز خود ده میلیون تومان اعتبار یک ساله

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

با نرخ بهره ۲۰ درصد می‌گیرد. آخر سال معادل دوازده میلیون تومان می‌پردازد. حال همان وسایل را از بانک خریداری کند در نتیجه همان‌طور که در نظام ربوی هدف رسیدن بانک رسیدن به ۲۰ درصد بهره است و کاری به فعالیت اقتصادی آن کشاورز و بازدهی سرمایه ندارد، در عقود با بازدهی ثابت نیز مطلب به همین منوال است (حسین هرورانتی و همکاران، پیشین، ص ٤٢). به عبارت روشن‌تر در این عقود همانند نظام بهره، صاحب سرمایه نیاز صاحبکار اقتصادی را تأمین کرده و قبل از شروع فعالیت سهم خود را مشخص می‌کند. در نتیجه تمام خطرات تولید و پی‌آمدهای احتمالی، یکجا متوجه کارفرما می‌شود و تأمین‌کننده سرمایه صرف‌نظر از شکست و یا موفقیت مشتری در امر تجارت، به سرمایه و سود تضمین شده خود دست می‌یابد. این همان ماهیت ظالمانه‌ای بود که به خاطر آن ضرورت تحول نظام بانکداری ربوی مطرح شد. در نتیجه بکارگیری عقد مرا بحه و در حالت کلی عقود با بازدهی ثابت در بازار سرمایه و در نظام بانکی تمام آثار سوء اجتماعی و اقتصادی ربا و نظام بهره را به دنبال خواهد داشت.

به نظر می‌رسد اکنون پس از اصلاح روش مورد استفاده در بانک توسعه اسلامی و اکثر بانک‌های اسلامی، مطابق با دستورالعمل‌های مجمع فقهی، وضع با آنچه در بالا گفته شده به طور کلی تفاوت دارد، زیرا جداسازی بین اقدام به خرید از سوی دستگاه تأمین سرمایه و اقدام به فروش از سوی آن تأکید قاطع دارد.

همچنین اقدام به مرابحه، در خیلی از موارد با تأمین مالی ربوی متفاوت خواهد بود. در روش تأمین مالی مرابحه مبلغ تعیین شده به عنوان بهای نسیه به صورت نهایی درآمده و با افزایش مدت به هر دلیلی (امهال از ناحیه تأمین‌کننده سرمایه باشد یا تأخیر بازپرداخت از سوی تأمین مالی شده) قابل افزایش نیست، بر خلاف تامین مالی به صورت وام که در آن با افزایش مدت، نرخهای بهره بر حسب نوع مورد توافق روی هم انباشته می‌گردد. به

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

عبارت دیگر اگر با پایان زمان مقرر موفق به پرداخت نشود، قرارداد ربوی بدون نیاز به قرار داد جدیدی، خود به خود به وام جدیدی تبدیل می‌شود که اصل و سود آن مشمول سود ربوی می‌شود و لذا اینکه تا چه زمانی پول مزبور در دست وی باقی می‌ماند و در این مدت چه مقدار بر عهده او افزوده خواهد شد، معلوم نیست؛ چرا که ممکن است بارها و بارها اصل پول قرض گرفته را پرداخت کند، اما هنوز هم چندین برابر آن مدیون باشد. این یعنی معامله‌ای مخاطره‌آمیز و با ریسک بالا که به نظر می‌رسد شاید ملاک حرمت ربا همین نکته باشد. حال اگر سود یاد شده به گونه‌ای قطعی شود، مثل اینکه مبلغ ۱۰۰۰ تومان را به ۱۲۰۰ تومان بعد از گذشت ٦ ماه بفروشند، دیگر غرر و جهالتی نیست و در سررسید اگر پرداخت نشود تبدیل به قرارداد جدیدی نمی‌شود و نظیر کسی می‌شود که قرض‌الحسنه گرفته و در سررسید بر نمی‌گرداند که بر قرض‌گیرنده از نظر شرعی واجب است هنگام حلول دین، دین را بپردازد ولو با فروش اثاثیه و دارایی‌هایی که دارد؛ چنانچه بر طلبکار واجب است در صورتی که مدیون اعسار دارد به او مهلت دهد بدون اینکه چیزی به آن بیفزاید. به صورت کلی می‌توان گفت که انبساط پولی ناشی از تأمین مالی به صورت مرابحه کمتر از انبساط پولی ناشی از تامین مالی به صورت وام است. لذا نباید به صرف اینکه نتیجه راهکاری مثل تنزیل همانند ربا می‌شود آن را تحریم کنیم و از روایات و فتوای مشهور فقها رفع ید نمائیم. چه بسا فقیهی حتی علاوه بر تغییر عناوین به تفاوت‌های دیگری در این زمینه پی ببرد و تفاوت این دو را به صورت عقلایی نیز تبیین کند.

چنانچه برخی محققان از «روح حاکم بر بانکداری اسلامی» سخن گفته‌اند و آن را مشارکت کار و سرمایه در تمام مراحل فعالیت‌های اقتصادی دانسته اند (موسویان، ۱۳۷۹، ص٥٦) و یا برخی تأکید می‌کنند که تنها راهکارهایی صحیح است که با بخش حقیقی و مالی اقتصاد (در مقابل بخش پولی) مرتبط شود و جز آن درست نیست (رک: میرمعزی،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۱۳۷۸، صص ۲۸۳-۳۱۱). مورد پذیرش نبوده و آنچه در بررسی فقهی فقیهان ملاک و معیار است متون و منابع معتبر است نه تمسک به استحسانات و گمانه زنی‌ها.

۳. عدم هماهنگی سودهای مرابحه با سود مورد انتظار در بازار سرمایه: یکی از نقاط تمایز مرابحه با قرض رایج متغیر بودن نرخ‌ها در قرض رایج است. بسیاری از محصولات بانکداری متعارف نرخ شناور است. نرخ این قرضها به طور خودکار همراه با نوسانات نرخهای بهره به بالا و پایین تغییر می‌کند. در مقابل محصولات تأمین مالی که بر اساس بیع مرابحه مبتنی است، نرخ ثابتی دارد و به همراه نوسانات نرخ‌های بهره یا هر نرخ دیگری تغییر پیدا نمی‌کند (عبیدالله، ۱۳۸۹، ص ۱۰٦). عدم شناور بودن سود عقود باعث می‌شود دربرخی موارد تفاوت معناداری با سود مورد انتظار در بازارهای دیگر داشته باشد و عدم انعطاف‌پذیری سود این عقدها باعث می‌شود اعمال سیاست‌های پولی در این ابزارها با مشکل مواجه شود. البته کسانی که اقدام به خرید و فروش بر اساس عقد مرابحه می‌کنند می‌توانند در تنظیم و دریافت سود ثابت، پیش‌بینی خود را از آینده انجام داده و براساس آن اقدام به گرفتن سود ثابتی کنند و از آنجایی که عقد مرابحه عموماً ابزارهای انتفاعی با سررسیدهای کوتاه مدت هستند این نگرانی که ممکن است کاهش یابد چرا که تورش میان پیش‌بینی سود مورد انتظار و مقدار تحقق یافته آن در بازارهای با ثبات تقریباً کم است. اگر چنانچه عقد مرابحه با سرسیدهای بلندمدت (مثلاً ۲ و یا ۳ ساله) صورت بگیرد با ابزارهای مدیریتی می‌توان این نگرانی را رفع نمود و البته کسانی که در بازارهای مالی فعالیت می کنند برای پیشگیری این نوع تفاوت‌ها، به متنوع سازی پرتفوی روی می‌آورند که خود در برآورد انتظارات از بازار کمک شایانی خواهد کرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

٤. عدم ریسک‌پذیری سپرده‌گذاران و بانک‌ها: یکی از دلایلی که باعث شده است تا سپرده‌گذاران به عقود با بازدهی ثابت از جمله عقد مرابحه روی آورند، عدم ریسک‌پذیری بانک‌ها و سپرده‌گذاران در فعالیت‌های اقتصادی بوده است. چراکه عموم بانک‌ها بر اساس قراردادهای مشارکتی مکلف هستند که ریسک‌های زیان ناشی از فعالیت‌های اقتصادی را بپذیرد و حال آنکه قراردادهای موجود در بانک‌ها به گونه‌ای است که بانک هیچ‌گونه ضرری را نمی‌پذیرد و پذیرش ریسک نوعاً به صورت یک طرفه متوجه متقاضی تسهیلات است. لذا می‌بینیم که اکثر سپرده‌گذاران به سمت فعالیت‌هایی کشیده می‌شوند که ریسک در آن وجود نداشته و یا به حداقل رسیده باشد.

٥. عدم انعطاف‌پذیری تأمین مالی از طریق مرابحه: در تأمین مالی به صورت مرابحه از نوعی عدم انعطاف رنج می‌برد؛ بدین صورت که برای بازپرداخت بدهی مرابحه سررسیدی تعیین شده است و تاجر بدهکار با توجه به برخی مسائل مانند راکد بودن بازار و افت قیمت‌ها و به انتظار بالا رفتن قیمت برای عرضه کالای خود به بازار، نمی‌تواند از بانک یا مشتری مهلت بیشتری طلب کند وهمچنین حق ندارد در بازپرداخت بدهی خود تأخیر کند. بر اساس قرارداد مرابحه، از طرفی تمدید مهلت بدهی برای بانک یا مشتری سودی نخواهد داشت و از طرفی اگر صاحب بنگاه بخواهد در مهلت معین شده با توجه به شرایط حاکم بر او، اقدام به فروش کالا برای ایفای تعهدات خود کند، چه بسا زیان کرده و در بازپرداخت دیون خود ناتوان گردد و حتی این مشکل می‌تواند در حد گسترده، صاحب بنگاه را به مرز ورشکستگی برساند. البته عدم انعطاف‌پذیری در عقد یا اوراق مرابحه در حالت کلی نه تنها یک عیب محسوب نمی‌شود، بلکه به عنوان یک حسن و مزیت است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

چرا که عقود با بازدهی ثابت در کنار دیگر عقود مانند مشارکتی به عنوان مکمل ابزار مالی برای سلایق و سرمایه‌گذاران مختلف محسوب می‌شود. همچنین کسانی که ریسک‌گریز هستند و عملاً به دنبال بازدهی ثابت هستند این عقد می‌تواند بسیار مفید باشد. جامعه‌ای که اکثر مردم آن ریسک‌گریز هستند و یا جامعه‌ای که تغییرات قیمتی در آن زیاد است این ابزار می‌تواند بسیار مفید باشد و نیاز سرمایه‌گذاران را پاسخگو باشد. ثانیاً اگر از زاویه دیگری به این مطلب نگاه کنیم عدم انعطاف‌پذیری نه نتها باعث ورشکستگی نمی‌گردد بلکه با مدیریت صحیح در بازپرداخت‌های خود علاوه بر پرداخت به موقع خود، به چرخه اقتصاد در سطح گسترده نظام مالی کمک خواهد کرد. در بسیاری از آمارهای اعلام شده از سوی بانک‌ها عدم بازپرداخت‌ها در موعد مقرر و بدهی‌های کلان مشتریان به بانکها خیلی از بانکها را به مرز ورشکستگی کشانده است واین در حالی است که الزام به پرداخت به موقع بدهی‌ها و عدم انعطاف‌پذیری در مواردی باعث می‌شود تا بانک‌ها از ورشکستگی نجات یابد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله ضمن بیان تعاریف مختلف از مرابحه و مشروعیت آن و با استفاده از کتاب و سنت و اجماع از دیدگاه علمای شیعه و سنی، به اهمیت آن در نظام بانکی و تأمین مالی کشورهای اسلامی و میزان توجه بانک‌ها و نهادهای مالی در به کاربردن این عقد پرداخته‌ایم. نکته قابل توجه این بود که کاربرد این عقد در سال‌های اخیر رشد ٦٥ درصدی را تجربه کرده و به عنوان برجسته‌ترین روش تأمین مالی بین بانک‌های اسلامی شناخته شده است. در کنار این شیوع گسترده، این امر نگرانی را برای برخی متفکرین ایجاد شده که مبادا شیوه‌های تأمین مالی در بانک‌ها به سمت عقود با بازدهی ثابت برود و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

از دیگر شیوه‌ها کمتر استفاده شود. این نگرانی آنها را به این عقیده کشاند که شیوع عقود با بازدهی ثابت و به طور خاص عقد مرابحه به شکل گسترده در نظام بانکی با روح کلی حاکم بر تعالیم اسلامی هم‌خوانی ندارد. باتوجه به مباحث ومتون دینی و مطالب کتابخانه‌ای اثبات شد که این امر نه تنها از مشروعیت فقهی برخوردار است بلکه می‌تواند در کنار دیگر عقود با بازدهی‌های متفاوت اعم از ثابت و انتظاری مورد استفاده سرمایه‌گذاران با سلایق مختلف قرار گیرد و به عنوان مکمل ابزارهای تأمین مالی باشد.

نتایج زیر از مقاله قابل استخراج است:

۱. با استناد به کتاب و سنت و اجماع، عالمان شیعه و سنی بر این اعتقادند که عقد مرابحه مشروعیت داشته و قابلیت بکارگیری در بازارهای تأمین مالی اسلامی را بخوبی دارد.
۲. عقد مرابحه در میان فقها معامله‌ای است که فروشنده، قیمت تمام شده کالا اعم از قیمت خرید و هزینه‌های حمل‌و نقل و نگه‌داری و سایر هزینه‌های مربوطه را به اطلاع مشتری می‌رساند و سپس تقاضای مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود می‌کند.
۳. ممنوعیت استفاده از ربا و ممنوعیت غرر از اصول‌های اصلی مبانی فقهی دربه کارگیری عقد مرابحه است.
٤. برخی محققان که عقد مرابحه را مخالف با «روح حاکم بر بانکداری اسلامی» دانسته‌اند و دلایلی را که برایش ذکر کرده‌اند، مورد پذیرش نبوده و آنچه در بررسی فقهی فقیهان ملاک و معیار است متون و منابع معتبر است نه تمسک به استحسانات و گمانه زنی‌ها.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۵. وارد نشدن در بخش واقعی و صوری شدن قراردادها را نمی‌توان بهانه‌ای برای ربا دانستن اصل قرارداد بیع مرابحه دانست بلکه این اشکالات را باید از طرق مختلف نظیر اجرای واقعی و نه صوری این عقد، برطرف نمود نه این که اصل این قراردادها را زیر سوال برد. اگرچه عقد مرابحه هم با اقتصاد واقعی درگیر شده و به خرید و فروش آنچه در اقتصاد تولید می‌شود در قالب ارایه خدمات مرتبط با بخش حقیقی اقتصاد، می‌پردازد.

٦. در معاملات ربوی ممکن است بارها و بارها اصل پول قرض گرفته را پرداخت کند، اما هنوز هم چندین برابر آن مدیون باشد. اما در عقد مرابحه سود قطعی است، لذا دیگر غرر و جهالتی نیست. به عبارتی در قرارداد مرابحه اگر بدهی در سررسید پرداخت نشود تبدیل به قرارداد جدیدی نمی‌شود و نظیر کسی می‌شود که قرض‌الحسنه گرفته و در سررسید بر نمی‌گرداند که بر قرض گیرنده از نظر شرعی واجب است هنگام حلول دین، دین را بپردازد.

۷. عدم انعطاف‌پذیری در عقد یا اوراق مرابحه در حالت کلی نه تنها یک عیب محسوب نمی‌شود، بلکه به عنوان یک حسن و مزیت است. چرا که عقود با بازدهی ثابت در کنار دیگر عقود مانند مشارکتی به عنوان مکمل ابزار مالی برای سلایق و سرمایه‌گذاران مختلف محسوب می‌شود.

کتابنامه

۱. ابن فارس، ابو الحسین احمد بن فارس بن زکریا ؛ (١٤٠٤ق)، «معجم مقائیس اللغة»، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.

۲. ابن منظور، ابوالفضل و جمال الدین محمد بن مکرم؛ (١٤١٤ق)، «لسان العرب»، بیروت – لبنان، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع – دار صادر، چاپ سوم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

٣. احمد، حبیب؛ (١٣٩٠)، «ساختار عملیاتی تأمین مالی اسلامی از طریق انتشار سهام»، ترجمه صادقی، بهاروند و حاجی‌آبادی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، چاپ اول.

٤. باباقادری، آزاده و اعظم فیروزی؛ (١٣٨٦)، «صکوک رایج‌ترین ابزار تأمین مالی اسلامی»، کنفرانس بین المللی تأمین مالی اسلامی، تهران، دانشگاه صنعتی شریف.

٥. بحرانی، یوسف؛ (١٣٧٧ق)، «حدائق الناضرة فی احکام العتره الطاهرة»، نجف، دارالکتب الاسلامیه.

٦. البعلی، عبدالحمید محمود؛ «فقه المرابحه فی التطبیق الاقتصادی المعاصر»، قاهره، مکتبه السلام العالمیه، بیتا.

٧. پژوهشکده پولی و بانکی، مرابحه؛ (١٣٩٠)، خرید دین و استصناع، (به مناسبت همایش بررسی ابعاد فقهی حقوقی و اجرایی کاربردی شدن عقود)، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.

٨. جعفری، یعقوب؛ «تفسیر کوثر»، بیتا، بیجا، ج٢.

٩. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی؛ (١٤١٧ق)، «معجم فقه الجواهر»، بیروت – لبنان، الغدیر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول.

١٠. حسینی عمیدی، سید عمید الدین بن محمد اعرج؛ (١٤١٦ق)، «کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد»، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

١١. حلی، فخر المحققین محمد بن حسن بن یوسف؛ (١٣٨٧ق)، «إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد»، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول.

١٢. حلّی، مقداد بن عبد اللّه سیوری؛ «کنز العرفان فی فقه القرآن» (١٤٢٥ق)، قم، انتشارات مرتضوی، چاپ اول، ج٢، ص ٣٧.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۱۳. حمیری، نشوان بن سعید؛ (۱٤۲۰ق)، «شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم»، بیروت – لبنان، دارالفکر المعاصر، چاپ اول.
۱٤. دهخدا، علی‌اکبر؛ (۱۳۷۷)، «لغت‌نامه دهخدا»، تهران، چاپ و نشر دانشگاه تهران، چاپ دوم از دور جدید.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ (۱٤۱۲ق)، «مفردات ألفاظ القرآن»، لبنان – سوریه، دار العلم – الدار الشامیة، چاپ اول.
۱٦. رضوی، مهدی؛ (۱۳۸٤) «سیر تکاملی بانکداری در ایران»، تهران، نشر کامیاب، چاپ اول.
۱۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی؛ (۱٤۱۳ق)، «مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام»، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیة، چاپ اول.
۱۸. صالح‌آبادی، علی؛ (۱۳۸۵)، «بازارهای مالی اسلامی» (مجموعه مقالات) تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، چاپ اول.
۱۹. طبرسی، امین؛ (۱٤۱۰ق)، «الإسلام فضل بن حسن، المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف»، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة، چاپ اول.
۲۰. الطوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ (۱۳۸۷ق)، «المبسوط فی فقه الإمامیة»؛ تهران، المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، چاپ سوم.
۲۱. الطوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ (۱٤۰۷ق)، «الخلاف»، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۲۲. عبدالرحمن بن حامد بن علی الحامد؛ (۱٤۳۲ق)، «تجربه البنوک التجاریه السعودیه فی بیع المرابحه للامر بالشراء»، ریاض، داربلنسیه للنشر و التوزیع.
۲۳. عبیدالله، محمد؛ (۱۳۸۹)، «خدمات مالی اسلامی»، محمد واعظ‌برزانی و حامد طاهری، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۲٤. علامه ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد؛ (۱٤۱۰ق)، «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی»، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

۲۵. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی؛ (۱٤۱٤ق)، «تذکرة الفقهاء» (ط – الحدیثة)، قم، مؤسسه آل البیت علیه‌السلام، چاپ اول.

۲٦. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی؛ (۱٤۱۰ق)، «إرشاد الأذهان إلی أحکام الإیمان»، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۷. علامه طباطبایی، محمدحسین؛ (۱٤۱۷ق)، «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

۲۸. علامه مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی؛ (۱٤۰۳ق)، «بحار الأنوار»، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، چاپ دوم.

۲۹. قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره): www.cbi.ir.

۳۰. القطّان حلّی، شمس‌الدین محمد بن شجاع؛ (۱٤۲٤ق)، «معالم الدین فی فقه آل یاسین»، قم، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، چاپ اول.

۳۱. کاسانی، علاء الدین؛ (۱۹۸۲م)، «بدایع الصنایع»، بیروت، دارالکتاب العربی، طبعه الثانیه.

۳۲. کیدری، قطب‌الدین محمد بن حسین؛ (۱٤۱٦ق)، «إصباح الشیعة بمصباح الشریعة»، قم، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، چاپ اول.

۳۳. محقق ثانی، علی بن حسین عاملی کرکی؛ (۱٤۱٤ق)، «جامع المقاصد فی شرح القواعد»، قم، مؤسسه آل البیت علیه‌السلام، چاپ دوم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۳٤. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن؛ (۱٤۰۸ق)، «شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام»، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.

۳۵. محمد بن حسن حرّعاملی؛ (۱٤۱۳ق)، «وسائل الشیعه»، بیروت، مؤسسهٔ آل‌البیت لإحیاء التراث العربی، چاپ اول.

۳٦. محمد بن مکی عاملی؛ (۱٤۱۰ق)، «اللمعهٔ الدمشقیهٔ فی فقه الإمامیهٔ»، بیروت – لبنان، دارالتراث – الدار الإسلامیهٔ، چاپ اول.

۳۷. معین، محمد؛ (۱۳۷٦)، «فرهنگ فارسی»، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ یازدهم.

۳۸. المقدسی، ابو محمد عبدالله بن احمد بن قدامه؛ (۱٤۰۵ق)، «المغنی»، بیروت، دارالفکر، طبعه الاولی.

۳۹. المودودی، ابوالاعلی الربا؛ (۱٤۰۷ق)، «دارالسعودیه للنشر و التوزیع».

٤۰. موسویان، سیدعباس و محمدنقی نظرپور و حسین کفشگر؛ (۱۳۸۸)، «نقش شورای تخصصی فقهی در ارتقای سطح مشروعیت و کارایی بانک‌های اسلامی (مطالعه تجربی چند کشور اسلامی)»، فصلنامه علمی – پژوهشی اقتصاد اسلامی، زمستان سال نهم، شماره ۳٦.

٤۱. موسویان، سیدعباس؛ (۱۳۸٦)، «ابزارهای مالی اسلامی»، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

٤۲. موسویان، سیدعباس؛ (۱۳۷۹)، «بررسی فقهی اقتصادی ابزارهای جایگزین اوراق قرضه»، فقه، شماره ۲۳.

٤۳. موسویان، سیدعباس؛ (۱۳۹۰)، «امکان‌سنجی کاربرد مرابحه در بانکداری بدون ربا»، فصلنامه روند پژوهش‌های اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۵۹.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

٤٤. میرمعزی، سیدحسین؛ (۱۳۷۸)، «جعاله و صلح بدیل‌های مناسب برای عقود بانکی با بهره‌گیری از دیدگاه‌های فقهی امام خمینی و قانون اساسی»، فقه اهل بیت، شماره ۱۹و۲۰.

٤٥. نجفی، محمدحسن؛ (١٤٠٤ق)، «جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام»، دار إحیاء التراث العربی، بیروت – لبنان، هفتم، چاپ هفتم.

٤٦. ندری، کامران و احمد کارگرمطلق؛ (۱۳۸۹)، «امکان سنجی استفاده از صکوک در تأمین مالی صادرات»، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصلاد اسلامی، شماره۳۷.

٤٧. هرورانتی، حسین و همکاران؛ (۱۳۸۹)، «نقدی بر بانکداری اسلامی»، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، چاپ اول.

48. Siddiqi Muhammad Nejatullah.(1403/1983). Issues in Islamic Banking. TheIslamic foundation, Leicester, London, Islamic Econmic,Vol. 1, No. 1.
49. . M.UmerChapra(1985)Towards a Just Monetary System: Islamic Foundation (UK) the University of Virginia, Nov 14, (2008).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهارم و پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص۳۹-۷۸

نقش وقف پول در تأمین مالی خُرد اسلامی

سیدمحمد سیدحسینی[۱]
تقی ابراهیمی‌سالاری[۲]
سیّدمهدی نریمانی‌زمان‌آبادی[۳]

چکیده

نظام اعتبارات خُرد یکی از راهکارهای مطرح شده در دو دهه اخیر به منظور تسریع فرآیند سرمایه‌گذاری و تقویت بنیان مالی و پس‌انداز و نهایتاً توانمندسازی جوامع روستایی و فقرزدایی بوده است. دریافت وام‌های خُرد از بانک‌های تجاری متضمن وثایق و تضمین‌های بسیاری است که افراد فقیر و کم درآمد از تأمین آن عاجزند. بنابراین ممکن است این افراد به ایجاد روابط مالی غیر رسمی و اخذ مبالغ ربوی از نزول‌خواران در شهرها و روستاها روی آورند. از این رو ایجاد مؤسسات و شیوه‌های نوین اسلامی در تأمین مالی خُرد می‌تواند نیاز مالی نیازمندان را برطرف سازد تا هم فرصت‌های لازم برای اشتغال، راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک را به دنبال داشته باشد و هم فقر را در جامعه ریشه‌کن نماید. از طرف دیگر جنبه اسلامی این نوع اعتبارات (که در آن تأکید بر ساختار غیر ربوی می‌باشد) در حال گسترش است. هدف از این مقاله بررسی وقف پول به عنوان یک منبع تأمین مالی خُرد اسلامی می‌باشد. برای رسیدن به این هدف مبتنی بر روش تحلیلی- توصیفی، ضمن تبیین تجربیات برخی از کشورها، بویژه مؤسسات موفق و پیشرو در زمینه تأمین مالی خُرد، به شبیه‌سازی رفتار بالقوه وقف پول در تأمین مالی خُرد و پیامدهای مورد انتظار آن پرداخته می‌شود. براساس نتایج تحقیق به نظر می‌رسد وقف پول این ظرفیت را داشته باشد تا در چارچوب تأمین مالی خرد اسلامی مورد استفاده قرار گیرد تا هم تأمین مالی در سطح خُرد با نظام مالی اسلامی بدون ربا تقویت شود و در عین حال سطح کلان اقتصادی را نیز متحول سازد و گامی در جهت رفع مشکلات اقتصادی- اجتماعی جامعه باشد.

واژگان کلیدی

تأمین مالی اسلامی، وقف پول، اعتبارات خُرد، ایران

طبقه‌بندی JEL : E22, E51, G21, I31

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) Sm.Sh65@gmail.com
۲. عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشکده علوم اداری واقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد Ebrahimi@um.ac.ir
۳. طلبهٔ سطح٤ حوزهٔ علمیهٔ خراسان، دانشجوی مقطع دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد Narimani@stu-mail.um.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مقدمه

اعتبارات خُرد[1] به عنوان یک شیوه در تأمین مالی، یکی از مباحث عمده‌ای در اقتصاد نئولیبرال است. شکست اقتصادی و ناکامی‌ها در کاهش فقر اقتصادی در کشورهای در حال توسعه در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ آژانس‌ها و سازمان‌های بزرگ اعطاءکننده وام مثل USAID-UK، بانک جهانی، و صندوق بین‌المللی پول، به طور فزآینده‌ای استفاده از بنگاه‌های خُرد در توسعه را به عنوان برنامه محوری سیاست نئولیبرال جهت کاهش فقر اتخاذ نمودند. اینها همگی از سیاست‌های نئولیبرال اقتصادی بود که بوسیله فریدمن، بوئر، بانک جهانی و دولت‌هایی مثل ایالات متحده و انگلستان جهت تعدیل اقتصادی و اتخاذ سیاست‌های نوین درنظر گرفته می‌شد (روث[2]،۱۹۹۷،ص۲۵). در دو دهه اخیر در بسیاری از کشورها تأمین مالی خُرد راهکاری مناسب جهت رفع پاره‌ای از مشکلات اقتصادی- اجتماعی اقشار فقیر و تهیدست مطرح شده است و برخی از کشورها در این زمینه به موفقیت‌های چشمگیری نیز دست یافته‌اند. اهمیت این دستاورد به گونه‌ای بوده که بانک جهانی سال ۲۰۰۵ را سال «اعتبارات خُرد» نام‌گذاری و کشورهای در حال توسعه را در به کارگیری این شیوه اعتباری تشویق کرده است. مجمع عمومی سازمان ملل در پنجاه و سومین اجلاس خود در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۸ برای نشان دادن اهمیت هرچه بیشتر اعتبارات خُرد، سال ۲۰۰۵ را به عنوان سال اعتبارات خُرد نامگذاری می‌کند تا برنامه‌های اعتبارات خُرد در سطح جهان مورد توجه و تأکید بیشتری قرارگیرد[3]. این نام‌گذاری تحت تأثیر موفقیت‌های چشمگیر بسیاری از کشورهای در حال توسعه در استفاده مطلوب از سازوکار اعتبارات خُرد برای مبارزه با فقر بود (بختیاری،۱۳۸۹،ص۳). اگر چه در کشورهای در حال توسعه مؤسسات تامین مالی دولتی سهم بالایی در بازار مالی دارند ولی این نهادها عمدتاً از عملکرد بسیار پایین

[1] Microcredit
[2] Roht
[3] International Year of Microcredit, 2005, UN Department of Information DP/2357c,October 2004

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

برخوردارند و تخصیص یارانه‌های فراوان از سوی دولت به این مؤسسات آنها را به شدت وابسته به کمک‌های دولت ساخته است. مطرح شدن و اهمیت یافتن اعتبارات خُرد، معلول کمبود و نقایص نهادهای مالی سنّتی به خصوص نهادهای مالی رسمی کشورهای در حال توسعه می‌باشد. ساختار خاص و ضوابط و مقررات حاکم بر نهادهای مالی رسمی و شرایط و ویژه گروه‌های فقیر، عموماً موجب عدم دسترسی آنان به خدمات بازار مالی رسمی می‌گردد. از این رو نیازمندانی که تقاضای وام و اعتبار آنان از طریق بازارهای رسمی تأمین نگردیده است چاره‌ای جز مراجعه به بازارهای غیر رسمی ندارند (بختیاری ،۱۳۸۹،ص۵).

علاوه بر تجارب مختلف در تأمین مالی خُرد در کشورهای مختلف، تجربه تأمین مالی خُرد اسلامی نیز در چند دهه اخیر رو به رشد بوده است و بر اساس آمارهای موجود، در حال حاضر این نوع خاص از تأمین مالی در اَشکال گوناگون و متفاوت در اغلب کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته جریان دارد. از طرفی، تأمین مالی با بهره ثابت در نظام مالی اسلام با محدودیت‌هایی مواجه‌است. در قراردادهای سرمایه‌گذاری مبتنی بر عقود اسلامی، این نکته مکرراً تأکید می‌شود که پول بدون تحمل ریسک نمی‌تواند در سود سهیم باشد. نظام مالی اسلامی باید به گونه‌ای طراحی شود که اولاً دستورات اسلامی را در زمینه امور مالی نقض نکند و ثانیاً، رشد اقتصادی را به دنبال داشته باشد (ویسر[1]،۱۳۹۰،ص۲۸).

با این وجود طبق موازین شرع مقدس اسلام و با توجه به وضعیت ایران، تقلید صرف از الگوی نظام مالی غربی به دلیل مشکلات فقهی و عدم وجود بسترهای اقتصادی مناسب امکان‌پذیر نمی‌باشد ضمن اینکه بکارگیری نظام مالی اقتصاد سرمایه داری در کشورهای اسلامی از جنبه‌های مختلف بویژه رعایت اصول شرعی، با تردیدهای جدی همراه است. در نتیجه با توجه به کمبود توان مالی بخش رسمی، در پاسخگویی به تقاضای اعتبارات و تأمین مالی محرومان ایجاد نهادهای مکمل با تکیه بر توان بخش خصوصی و قدرت

[1] Visser

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

خودگردانی اهمیت بیشتری می‌یابد. از این رو، در این تحقیق با تبیین مفهوم و ویژگی‌های اعتبارات خُرد و همچنین بررسی مؤسسات تأمین مالی خُرد در برخی از کشورها و اقدامات انجام شده در ایران ضرورت پیگیری جدّی ارائه اعتبارات خُرد در قالب وقف پول به عنوان یک ابزار مالی نوین اسلامی و ضرورت تشکیل چنین مؤسساتی در کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد.

وقف پول (و به طور کلی وقف) و تأمین مالی خُرد هر دو تمرکز فعالیت خود را بهبود شراید اقتصادی – اجتماعی افراد کم‌درآمد و فقیر قرار می‌دهند زیرا هدف از تأمین مالی خُرد توجّه و ایجاد دسترسی افراد فقیر و کم‌درآمد به منابع مالی و اعتبارات می‌باشد (بختیاری، ۱۳۸۹، ص۱؛ شهیدی‌نسب و میسمی، ۱۳۸۹، ص۹۷–۹۸؛ ارشدی، حسن‌زاده،۱۳۸۲، ص۱٤۰؛ ازوجی و همکاران، ۱۳۸۵، ص٤٦؛ مهاجرانی،۱۳۸۲، ص۲۱–۲۲؛ رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۵، ص۵۰) و از طرفی ماهیت وقف (و درنتیجه وقف پول) نیز بر توجه به اقشار فقیر و ناتوان جامعه و برقراری توزیع ثروت و درآمد در یک جامعه تأکید دارد (سیّاح و همکاران، ۱۳۸۸، ص۵۹؛ عباسی، ۱۳۸۵، ص۲۵–۲٦؛ سلیمی‌فر، ۱۳۸۷، ص۹٦–۱۱۲–۱۱٦؛ سمیعی‌نصب، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵– ۱۷٦–۱۸۲–۱۹۱). در فرهنگ دینی اسلامی، پدیده‌ی وقف درست در مقابل فقر قراردارد بعبارت دیگر فلسفه وجودی فرهنگ وقف، فقرزدائی جامعه است. و با گسترش فرهنگ وقف به یقین می‌توان گفت که میزان فقر و محرومیت در جامعه کاهش می‌یابد؛ زیرا وقف یکی از راه‌های کنترل تراکم ثروت و همچنین توزیع درآمد محسوب می‌شود. و با کنترل تراکم ثروت، سرمایه‌های جامعه در اختیار همگان قرار می‌گیرد و با بهره‌مند شدن همگان از امکانات رفاهی و اقتصادی زمینه‌ای تکامل در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیز فراهم می‌شود. از این رو می‌بینیم که چگونه وقف نقش سازنده و مهم را در فقر زدائی جامعه، در ابعاد گوناگون مادی و معنوی ایفاء می‌کنند. از این رو در این تحقیق سعی می‌شود به بررسی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

وقف پول به عنوان یک ابزار نوین اسلامی در نقش اعتبارات خُرد برای افـراد کـم‌درآمـد و فقیر پرداخته شود تا از دو مفهوم مرکزی(مفهوم اعتبارات خُرد و مفهـوم وقـف) توجـه بـه وقف پول در جهت پیامدهای بالقوه آن مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

اقتصاد اسلامی دربردانده نظریه‌هایی درباره بازار، دولت و بخـش سـوم اسـت. اقتصـاد بخش سوم که با وقف، بخشش، صدقات، سروکار دارد، تکمیل کننده رفتار اقتصادی دولت و بخش خصوصی در نظام اقتصاد اسلامی می‌باشد. با بهره‌گیری از پتانسیل ایـن بخـش در رفع محرومیت و فقر، ایجاد اشتغال، تولید کالاهـای عمـومی و ماننـد آن مـی‌تـوان توسـعه اسلامی مورد نظر را سریع‌تر تحقق بخشید. متون دینی تمام ادیان به ویژه اسلام بـر فعالیـت خیریه تأکید فراوانی دارند. مردم متدین در طول تاریخ در همین راستا فعالیت‌های بسـیاری انجام داده‌اند و امروز در هر کوی و برزن نشانی از کتابخانه، مسجد، بیمارستان، مدرسه کـه به وسیله افراد خیر احداث شده به چشم می‌خورد (رضائی، ۱۳۸٦: ص۱۳۹). وقف مال بـه قصد انجام دادن کار نیک، همیشه به شکل‌های گوناگون از جمله وقف خانه و زمین وجود داشته است. دامنه‌ی موقوفه‌ها گسترده‌تر از املاک و اموال ثابت است و دارایی‌هـای منقـول را نیز فرا می‌گیرد.

بحث وقف پول در فقه اسلامی با عنوان «وقف الدراهم و الـدنانیر» مـورد توجـه بـوده است. پول، به دلیل رواج بسیار و آسان بودن دسترسی به آن، در میان اموال منقـول جایگـاه ویژه‌ای دارد. وقف پول در صورتی که اجرایی شود و در امور خیریه صرف شـود، موجـب ترویج سنّت حسنه‌ی وقف می‌شود و ترویج وقف، مشـکلات مـالی نیازمنـدان را برطـرف می‌سازد. در ایران این سنّت نیکو مبتنـی بـر ارزش‌هـای اسـلامی اسـت. بنـابراین بایـد در چارچوب اصول مشخصی که برای آن تعریف شده است، انجام شود. اما به علـت تعـاریف محدود از آن امکان گسترش دایره‌ی آن و تجهیز بسیاری از دارایی‌هـای مـالی در قالـب آن ناممکن شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

در این تحقیق بخش بندی به این صورت است که ابتدا به تبیین پژوهش‌های انجام شده در زمینه موضوع تحقیق پرداخته می‌شود. در بخش بعد به ارائه مفهوم اعتبارات خُرد، وقف، وقف پول و چالش پیش روی این روش از تأمین مالی مورد بحث قرار گرفته و تلاش می‌شود تا راهکارهایی برای رفع این چالش ارائه شود و درنهایت به تبیین پیامدهای بالقّوه وقف پول بویژه در مورد کاهش فقر در جامعه مورد، پرداخته می‌شود.

پیشینه تحقیق

در خارج از کشور پژوهش‌های گوناگون و در خورتوجهی در زمینه تأمین مالی خُرد و همچنین تأمین مالی خُرد اسلامی صورت گرفته که در ادامه به تبیین برخی از آنها پرداخته می‌شود:

حسن و اشرف[1] (۲۰۱۰) در تحقیق خود، الگویی ارائه می‌دهند که در آن از زکات و اوقاف به عنوان منبعی برای مؤسسه تأمین مالی خُرد استفاده شده است. در این تحقیق، پس از بیان ویژگی‌های زکات و اوقاف نشان داده می‌شود که استفاده از الگوی پیشنهادی چالش‌هایی که مؤسسات تأمین مالی خُرد بهره محور با آن مواجه هستند (از جمله مسئله پایداری) را کاهش می‌دهد.

لاهساسنا[2](۲۰۱۰) در تحقیق خود با عنوان "نقش وقف پول در تأمین مالی تشکیلات اقتصادی کوچک و متوسط" ابتدا به تعاریف متعدد از صنایع کوچک ومتوسط می‌پردازد و سپس به آزمایش مدل در جهت تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط در چارچوب شرکت‌های موجود در مالزی می‌پردازد و اشاره می‌کند که هدف از وقف پول کنالیزه کردن سرمایه وقفی یا وجوه وقف شده به بازار برای سهیم بودن در رشد اقتصادی و به واقعیت رساندن و اجرایی کردن خواسته اهدا کنندگان پول‌های وقفی در سیاست وقف پول از

[1] Hassan and Ashraf
[2] Lahsasna

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

طریق گسترش منافع و سود حاصل از آن می‌باشد. طبق دیدگاه لاهساسنا، مفهوم وقف باید بیشتر حول محور فعالیت‌های اقتصادی یا به سمت زمینه‌های اقتصادی و تأمین مالی با توجه به نیاز صنایع باشد (لاهساسنا،۲۰۱۰:ص۱۰٤). او معتقد است که وقف پول می‌تواند به عنوان یک منبع تأمین مالی خُرد منجر به انجام پروژه‌های بیشتر، فرصت‌های کسب و کار بیشتر، اشتغال بیشتر شود که نتیجه آن سهیم شدن وجوه وقف شده در رشد و توسعه‌ی اقتصادی و همچنین توسعه سیستم مالی می‌باشد.

احمد[1] (۲۰۰۷) مقاله‌ای در مورد "تأمین مالی خُرد بر مبنای وقف: تشخیص نقش اجتماعی حاصل از تأمین مالی اسلامی" را به انجام رسانیده که در آن به وقف و کاربردهای آن اشاره کرده و پس از آن به فنون اقتصادی در تأمین مالی پرداخته که برای این منظور از الگوهای ریاضی و نموداری استفاده کرده است و به این نتیجه رسیده است که تأمین مالی خُرد از کانال وقف می‌تواند نقش موثری در کاهش فقر در جامعه داشته باشد.

چیزاکا[2](۲۰۰٤) "تلفیق وقف پول و مضاربه، ابزارهای تأمین مالی غیر بانکی از گذشته تا آینده" را مورد بررسی قرار داده. در این تحقیق ضمن اشاراتی در مورد سابقه تاریخی وقف پول در حکومت عثمانی، بیان می‌کند که اگر وقف پول و بانک‌های اسلامی بتوانند با یکدیگر تلفیق شوند بسیاری از مشکلات از قبیل: مشکلات تأمین مالی و عدم تطابق منابع مالی از بین خواهند رفت.

الیس[3](۲۰۰۲) در گزارش سازمان بین‌المللی کار اعلام می‌کند که در کشورهای در حال توسعه، جمعیت هدف نهادهای مالی خُرد افراد فقیری هستند که در زیر خط فقر قرار دارند. وام‌های خُردی که به این افراد ارائه می‌شود برای تثبیت وضعیت درآمدی آنهاست و

[1] Ahmed
[2] Cizakca
[3] Ellis

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

نباید انتظار چندانی برای تأثیر بر اشتغال داشت. اگر هدف از ارائه خدمات مالی ایجاد اشتغال پایدار باشد، باید نهادهای مالی خدمات خود را در مقیاس بزرگتر و برای کسب و کارهای مشخص ارائه دهند. با این وجود در مطالعه حاضر شواهدی از کشور پرو و اوگاندا آورده شده است که نشان دهنده اثر مثبت اعتبارات خُرد بر اشتغال بوده است.

هولم و موسلی[1] (۱۹۹٦) به "ارزیابی آثار وام‌های خُرد بر اشتغال و افزایش درآمد" پرداخته‌اند. آنها در این مطالعه نشان داده‌اند وام‌هایی که توسط بانک همبستگی در بولیوی داده شده است اثر مثبتی بر افزایش درآمد و اشتغال‌زایی افراد کم‌درآمد داشته است.

در داخل کشور نیز پژوهش‌هایی در این زمینه صورت گرفته که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

عبداللهی و همکاران (۱۳۹۰) "وقف به مثابه تأمین مالی خُرد اسلامی: ارائه الگوی تشکیل مؤسسات تأمین مالی خُرد وقفی در کشور" را مورد تحقیق قرار داده‌اند و ضمن اشاراتی به مفهوم و سابقه تاریخی نهاد وقف در اسلام، تشکیل مؤسسه تأمین مالی خُرد وقفی را از منظر فقهی مورد امکان سنجی قرار داده و پس از بحث در مورد وقف به عنوان یک منبع تأمین مالی خُرد وقفی، به ارزیابی ضرورت تشکیل مؤسسات تأمین مالی خُرد وقفی در کشور و مزایای تشکیل این نوع مؤسسات از قبیل افزایش کارایی اقتصادی، تخصیص بهینه منابع و تقویت اشتغال، پرداخته‌اند.

حسن‌زاده (۱۳۸۷) "الگوسازی مؤسسات و تأمین مالی خُرد منطبق با قواعد شریعت اسلام" را به عنوان موضوع مقاله خود مورد تحقیق و بررسی قرار داده است. در این مقاله ساختار سازمانی و الگوهای مدیریتی برای نهادهای مالی خُرد اسلامی جهت تأمین مالی خُرد برای گروه‌های کم‌درآمد مسلمانان تبیین گردیده و ضمن ارائه مباحث نظری در زمینه موضوع تحقیق، نتیجه‌گیری به این شکل بوده که باید با استفاده از یک سازماندهی جدید و

[1] Hulme and Mosley

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مناسب و همچنین تدوین آیین‌نامه‌ها و مقررات لازم جهت استفاده از منابع و امکانات مالی بالقوه در کشور مانند منابع وقفی، کمک‌های مردمی، منابع زکات، و تشویق خیّرین و افـراد خیرخواه در تقویت مؤسسات تأمین مالی خُرد موجود، زمینه لازم را برای توسعه این بخش مالی فراهم آورد.

نجفی(۱۳۸۲) به مطالعه "تجربه‌های جهانی در زمینه تأمین مالی خُرد و امکـان توسـعه آن در ایران" پرداخته است. همچنین در این مطالعـه عملکـرد بانـک کشـاورزی در حـذف وثیقه و جایگزینی آن با ضمانت و نیز پرداخت تسـهیلات بـه زنـان سرپرسـت خـانوار در چارچوب "طرح ایران" مورد بررسی قرار گرفته است.

مفهوم اعتبارات خُرد

واژه اعتبارات خُرد تا قبل از دهه ۱۹۷۰ وجود نداشته است ولی اکنون یک واژه پـر کـاربرد و بر سر زبان دست‌اندرکاران توسعه می‌باشد. تعاریف متعددی برای اعتبارات خُـرد وجـود دارد که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

طبق تعریف بانک گرامین بنگلادش، اعتبارات خُرد عبارت اسـت از: وام‌هـای اعطـایی بسیار کوچک به افراد فقیر برای کمک به خود اشتغالی آنان. مأموریت ایـن نـوع اعتبـارات کمک به خانواده‌های فقیر بویژه زنان فقیر برای از بین بردن فقرشـان مـی‌باشـد[1]. اعتبـارات خُرد به معنای وام‌های بسیار کوچک[2] برای وام گیرندگان فقیـر کـه بـه طـور معمـول فاقـد وثیقه، اشتغال پایدار و سابقه اعتباری قابل اثبات‌اند، می‌باشد. اعتبارات خُـرد از حـوزه‌هـای تأمین مالی خُرد می‌باشد که با حوزه وسیع‌تری خدمات مالی (بویژه حساب‌های پس‌انـداز) برای افراد فقیـر فـراهم مـی‌کنـد. از سـال ۲۰۱۲ اعتبـارات خُـرد بـه شـکل گسـترده‌ای در کشورهای درحال توسعه مورد استفاده قرار گرفته اسـت و در حـال حاضـر دارای پتانسـیل

[1] http://www.grameen-info.org
[2] Microloans

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

بسیار بالایی به عنوان یک ابزار مالی در کاهش فقر دارا می‌باشد (کنز و کاسیا[1]، ۲۰۰۸،ص ۱-٤).

اعتبارات خُرد را عموماً بر مبنای مؤلفه‌هایی همچون اندازه اعتبار، نحوه استفاده از اعتبار، شرایط و ضوابط اعتبار نیز تعریف می‌کنند. بر مبنای اندازه و میزان، اعتبارات خُرد به مفهوم اعتباراتی‌اند که از نظر مبلغ اندک و ناچیز باشند. هرچند در این خصوص توافقی وجود ندارد ولی در برخی موارد وام‌های کوچک چند دلاری و در مواردی نیز به وام‌های چندهزار دلاری نیز اعتبارات خُرد اطلاق می‌گردد. از نظر نحوه استفاده از اعتبار نیز اعتبار خُرد به اعتباری اطلاق می‌شود که یا برای کاهش فقر و یا راه‌اندازی کسب‌وکار کوچک و عموماً خود اشتغالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از نظر ضوابط و شرایط پرداخت اعتبار نیز اعتبار خُرد اعتباری است که قابلیت دستیابی به آن به سادگی امکان‌پذیر است، شرایط آن قابلیت انعطاف داشته باشد و قراردادن آن با سادگی تمام و متناسب با شرایط محلی قابل تنظیم است (بختیاری، ۱۳۸۹، ص٤-۵).

[1] Cons and Kasia

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

ضرورت توجه به اعتبارات خُرد

به طور کلی از نظر تاریخی، تلاش در جهت تحویل اعتبارات رسمی و خدمات مالی به فقرا توسط بانک‌های دولتی با شکست روبه‌رو شده است. بانک‌های تجاری عموماً نیازهای فقرا را برآورده نمی‌کنند، زیرا وام‌دهی در مقیاس کوچک است و نیز سپرده‌های کوچک دارای ریسک بالا و هزینه معاملاتی بالایی برای آنها می‌باشد. برای رفع این نقیصه، بسیاری از دولت‌ها سعی کرده‌اند که تحویل اعتبارات را به طور رسمی به مناطق روستایی و توسط بانک‌های کشاورزی انجام دهند که این تلاش‌ها نیز با شکست مواجه شده است؛ زیرا از یک سو دولت‌ها را با سیاسی و مالی روبه‌رو می‌ساخت و نیز اکثریت این وام‌ها توسط ثروتمندان روستایی دریافت می‌شد. بر این اساس، افزایش برنامه‌های ابتکارانه تأمین مالی که اغلب بر پایه متدولوژی وام‌دهی گروهی استوار بود این تفکر را به وجود آورد که چنین برنامه‌هایی می‌تواند به فقرا کمک کند و اثرات مثبتی بررفاه اقتصادی (ثروت و درآمد)، رفاه اجتماعی (بهداشت و آموزش) و رفاه سیاسی (افزایش حوزه اختیارات و تصمیمات) بگذارد. لذا شاید بتوان اظهار نمود که مالیه خُرد[1] به عنوان مهمترین ابزار در جهت کاهش فقر و بهبود وضعیت معاش فقرا به حساب می‌آید.

تأمین مالی در کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما دارای مشکلات خاصی است که عموماً به ساختار ناقص بازار مالی آن کشور ارتباط می‌یابد. عمده‌ترین این مشکلات را می‌توان به شرح مذکور در ذیل دسته‌بندی کرد: وجود بازارهای ناقص و ناکارآمد، عدم کارایی در تجهیز پس‌اندازهای خصوصی، ساختار دوگانه بازارهای مالی، ساختار ناقص اطلاعات در جوامع روستایی و فقیر، هزینه مبادله‌ای بالا و عدم وجود وثایق معتبر. اولین مشکلی که طبقات فقیر در هنگام تقاضای وام و اعتبار از مؤسسات تأمین مالی رسمی با آن مواجه می‌شوند داشتن وثیقه و ضامن معتبر است. علاوه بر آن درخواست وام

[1] MF: Micro Finance

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

همواره به میزان قابل ملاحظه‌ای کاغذبازی و بروکراسی به همراه دارد کـه موجـب تحمیـل هزینه‌های سنگین مبادله‌بر دوش جوامع روستایی و فقیران می‌گردد. مؤسسـات دولتـی نیـز انگیزه‌ای برای دادن وام واعتبار به آنان ندارند و معمولاً مؤسسات تأمین مالی دولتی فعالیت و ارائه خدمات اعتباری در شهرها را بر فعالیت در مناطق محروم و معـاملات بـزرگ را بـر معاملات کوچک ترجیح می‌دهند. به عنوان مثال فقط ۵ درصـد کشـاورزان در آفریقـا و ۱۵ درصد انان در آسیا و آمریکای لاتین دسترسی به منابع مالی رسمی دارند و بقیـه نـاگزیر از مراجعه به بخش غیر رسمی‌اند (بختیاری،۱۳۸۹،ص۸-۹). دلایل عمـده بـرای عـدم انگیـزه کافی برای اعطای وام و اعتبار به گروه‌های فقیر جامعه توسط مؤسسات مالی بخش رسـمی عبارتند از: دوری یا پراکندگی زیاد روستاها و گروه‌های فقیر از مراکز مـالی، نبـود وثیقـه و ضامن مناسب برای افراد فقیر، ریسک بالا در بازپرداخت اقساط وام توسط افراد فقیر.

با توجه به توضیحات فوق، اهمیت اعتبارات خُرد را در اصـول و شـریعت اسـلام نیـز می‌توان جستجو کرد. در بین مباحث اسلامی، بحث وقف می‌تواند جایگـاه چشـمگیری در این رابطه داشته باشد. سنت وقف افراد فقیر و کم‌درآمد جامعه را مورد هـدف قـرار داده و سعی می‌کند از طریق دریافت اموال موقوفه از افراد خیّـر متمـوّل و ثروتمنـد، و بکـارگیری آنها در جهت استفاده اقشار کم درآمد جامعه، تا حد ممکن اختلاف طبقاتی در جامعـه را از بین ببرد. وقف در گذشته نقش مهم خود را در این زمینه نشـان داده اسـت بـویژه در ارائـه خدماتی مانند ساخت مساجد، مدارس ،کتابخانه و کاروانسراهایی و غیره که به عنوان مراکز مهم علمی و تجاری از آنهـا بهـره بُـرده مـی‌شـد. البتـه وقـف بـه شـکل رایـج و گذشـته محدودیت‌هایی داشت و دارد که مهمترین آنرا می‌توان محدودیت در نوع مال موقوفه ذکـر کرد. به عنوان مثال اگر کسی قصد مشارکت در این امر خداپسـندانه را داشـته باشـد، بایـد توانایی بالایی داشته باشد که یا زمین و ساختمان وقف کند کـه ایـن ویژگـی از اسـتطاعت افرادی با درآمدی معمولی امکان‌پذیر نمی‌باشـد. از ایـن رو بـرای جـذب مشـارکت بیشـتر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مردمی در وقف باید شیوه‌های نوینی در وقف ایجاد شود. یکی از این راهکارهای پیشنهادی "وقف پول" می‌باشد. یکی از ویژگی‌های بسیار بارز وقف پول امکان مشارکت افراد زیادی در امر وقف می‌باشد. به این معنا که چون در وقف پول افراد می‌توانند از مبالغ بسیار پایین تا مقادیر بسیار زیاد(تقریباً نامحدود) بخشی از درآمد پولی خود را وقف کنند مشکارکت بیشتری در بین افراد جامعه را می‌تواند به همراه داشته باشد. همین ویژگی وقف پول می‌تواند تحول شگرفی در اعطای اعتبارات خُرد در جامعه بوژه جوامع اسلامی داشته باشد به طوری که قالب اسلامی دارد و مکانیسم بهره در آن وجود نداشته باشد و هم به عنوان صدقه جاریه تا ابد در جریان باشد و از منافع آن فقرا و افراد کم‌درآمد بهره‌مند شوند.

مروری اجمالی بر تأمین مالی خُرد در ایران

در این قسمت از تحقیق به تبیین مواردی از تأمین مالی خُرد در ایران به همراه اهداف و مشکلات و موانع آن به صورت جدول زیر پرداخته می‌شود:

ردیف	نام نهاد دولتی(رسمی)	سال تشکیل	اهداف	مشکلات و موانع
۱	شعبه فلاحتی بانک ملّی ایران بانک کشاورزی و پیشه هنر	۱۲۷۹ ۱۳۱۲	– کمک به کشاورزان – کوتاه کردن دست ربا خوران و سَلَف خَران	– نداشتن وثیقه ملکی کشاورزان – گستردگی روستاها و نبود راه‌های ارتباطی – تشریفات تشکیل پرونده و طولانی بودن دریافت وام
۲	صندوق روستایی	۱۳۲۰	– وسعت بخشیدن به عملیات – تسهیل در پرداخت وام – استفاده تعداد بیشتری از کشاورزان	– ضوابت دست‌و پاگیر و دریافت وثیقه – دولتی بودن صندوق – عدم شناخت کشاورزان از محاسن صندوق
۳	صندوق‌های تعاونی	۱۳۲۹	– سرپرستی افراد از کار افتاده، افراد پیر بی‌بضاعت و بی سرپرست – جلوگیری از رباخواری – دفاع از حقوق کشاورزان – دادن وام به روستاییان جهت بهبود تولید	– عدم وجود قانون خاص تعاونی – استفاده از ضوابط شرکت‌های سهامی که با اصول تعاونی سازگار نبود – تصویب نامه صندوق‌ها رنگ و بوی رفاهی داشت نه تولیدی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

			– بیمه تأمین اجتماعی – خرید و فروش محصولات کشاورزی – خریداری و نگهداری و اجاره ماشین‌آلات کشاورزی	– پرداخت وام از طریق بانک کشاورزی – عدم استقبال گروه‌های مختلف سبب شد وجهی وصول نگردد – الزامی بودن عضویت
٤	شرکت‌های تعاونی روستایی	۱۳۳٤	– تعریف شرکت تعاونی – پیش‌بینی تشکیل اتحادیه – معافیت از حق ثبت و تمبر سهام و مالیات بر درآمد – تشکیل شورای تعاون	– عدم استقبال کشاورزان و روستاییان تا سال ۱۳٤۰ (از این تاریخ به بعد به علت واگذاری زمین توسط دولت به کشاورزان عضو تعاونی، تشکیل این تعاونی‌ها شتاب بیشتری گرفت)
٥	سازمان مرکزی تعاون روستایی اتحادیه شرکت‌های تعاونی روستایی شرکت‌های تعونی اعتبار ادغام تعاونی‌های کوچک تعاونی‌های زنان	۱۳٤۲ ۱۳٤٦ ۱۳٤۱ ۱۳٥۰ ۱۳۷٤	– پیگیری تشکیل تعاونی‌های روستایی – پرداخت وام به زارعین از طریق بانک کشاورزی – تأمین و توزیع نهادهای کشاورزی – تشکیل تعاونی‌های اعتباردهنده – تهیه و توزیع مواد مصرفی – تشکیل تعاونی چند منظوره – تشکیل تعاونی برای رفاه	– کوچک بودن و فاقد صرفه اقتصادی – بزرگ شدن بدون بهینه‌سازی مدیریت و افزایش بهره‌وری – عدم توجه به خواست و ایده اعضاء – عدم رشد لازم برای بزرگ شدن – تک محصولی بودن تعاونی‌ها – عدم عضویت و حضور زنان در تعاونی‌ها به دلیل نگرش سنتی مردان
٦	بانک کشاورزی جمهوری اسلامی طرح زینب کبری(س) طرح ایران طرح اشتغال زندانیان آزاد شده تسهیلات اشتغال‌زایی	۱۳٥۸ ۱۳۷۳ ۱۳۷۸ ۱۳۸۰ ۱۳۸۱	– دادن وام به روستاییان – پرداخت اعتبار با شرایط آسان – گسترش شعب در مناطق روستایی – کاهش سطح فقر در جامعه روستایی – ایجاد اشتغال مولّد در روستا – تزریق روحیه تلاش و کار در روستا – دادن تسهیلات به زنان سرپرست خانوار – حمایت از زنان آسیب‌پذیر – افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی- اجتماعی – تسهیلات ضمانتی تا سقف ۵۰ میلیون ریال بدون وثیقه جهت تأمین سرمایه اشتغال زندانیان آزاد شده – تأمین سرمایه جهت اشتغال افراد بیکار	– مشکلات خاص پرداخت وام‌های کوچک – پراکندگی روستاها و نبود شعب در تمام روستاها – محرومیت زنان روستایی از وام‌های خُرد بانک – متفاوت بودن میزان تسهیلات در استان‌های مختلف – کم بودن میزان تسهیلات برای شروع فعالیت‌های اقتصادی(در نتیجه این تسهیلات برای مصارف روزانه مصرف می‌شدند) – عدم پاسخگویی به عده زیادی از زنان سرپرست خانوار – محدودیت تعداد وام‌ها در سال – به ثمر نرسیدن طرح حضرت زینب کبری(س) – اهداف طرح در اجرا لحاظ نشده بود –خیلیاز موارد طرح نادیده گرفته شده بود – بیشتر پس‌انداز زنان شهری را جمع‌آوری نمودند تا زنان روستایی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

				– عدم شناخت موضوع توسط ذی نفعان – نداشتن پروژه جهت دریافت تسهیلات
۷	سازمان بهزیستی	۱۳٦۷	وام‌دهی به زنان روستایی تحت پوشش	–گرفتن ضمانت (چک یا سفته) –دریافت وام بر اساس حق تقدم ثبت‌نام نه اولویت نیازی – عدم توسعه از پایلوت در یک استان به سایر استان‌ها
۸	وزارت جهادکشاورزی دفتر امور زنان روستایی تعداد ۲۰۵ صندوق با ۵۷٤۲ نفر عضو در ۲۲ استان کشور ایجاد نموده است بانک روستا حصارئن	۱۳۷۹	– توسعه منابع انسانی – تشکیل نهادهای اجتماعی – تقویت سرمایه اجتماعی زنان روستا با محوریت اعتبار پس‌انداز – داشتن پس‌انداز – ضمانت جمعی – وام‌های تولیدی و مصرفی	– پوشش محدود در روستاها به دلیل کم بودن منابع مالی دولتی (دفتر امور زنان روستایی) – عدم دسترسی زنان به منابع بانکی سبب افزایش درخواست آنها برای تشکیل صندوق جدید – به دلیل عدم پیش‌بینی برقراری ارتباط میان یک نهاد مالی و یک سازمان رسمی لذا اعتباری پیش‌بینی نشده بود –اعلام نیاز به بانک کشاورزی جهت دریافت وام

منبع: (مهاجرانی، ۱۳۸۲، ص٤–۱۰؛ نجفی، ۱۳۸۲، ص۹۰–۹۳؛ ارشدی، حسن‌زاده،۱۳۸۲، ص۱٦۳–۱٦٤)

اطلاعات فوق بیانگر این است که به طور کلی، طرح‌های تأمین مالی خُرد در ایران عملکرد بالایی نداشته ضمن اینکه در بسیاری از موارد، شیوه تأمین مالی اسلامی در آن رعایت نشده است. در ادامه به بررسی مواردی از تأمین مالی خُرد دربرخی از کشورهای جهان پرداخته می‌شود.

نمونه‌هایی از تأمین مالی خُرد موفق در خارج از کشور

۱. تجربه اعتبارات خُرد در بنگلادش

مؤسسات تأمین مالی خُرد در بنگلادش عبارتند از: بانک گرامین(GB)/ کمیته توسعه روستایی بنگلادش (BRAC)/ پروژه توسعه روستایی ۱۲(RDP-12)/ سازمان نوسازی بنگلادش(BURO-Tangail)/ بنیاد شاکتی (Shakti Foundation)/ خدمات روستایی رانجپور

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

دیناجپور(RDRS)/ طرح توسعه سیستم‌های کشاورزی حاشیه‌ای و خُرد (MSFSCIP). از خدمات ویژه این مؤسسات پرداخت وام‌های اندک به فقرا بویژه زنان فقیر است که بازپرداخت آنها اقساط هفتگی در طول بیش از یک سال است. بیشتر این مؤسسات وام‌های کوچک می‌پردازند که برخی از آنها بیشتر از ۱۷۵ دلار وام نمی‌دهند. هدف اصلی این مؤسسات بهبود شرایط فقرای روستایی از راه فراهم کردن دسترسی آنها به اعتبارات و برخی برنامه‌های اجتماعی غیرمالی است.

ریشه اعتبارات خُرد به شکل مدرن به تأسیس بانک گرامین بنگلادش در ۱۹۸۳ توسط محمد یونس برمی‌گردد که در حال حاضر دارای ۲۵٦٤ شعبه در بنگلادش می‌باشد و ۱۹۸۰۰نفر کارمند آن که به ۸,۲۹ میلیون نفر وام‌گیرنده در ۸۱۳٦۷ روستا خدمات ارائه می‌کند.

طبق گزارش بانک گرامین بنگلادش، نرخ بازپرداخت وام‌ها بین ۹۵ تا ۹۸ درصد می‌باشد. در هر روز کاری، این بانک به طور متوسط ۱,۵ میلیون دلار در هر هفته جمع‌آوری اقساط دارد. ۹۷ درصد قرض‌گیرندگان زن می‌باشند و بیش از ۹۷ درصد این وام‌ها بازپرداخت می‌شوند که دارای بالاترین نرخ استرداد را بین تمام سیستم‌های بانکی داراست[1]. شیوه‌های این بانک در پروژه‌های ۵۸ کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد که از جمله آنها ایالات متحده آمریکا، کانادا، فرانسه، نروژ و نیوزیلند می‌باشند. او برنده جایزه نوبل سال ۲۰۰٦ میلادی می‌باشد که به خاطر ارائه اعتبارات خُرد برای فقرا به او اعطاء شده است[2]. آمار و ارقام مربوط به بانک گرامین بنگلادش نشان می‌دهد که این مؤسسه با رشد ۱۱۳/۵ درصدی وام‌هایش روبرو گردیده و حجم وام‌های خُرد ارائه شده توسط این مؤسسه از ۲۲۹/۱٤ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ به ٤٤۸/٤۱ میلیون دلار در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است

[1] http://www.grameen-info.org
[2] http://www.nobelprize.org/nobel_prizes/peace/laureates/2006/

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

(احمد،۲۰۱۱،ص١٤). بانک گرامین نرخ بهره نسبتاً بالایی روی حجم پورتفوی وام‌هایش (۲۰ درصد و بیشتر) اعمال می‌کند تا از این طریق وابستگی به یارانه‌اش کمتر شود. به هر حال توانایی مالی این بانک برای غلبه بر محدودیت‌های مالی از طریق تکمیل و اجرای سیاست‌های ابداعی و روش‌های عملیاتی، درس‌های آموزنده و گرانبهایی برای طراحی پروژه‌های مالی روستایی آینده در بر دارد. مهمترین ویژگی‌های بانک گرامین عبارتند از: افزایش تجهیز پس‌اندازها و کاهش اتکا به منابع کمک‌دهنده، دادن وام با نرخ‌های بهره حقیقی، ابداع شبکه‌های توزیع کم هزینه، استقلال مدیریتی در تدوین سیاست‌های عملیاتی، نظارت دقیق بر مصرف وام و نرخ‌های بازپرداخت، ایجاد پس‌اندازهای روستایی خویش‌فرما، داشتن هزینه‌های اداری به نسبت پایین و غیرفزآینده، توسعه بخشیدن به خدمات مالی در مناطق محروم و ... به هر حال، از زمانی که پروفسور محمد یونس، مؤسس بانک گرامین، جایزه صلح نوبل را به منظور فعالیت‌شان در زمینه تأمین مالی خُرد دریافت کرد، تجربه تأمین مالی خُرد رشد چشم‌گیری پیدا کرده است (شهیدی‌نسب، میسمی، ۱۳۸۹،ص۹٦).

۲. اعتبارات خُرد اسلامی در سریلانکا

کشور سریلانکا در زمینه ارائه تأمین مالی خُرد اسلامی نیز موفقیت‌هایی داشته است. یکی از پروژه‌های قابل توجه و جالبی که در چند سال اخیر در کشور سریلانکا در رابطه با تأمین مالی خُرد اسلامی به اجرا درآمده است، تأمین مالی خُرد اسلامی در حوزه تولید (و نه مصرف) می‌باشد. به دلیل نقش تاریخی دولت در سریلانکا ، بخش عمده‌ای از مؤسسات تأمین مالی خُرد در این کشور دولتی هستند. مؤسسات دولتی فعال در این زمینه با دو عنوان به فعالیت مشغول‌اند: ۱- بانک توسعه روستایی (بیش از ۱۵۰۰ بانک) ۲- بانک رفاه (۲۱۳٦ بانک تا سال ۲۰۰۸) است که به زبان محلی "بانک ساموردی" نامیده می‌شود و تا

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

سال ۲۰۰۸ حدود ۵ میلیون نفر سپرده‌گذار داشته است و تعداد ۵۰۰ هزار وام خُرد نیز ارائه کرده است (شهیدی نسب و میسمی، ۱۳۸۹،ص۹۸). تأمین مالی خُرد اسلامی در حوزه تولید (نه مصرف) توسط سازمان غیر دولتی همیاری مسلمین در سریلانکا (میسل[1]) اجرا شده است. روش کار بدین صورت است که سازمان میسل با همکاری دو مؤسسه دیگر فرآیند تأمین مالی خُرد را در دو مرحله به اجرا می‌گذارند. ابتدا تأمین مالی خُرد از طریق عقود مبادله‌ای(که نرخ بازدهی ثابتی دارند) ارائه می‌شود و پس از آن و در صورتی که گروه دریافت‌کننده تأمین مالی خُرد در مرحله اول موفق به اثبات توانمندی خود در جهت استفاده صحیح از منابع و همچنین تعهد خود در زمینه باز پرداخت وام دریافتی گردید، آنگاه مؤسسه مذکور وارد مرحله دوم پروژه شده و وام‌های مشارکتی در اختیار این گروه موفق قرار می‌گیرد (گود و حبیب فیروز[2]، ۲۰۰۸،ص).

تعریف وقف

وقف در لغت به معنای ایستادن «منتهی الارب» به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن است. در اصطلاح فقهی نگه داشتن و حبس کردن عین ملکی است بر ملک واقف آن نه؛ملک خدا، و مصرف کردن منفعت آن در راه خدا (دهخدا ،۱۳۲۸،ج٤٨: ص٢٣٤)، (طریحی، فخرالدین بن‌حمد،١٤٠٨ ،ج٤: ص٥٣٥، ماده‌ی وقف). و در اصطلاح، تحبیس و تسبیل مال را وقف گویند علاوه بر این به معنای آگاه ساختن نیز آمده‌است. اغلب فقها وقف را حبس کردن اصل مال و رها کردن منفعت آن می‌دانند. و مدرک تمامی آن‌ها در تعریف وقف، حدیث نبوی ذیل است که پیامبر(ص) فرمود: حبّس الاصل و سبّل الثمره. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، جلد۳: ص٢٨٦؛ ابن ادریس،١٤١٠ق، جلد۳: ص١٥٢؛ ابن حمزه طوسی، ١٤٠٨ق:

[1] Muslims Aid in Sri Lanka (MAISL)
[2] Goud and Habib Feroz

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

ص۳٦۹). در فرهنگ بزرگ سخن تعریف وقف اینگونه آمده: عقدی است که بـر طبـق آن، شخصی مال معینی از اموالش را جهت اسـتفاده فـرد یـا افـرادی یـا مؤسسـه‌ای اختصـاص می‌دهد و پس از آن مال مذکور از ملکیت واقف خارج شده، قابل نقل و انتقال نخواهد بود (انوری، ۱۳۹۰،ج۸: ص۸۲٦۰). بنابراین، عقد وقف عقدی است که به موجب آن فردی عین مال خود را تحبیس می‌کند و منافع آن را جهت صرف در راه‌هایی که مشخص می‌کند، رها نماید (موسویان، ۱۳۸٦:ص۱۵۳). حال با توجه به تعاریف متفاوتی که از واژه وقـف مـورد اشاره قرار گرفت، لازم است تا شرایط مال موقوفه مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان در مورد قابلیت وقف پول اظهار نظر منطقی کرد. اما انصاف این است که در بررسی روایات، چنـین تعاریفی یافت نمی‌شود؛ حتّی برخی نکات در روایات آمده‌است که می‌تـوان آن را مخـالفِ ادعای فقها دانست. در ادامه به بررسی روایات می‌پردازیم.

در دو حدیث مرسل[1] آمده است که پیامبر(ص) فرموده است: «حَبِّسِ الْأَصْلَ وَ سَبِّلِ الثَّمَرَةَ» (ابن‌ابی جمهور، ۱٤۰۵ق، ج۲: ص۲٦۰) یا «حَبَّسْتَ أَصْلَهُ وَ سَبَّلْتَ ثَمَرَتَهَـا»(میـرزای‌نـوری، ۱٤۰۸ق، ج۱٤، ص٤۷). شـاید نخسـتین افـرادی کـه در شـیعه، وقـف را اینگونـه تعریـف کرده‌اند، با توجه به این دو حدیث مرسل بـوده‌اسـت یـا گرتـه‌بـرداری از فقـه اهـل سـنّت بوده‌است. به هر حال تفاوتی بین این دو منشأ وجود ندارد، زیرا هر کدام منشأ این تعریـف بوده‌اند، حجّیتِ شرعی ندارد. در حدیث دیگری حضرت زهرا(س) اختیار موقوفاتی را بـه دست حضرت علی(ع) و پس از ایشان امام حسن(ع) و امام حسین(ع) می‌دهد که یکـی از آن موقوفات «اموالِ اُم‌ابراهیم» اسـت (حرعـاملّی، ۱٤۰۹ق، ج ۱۹: ص ۱۹۸). بـا توجـه بـه تصریحِ لغویان مبنی بر اینکه اصل مال، طلا و نقره است، (ابن اثیر، ۱٤۰۹ق، ج ٤:ص ۳۷۳) حتّی برخی لفظ مال را مختص به طلا و نقره دانسته‌انـد (عبـاس نجفـی، ۱٤۱۰ق:ص ۱٤).

۱. **روایت مرسل**: روایتی که برخی از راویان آن در سلسله سند ذکر نشده‌اند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

پس باید بخشی از موقوفاتِ امابراهیم، طلا و نقره و پـول باشـد کـه بـه عنـوان موقوفـه در اختیار حضرت زهرا(س) قرار داشـت. در روایـت صـحیحهٔ دیگـری آمـده‌اسـت کـه امـام کاظم(ع) زمینی را وقف کرد و شرط کرد در صـورتِ نیـاز، آن را بفروشـند و بـا پـولِ آن، مشـکل را برطـرف سـازند (حرعـاملّی، ۱٤۰۹ق، ج ۱۹: ص۲۰۲). در روایـتِ موثقـه‌ای[1] آمده‌است که امام صادق(ع) مقداری از اموالش را وقف کرد تا چند بخـش شـود و پـس از شهادت ایشـان، در زمـان‌هـای خاصـی آن‌هـا را انفـاق کننـد (حرعـاملّی، ۱٤۰۹ق، ج ۱۹: ص۱۷٤). حال لازم است به تبیین شرایط مال موقوفه پرداخته شود.

شرایط مال موقوفه

شرایط موقوف از مباحث مهم وقف مطرح شده است، یعنی شارع مقـدس در قانونگـذاری، شرایط ویژه‌ای برای موقوفات بیان کرده‌است، که در ادامه مختصراً به مـواردی از آن اشـاره می‌شود. مال موقوفه بر اساس نظر فقهای امامیه باید دارای این شرایط باشد : عین باشد (نـه دین با منفعت)، قابل تملک باشد، قابلیت بقاء در برابر انتفاع داشته باشـد و بتـوان آن را بـه قبض موقوف علیهم داد. (محقق‌حلّی،۱٤۰۹ق، ج۲، ص٤٤۳؛ محقق‌حلّـی،۱٤۰۲ق؛ خمینـی، ۱۰٤۸ق، ج۲، ص۷۰).

تعریف وقف پول

شماری از تعاریف برای وقف پول عبارتند از:

أ. وقف پول، وقف خیریه[2] تأسیس شده با سرمایه پولی[3] مـی‌باشـد (چیزاکـا، ۲۰۰٤: ص۲)؛

---

۱. **حدیث موثق**: حدیثی که همهٔ راویان آن راستگو هستند اما حداقل یکی از راویان آن غیرشیعه است.

[2] Charitable endowment

[3] Cash capital

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

ب. وقف پول، وقفی است که توسط فرد یا گروهی از افراد با موجودیت قانونی ، در قالب پول صورت می‌گیرد(ماسیتا و همکاران، ۲۰۰۵: ص۳)؛

ج. وقف پول نوع خاصی از بخشش‌ها می‌باشد و از انواع وقف داریی متمایز می‌باشد که این تفاوت به علت ماهیت اصل سرمایه وقف[1] می‌باشد که به شکل وجوه نقدی[2](به شکل جزء و یا کل سرمایه‌ی وقف) صورت می‌گیرد(چیزاکا،۱۹۹۸:ص۵۳)؛

د. مناسب‌ترین تعریف وقف پول عبارتست از: "بسیج سرمایه وجوه[3] از طرف اهدا کنندگان[4] بر اساس مدت نامحدود یا ابدی و سرمایه‌گذاری آنان در دارایی‌های مولّد که هم منافعی از طریق استفاده عین فراهم می‌کند یا درآمد و عایدی‌هایی در جهت مصارف آینده برای افراد یا گروه‌ها بر اساس خط مشی و سیاست در نظر گرفته شده توسط اهداکنندگان و دریافت کنندگان، فراهم می‌کند". این تعریف برای وقف پول، کامل‌ترین تعریف برگرفته شده بر اساس مفهوم شریعت[5] از وقف و تأمین مالی می‌باشد (لاهساسنا، ۲۰۱۰: ص۱۰٤).

واقف سرمایه پولی خود را از طریق فرد یا سازمانی که مسئول مدیریت سرمایه یا وجوه وقفی و توزیع سود حاصل از سرمایه‌گذاری آن ها را بر عهده دارد[6] ، به موقوف علیه[7] اهدا می‌کند. تنها عایدی یا منفعت حاصل از سرمایه وقف شده (وجوه وقفی) به موقوف‌علیه می‌رسد و اصل سرمایه وقف مجدداً سرمایه‌گذاری می‌شود (ماسیتا و همکاران، ۲۰۰۵: ص۲). این مفهوم باید در نظر گرفته شود که اصل سرمایه وقف به خدا تعلق دارد.

[1] Asl al-mal or Corpus
[2] Cash
[3] Mobilization Funds
[4] Donors
[5] Shariah
[6] Nadzir
[7] Mauquf'alaih

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

در حالی که اصل پول وقف شده سرمایه‌گذاری شود، که از طریق مضاربه یا وام دهی ساده، پول وقف شده بین قرض‌گیرندگان توزیع می‌شود .اما آنچه به خداوند تعلق دارد، برخلاف آنچه شرح داده شد، نمی‌تواند بین اشخاص ثالث توزیع شود (چیزاکا،۲۰۰٤:ص۲). به هر حال باید به این نکته توجه شود که تنها حق بهره‌برداری و استفاده از سرمایه وقف[1] و منافع آن بین قرض‌گیرندگان[2] توزیع می‌شود نه صاحبان و مالکان آن[3] (چیزاکا،۲۰۰٤:ص۲).

امکان سنجی وقف پول

با توجه به نکات و تعاریفی در زمینه وقف و وقف پول، در این قسمت مختصراً به بررسی قابلیت اجرایی شدن وقف پول در ایران پرداخته می‌شود. موافقان جواز وقف پول در بین فقهای شیعه عبارتند از (رحیمی،۱۳۸٦:ص۱۹): شهید اول، شهید ثانی، سبزواری، سید یزدی، کاشف الغطاء، شیخ محمد زین‌الدین، آیت‌الله حکیم، آیت‌الله خویی، آیت‌الله سیستانی، شیخ اسحاق فیاض، سیدمحمد روحانی، شیخ محمد خراسانی اشاره کرد. و در مقابل مخالفان جواز وقف پول در بین فقهای شیعه عبارتند از: محقق حلی، علامه حلی در المختلف، یحیی بن‌سعیدحلی، علی مؤمن سبزواری قمی، ابن زهره، قطب الدین کیدری، صاحب جواهر، سید محمدسعید حکیم، آیت‌الله اراکی، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله محمدصادق روحانی اشاره کرد. با توجه به اینکه در اکثر فتوای فقهای امامیه بویژه مراجع تقلید این اشتراط وجود دارد که عینِ مالِ موقوفه باید باقی بماند، وقفِ پول صحیح نیست (خمینی، ١٤٢٢ق، ج۲: ص٤٤٥؛ گلپایگانی، ١٤٠٩ق، ج۲: ص۳٤۹؛ مکارم شیرازی،

[1] Waqf capital
[2] Borrowers
[3] Ownership

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

١٤٢٧ق، ج٢:ص ٤٣٥)، لذا در ادامه برخی از راه‌کارهای ارائه شده برای بهره‌برداری از این منبع مردمی برای تأمین مالی امور مختلف اشاره می‌شود:

- پول را از طریقِ هر نوع عقد یا ایقاعی مانند هدیه یا صلح، به تملیکِ محلِ مورد نظر درآورد (مکارم شیرازی، ١٤٢٧ق، ج ٢: ص٤٣٥). به عنوان مثال می‌توان وجوه نقدی جمع‌آوری شده از افراد متوّل را از طریق هبه به مالکیت مؤسسات خیریّه درآورد تا آنها از این وجوه در زمینه تأمین نیازهای مالی خود در برنامه‌های کمک رسانی به افراد فقیر در سطح جامعه استفاده نمایند.
- شخص در حال حیات خود مبلغی را به بانک یا صندوق قرض الحسنه (یا صندوق وقف پول) بسپارد، و وصیّت کند بعد از وفات آن را به همین صورت به جریان اندازند (منوط به این که بیش از ثلث اموال نباشد، یا اگر بیش از ثلث اموال اوست، اجازهٔ ورثه را در حال حیات بگیرد.) (مکارم شیرازی، ١٤٢٧ق، ج٣: ص٣١٣).
- وقفِ اعتبار و قدرتِ خریدِ ناشی از در اختیار داشتنِ پول (استفتاء سید صادق شیرازی). پول حامل ارزش و اعتباری است که بر اساس قرارداد به آن داده شده‌است. آنچه که برای پول امروزی اهمیت دارد بحث اعتبار پول است.امروز که می‌گوییم وقف پول و سهام ، ارزش اعتباری آن مقصود ماست. بنابراین در وقف پول، آنچه که وقف می‌شود اعتبار پول است. مثلاً اگر فردی یک میلیون ریال وقف می‌کند، مثل این است که بگوییم یک میلیون ریال اعتبار وقف کرده است، خواه این پول به شکل وجه نقد، چک یا پول الکترونیک باشد. بنابراین چنانچه فردی پول موقوفه را برای مدتی دراختیار بگیرد ودر معاملات مضاربه‌ای از آن استفاده نماید و در نهایت همان میزان پول رابرگرداند در واقع همان عین موقوفه را برگردانده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

- می‌توانند پول‌هایی را جمع کنند و وکالت بدهند که شخص جمع‌کننده چیزی با آن‌ها بخُرد و وقف کند(استفتاء شخصی ناصر مکارم شیرازی). این مورد با پیشنهادات ارائه شده توسط کارکنان و کارشناسان سازمان اوقاف خراسان رضوی، شباهت بسیار نزدیکی دارد. طبق این پیشنهادات وجوه نقدی جمع‌آوری شده صرف خرید دارایی‌هایی از قبیل ملک تجاری یا ساختمان و تشکیلات تولیدی یک کارخانه یا مرکز تولیدی شود و این ملک به اجاره گذاشته شود و درآمد حاصل از اجاره صرف امور خیریه (در جهت کاهش فقر) شود یا در ملک تجاری یا مرکز تولیدی خریداری شده توسط پول‌های اهداء شده اقدام به آموزش و استخدام نیروی کار (با تأکید بر استخدام افراد فقیر و کم‌درآمد) در جهت افزایش اشتغال در کشور صورت گیرد. یا این وجوه صرف خرید سهام یا اوراق قرضه شوند و سود حاصل از آن وقف امور خیریه شود. همچنین وقف پول به صورت دیگری نیز امکان پذیر است، بدین صورت که مثلاً شخصی که می‌خواهد پول خود را وقف کند آن را تبدیل به سکه بهار آزادی نماید و بانک برای مدتی معین تعدادی سکه به متقاضیان نیازمند بدهد تا آن‌ها بعد از رفع نیاز عین آن سکه‌ها را برگردانند. در این فرض مساله تورم نیز صدمه به ارزش اصلی موقوفه نخواهد زد و سکه تابع افزایش و یا کاهش نرخ تورم خواهد بود.

وقف پول و تأمین مالی خُرد

وقف پول می‌تواند یک منبع بسیار قابل اعتماد برای اعتبارات خُرد و همچنین منبع بسیار قوی برای شرکت‌های کوچک و متوسط می‌باشد. همچنین می‌تواند در توسعه عملکرد صنایع از طریق کمک مالی فراهم شده سهیم باشد. وقف پول می‌تواند منجر به انجام پروژه‌های بیشتر، فرصت‌های کسب و کار بیشتر، اشتغال بیشتر شود که نتیجه آن سهیم شدن وجوه وقف شده در رشد و توسعه اقتصادی و همچنین توسعه سیستم مالی می‌باشد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

(لاهساسنا،۲۰۱۰:ص۱۱٤). تأمین مالی برای گروه‌های هدف بویژه اقشار فقیر و تهیدست نه تنها به صورت نقد، بلکه به شکل تأمین وسایل و تجهیزات راه‌اندازی کسب و کاری ساده با هزینه کم(و در بسیاری موارد کسب و کارهایی که در خانه قابل انجام است) می‌تواند صورت گیرد که منشاء آن پول‌های وقف شده باشد. صندوق وقف پول می‌تواند روشی برای بهره‌گیری از سرمایه وقف پول باشد که در آن واقفان پول، مبالغی را برای قرض دادن به نیازمندان وقف می‌کنند. از منافع پول موقوفه این است که می‌تواند به بیماران، جوانان در حال ازدواج و کسانی که در شرایط نامناسب مالی هستند، با قرض دادن یاری رساند. برای درستی فعالیت این صندوق لازم است مراکز مرتبط با وقف و پول، نظیر سازمان اوقاف و بانک مرکزی، بر کار آن‌ها نظارت وبا آن‌ها همکاری کنند. در اینجا هدف اصلی این است که با ترکیب و محفوظ ماندن اصل مال و حتّی رشد آن، اهداف خیرخواهانه واقفان نیز به خوبی تأمین شود (هدف‌هایی مثل کمک هزینه زندگی نیازمندان، حمایت از دانشجویان نیازمند، خدمات پزشکی و دارو، زلزله‌زدگان و...). در حالت کلی دو نوع صندوق وقف می‌تواند وجود داشته باشد: صندوق وقف قرض پول خاص و صندوق وقف پول عام. صندوق وقف پول خاص به افراد خاصی قرض می‌دهد و نمی‌توان منافع آن را به مصرف دیگران رساند. انواع صندوق وقف پول خاص، بر حسب مصارف و اهداف آن، می‌توانند عبارت باشند از: صندوق وقف پول برای درمان، صندوق وقف پول برای ازدواج، صندوق وقف پول موضوع‌های دیگر (صندوق وقف پول علاوه بر موارد مذکور، در موضوع‌های دیگر مثل کمک هزینه تحصیلی برای دانشجویان یا کمک هزینه برای آزادی زندانیان مقروض هم قابل تأسیس است). ممکن است عده‌ای بدون ذکر قصد خاص برای قرض، پول خود را برای قرض وقف نمایند. در این صورت لازم است صندوقی به عنوان «وقف پول عام» ایجاد شود. کمک خیریه این صندوق به نیازمندان اعم خواهد بود و تمام موارد را شامل خواهد شد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

عملکرد صندوق وقف پول در اعطای تسهیلات و اعتبارات خُرد به افراد کم درآمد یا فقیر را می‌توان به شکل دیگری ساماندهی کرد. به این ترتیب که صندوق وقف پول از طریق سرمایه‌گذاری وجوه وقف شده در انواع قراردادها بویژه قراردادههای اسلامی به انجام تأمین مالی خُرد بپردازد و منافع حاصل را صرف افراد فقیر و کم‌درآمد کند. بنابراین در این حالت آنچه که اهمیت‌اش از اصل وقف کمتر نیست، سرمایه‌گذاری کارآمد اموال موقوفه است که با حمایت قانونی و مالیاتی دولت‌ها موجب تقویت هرچه بهتر جریان وقف می‌شود. در کشورهای توسعه یافته مؤسسات وقفی همانند دیگر نهادهای مالی در راستای تخصیص بهینه دارایی‌ها ، تحقق اهداف اجتماعی و تقویت بازار سرمایه فعالیت می‌کنند(حائری، ١٣٨٦، ص١٧٢). و... . به عنوان مثال در آمریکا تنها ٤٠ درصد بودجه دانشگاه‌های دولتی را دولت می‌پردازد و بیشتر بودجه آن‌ها از طریق صندوق‌های وقفی تأمین می‌شود (حائری، ١٣٨٦، ص١٧٢). ماسیتا و همکاران‌اش در این مورد می‌گویند: واقف سرمایه پولی خود را از طریق فرد یا سازمانی که مسئول مدیریت سرمایه وجوه وقفی و توزیع سود حاصل از سرمایه‌گذاری آن‌ها را بر عهده دارد[1]، به موقوف علیه[2] اهدا می‌کند. تنها عایدی[3] حاصل از سرمایه وقف به موقوف علیه می‌رسد و اصل سرمایه وقف دوباره سرمایه‌گذاری می‌شود (ماسیتا و همکاران، ۲۰۰۵: ص۲). بنابراین در اینجا مناسب است تا نمونه‌ای از الگوی عملیاتی برای انواع سرمایه‌گذاری توسط پول‌های وقف شده بر اساس قراردادهای اسلامی ارائه شود که از لحاظ عملیاتی نسبت به سایر موارد ذکر شده در ایران قابلیت اجرایی بالاتری می‌تواند داشته باشد. این الگو در نمودار۱ مشاهده می‌شود.

[1] Nadzir
[2] Mauquf'alaih
[3] Gain

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

نمودار ۱) الگوی عملیاتی برای انواع سرمایه‌گذاری توسط پول‌های وقف شده

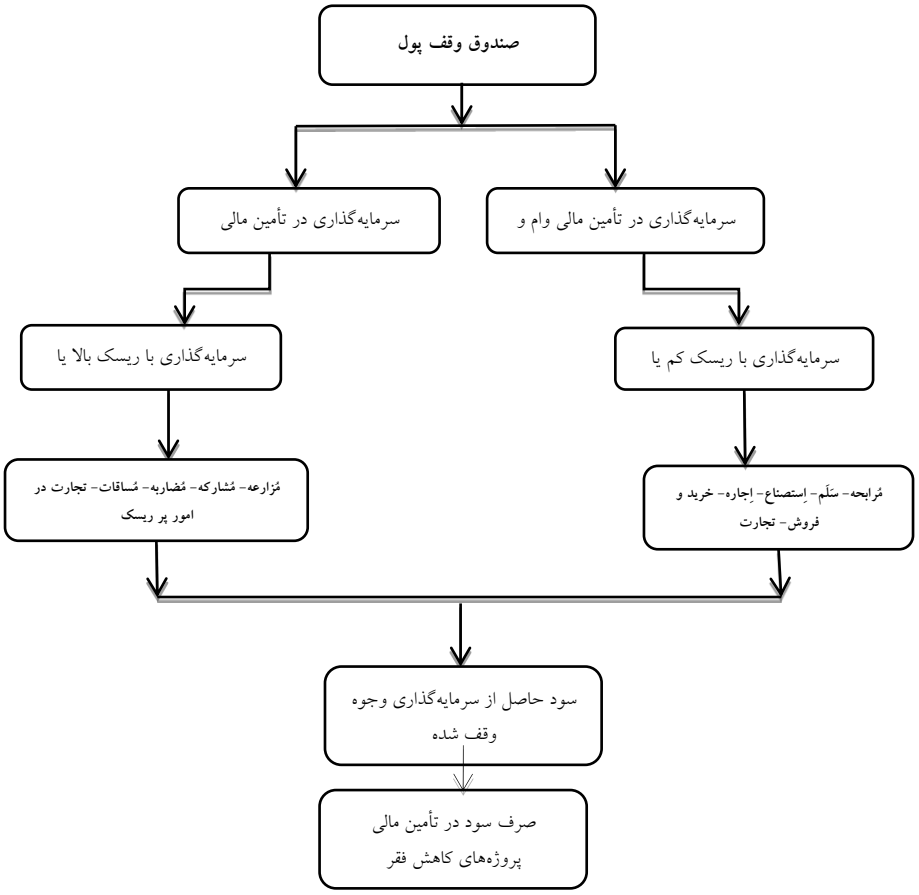

پیامدهای بالقوّه وقف پول در تأمین مالی خُرد اسلامی

به نظر می‌رسد استفاده از الگوی پیشنهادی در این تحقیق جهت تشکیل مؤسسات تأمین مالی خُرد وقفی، مزایای اقتصادی و اجتماعی مهمی به همراه داشته باشد. در واقع اگر مؤسسه تأمین مالی خُرد در تجهیز منابع از نهاد اسلامی وقف پول بهره برده و در قسمت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

تخصیص منابع نیز از ابزارهای اسلامی استفاده کند، ویژگی‌های مثبتی ایجاد می‌کند. مزایای بالقوه اجرایی شدن وقف پول در قالب اعتبارات خُرد را می‌توان به موارد زیر خلاصه کرد:

۱. حل چالش کمبود منابع مالی و توجه به پایین‌ترین گروه‌های درآمدی: هدف اصلی این نوع تأمین مالی، ارائه خدمات به افرادی است که به دلایل مختلف نمی‌توانند از تسهیلات بانکی استفاده کنند. می‌توان تأمین مالی خُرد در قالب وقف پول را به عنوان سازوکار عرضه خدمات مالی گوناگون به گروه‌هایی با درآمد پایین مانند فقرا، زنان بی‌سرپرست، کشاورزان و پیمانکاران خُرد تعریف نمود. این افراد به دلیل اینکه دارای رتبه اعتباری[1] پایین‌تری می‌باشند، مورد توجه بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی متعارف قرار نمی‌گیرند. علاوه بر این، به دلیل بالا بودن هزینه نظارت و ارزیابی در زمینه ارائه وام‌های خُرد، چالش وثیقه و احتمال بالای نکولی که برای فقرا وجود دارد، بانک‌ها و مؤسسات مالی معمولاً از ارائه وام‌ها خُرد به افراد مذکور خودداری می‌کنند (کلیم و احمد[2]،۲۰۰۹،ص۳).

۲. حذف وثیقه ملکی از وام‌های اعطایی خُرد: بیشتر وام‌دهندگان رسمی در برابر پرداخت وام، وثیقه می‌خواهند که فقیران و افراد کم‌درآمد یا آن را نداشته یا توان از دست دادن وثیقه را ندارند. در حال حاضر بانک‌های فعال در کشور و همچنین صندوق‌های قرض‌الحسنه از دو شیوه برای تضمین بازگشت وجوهی که براساس عقود مختلف در اختیار افراد قرار می‌دهند ، استفاده می‌کنند. یکی دریافت وثایق معتبر و دیگری درخواست ضامن. اما در مؤسسه تأمین مالی خُرد مبتنی بر وقف پول (وبه طور کلّی تأمین مالی خُرد وقفی)، براساس ماهیتی که دارد، ایده وثیقه گروهی می‌تواند جایگزین موارد دیگر شود. به این نحو که از افراد هیچگونه

[1] Credit worthiness
[2] Kaleem and Ahmed

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

درخواست وثیقه و یا ضامنی نمی‌شود، اما در مقابل لازم است هر فرد تلاش کند تا عضو یک گروه شده و از این طریق تسهیلات دریافت کند. به جرأت می‌توان گفت ایده وثیقه گروهی، بهترین ویژگی مؤسسات تأمین مالی خُرد می‌باشد که حتّی در سطح بین‌المللی موفقیت خود را در تضمین بازپرداخت منابع اثبات نموده است (عبداللهی و همکاران،۱۳۹۰،ص ۱۱۲). این شیوه نوآوری بانک گرامین (و یا به طور کلی تأمین مالی خُرد) در وثیقه کردن دارایی "دسترسی به وام در آینده" می‌باشد به این مفهوم که عدم پرداخت اقساط وام از سوی یک وام‌گیرنده موجب عدم دسترسی همه اعضاء گروه به وام می‌شود (نجفی،۱۳۸۲،ص۸۱-۸۲). همانطور که جلوتر اشاره شد، تأمین مالی خُرد اسلامی در سریلانکا نیز توانسته بر دغدغه ارائه وثیقه یا ضامن غلبه کند. ابتدا تأمین مالی خُرد از طریق عقود مبادله‌ای (که نرخ بازدهی ثابتی دارند) ارائه می‌شود و پس از آن و در صورتی که گروه دریافت‌کننده تأمین مالی خُرد در مرحله اول موفق به اثبات توانمندی خود در جهت استفاده صحیح از منابع و همچنین تعهد خود در زمینه بازپرداخت وام دریافتی گردید، آنگاه مؤسسه مذکور وارد مرحله دوم پروژه شده و وام‌های مشارکتی در اختیار این گروه موفق قرار می‌گیرد (شهیدی‌نسب، میسمی، ۱۳۸۹،ص۹۹).

۳. جمع‌آوری و استفاده بهینه از منابع خُرد و مشارکت بیشتر افراد در سنّت حسنه وقف: غالباً وقف اموالی مانند زمین، مسکن و غیره مرسوم است. ولی بسیاری از افراد در جوامع اسلامی هستند که تمایل به مشارکت در این امر خدا پسندانه را دارند ولی از توان مالی بالایی برخوردار نیستند که بخواهند زمین یا ساختمانی را وقف امور خیر نمایند. ولی با وقف مبلغی مثلاً معادل ۱۰ هزار تومان تا مقادیر بسیار زیاد و نامحدود، امکان مشارکت مردمی در امر وقف بسیار بیشتر شده

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

ضمن اینکه مبلغ سرمایه جمع‌آوری شده می‌تواند در طول زمان افزایش یابد و کمک‌های بیشتری برای ذی‌نفعان فراهم نماید.

٤. پرداخت تسهیلات به زنان سرپرست خانوار و تقویت اشتغال: به عنوان مثال اگر یکی از اهداف صندوق یا بانک وقف پول دادن پول وقف شده به صورت وام بدون بهره با توجه به شرایط خاص فرد وام گیرنده باشد، این اقدام می‌تواند به روان سازی فرآیند گسترش مشاغل کمک کند، ضمن اینکه عدم وجود نرخ بهره در این نوع استقراض می‌تواند فشارهای تورمی را کاهش دهد و قالب اسلامی را در اعطای اعتبارات دارا باشد. در تمامی جوامع همیشه افرادی وجود دارند که سرمایه فکری لازم برای راه انداختن و تأسیس یک صنعت یا یک بنگاه اقتصادی[1] را دارند و می‌توانند کارآفرین باشند و چندین نفر را به کار بگمارند اما به دلیل نبود سرمایه و پشتوانه مالی نمی‌توانند این سرمایه فکری را به نتیجه برسانند و در نتیجه از کسب درآمد محروم می‌شوند. در دریافت وام از بانک‌های خصوصی و دولتی مشاهده می‌شود که توانایی بازپرداخت وام را توسط وام گیرنده مورد بررسی قرار می‌دهند و افرادی که توان مالی کمتری دارند معمولاً از دریافت وام محروم می‌شوند. بازپرداخت اقساط وام طبق شرایط بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری ممکن است متقاضی وام را تحت فشار قرار دهد که در نهایت یا بانک از دادن تسهیلات خودداری می‌کند یا فرد به علت ناتوان دیدن خود در پرداخت اقساط از دریافت وام خودداری می‌کند. بنابراین در کشورهای کمتر توسعه یافته، تأمین خدمات مالی و بهره‌مندی از تسهیلات و اعتبارات بانکی برای دهک‌های پایین درآمدی به دلیل وجود نرخ‌های بهره‌ی بالا و مطالبه وثایق سنگین از طرف بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بسیار مشکل و خارج از دسترس بوده (حسن‌زاده،

[1] Firm

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۱۳۸۷، ص۱۲۹). وقف پول می‌تواند در دسترسی اینگونه افراد بـه اعتبـارات خُـرد نقش بسزایی داشته باشد ضمن اینکه قالب و عملکـرد اسـلامی را نیـز بـه همـراه دارد.

۵. کاهش فقر در جامعه: در فرهنگ دینی اسلامی، پدیده وقف درست در مقابل فقـر قراردارد بعبارت دیگر فلسفه وجودی فرهنگ وقف، فقرزدائی جامعه اسـت. و بـا گسترش فرهنگ وقف به یقین می‌توان گفت که میزان فقر و محرومیت در جامعـه کاهش می‌یابد. زیرا وقف همانگونه که تبیین شده یکـی از راه‌هـای کنتـرل تـراکم ثروت محسوب می‌شود. سرمایه پولی وقفی جمـع شـده از طریـق برنامـه "سـند رسمی وقف پول" می‌تواند به حوزه‌های مرتبط با توسعه اجتماعی (به عنوان مثال کشاورزی، آموزش، بهداشت و امور زیربنایی)، برنامه‌های کـاهش فقـر شـهری و توسعه سایر خـدمات عمـومی اختصـاص یابـد. در بعضـی از کشـورها مـدیریت صـندوق وقفـی بـه طـور مـوثری فقـر را کـاهش داده و رفـاه مـردم را از طریـق برنامه‌های اضافی بـرای آمـوزش و بهداشـت، مسـکن ارزان، برنامـه‌هـای توسـعه امکانات عمومی و از این قبیل، افزایش داده‌است (ماسیتا و همکاران،۲۰۰۵:ص۲). هرچه سرمایه وقف شده بیشتری برای تأمین مـالی‌هـای کسـب و کارهـای خُـرد تخصـیص یابـد، فقـر بـا سـرعت بیشـتری کـاهش مـی‌یابـد (ماسـیتا و همکاران،۲۰۰۵:ص۲٦). دسترسی خانواده‌های کم‌درآمد و فقیر به وام‌های کوچک این امکان را فراهم می‌کند که این خانواده‌ها بتواننـد در برابـر موانـع و مشـکلات غیرمنتظره اقتصادی – اجتماعی از خود محافظت بکننـد و سـطح زنـدگی کنـونی خویش را بهبود بخشند و برای تغذیه، مسـکن، بهداشـت و آمـوزش فرزندانشـان سرمایه‌گذاری نمایند (ازکیا و ایمانی،۱۳۸٤،ص۲). بنابراین تأمین منابع مـالی خُـرد به شکل وقف پول برای فقرا و نیازمندان نه تنها صدقه نیست، بلکه روشـی بـرای

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

تأمین و گسترش همان حقوق و خدمات برای خانوارهای کم‌درآمدی است که بسیاری از مردم جهان به طور معمول از آن حقوق برخوردار می‌باشند. از این رو، در یک نمای کلی می‌توان عملکرد و اثر بالقوه وقف پول بر کاهش فقر را در قالب نمودار ۲ به همراه اثر متقابل هر بخش بر بخش دیگر به تصویر کشید:

نمودار ۲) اثر بالقوه وقف پول بر کاهش فقر

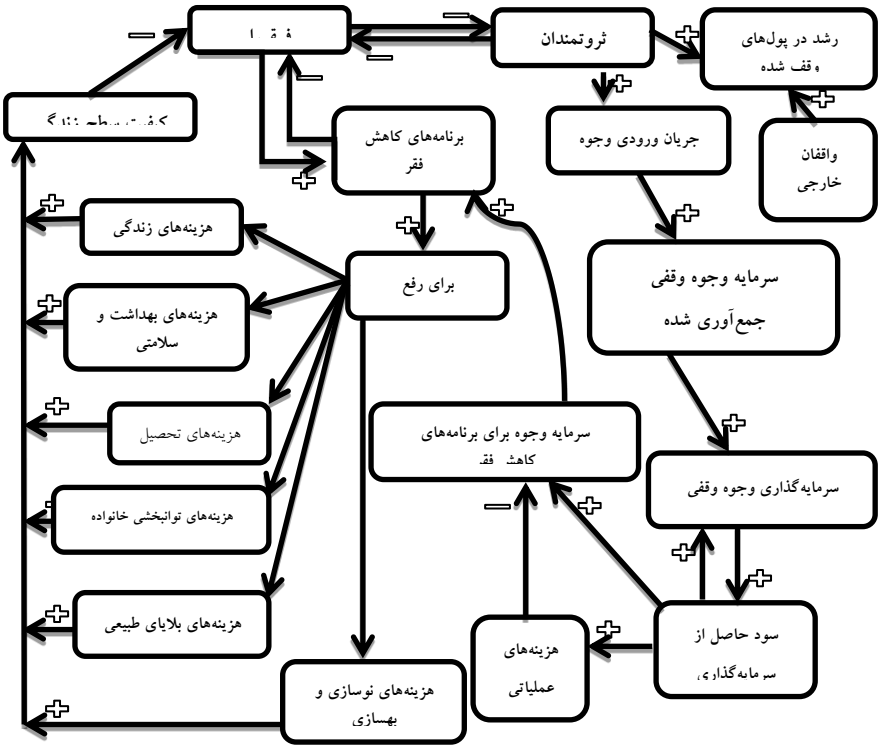

در نمودار ۲ نشان داده شد که پروژه‌های کاهش فقر می‌تواند توسط وقف نقدی تأمین مالی گردد. این پروژه‌ها را می‌توان در یک قالب و دسته‌بندی دیگر به صورت ذیل تبیین کرد:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۱- پروژه‌های تولیدی و اشتغال: کشورهای فقیر نرخ بیکاری بالایی را تجربه می‌کنند. پروژه‌های خُرد مثل صنایع دستی و روستایی، درآمد و اشتغال را برای گروه هدف در منطقه بالا می‌برد.

۲- امکانات آموزشی: امکانات آموزشی می‌تواند آموزش موردنیاز را برای جامعه بی سواد یک کشور فراهم کند و باعث توسعه منابع انسانی جامعه گردد و از این طریق فقر در جامعه کاهش یابد.

۳- امکانات بهداشتی: یک نیاز مبرم برای امکانات بهداشتی در کشورهایی که از لحاظ منابع فقیر هستند وجود دارد. عدم دسترسی به خدمات دارویی برای اکثریت جامعه فقرسلامتی، بهره‌وری پایین، درآمد پایین را نتیجه می‌دهد. امکانات مهیا شده توسط بخش عمومی در مناطق شهری متمرکز شده در حالی که اکثریت جمعیت در مناطق روستایی زندگی می‌کنند که از امکانات دارویی مناسب محروم هستند.

٤- زیر ساخت‌های فیزیکی وتأسیسات رفاهی: کاهش فقر و توسعه اقتصادی نیاز به امکانات فیزیکی و تأسیسات رفاهی دارد. دسترسی به جاده، سدهای آبیاری، ابزارهای کنترل سیل و امکانات رفاهی برای برنامه توسعه در کشورهای با درآمد پایین و در حال توسعه ضروری هستند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این تحقیق اهمیت و جایگاه اعتبارات خُرد بر اساس تجربه ایران و سایر کشورها مشاهده شد. از طرفی مشخص شد که مفهوم اعتبارات خُرد و وقف، هر دو، قشر فقیر و کم‌درآمد جامعه را هدف قرار می‌دهند. مشکلات دسترسی افراد فقیر به اعتبارات مرسوم از یک سو و الزام برقراری تأمین مالی بر اساس شریعت سلام، تلاش برای ارائه سیستمی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مناسب در جهت تأمین مالی را می‌طلبد که در این مقاله وقف پول به عنوان یک ابزار نوین اسلامی در زمینه اعتبارات خُرد مورد بررسی قرار گرفت. وقف پول موافقان ومخالفانی دارد و دلایل متنوعی در این زمینه از طرف فقهای شیعه و سنی ارائه شده است. ولی در مجموع می‌توان بیان کرد که وقف پول جایز می باشد زیرا اولاً تعریف مصطلح وقف که حبس اصل و رها کردن منفعت باشد ؛دلیل فقهی معتبر ندارد. لذا ادله مطرح شده دربطلان وقف (شرط باقی ماندن اصل پول در اثر انتفاع) پشتوانه قوی ندارد. ثانیاً برفرض صحیح بودن تعریف اصطلاحی؛ با توجه به ماهیت اعتباری پول جدید؛ به کارگیری پول وقفی ازبین رفتن اصل مال موقوفه نمی باشد. بلکه بکارگیری آن همان استفاده کردن از منافع مال موقوفه است؛ درحالی که عین آن باقی است. از این رو می‌توان انتظار داشت که وقف پول را می‌توان اجرایی کرد و در قالب اعتبارات خُرد به اقشار فقیر و کم‌درآمد جامعه ارائه خدمات کرد و از این طریق گام موثری در جهت کاهش مشکلات اقتصادی- اجتماعی در جامعه برداشت. از این رو باید در شیوه برخورد با مقوله وقف باید بازنگری جدی صورت گیرد. چراکه با توجه به شرایط جوامع کنونی ارائه شیوه‌های جدیدی از وقف مانند وقف پول ضروری می‌نماید. مسائل فقهی مربوط به وقف با توجه به نیازهای جدید مورد بازنگری قرار گیرد و راه کارهای جدید ارائه شود.

کتابنامه

۱. ارشدی، علی و علی حسن‌زاده؛ (۱۳۸۲)، «نقش اعتبارات خُرد در توسعه روستایی»، مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ص۱٤٥، ١٦٣-١٦٤، ١٤٠، ١٦٣-١٦٤.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۲. ازکیا، مصطفی و علی ایمانی؛ (۱۳۸٤)، «نقش اعتبارات خُرد در توانمندسازی و ایجاد اشتغال زندانیان آزادشده»، همایش توسعه روستایی و کاهش فقر، تهران، بانک کشاورزی، ص۲.

۳. ازوجی، علاءالدین و علی حسن‌زاده و صالح قویدل؛ (۱۳۸۵)، «بررسی آثار اعتبارات خُرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی»، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال ششم، ص٤٦.

٤. اَنوری، حسن؛ (۱۳۹۰)، «فرهنگ بزرگ سخن»، تهران: سخن، ج ۸، ص۸۲٦۰.

۵. بختیاری، صادق؛ (۱۳۸۹)، «مالیه خُرد راهکاری برای افزایش تولید بخش کشاورزی و کاهش فقر روستایی»، مجله دانش و توسعه، سال هفدهم، شماره ۳۰، ص۳، ۵، ۱.

٦. حائری، محمدحسن؛ (۱۳۸٦)، «بررسی سرمایه‌گذاری در وقف»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش وقف در بازار سرمایه، مؤسسه انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول، ص ۱٦۹-۱۷۲ و ۱۷۵-۱۷۷.

۷. حسن‌زاده، علی؛ (۱۳۸۷)، «الگوسازی مؤسسات و تأمین مالی خُرد منطبق با قواعد شریعت اسلام»، مجموعه مقالات هجدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ص۱۲۹.

۸. خمینی، روح‌الله؛ (۱٤۲۲ق)؛ «استفتائات»، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، جلد ۲،ص ٤٤۵.

۹. دهخدا، علی‌اکبر؛ (۱۳۲۸)، «لغت نامه»، تهران: چاپخانه مجلس، جلد٤۸، ص۲۳٤، واژه وقف؛ ج۲، ص ۵۳۸، واژه پول.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۱۰. رحیمی، مرتضی؛ (۱۳۸٦)، «وقف پول در مذاهب فقهی اسلامی»، وقف میراث جاویدان، سال پانزدهم، شماره٦١، ص١٩.
۱۱. رضائی، مجید؛ (۱۳۸٦)، «وقف و امور خیریه در بازار سرمایه»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش وقف در بازار سرمایه، مؤسسه انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول، ص۱۳۹و١٤٤.
۱۲. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و حمدالله سجاسی‌قیداری و جمشید عینالی؛ (۱۳۸۵ش)، «ارزیابی آثار اعتبارات خُرد بانکی در توسعه کشاورزی: مطالعه موردی تعاونی‌های خودجوش روستایی شهرستان خدابنده»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهاردهم، شماره٥٦، ص۵۰.
۱۳. سلیمی‌فر، مصطفی؛ (۱۳۸۷)، «وقف بسترساز توسعه اقتصادی»، وقف و تمدن اسلامی- مجموعه مقالات ارائه شده در همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات اسوه (وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه)، چاپ اول، جلد۲، ص۹۷،۱۱۱،۱۱۲،۱۱۳،۱۱٦،۱۱۷،۱۲۱.
١٤. شهیدی‌نصب، مصطفی؛ (۱۳۸۷)، «بررسی جایگاه نهاد وقف در تحقق عدالت اقتصادی»، وقف و تمدن اسلامی- مجموعه مقالات ارائه شده در همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، تهران، انتشارات اسوه (وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه)، چاپ اول، مجموعه ٤جلدی، جلد دوم، ص ۱۸۵.
۱۵. سیّاح، سجاد و غلامرضا مصباحی‌مقدم و محمدمهدی نادری نورعینی؛ (۱۳۸۸)، «امکان‌سنجی وقف سهام و پول:مدل صندوق وقف سهام و پول در ایران»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی جستارهای اقتصادی، سال ششم، شماره۱۲، ص۵۹.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۱۶. شهیدی‌نسب، مصطفی و حسین میسمی؛ (۱۳۸۹)، «بررسی تجربه تأمین مالی خُرد اسلامی در کشور سریلانکا، فصلنامه علمی – پژوهشی تازه‌های اقتصاد، سال هشتم، شماره ۱۲۸، ص۹۸،۹۷ ،۹۶.

۱۷. عباسی، طیبه؛ (۱۳۸۵)، «بررسی فقهی و حقوقی وقف پول و اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری در اوقاف»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، ص :۳۶،۳۲ ،۶۰،۵۹،۳۸،۷۳،۹۹،۱۱۳.

۱۸. عبداللهی، محسن و مهدی قائمی‌اصل و غلامرضا مصباحی‌مقدم؛ (۱۳۹۰)؛ «وقف به مثابه منبع تأمین مالی خُرد اسلامی: ارائه الگوی تشکیل مؤسسات تأمین مالی خُرد وقفی در کشور»، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال دوم، شماره ۵، ص ۱۰۸ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۵.

۱۹. گلپایگانی، سیدمحمدرضا؛ (۱۴۰۹ق)؛ «مجمع المسائل (للگلپایگانی)»،۵ جلد، قم: دارالقرآن‌الکریم، چاپ دوم، جلد ۲،ص ۳۴۹.

۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷ق)؛ «استفتاءات جدید (مکارم)»، ۳ جلد، قم: انتشارات مدرسه امام علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام، چاپ دوم، جلد ۲، ص ۴۳۵، جلد ۳، ص۳۱۳.

۲۱. موسویان، سیدعباس؛ (۱۳۸۶)، «فرهنگ اصطلاحات فقهی و حقوقی معاملات»، پژوهشکده پولی و بانکی، ص۱۵۳.

۲۲. مهاجرانی، مصطفی؛ (۱۳۸۲)، «بررسی وضع اعتبارات خُرد در ایران و برخی از کشورهای موفق در این زمینه»، مؤسسه همیاران غدا، ص۲۱-۲۲ ،۴-۱۰.

۲۳. نجفی، بهاءالدین؛ (۱۳۸۲)، تأمین مالی خُرد، تجربیات جهانی و امکانات توسعه در ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی بانک کشاورزی، دوره جدید، شماره۱، ص ۸۱-۸۲،۹۰-۹۳.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

٢٤. ویسر، هرشل؛ (۱۳۹۰)، مدیریت مالی اسلامی (اصول و کارکردها)، ترجمه دکتر مهدی صادقی‌شاهدانی و حسین محسنی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ص۲۸.

کتابنامه عربی

٢٥. ابن‌ابی‌جمهوراحسایی، محمدبن‌علی؛ (١٤٠٥ق)، «عوالی اللئالی العزیزیة» ،٤جلد، قم: دار سید الشهداء للنشر، چاپ اول، جلد٢، ص ٢٦٠.

٢٦. ابن اثیرجزری، مبارک‌بن‌محمد؛ (١٤٠٩ق)، «النهایة فی غریب الحدیث و الأثر»، ٥ جلد، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول، جلد ٤، ص ٣٧٣.

٢٧. ابن ادریس(حلی)، محمدبن منصور؛ (١٤١٠ق- م ٥٩٨ق)، «السرائر (فقه شیعه تا قرن هشتم)»، قم: مؤسسهٔ نشر اسلامی،چاپ دوم، جلد ٢، ص٣٧٩، ٤٧٥ و ٤٧٩، جلد ٣،ص ١٥٢،١٥٤،١٥٥،١٥٦.

٢٨. ابن حمزهٔ طوسی، عمادالدین ابوجعفر محمد بن علی؛ (١٤٠٨ق- م٥٦٠ق)، «الوسیلة إلی نیل الفضیلة (فقه شیعه تا قرن هشتم)»، شیخ محمدحسون، قم: کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی‌نجفی، چاپ اول، ص ٣٦٩و٣٧٠.

٢٩. حرّعاملی، محمدبن‌حسن؛ (١٤٠٩ق)، «وسائل الشیعة»، ٢٩جلد، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه‌السلام، اول، جلد ١٩، ص ١٧٤،١٩٢،١٩٨،٢٠٢،١٩٣.

٣٠. خمینی،روح‌الله؛ (١٠٤٨ق)، «تحریرالوسیله»، قم: انتشارات مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ‌دوم، بی‌تا، جلد٢، ص٧٠.

٣١. محقق‌حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفربن‌حسن؛ (١٤٠٩ق)، «شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام (فقه شیعه تا قرن هشتم)»، تهران: انتشارات استقلال، چاپ دوم، جلد ٢، ص ٢١٦ و ٤٤٢، ٤٤٣-٤٤٥.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۳۲. محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفربن‌حسن؛ (۱٤۰۲ق-م ٦۷٦ق)، «المختصر النافع (فقه شیعه تا قرن هشتم)»، مؤسسهٔ بعثت، تهران، چاپ دوم، ص ۱٥٦.

۳۳. طریحی، فخرالدین‌بن‌محمد؛ (۱٤۰۸ق)، «مجمع البحرین، مکتبه نشر الثقافه الاسلامیه»، چاپ دوم، ص ٥۳٥.

۳٤. میرزای نوری، حسین؛ (۱٤۰۸ق)، «مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل (مصادر حدیث شیعه– فقه)»، قم: مؤسسهٔ آل‌البیت علیه‌السلام، جلد ۱٤، ص ٤۷.

کتابنامه انگلیسی

35. Ahmed ,Habib; (2011) "Waqf-Based Microfinance: Realizing The Social Role of Islamic banking", Paper presented in the International Seminar on integrating Awqaf in the Islamic Financial Sector, Singapore, PP 14-26.
36. Ahmed,Habib;(2007), "Waqf-Based Microfinance:Realizing The Social Role of Islamic Finance" , Paper Writen for the International Seminar on 'Integrated Waqf in the Islamic Finance Sector',Singapore,March6. PP3-15
37. Cizakca, Murat;(2004); "Incorporated cash waqfs and Mudaraba, Islamic non-Bank Financial Instruments from the Past to the Future"; Paper submitted during the International Seminar on Non-bank Financial Institutions, Kuala Lumpur, Jan. 26-28, 2004.PP 2,3
38. Cons,Jason, Kasia, Paprocki; (2008), "The Limits of Microcredit-A Bangladesh Case", Food First Backgrounder (Institute for Food and Development Policy), , volume 14, number 4, P 1-4
39. Ellis, Frank .(2002). Rural Livelihoods and Diversity in Developing Countries, Oxford University press
40. Goud, Blake; Habib Feroz, Ehsan; (2008); "Grameen La Riba Model: A Strategy for Global Poverty Alleviation",the 8 Harvard University Forum on Islamic Finance. Cambridge: MA, USA.P
41. Hassan, K. and Ashraf, A. (2010) "An Integrated Poverty Alleviation Model; Combining Zakat, Awqaf and MicroFinance", Paper presented at the Seventh International Conference – The Tawhidi Epistemology: Zakat and Waqf Economy, Bangi.
42. Hulme, David; Mosley Paul; (1996) Finance Against Poverty, Volume l and 2, Routledge, London.
43. Kaleem, A. and Ahmed, S. (2009) "The Quran and Poverty Alleviation: A Theoretical Model for Charity-Based Islamic Microfinance Institutions", Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly, 9, PP3

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

44. Lahsasna,Ahcene;(2010); "The Role of Cash Waqf in Financing Micro and Medium Size Eterprises (MMES)";Seventh International Conference–The Tawhidi Epistemology : Zakat and Waqf Economy, Bangi 2010, PP 98, 108, 110, 112, 114
45. Masyita, Dian; Tasrif, Muhammad; Suryadinata Telaga, Abdi ;(2005); "A Dynamic Model for Cash Waqf Management as One of The Alternative Instruments for The Poverty Alleviation" ;Submitted to The 23 rd International Conference of The System Dynamics Society Massachussets Institute of Technology (MIT), Boston, July 17-21, 2005, PP 1 to7 and 23 ,26
46. Roht, J. (1997), The limits of micro credit as a rural development intervention, Institute for Development Policy and Management, Manchester University, PP 28,2

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهارم و پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص۷۹-۱۲۲

مدل قیمت‌گذاری بازار کالاها و خدمات در اقتصاد مقاومتی

سیدعباس موسویان[۱]
حسن بهاری[۲]

چکیده

اقتصاد مقاومتی، به شکل بومی شده اقتصاد اسلامی نظر دارد که در آن، مؤلفه‌های اقتصاد اسلامی تبلور عینی و عملیاتی می‌یابد؛ از این رو، اقتصاد مقاومتی، قابل گسست از اقتصاد اسلامی نبوده و تحقق واقعی اقتصاد مقاومتی، منوط به شناخت ارکان و عناصر اقتصاد اسلامی و زمینه‌سازی برای اجرای آنها، متناسب با شرایط جامعه ایرانی است. از جمله مباحث اساسی اقتصاد اسلامی که در اقتصاد مقاومتی نمود عینی پیدا می‌کند، طراحی مدل تعیین قیمت کالاها و خدمات در اقتصاد می‌باشد که آثار متعددی روی متغیرهای اساسی چون سرمایه‌گذاری، اشتغال، تولید، عرضه کلّ و سطح عمومی قیمت‌ها برجای می‌گذارد. گرچه بعد از انقلاب به خاطر شرایط خاص اقتصادی به ویژه در دوران دفاع مقدس، مسؤلان نظام و متصدیان امور تعیین دستوری قیمت اکثر کالاها و خدمات‌ها توسط دولت را ترجیح می‌دادند اما غالب اندیشمندان اسلامی به ویژه اقتصاددانان و فقیهان، با نگاه به ادله شرعی و توجه به آثار بلند مدت تعیین دستوری قیمت‌ها، آن را به ضرر اقتصاد دانسته و ممنوع شمرده‌اند.

در این تحقیق به روش اجتهادی (تحلیلی توصیفی) و با مراجعه به ادله شرعی، موضوع قیمت‌گذاری از منظر فقه اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد: در شرایط عادی اقتصاد هیچ کس حق قیمت‌گذاری نداشته و قیمت توسط بازار تعیین می‌شود. در شرایط احتکار، انحصار و تبانی، ابتدا محتکر و انحصارگر موظف به عرضه کالا می‌شود. در صورت امتناع وی از قیمت عادلانه، مجبور به کاهش قیمت می‌گردد و در صورت امتناع از عرضه کالا به قیمت عادلانه، برای او قیمت خاصی تعیین می‌شود و در مواردی که نوبت به تعیین قیمت می‌رسد حاکم شرع با مراجعه به دیدگاه کارشناسان، قیمت‌ها را به گونه‌ای (عادلانه) تعیین می‌کند که به ضرر هیچ یک از فروشنده و خریدار نباشد.

واژگان کلیدی

اقتصاد مقاومتی، اقتصاد اسلامی، تسعیر، قیمت‌گذاری، احتکار، تبانی

[۱]. دانشیار گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (نویسنده مسئول) samosavian@yahoo.com
[۲]. پژوهشگر اقتصاد اسلامی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مقدمه

چند سالی است کـه اقتصـاد مقـاومتی از سـوی مقـام معظـم رهبـری در کشـور مطـرح و سیاست‌های کلّی مربوط به آن از سوی معظم‌له ابلاغ شده است. باید دانست که این شـکل از اقتصاد، ریشه در اقتصاد اسلامی داشته و از آموزه‌های دین مبین اسلام در حـوزه اقتصـاد پیروی می‌کند؛ لذا توجه به مؤلّفه‌های دینی اقتصاد مقاومتی، در تبیـین واقعـی آن ضـروری می‌نماید؛ چرا که اقتصاد مقاومتی در مرحله اجرا، نیازمنـد ملاحظـه و رعایـت آمـوزه‌هـای اسلامی در حوزه اقتصاد و تجـارت مـی‌باشـد و بـدون آن، پیـاده‌سـازی اقتصـاد مقـاومتی، ضمانت اجرایی نخواهد داشت که توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری در مناسـبت‌هـای گوناگون در ارتباط با اقتصاد مقاومتی، این واقعیّت را بیش از پیش روشن مـی‌سـازد. شـاید گویاترین موضع‌گیری پیرامون اقتصاد مقاومتی، بیـان ایشـان در مقدمـهٔ سیاسـت‌هـای کلـی ابلاغی اقتصاد مقاومتی باشد که می‌فرمایند:

«اقتصاد مقاومتی، اقتصـادی علمـی و بـومی، برآمـده از فرهنـگ انقلابـی و اسـلامی و الگویی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام است کـه ضـمن مقـاوم‌سـازی اقتصـاد در برابـر تهدیدهای نظام سلطه از تـوان تقویـت اقتصـاد و تحقـق پیشـرفت جهشـی اقتصـادی نیـز برخوردار است. این نوع اقتصاد، پیشرو، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، برون‌گرا، انعطاف‌پـذیر، عدالت‌بنیان، مردم بنیاد، با رویکرد جهادی است.»

همینطور سخنرانی ایشان در حرم مطهر رضوی باشد که به سؤالات و ابهامـاتی کـه در این باره مطرح شده بود پاسخ دادند، در بخـش‌هـایی از آن سـخنرانی آمـده اسـت (بیانـات رهبری در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۳/۰۱/۰۱).

«این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیـاد اسـت؛ یعنـی بـر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده‌ی مـردم، سـرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقّق پیدا می‌کند. امّا «دولتی نیست» به این معنـا نیسـت کـه دولـت در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

قبال آن مسئولیّتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیّت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیّت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعّالیّت اقتصادی دستِ مردم است، مال مردم است؛ امّا دولت – به‌عنوان یک مسئول عمومی ـ نظارت می‌کند، هدایت می‌کند، کمک می‌کند. آن جایی که کسانی بخواهند سوء استفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آنها را می‌گیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک میکند. بنابراین آماده‌سازی شرایط، وظیفه‌ی دولت است؛ تسهیل می‌کند».

از جمله مباحثی که در اقتصاد اسلامی مورد بحث و گفتگو میان اندیشمندان اسلامی و صاحب‌نظران فقهی قرار گرفته، تعیین مدل قیمت‌گذاری کالاها و خدمات در بازار می‌باشد که افزون بر مسائل فقهی و حقوقی، آثار متعددی روی متغیرهای کلان اقتصادی چون سرمایه‌گذاری، اشتغال، تولید، عرضه کل و سطح عمومی قیمت‌ها برجای می‌گذارد و از محورهای اساسی در پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی به شمار می‌رود. بر این اساس ضروری است مقوله قیمت‌گذاری از منظر فقه مورد بررسی قرار گیرد تا مسیر پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی نیز از این جهت هموار گردد.

در بحث تعیین مدل قیمت‌گذاری کالاها و خدمات، گرچه برخی صاحب‌نظران به ویژه مسؤلان اجرایی با توجه به آثار کوتاه مدت تعیین دستوری قیمت‌ها توسط دولت، گرایش به اعطای چنین اختیاری به دولت هستند؛ که نمود عینی آن را در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب به ویژه سال‌های دفاع مقدس می‌بینیم که گاه اکثر کالاها و خدمات توسط نهادهای خاص به اسم تنظیم بازار و دفاع از حقوق مصرف کنندگان تعیین می‌شد، اما غالب متفکرین و اندیشمندان اسلامی به ویژه فقیهان و اقتصاددانان، با عنایت به ادله شرعی و آثار بلند مدت تعیین دستوری قیمت‌ها توسط دولت، آن را به ضرر اقتصاد دانسته و ممنوع می‌دانند و معتقدند تعیین دستوری قیمت‌ها افزون بر اینکه موجب تضییع حقوق تولیدکنندگان می‌شود اگر استمرار داشته باشد موجب افت کیفیت محصولات و در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

بلندمدت موجب کاهش تولید و عدم تعادل در بازارها شده رفاه عمومی را کاهش می‌دهد که همه این‌ها در تعارض جدی با اصول اقتصاد مقاومتی است.

در این تحقیق برآن هستیم با اتکا به ادله شرعی، موضوع قیمت‌گذاری از منظر فقه اسلامی را بررسی کنیم. فرضیه تحقیق که از چند بند مترتب بر هم شکل گرفته عبارتند از:

۱. در شرایط عادی و طبیعی بازار هیچ کس حق قیمت‌گذاری نداشته و قیمت توسط بازار وتوافق طرفین تعیین می‌شود.
۲. در شرایط غیر طبیعی چون احتکار، انحصار و تبانی، دولت اسلامی موظف به اجبار محتکر و انحصارگر به عرضه کالاست اما حق قیمت‌گذاری ندارد.
۳. چنانچه محتکران و انحصارگران حاضر به عرضه کالاها به قیمت عادلانه نباشند و این موجب ضرر و ضرار جامعه شود حاکم اسلامی می‌تواند آنان را وادار به کاهش قیمت کند.
٤. در صورت امتناع فروشندگان از قیمت عادلانه، حاکم اسلامی می‌تواند اقدام به تعیین قیمت کند.
۵. چنانچه به هر دلیل کار به تعیین قیمت به صورت دستوری برسد، حاکم شرع موظف است با مراجعه به دیدگاه کارشناسی قیمت‌ها را به گونه‌ای (عادلانه) تعیین کند که نه به ضرر فروشنده و نه به ضرر خریدار باشد.

در این تحقیق گرچه از دیدگاه فقیهان استفاده می‌شود، لکن روش تحقیق، استدلالی و بر اساس اجتهاد مرسوم در علم فقه و مبتنی بر ادله شرعی است. براین اساس ابتدا گزارشی از ادبیات و پیشینه بحث ارائه می‌گردد سپس مقتضای ادله شرعی اعم از عمومات، اطلاقات و روایات خاص بررسی می‌شود و بعد از نقد و بررسی دیدگاه‌های مختلف فقهی، دیدگاه برگزیده را ارائه می‌دهیم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

پیشینه تحقیق

بحث از مبانی قیمت‌گذاری از منظر فقه اسلامی به طور غالب در ضمن کتاب‌های تجارت، بیع و مکاسب مطرح است و معمولاً فقیهان در بحث احتکار از آن سخن گفته‌اند و در عین حال کتب و مقالاتی نیز به صورت مستقل به بررسی این موضوع پرداخته است که برخی از آن‌ها بدین قرار است.

منتظری، حسینعلی(١٤٠٦ ق) در کتابی تحت عنوان "رسالهٔ فی الأحتکار و التسیعر"، ابتداء با معیار قرار دادن روایات و طرح دیدگاه‌های فقیهان درباره احتکار، حکم آن را از جهت حرمت یا کراهت، مورد بررسی قرار داده و در نهایت موضوع قیمت‌گذاری را مطرح ساخته است، وی با توجه به روایات و دیدگاه فقیهان نتیجه می‌گیرد که در شرایط طبیعی بازار، قیمت‌گذاری جایز نیست. اما در شرایط خاص مثل احتکار و انحصار و... بر اساس قواعد عام، ابتداء باید به مقدار ضرورت اکتفاء کرد که همان اجبار محتکر برعرضه کالاست و چنانچه مالک، کالا را به قیمت ظالمانه عرضه کرد حکومت به ناچار برای رفع مشکل، دخالت کرده و کالا را به قیمهٔ المثل عرضه می‌کند.

محقق داماد، مصطفی(١٣٦٢ش) درکتاب "تحلیل و بررسی احتکار از نظرگاه فقه اسلامی"، که با رویکرد فقهی و اجتهادی، مسأله احتکار و قیمت‌گذاری را با توجه به ادله شرعی از کتاب و سنت و دیدگاه فقیهان شیعه و سنی بررسی نموده است به این نتیجه می‌رسد که در صورت احتکار، محتکر ابتداء مجبور به عرضه کالا می‌شود و در صورت اجحاف در قیمت، امر به تنزّل از قیمت اجحافی می‌شود.

شفیعی، سیدعلی (١٣٧٧ش) درکتاب "الاحتکار و ما یلحقه من الاحکام و الآثار"، با رویکرد فقهی- استدلالی، بعد از بیان مفصل مسأله احتکار و حکم آن با توجه به ادله موجود از کتاب و سنت، بحث را به مسأله قیمت‌گذاری می‌برد. نویسنده، اختلاف بین فقیهان در مورد لزوم قیمت‌گذاری یا ممنوعیت آن را یک اختلاف لفظی می‌داند نه واقعی،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

و بر این باور است که کسانی که قائل به ممنوعیت قیمت‌گذاری هستند ناظر به وضع طبیعی و عادی بازار بوده و یا اینکه وقتی محتکر مجبور به فروش کالا می‌شود بدون هیچ محذوری کالا را به قیمت عادلانه عرضه می‌کند که نیازی به قیمت‌گذاری نیست وکسانی که معتقدند قیمت‌گذاری لازم است ناظر به صورت امتناع محتکر از بیع کالا به قیمت عادلانه هستند.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان "رفتار پیامبر و امامان در برابر نوسان قیمت‌ها"، با اشاره به جریان پولی صدر اسلام، رابطه قیمتی درهم و دینار و رابطه وزنی آنها را مورد توجه قرار داده و وقوع نوسان قیمت‌های نسبی و سطح عمومی قیمت‌ها را با توجه به روایات و منابع تاریخی اثبات می‌کند و در ادامه با رویکرد اجتهادی، مسأله تعیین قیمت‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

حسینی، سیدرضا (۱۳۸٤) در مقاله‌ای تحت عنوان "قیمت‌گذاری از دیدگاه فقه و اقتصاد"، با رویکرد میان رشته‌ای می‌کوشد از دو حوزه معرفتی فقه و اقتصاد و از افقی ویژه، قیمت‌گذاری دولت بر کالاها و خدمات را بررسی نماید. هدف اصلی این مقاله اثبات عدم جواز قیمت‌گذاری حتی در شرایط احتکار و انحصار، توسط دولت است.

آنچه در این مقاله می‌آید، بیان منسجم و ساماندهی شده ادله عام و خاص است که مقتضای هر یک از ادلّه به صورت مستقلّ مورد بررسی واقع شده و مراحل تعیین قیمت بر کالاها و خدمات نیز به صورت مرتّب و بر اساس شرایط مختلف مطرح شده است.

۱. مقتضای ادله سرعی پیرامون موضوع قیمت‌گذاری

در مسأله جواز یا عدم جواز قیمت‌گذاری از سوی حاکم اسلامی، به دو دسته دلیل برمی‌خوریم: دسته اول قواعد عامی است که در فقه معاملات به طور عامّ، مورد استفاده واقع شده است. دسته دوم، روایاتی که در خصوص موضوع قیمت‌گذاری در منابع روایی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

وارد شده و مورد استناد فقیهان قرار گرفته است. بدیهی است که قواعد عام در صورتی که دلیل خاصی در مسأله نباشد دلیل بر حکم می‌شوند. از این رو، ابتداء ادلّه عامّ بررسی و در ادامه، روایاتی را که در خصوص مسأله قیمت‌گذاری وارد شده مطرح می‌کنیم:

- مقتضای قواعد عام

گروهی از عمومات شرعی، بیانگر آزادی افراد نسبت به چگونگی رفتار ایشان در اموال خود می‌باشد و یکی از این رفتارها، تعیین قیمت اموال و خدمات می‌باشد که آزادی در انتخاب قیمت، از این عمومات قابل استفاده است. دسته دیگر از این عمومات، إذن مالک را برای تصرف در مال او شرط نموده است و با توجه به اینکه، اجبار مالک بر عرضه کالای خود به قیمت خاص، محدود ساختن آزادی او نسبت به مال خود بوده و عدم رضایتمندی او را در پی دارد، از این رو می‌توان در این بحث از این دسته نیز بهره جست. لکن با توجه به وفور روایات خاص در زمینه قیمت گذاری، به ذکر یک آیه و دو روایت از عمومات، بسنده می‌کنیم و عمده بحث را به بررسی روایات خاص موکول می‌کنیم.

- آیه تجارت

«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا لاَ تَأْکُلُوا أَمْوَالَکم بَینَکم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَن تَکونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِنْکمْ» (نساء/۲۹) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به باطل نخورید، مگر آنکه تجارتی با تراضی از شما باشد».

طبق این آیه، علاوه بر اینکه تصرف مردم در اموال یکدیگر باید بر اساس تجارت صورت پذیرد، لازم است توأم با رضایت متعاملین نیز باشد و چنانچه تجارتی در بین نباشد یا براساس رضایت انجام نگیرد، أکل مال به باطل بوده، حرام و ممنوع است، با توجه به اینکه تعیین قیمت بر کالا به صورت دستوری، موجب عدم رضایت فروشنده می‌شود، به

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مقتضای این آیه، نمی‌توان حکم به جواز تعیین قیمت نمود و اصل بر عدم جواز دخالت حاکمیّت در امر تعیین قیمت می‌باشد.

- روایت «الناس مسلطون علی أموالهم»

با اینکه این حدیث، به لحاظ سندی با ضعف مواجه است؛ امّا با توجه به اینکه مورد توجه فقیهان قرار گرفته و مشهور به آن عمل کرده‌اند، لذا ضعف آن نیز از این طریق، قابل جبران است و می‌توان به آن اعتماد نمود.

فقیهان، این روایت را در جهت اثبات مطلق تصرفات مالک در مال خود بکار می‌گیرند و آزادی افراد نسبت به اموال خود را اثبات می‌نمایند (بجنوردی، القواعد الفقهیّه، ۱٤۱۹ق: ۳۸۱/٦؛ ابن ادریس حلّی، ۱٤۱۰ ق: ٤٥۳/۲) و از آنجایی که تعیین قیمت بر کالای مالک با این آزادی عمل در تصرفات مالکانه و تسلّط او بر مال خود، منافات دارد پس مطابق این قاعده، تعیین قیمت بر کالاها و اجبار افراد بر عرضه آنها بر اساس قیمت خاص، ممنوع است.

- روایت «لا یحل مال امری مسلم إلا بطیب من نفسه»

در این روایت که در متون روایی، از حضرت پیامبر اکرم(ص) نقل شده (حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ۱٤۰۹ق: ۱۲۰/۵) تصرّف در مال دیگران با رضایت آنها، جایز و حلال شمرده شده است و چنانچه این رضایت از طرف هر یک از مالک‌ها نباشد، مال آنها بر یکدیگر حلال نخواهد شد؛ گرچه از راه تجارت آن را کسب کرده باشند. بنابراین اگر مالک مجبور باشد کالای خود را به قیمتی عرضه کند که راضی به آن نیست کسی که کالا را با آن قیمت تهیه می‌کند، حق تصرف در آن را پیدا نمی‌کند. و از آنجایی که تعیین قیمت، نارضایتی مالک را به دنبال دارد؛ لذا نمی‌توان تعیین قیمت را موافق قاعده قلمداد کرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

- نتیجه عمومات

مطابق قواعد عمومی فقه معـاملات، مـردم در مصـرف امـوال خودشـان آزادنـد و تصـرف دیگران نیز موقوف به رضایت مالک است و با توجه به اینکه تعیین قیمت با آزادی مـذکور منافات داشته و نارضایتی مالک را به دنبال دارد لذا تعیین قیمت بر کالاهـا مخـالف قواعـد شرعی است (علامه حلّی، ۱۳۳۳ق: ۱۰۰۷).

- روایات خاص قیمت‌گذاری

تعیین قیمت توسط حکومت، از جمله مسائلی است کـه از زمـان پیـامبر اکـرم(ص) مـورد بحث و گفتگو بوده و بر اساس روایات موجود، مردم در موارد مختلف بـا مراجعـه بـه آن حضرت و امامان معصوم(ع) درخواست تعیین قیمت بر را کالاها می‌نمودند. آنچـه در ذیـل می‌آید روایاتی است که با موضوع تسعیر و قیمت‌گذاری در متون روایـی وارد شـده اسـت که با نگاهی منطقی و علمی، می‌توان آنها را به سه گروه تقسیم نمود:

- در شرایط طبیعی تعیین قیمت از اختیارات مالک است

گروه اوّل از روایات بر این معنا دلالت دارند که مالک می‌تواند کالای خود را به هر قیمتـی که بخواهد به فروش برساند و دلالت التزامـی آن ممنوعیـت قیمـت‌گـذاری توسـط دولـت می‌باشد. در این روایات فرض بر این است که شرایط طبیعی بر بازار حاکم است. منظور از شرایط طبیعی آن است که اوضاع بازار و همینطور نوسان قیمت‌ها، معلـول عوامـل طبیعـی همچون، افزایش یا کاهش کـالا، و همینطـور میـزان عرضـه و تقاضـا اسـت و هـیچ عامـل غیرطبیعی از قبیل احتکار، انحصار و یا تبانی در جریان بازار دخالت ندارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

روایت اول: صحیحهٔ سلمهٔ حنّاط

سلمهٔ حنّاط (گندم فروش) از امام صادق(ع) نقل می‌کند که فرمود: «هرگاه در شهر، کالایی بیش از آنچه که یک نفر از مردم می‌خرد موجود باشد (بگونه‌ای که همه مردم بتوانند آن کالا را تهیه نمایند)، بر او رواست که با متاع خود زیادتی را طلب کند (آن را به قیمت بالایی بفروشد)، چون اگر کالا به مقداری باشد که به همه مردم برسد قیمت آن کالا به جهت کار این فروشنده، گران نمی‌شود. بلکه قیمت، در صورتی در بازار افزایش می‌یابد که یک نفر هرآنچه که وارد شهر می‌شود را خریداری نماید» (صدوق، ۱۳۹۸ق: ۳۸۹).

در این روایت دو حالت برای بازار فرض شده است: یک حالت اینکه همه مردم دسترسی به کالا داشته و می‌توانند آنرا تهیه نمایند. حالت دوم اینکه یک نفر بطور انحصاری کالا را خریداری کرده و سایر مردم دسترسی به آن نداشته باشند. حالت اوّل همان حالت طبیعی بازار است که طبق روایت، صاحب کالا می‌تواند سود دلخواه خود را با فروش کالا بدست آورد و این کار در میزان قیمت‌ها تأثیری نخواهد گذاشت. بنابراین حاکم نمی‌تواند این اختیار را از صاحبان کالاها سلب کرده و آنها را مجبور به عرضه کالا با قیمتی که حاکم تعیین کرده، نماید.

روایت دوم: صحیحهٔ حلبی

«حلبی گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره کسی که کالا را ذخیره کرده و منتظر می‌ماند (تا آنرا به قیمت بالایی بفروشد) سؤال کردم که آیا چنین کاری جایز است یا نه؟ حضرت فرمودند: اگر کالا در بازار زیاد باشد به گونه‌ای که مردم به راحتی توانایی خرید آنرا داشته باشند اشکالی ندارد و اما اگر کالا در بازار نایاب بوده و مردم به آسانی قدرت تهیه آنرا نداشته باشند در این صورت جایز نیست صاحب کالا، آنرا احتکار کرده و مردم را در حالی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

که کالا در بازار موجود نیست رها کند» (کلینی، ۱٤۰۸ق: ۵/ ۱٦۵و طوسی، ۱٤۰۷ق: ۱٦۰/۷ و همان، ۱۳۹۰ق: ۱۱۵/۳ و حرّ عاملی، ۱٤۰۹ق: ٤۱٤/۱۷).

در این روایت نیز دو حالت برای بازار فرض شده است یکی فراوانی کالا و دیگری کمبود آن در بازار. چنانچه شخص در حالت فراوانی، اقدام به احتکار کالا نموده و به امید گران شدن قیمت در آینده از عرضه آن خودداری نماید، از دیدگاه اسلام بلامانع است. لازمه چنین حقّی این است که کسی او را به خاطر این کار نکوهش نکرده و او را مجبور به عرضه کالای خود نکند. بنابراین حاکم نمی‌تواند در شرایط طبیعی بازار، افراد و صاحبان کالاها را مجبور به فروش کالاهای خود کرده و قیمت خاصی را بر آنها وضع نماید.

جمع‌بندی روایات گروه اوّل

حاصل دلالت گروه اول از روایات این است که در شرایط طبیعی و عادی بازار، تعیین قیمت فقط بدست مالک و صاحب کالا می‌باشد و لازمه این دلالت آن است که کسی حق اعتراض و تعرّض نسبت به آن نداشته و تعیین قیمت توسط دیگری مجاز نیست.

- حاکم اسلامی در شرایط طبیعی بازار نمی‌تواند قیمت‌گذاری کند

تفاوت این گروه دوّم از روایات با گروه اوّل این است که در گروه نخست، استفاده حکم (ممنوعیت قیمت‌گذاری از سوی حاکم بر کالاها) به دلالت التزامی ممکن بود؛ امّا در گروه دوّم به دلالت مطابقی، حکم یاد شده قابل اثبات است.

روایت اوّل: مرسل صدوق

مرحوم صدوق در کتاب «من لایحضره الفقیه» و نیز در کتاب «توحید» چنین نقل می‌کند که: «به رسول خدا(ص) عرض شد: کاش برای ما نرخ کالاها را تعیین می‌کردید؛ زیرا نرخ‌ها در نوسان است و بالا و پایین می‌رود. حضرت فرمودند: من کسی نیستم که خدا را

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

با بدعتی که درباره آن سخنی با من نفرموده است ملاقات کنم؛ پس بندگان خدا را به حال خود واگذارید تا از یکدیگر استفاده کنند و هر گاه از شما راهنمایی خواستند راهنمایی کنید» (صدوق، ١٤١٣ق: ٢٦٨/٣ و همان، ١٣٩٨ق: ٣٨٨ و حرّ عاملی، همان).

این روایت گرچه مرسل است، امّا از یک طرف با لفظ «قال» نقل شده و از سوی دیگر فقیهان به آن عمل نموده‌اند؛ از این رو ضعف روایت، جبران شده و می‌توان به آن عمل کرد. از ظاهر چنین روایت برمی‌آید که درخواست اصحاب از حضرت در مورد تعیین قیمت کالاها، مربوط به شرایط عادی و طبیعی بازار بوده و نوسان قیمت‌ها در اثر عوامل طبیعی اتفاق می‌افتد؛ چرا که در شرایط خاص، مثل: احتکار، صورت ارزانی قیمت‌ها متصور نیست؛ پس اینکه اصحاب دلیل درخواست خود را گاه ارزانی و گاه گرانی کالاها بیان می‌دارند، استفاده می‌شود که در شرایط طبیعی چنین خواسته‌ای را اظهار داشته‌اند و حضرت نیز تعیین قیمت را بدعتی دانسته‌اند که حکمی از سوی شارع مقدس مبنی بر جواز آن بیان نشده است.

روایت دوّم: مرسل دعائم الأسلام

در کتاب «دعائم الأسلام» از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که حضرت در پاسخ به سؤالی درباره قیمت‌گذاری فرمودند: «امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای هیچ کس قیمت تعیین نکرد و امّا هر کس در مقایسه با معاملات رایج مردم فروگذاری می‌کرد به وی گفته می‌شد: همان گونه که مردم خرید و فروش می‌کنند عمل کن و گرنه از بازار کناره گیر! مگر اینکه کالای او بهتر از کالای دیگران بوده باشد» (تمیمی مغربی، ١٣٨٥ق: ٣٦/٢ و نوری، ١٤٠٨ق: ٢٧٧/٣).

در این روایت امام صادق علیه السلام با تمسّک به شیوه امیرالمؤمنین علیه‌السلام از تعیین قیمت خودداری می‌کند و این عملکرد حضرت، بر ممنوعیت قیمت‌گذاری دلالت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

دارد. در حالیکه اگر تنها شیوه امیرالمـؤمنین علیـه‌السـلام در برخـورد بـا تجّـار متخلّـف را ملاحظه کنیم هیچ دلالتی بر ممنوعیت قیمت‌گذاری از آن استفاده نمـی‌شـود و باتوجـه بـه اطلاق روایت، می‌توان حکم یاد شده را در همه شرایط ثابت دانست. پـس مـی‌تـوان عـدم جواز قیمت‌گذاری در شرایط عادی بازار را هم از این روایت استفاده نمود.

روایات سوّم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم:

این دسته از روایات بر این معنا دلالت دارند که تدبیر قیمت‌هـا یـک أمـر غیبـی بـوده و از دست انسان‌ها خارج است و ائمه معصومین(ع) نیز با بیان این مطلب، هر گونـه مسـؤولیتی را نسبت به تعیین قیمت، از خود سلب نموده‌اند:

۱. مرسل ابی‌حمزه ثمالی:

«ابوحمزه ثمالی نقل می‌کند که: نزد امام سجاد علیه‌السلام سخنی از گرانی قیمت‌ها به میـان آمد حضـرت فرمودنـد: از گرانـی آن، تکلیفـی متوجـه مـن نیسـت. اگـر گـران شـود، بـا او(خدا)ست و اگر ارزان شود نیز با اوست» (طوسـی، ۱٤۰۷ق: ۳۲۱/٦ و صـدوق، ۱٤۱۳ق: ۲٦۷/۳ و کلینی، ۱٤۰۸ق: ۸۱/۵ و حرّ عاملی، ۱٤۰۹ق: ٤۳۱/۱۷).

بـا قطـع نظـر از ضـعف سـندی، مـی‌تـوان ایـن روایـت را از جملـه ادلّـه ممنوعیّـت قیمت‌گذاری مطرح کرد؛ به این بیان که: طرح مسأله گرانی قیمت‌ها نزد امام، با ایـن هـدف انجام شده است که از سوی امام قیمت خاصی بر کالاها وضع شود؛ امّا حضرت در پاسـخ، چنین مسئولیتی را از خود سلب نموده و امر تـدبیر قیمـت‌هـا را بـه خـدای متعـال نسـبت می‌دهد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۲. صحیحهٔ ابی‌حمزه ثمالی:

«ابوحمزه ثمالی از امام سجاد علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود: خـدای متعـال، فرشـته‌ای را بر نرخ‌ها گمارده است تا امر آنرا تنظیم و تـدبیر کنـد» (کلینـی، ۱۳٦۵ش: ۱٦۳/۵؛ صـدوق، ۱٤۱۳ق: ۲٦۸/۳ و ۱۳۹۸ق: ۳۸۹؛ حرّعاملی، ۱٤۰۹ق: ٤۳۲/۱۷).

۳. مرسل محمد بن أسلم:

محمد بن أسلم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «خـدای متعـال بـرای امـر قیمتها فرشته‌ای را گمارده است که آنها را تدبیر کند تا قیمتها در اثر قلّت و کثرت، گـران و ارزان نشوند» (کلینی، ۱۳٦۵ش: ۱٦۲/۵؛ حـرّ عـاملی، ۱٤۰۹ق: ٤۳۱/۱۷؛ مجلسـی، ۱٤۰٤ق: ۱٤۷/۵).

دلالت این دو روایت بر ممنوعیت قیمت‌گذاری چندان روشن نیست؛ از این رو گروهـی از فقیهان، این دو روایت را به عنوان مؤیّد بر ممنوعیت قیمـت‌گـذاری برشـمرده‌انـد (نجفـی، ۱۳٦۸ش: ٤۸٦/۲۲):

– انس بن مالک نقل می‌کند که:

«مردم خدمت حضرت پیامبر صلّی الله علیه و آله عرضه داشتند: یا رسول الله قیمت‌هـا بـالا رفته و گران شده اسـت بـرای مـا قیمـت تعیـین نماییـد. حضـرت فرمودنـد: همانـا خـدا قیمت‌گذار است و هموست که روزی‌ها را می‌بندد و می‌گشاید و رزق می‌بخشد و هر آینـه من امیدوارم که خدا را دیدار کنم در حالی که هیچ یک از شما در خون و یـا مـال، از مـن دادخواهی نکند.» (القزوینی، بی‌تا: ۷٤۱/۲ و السجستانی، ۱٤۱۰ق: ۱۳٤/۲ و البیهقی، بـی‌تـا: ۲۹/٦).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

- ابوهریرهٔ نقل می‌کند که:

نمردی نزد رسول خدا صلّی الله علیه و آله آمده و عرضه داشت: ای رسول خدا قیمت تعیین کن. حضرت فرمود: بلکه دعا می‌کنم. مرد دیگری آمده و عرض کرد: ای رسول خدا قیمت تعیین کن. حضرت فرمودند: این خداست که قیمت‌ها را بالا و پایین می‌برد و من امیدوارم خدا را در حالی ملاقات کنم که ظلمی از من به کسی نرسیده باشد» (محمد بن یزید القزوینی: بی‌تا: ۱۳۵/۲؛ ابوداود سلیمان، بی‌تا: ۳۱۰/۹؛ بیهقی، بی‌تا: ٤٠٥/٤).

این دو روایت نیز مطلق بوده و شامل تمام شرایط حاکم بر بازار می‌شوند و نمی‌توان ادعاء کرد که مختص به شرایط خاصی از قبیل احتکار، انحصار و امثال آن است زیرا گرانی قیمت‌ها همانطور که در شرایط احتکار، انحصار و تبانی ممکن است، در شرایط عادی و طبیعی بازار نیز محقق است. بنابراین این دو روایت در فرض شرایط طبیعی نیز قابل طرح هستند و حضرت به طور مطلق، قیمت‌گذاری را از مصادیق ظلم به بندگان قلمداد کرده است.

روایت هشتم: مردم باید آزاد باشند

جابر از حضرت پیامبر اکرم(ص) نقل می‌کند که فرمود: «بندگان خدا را به حال خود واگذارید. پس خدا روزی برخی را از برخی دیگر تأمین می‌نماید و چنانچه کسی، از شما مشورتی خواست با او به خیرخواهی رفتار نمایید» (حافظ احمد البوصیری، ١٤٢٠ق: ۲۸۳/۳).

روایت نهم: دخالت در قیمت‌ها آتش جهنم را به دنبال دارد

معقل بن یسار نقل می‌کند: «از حضرت پیامبر اکرم(ص) شنیدم که فرمود: اگر کسی در بازار مسلمین وارد شده و بخواهد قیمت‌ها را افزایش دهد تا گرانی حاصل شود بر خدا

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

است که جایگاه او را در روز قیامت در آتش قرار دهد» (حافظ احمد البوصیری، ۱٤۲۰ق: ۲۸۲/۳).

مطابق این دو روایت نیز، هیچ کس، حقّ دخالت در قیمت بازار را نداشته و قیمت‌ها تابع عوامل طبیعی بازار هستند.

جمع‌بندی و نتیجه بحث‌روایی

از روایاتی که بیان شد می‌توان چنین نتیجه شود که در شرایط عادی و طبیعی بازار، هیچ کس حقّ اعمال زور نداشته و نمی‌تواند قیمت خاصی را بر بازار تحمیل و به دنبال آن صاحبان کالاها را مجبور به تبعیت از آن قیمت نماید.

در شرایط خاص صاحبان کالا مجبور به عرضه کالا می‌شوند

برخی روایات حکایت از این می‌کنند که حتی در شرایط خاص اقتصادی نیز تعیین قیمت صحیح نیست و از منظر اسلام راه جلوگیری از آنها، روش دیگری می‌طلبد. شرایط خاص که می‌توانند جریان عادی بازار را تحت تأثیر قرار داده و به سمت و سوی خاصی هدایت کنند، عبارتند از: احتکار، انحصار و تبانی، برخی از تجّار با إعمال سیاست ویژه و بهره‌برداری خاصّ از آن، به دنبال اهداف سودجویانه خود هستند؛ از این رو روایات مربوط به هر یک از این عناوین را جداگانه بحث می‌کنیم:

الف) وضعیت احتکار

روایت اوّل: صحیحهٔ عبد الله بن منصور

عبدالله بن منصور از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود: «در زمان پیامبر گندم تمام شد، مسلمانان نزد حضرت آمده و عرضه داشتند: ای پیامبر خدا گندم تمام شده و جز نزد فلانی در جایی وجود ندارد به او فرمان ده تا آنرا به مردم بفروشد پیامبر حمد و ثنای خدا

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

کرده و فرمود: ای فلان! مسلمانان گفتند که گندم تمام شده و تنها اندکی نزد تو باقی است آنرا بیرون آر! و هر طور که خواهی بفروش و آنرا حبس نکن» (کلینی، ۱٤۰۸ق: ۱٦۵/۵ و طوسی، ۱۳۹۰ق: ۱۱٤/۳).

دلالت حدیث بر اینکه می‌توان محتکر را مجبور به فروش کرد، گویا و شفاف است؛ امّا اینکه قیمت‌گذاری به طور مطلق ممنوع است یا در موارد خاصی جایز می‌شود؟ از این روایت قابل استفاده نیست و فقیهان نیز در این جهت اختلاف دارند، که در طرح دیدگاه‌های فقهی بحث خواهیم نمود.

روایت دوّم: روایت ضمره

ضمره از امیرالمؤمنین نقل می‌کند که فرمود: «روزی پیامبر بر محتکرین عبور کرده و دستور داد کالای احتکار شده را به بازار و جایی که در دید مردم است روانه سازند. عده‌ای به حضرت عرضه داشتند: کاش بر آنها قیمت تعیین نمایی. حضرت از این سخن غضبناک شدند به اندازه‌ای که غضب از چهره ایشان پیدا بود پس فرمودند: من بر ایشان قیمت تعیین کنم؟ قیمت فقط و فقط بدست خداوند متعال است و هر وقت بخواهد آنرا بالا می‌برد و هر وقت بخواهد آنرا پایین می‌آورد» (طوسی، ۱۳۹۰ق: همان، ۱٤۰۷ق: ۱٦۷/۷ و حرّعاملی، ۱٤۰۹ق: ۲۲۹/۱۷ و ٤۳۰).

با اینکه سند این روایت ضعیف بوده و نمی‌توان برای اثبات مطلب به آن استدلال کرد، امّا با قطع نظر از این ضعف، دلالت آن، هم بر اجبار محتکرین و هم بر ممنوعیت قیمت‌گذاری بر کالای احتکار شده، روشن است. علاوه بر اینکه حضرت در چنین شرایطی نیز أمر قیمت‌ها را به خدا واگذار نموده و خود را در این جهت بی‌اختیار می‌داند؛ امّا این سؤال مطرح است که آیا محتکرین می‌توانند به هر قیمتی که بخواهند کالا را در بازار عرضه کنند گرچه قیمتی باشد که مردم قدرت خرید با آن قیمت را نداشته باشند؟ از این

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

روایت حکم این فرض استفاده نمی‌شود.

روایت سوّم: مرسل دعائم الأسلام

در دعائم الأسلام روایتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده که ایشان به رفاعۀ بن شداد بجلی، قاضی اهواز چنین نوشتند: «مردم را از احتکار پرهیزدار و هر کس احتکار کرد او را کیفری دردناک ده و سپس با بیرون آوردن اجناس احتکار شده او را مجازات کن» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵ق: ۳۶/۲ و نوری، ۱٤۰۸ق: ۲۷۷/۱۳).

دلالت این روایت نیز با قطع نظر از ضعف سندی روشن است؛ چرا که در آن، هیچ دستوری نسبت به قیمت‌گذاری داده نشده و حضرت عقوبت محتکرین را اجبار بر عرضه کالا می‌داند.

روایت چهارم: نامه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک اشتر

در عهدنامه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک اشتر چنین آمده است: «پس، از احتکار جلوگیری کن که پیامبر از آن جلوگیری می‌نمود. باید خرید و فروش در جامعه اسلامی به سادگی و با موازین عدل انجام گیرد. با نرخ‌هایی که به فروشنده و خریدار زیانی نرساند کسی که پس از منع تو احتکار کند او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود اما در کیفر او اسراف نکن» (سیدرضی، ۱٤۱٤ق: ٤۳٦ و نوری،۱٤۰۸ق: ۲۷۵/۱۳ و حرّ عاملی، ۱٤۰۹ق: ٤۲۷/۱۷).

سند این عهدنامه معتبر بوده و اشکالی از این جهت متوجه این روایت نمی‌باشد (نجاشی، ۱٤۰۷ق: ۵۳ و طوسی، ۱٤۰۷ق: ۱۱۵) و دلالت آن نیز بر اجبار محتکرین بر عرضه کالاهای خود روشن است؛ امّا از آن جهت که می‌توان بر کالای محتکرین قیمت تعیین کرد، دلالت روشنی ندارد و از واژه «عقوبت» هم که در روایت آمده، نمی‌توان در این جهت استفاده‌ای نمود؛ بنابراین این روایت دلالتی بر جواز قیمت‌گذاری ندارد. همانطور که

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

ممنوعیت آن نیز استفاده نمی‌شود.

از مجموع روایات شده در موضوع احتکار نتیجه می‌گیریم که باید محتکرین، کالاهای خود را به مردم عرضه کنند و به هر قیمتی که خواستند به ایشان بفروشند و تعیین قیمت بر آنها جایز نیست؛ امّا سؤال این است که عدم جواز قیمت‌گذاری در این مورد به طور مطلق ثابت است یا بسته به شرایط خاصی است؟

ب) وضعیت انحصار

منظور از انحصار این است که یک یا چند نفر تمام کالاها را در اختیار داشته و گردش بازار را بدست گیرند و هر وقت که خواستند کالا را روانه بازار کرده و هر زمان که بخواهند بازار را از جنس مورد نیاز مردم خالی نگه دارند تا با هر قیمتی که می‌خواهند آن را در فرصت مناسب به فروش رسانند.

روایت اوّل: صحیحه سلمه حنّاط

«سلمه حنّاط (گندم فروش) نقل می‌کند که امام صادق علیه‌السلام از من در مورد شغلم سؤال فرمود. عرض کردم گندم فروش هستم و گاهی وقت‌ها بازار رواج خوبی دارد و پاره‌ای از اوقات کساد است و ناچار آن را انبار می‌کنم، فرمود: درباره آن، علمای آن دیار چه می‌گویند؟ عرض کردم می‌گویند: محتکر است، فرمود: غیر از تو کسی هست که آن را بفروشد؟ عرض کردم: «من از هزار جزء، جزئی بیش نمی‌فروشم» (یعنی من از هزار فروشنده، یک فروشنده بیش نیستم). فرمود: در این صورت اشکالی ندارد، مردی از قریش بود که به او حکیم بن حزام می‌گفتند و شیوه‌اش این بود که هر گاه گندم و خواربار وارد مدینه می‌شد او همه آن را یک جا می‌خرید، و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله گذرش بر وی افتاد. او را نصیحت کرده، فرمود: ای حکیم پسر حزام! زنهار از اینکه ارزاق مردم را انبار کنی و به انتظار گران شدن آن باشی» (شیخ طوسی، ۱۳۹۰ق: ۱۱۵/۳ و همان، ۱٤۰۷ق:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۱٦۰/۷ و کلینی، ۱٤۰۸ق: ۱٦۵/۵ و شیخ صدوق، ۱٤۱۳ق: ۲٦٦/۳ و حرّ عاملی، ۱٤۰۹ق: ٤۲۸/۱۷).

ذیل روایت که مربوط به داستان حکیم بن حزام است مربوط به موضوع انحصار می‌شود که پیامبر، او را از این کار نهی فرمود و از آنجایی که امام صادق علیه السلام این داستان را بر وضعیت سلمه حنّاط تطبیق نمودند استفاده می‌شود که حکم احتکار و انحصار متّحد است.

روایت دوّم: عهدنامه مالک اشتر

یکی دیگر از روایاتی که می‌توان از آن، حکم انحصار را استفاده کرد عهدنامه امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر می‌باشد که حضرت در آن، توصیه‌های متعددی را نسبت به تجّار بیان نموده و می‌فرمایند: «... این را هم بدان که در میان بازرگانان کسانی هستند که تنگ نظرند و بر معامله بخیل بوده و احتکار کننده منافع هستند و در معاملات سخت می‌گیرند و این برای جامعه زیانبار و عیب بزرگی بر زمامدار است. پس از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا از آن جلوگیری می‌کرد... » (سید رضی، ۱٤۱٤ ق: ٤۳٦).

مرحوم میرزا حبیب‌الله خویی از شارحین نهج البلاغه، تعبیر «احتکار منافع» را غیر از «احتکار کالا» بیان کرده و معتقد است که احتکار منافع خارج از مصطلح فقهی احتکار است احتکار در اصطلاح فقهی بر احتکار اجناس اطلاق می‌شود نه احتکار منافع. ایشان از احتکار منافع به شرکت‌های انحصاری و انحصارات سرمایه‌ای تعبیر می‌کند که در آنها احتکار کالا وجود ندارد (هاشمی خویی، ۱۳۵۸ ش: ۲۷٤/۲).

به هر حال حضرت، احتکار منافع را هم منشأ ضرر برای عموم مردم معرفی نموده و به حکم اسلام باید جلوی این ضرر گرفته شود؛ پس یکی دیگر از وظایف حاکم، جلوگیری از احتکار منافع می‌باشد. علاوه بر اینکه باید از احتکار اجناس و کالاها نیز

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

جلوگیری نماید.

به هر حال، همانطور که از احتکار اجناس باید جلوگیری به عمل آید از احتکار منافع نیز باید جلوگیری شود؛ چرا که هر دو مورد، موجب ضرر بر عموم مردم است و لازمه نهی، این است که حاکم، بازار را به گونه‌ای کنترل نماید که زمینه برای استفاده عادلانه عموم مهیّا گردد؛ اما اینکه در این موارد بر حاکم لازم است که قیمت خاصی را تعیین نماید، از این عهدنامه استفاده نمی‌شود. (همان).

ج) وضعیت تبانی

از جمله شرایط خاص، وضعیت تبانی است و منظور از تبانی، قرار و تبانی بر کاری است که بین چند نفر تحقق می‌یابد. براساس روایات، تبانی تا زمانی که مقدمه معصیت نباشد بلامانع است. بنابراین اگر چند تاجر در مورد عرضه کالا با قیمت مشخصی با هم تبانی کنند چنانچه آن قیمت، اجحاف بر مردم و خریدار باشد باید از آن اجتناب کرد. که روایت ذیل دلالت روشنی بر این أمر دارد:

«ابوجعفر فزازی نقل می‌کند که روزی امام صادق علیه‌السلام غلام خود مصادف را خواست و به او هزار دینار داد و فرمود: آماده مسافرت به مصر شو. خانواده‌ام زیاد شده‌اند. مصادف جنس خریده و آماده شد و با عده‌ای از تجّار به طرف مصر حرکت کردند. همینکه نزدیک مصر رسیدند با قافله‌ای که از مصر خارج شده بود مواجه شده و از ایشان وضع اجناسی را که با خود به مصر می‌بردند را پرسیدند و آنها پاسخ گفتند که این جنس در مصر موجود نیست. کاروانیان با یکدیگر هم قسم و هم پیمان شدند که هر دیناری را به یک دینار سود بفروشند. پس از فروش، سود خود را برداشته و به طرف مدینه به راه افتادند. مصادف در حالیکه دو کیسه در دست داشت خدمت امام رسیده و عرضه داشت: فدایت شوم این کیسه، اصل سرمایه است و این کیسه هم سود آن. حضرت فرمودند: این

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

سود، زیاد است مگر شما چه کرده‌اید؟ مصادف شرح ماجرا را خدمت حضرت بیان کرد. حضرت با شنیدن آن فرمودند: سبحان‌الله شما هم قسم می‌شوید که به ازاء هر دینار یک دینار از مسلمانان سود بگیرید. پس کیسه هزار دیناری را برداشت و فرمود: من احتیاج به چنین سودی ندارم. سپس فرمود: ای مصادف! پیکار با شمشیر ساده‌تر از بدست آوردن روزی حلال است» (کلینی، ۱٤۰۸ق: ١٦٢/٥).

با این که حدیث از نظر سند ضعیف است، امّا ایرادی از این جهت وارد نمی‌شود؛ چرا که حرمت اجحاف بر مسلمانان، از قواعد کلّی که در جای خود به اثبات رسیده، ثابت است و امّا جواز تبانی بر غیر معصیت نیز با روایات خاصی ثابت می‌شود که یک مورد از آن را در اینجا می‌آوریم:

«عبدالله بن سلیمان از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که ایشان در مورد چند تاجری که وارد منطقه‌ای شده و هم پیمان می‌شوند که به هر قیمتی که خواستند جنس خود را بفروشند فرمود: اشکالی ندارد» (شیخ طوسی، ۱٤۰۷ق: ١٦١/٧ و شیخ صدوق، ۱٤۱۳ق: ٢٦٦/٣).

بنابراین گرچه این روایت‌ها از نظر سندی ضعیف هستند، اما مدلول آن‌ها با عمومات و روایات دیگر قابل اثبات است، یعنی تبانی بر انجام کار حرام، نامشروع؛ اما تبانی بر کار حلال، مشروع است.

جمع‌بندی روایات خاص

از مجموع احادیث پیامبر صلّی الله علیه و آله و روایات ائمه اطهارعلیهم‌السلام بدست می‌آید که در شرایط عادی و طبیعی بازار، کسی حق قیمت‌گذاری بر کالاها و اموال مردم را ندارد و در شرایط احتکار، حاکم اسلامی وظیفه دارد محتکران را به عرضه کالاها سفارش و در موارد امتناع، مجبور به عرضه نماید؛ امّا حق قیمت‌گذاری ندارد و تنها از نامه حضرت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

امیرالمومنین علیه‌السلام در عهدنامه مالک اشتر بدست می‌آید که فرمود: «داد و ستد باید سهل و با ترازوی درست و با بهایی صورت گیرد که بر هیچ یک از دو طرف معامله ستم نرود» (سیدرضی، ١٤١٤ ق: ٤٣٦). یعنی؛ در بازار اسلامی باید داد و ستد بر اساس موازین عادلانه و با قیمت‌هایی انجام گیرد که هیچ اجحافی نه در حق بایع و نه در حق مشتری روا نشود. چنانکه روشن است این مطلب هیچ دلالتی بر حق قیمت‌گذاری از طرف حاکم شرع ندارد و همانطور که برخی از شارحین نهج‌البلاغه توضیح داده‌اند: «ادعای ثبوت جواز یا لزوم تسعیر از روایات، خصوصاً از عبارت نقل شده از عهدنامه، مردود است» (هاشمی خویی، ۱۳۵۸ ش:٢٧٤/٣ و سید محمد باقر صدر، ١٤٠٧ ق: ٦٩١).

۲. دیدگاه‌های فقهی درباره قیمت‌گذاری

در این بخش به بیان دیدگاه فقیهان در موضوع قیمت‌گذاری و بررسی ادله آنها می‌پردازیم اما از آن جا که فقهاء در دو فصل شرایط طبیعی و شرایط خاص به بیان دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند ما نیز تحت دو عنوان به بررسی اقوال و نظرات مطرح شده می‌پردازیم.

قیمت‌گذاری در شرایط طبیعی

بررسی دیدگاه‌های مختلف در این مورد نشان می‌دهد که فقیهان در حکم به عدم جواز قیمت‌گذاری در شرایط طبیعی، اختلافی ندارند و مرحوم شیخ طوسی نیز از آن نفی خلاف نموده است (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق: ۱۹۵/۲). البته برخی از ایشان عدم جواز را موقوف به عدم رضایت صاحبان کالا نموده‌اند (حسینی شیرازی، بی‌تا: ۲۷۹) که این شرط، اختلافی بین فقیهان ایجاد نمی‌کند؛ چرا که اگر صاحبان کالا راضی به تعیین قیمت از جانب غیر باشند به مثابه این است که خود، بر کالا، قیمت تعیین کرده‌اند. آنچه در این مقام مهمّ است

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

بررسی ادلّه عدم جواز قیمت‌گذاری در شرایط طبیعی است که در ذیل به بیان آنها می‌پرداریم:

ادله عدم جواز قیمت‌گذاری در شرایط طبیعی

فقیهان معمولاً به عموماتی همچون «الناس مسلّطون علی اموالهم» و نظایر آن (علامه حلّی، ۱٤۱۰ق: ۵۱۵/۲ و همان، ۱٤۱٤ق:٦۹/۱۲ و شیخ طوسی، ۱٤۰۷ق: ۲۱۲/۳) و همینطور برخی از روایات خاصّ که در بخش اوّل مقاله ذکر شد تمسّک جسته‌اند. مرحوم شیخ طوسی در «مبسوط» و مرحوم علامه حلّی در «نهایه» به روایت ابی‌هریره استدلال کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق: ۱۹۵/۲ و علامه حلّی،۱٤۱۰ق: ۵۱۵/۲). در بیان استدلال به این روایت می‌توان گفت که: در شرایط طبیعی بازار، نرخ کالاها و خدمات، معلول عرضه و تقاضا و شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی است که همگی به نحوی به مشیت خداوند و اراده او در نظام هستی منتهی می‌شود، به همین جهت رسول خدا از تعیین قیمت بر کالاها اجتناب نمود.

سیدمحمد حسینی‌شیرازی نیز روایت ضمره را دلیل این دیدگاه قرار داده است (حسینی‌شیرازی، بی‌تا: ۲۷۹) و با اینکه این روایت مربوط به شرایط احتکار است، اما در ذیل آن که حضرت می‌فرماید: «قیمت فقط بدست خدا است و هر وقت بخواهد آنرا بالا می‌برد و هر وقت بخواهد آنرا پایین می‌آورد» یک حکم کلّی استفاده می‌شود که در هیچ حالی حتی در حالت احتکار کسی حق تعیین قیمت بر کالاها را ندارد.

وجه دیگری که در استدلال به این روایت می‌توان گفت این است که: اگر دلالت این روایت و روایات مشابه آن بر عدم جواز قیمت‌گذاری در شرایط احتکار تمام باشد، پس به طریق اولی می‌تواند دلیل بر عدم جواز آن در شرایط عادی نیز باشد.

لازم به ذکر است که سند روایت‌ها ضعیف بوده و از درجه اعتبار ساقط هستند و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

معلوم نیست که فقیهان با وجود احادیث صحیح و معتبری که در این باب وجود دارد چرا به اینگونه روایات تمسّک جسته‌اند. به هر حال عدم جواز قیمت‌گذاری در شرایط طبیعی با توجه به روایات صحیحی که در بخش اوّل گذشت ثابت می‌شود و از اینگونه روایات در حدّ مؤیّد می‌توان بهره جست.

برخی از فقیهان نیز چنین بیان داشته‌اند که: قیمت‌گذاری بر کالاها برای آن است که بر عموم مردم اجحاف نشود و مردم بتوانند به راحتی کالاهای مورد نیاز خود را از بازار تهیه نمایند. حال اگر سیاست‌های حکومتی به گونه‌ای باشد که مشکل گرانی نه تنها حلّ نشده بلکه باعث کمبود کالا گردد ضرر مضاعفی بر مردم وارد خواهد شد. مرحوم «علاّمه حلّی» براین باور است که قیمت‌گذاری موجب چنین مشکلی شده و حال مردم از وضعی که هست بدتر می‌شود چون این کار باعث می‌شود تجّار، کالاهای خود را از بازار جمع کرده و از عرضه آنها خودداری نمایند (علامه حلّی، ١٤١٤ق: ١٦٩/١٢ و همان، ١٤١٠ق: ٥١٥/٢).

جمع‌بندی دیدگاه فقیهان در شرایط طبیعی

برای ممنوعیت قیمت‌گذاری علاوه بر عمومات، ادلّه خاصی نیز وجود دارد که فقیهان با تمسّک به آنها عدم جواز قیمت‌گذاری را در شرایط طبیعی پذیرفته‌اند.

قیمت‌گذاری در شرایط خاص

منظور از شرایط خاص، مواردی همچون احتکار، تبانی و انحصار است که در یک جهت با هم مشترک بوده و می‌توان ادّعاء کرد که ملاک حکم جواز یا عدم جواز قیمت‌گذاری در همه آنها، دائر مدار این جهت مشترک می‌باشد و آن عبارت است از اجحاف در قیمت، چه اجحاف در حق فروشنده و صاحب کالا و چه اجحاف در حق مشتری و خریدار و با اینکه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

فقیهان این بحث را تحت عنوان احتکار مطرح کرده‌اند، امّا با توجه به اشتراک در جهت حکم، می‌توانیم حکم آنرا در تبانی و انحصار نیز قایل شویم.

مطابق قوانین شرعی، حاکم می‌تواند محتکر را مجبور به عرضه کالا کند و این حکم مورد اتفاق فقیهان است. (جمال الدین حلّی، ۱٤۰۷ق: ۳۷۰/۲ و فاضل مقداد، ۱٤۰٤ق: ٤۲/۲ و بحرانی، ۱٤۰۵ق:٦٤/۱۸)؛ امّا اینکه علاوه بر اجبار، حقّ قیمت‌گذاری نیز دارد یا نه؟ مورد اختلاف واقع شده و پنج دیدگاه در این زمینه از کتاب‌های فقهی بدست می‌آید که به بیان آنها می‌پردازیم:

دیدگاه اول: جواز قیمت‌گذاری به طور مطلق

مرحوم مفید قایل به این نظریه شده (مفید، ۱٤۱۳ق: ٦۱٦) و بنا به نقل مرحوم علامه، مرحوم سلاّر نیز این دیدگاه را برگزیده است (علامه حلّی، ۱۳۳۳ق: ۱۰۰۷) منظور ایشان از «مطلق» با توجه به دلیلی که اقامه کرده‌اند این است که حقّ قیمت‌گذاری در همه حال بر حاکم ثابت است؛ چه اینکه محتکر، کالا را به قیمت ناعادلانه عرضه کند و چه به قیمت مناسب آنرا بفروشد.

در دلیل این دیدگاه گفته شده است که: چنانچه حاکم، قیمت تعیین نکند فایده اجبار منتفی شده و موجب نقض غرض می‌شود چرا که امکان دارد محتکر، کالا را به قیمتی عرضه کند که مردم توانایی خرید آن را نداشته باشند و در اینصورت فایده اجبار که دسترسی مردم به کالای مورد نیاز آنها است از بین می‌رود. علاوه بر اینکه چنین قیمتی اضرار به مردم بوده و اضرار در اسلام نفی شده است. از این رو لازم است حاکم علاوه بر اجبار، قیمت خاصّی را نیز بر کالا وضع کند تا مردم به راحتی توانایی تهیه آن را داشته باشند (فاضل مقداد، ۱٤۰٤ق: ٤۲/۲ و علامه حلّی، ۱۳۳۳ق: ۱۰۰۷ و جمال الدین حلّی، ۱٤۰۷ق: ۳۷۰/۲).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

بررسی دیدگاه

این دیدگاه در بین فقیهان، یک نظر شاذّ شناخته شده و از سوی بسیاری از ایشـان، مخـالف با قواعد و عمومات شرعی شناخته شده است (علامه حلّی، همان).

دیدگاه دوم: ممنوعیت قیمت‌گذاری به طور مطلق

مرحوم شیخ طوسی این دیدگاه را در کتابهای خود اختیـار نمـوده (شـیخ طوسـی، ١٤٠٠ق: ٣٧٤ و همان، ١٣٨٧ق:١٩٥/٢) و مرحوم علامه نیز در چند کتاب خود این نظـر را برگزیـده و آنرا به مشهور و اکثر فقیهان نسبت داده است (علامـه حلّـی، ١٤١٤ق: ١٦٨/١٢ و همـان، ١٣٣٣ق: ١٠٠٧ و همان، ١٣١٤ق: ١٦٠/١ و همان، ١٤١٠ق: ٥١٥/٢). چنانکه محقق حلّی نیز در «شرایع» قایل به این دیدگاه شده است (محقق حلّـی، ١٤٠٨ق: ١٥/٢). منظـور ایشـان از ممنوعیت قیمت‌گذاری به طور مطلق این است که حاکم نمی‌تواند بر کالاها قیمـت خاصـی را تعیین نماید چه اینکه او کالا را به قیمت ناعادلانـه عرضـه کنـد و چـه اینکـه قیمـت آن عادلانه بوده و مردم به راحتی توانایی تهیه آن را داشته باشند.

علاوه بر عمومات و روایات خاصّ، ادله دیگری نیز در کتاب‌های فقهـی بـرای اثبـات این دیدگاه ذکر شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

دلیل اول: عمومات

مواردی همچون «الناس مسلطون علی أموالهم» و «لَا تَأْكُلُوا أَمْـوَالَكُمْ بَيْـنَكُمْ بِالْبَاطِـلِ إِلَّـا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» و «لا یحل مال امرء مسلم الا بطیب من نفسه»، از جملـه عمومـاتی هستند که در کلام فقیهان به آنها استدلال شده است (فاضل مقداد، ١٤٠٤ق: ٤٢/٢ و جمـال الدین حلّی، ١٤٠٧ق: ٣٧١/٢ و عـاملی، ١٤١٩ق: ٣٦١/١٢ و سـبزواری، ١٤١٣ق: ٣٤/١٦) و دلالت آنها بر ممنوعیت قیمت‌گذاری، در بخش اوّل مقاله به تفصیل بیان شد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

قاعده «لاضرر» یکی دیگر از عموماتی است که در کلام برخی از ایشان به آن استدلال شده است؛ به این بیان که: در وضعیت احتکار، به مجرد عرضه کالا و نمایان کردن آن در بازار، موضوع احتکار منتفی می‌شود و از آنجایی که هدف از تعیین قیمت، از بین رفتن احتکار و دست یافتن مردم به کالا است و این هدف با عرضه کالا دست یافتنی است لذا دلیلی برای تعیین قیمت باقی نمی‌ماند. علاوه بر اینکه قیمت‌گذاری موجب مفسده نیز است چون تولید و عرضه کنندگان کالاها وقتی متوجه شوند که قیمت خاصّی بر کالای آنها وضع شده و آنها در فروش کالای خود آزاد نیستند از عرضه آن خودداری می‌کنند و این کار نه تنها موجب ضرر مضاعف بر مردم است، بلکه تولید و عرضه را نیز با مشکل جدّی مواجه می‌کند. بنابراین تعیین قیمت از سوی حاکم، هم مصرف کننده را متضرر می‌کند و هم باعث ضرر در ناحیه تولید و عرضه کالا می‌گردد و باتوجه به اینکه ضرر در اسلام نفی شده است لذا حکم به ممنوعیت قیمت‌گذاری می‌شود (علامه حلّی، ۱۳۳۳ق: ۱۰۰۷ و سبزواری، ١٤١٣ق: ١٦/ ٣٤).

دلیل دوم: روایات خاص

روایات متعددی در این قسمت برای اثبات دیدگاه مذکور مورد استناد واقع شده است؛ لکن همه این روایات، معتبر نبوده و برخی از آنها از نظر سندی ضعیف می‌باشند. شیخ طوسی در «المبسوط» و ابن ادریس در «السرائر»، به روایت ابی‌هریره استدلال کرده‌اند. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق: ۱۹۵/۲ و ابن ادریس حلّی، ١٤١٠ق: ۲۳۹/۲) علامه حلّی نیز در کتابهای خود به روایاتی چون صحیحه عبدالله بن منصور، صحیحه عبدالله بن سلیمان، روایت ضمره و مرسل صدوق و نیز برخی از روایات اهل سنت از قبیل روایت انس بن مالک تمسّک جسته است (علامه حلّی، ۱۳۳۳ق: ۱۰۰۷ و همان، ١٤١٤ق: ١٦٨/١٢). فقیهان

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

دیگر نیز همین روایات را مستند قول خود قرار داده‌اند (نراقی، ۱٤۱۵ق: ۵۲/۱٤ و عاملی، ۱٤۱۹ق: ۳٦۱/۱۲ و نجفی، ۱۳٦۸ش: ٤۸۵/۲۲ و سبزواری، ۱٤۱۳ق: ۳٤/۱٦).

دلیل سوم: اصاله البرائه

جواز قیمت‌گذاری توسط حاکم شرع، یک حکم شرعی است که ثبوت آن نیاز به دلیل شرعی دارد و چنانچه ما در وجود دلیل شرعی شک کنیم چنین تکلیفی بر حاکم ثابت نمی‌شود. ابن ادریس این دلیل را برای اثبات عدم جواز قیمت‌گذاری بیان کرده است (ابن ادریس حلّی، ۱٤۱۰ق: ۲۳۹/۲).

بررسی دیدگاه

باید توجه داشت که مبارزه با احتکار و امثال آن به منظور ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا و کنترل بازار است و روشن است که ایجاد چنین حالتی منحصر به قیمت‌گذاری نیست و با توجه به روایات منع از قیمت‌گذاری حتّی الأمکان نباید اقدام به آن نمود؛ امّا اگر حاکم به اجبار محتکران اکتفاء کرده و اقدام دیگری انجام ندهد و سودجویان نیز از فرصت استفاده کرده و به عرضه کالای خود به قیمتی که مردم قدرت خرید با آن قیمت را ندارند، اقدام کنند، آیا حاکم وظیفه دیگری در قبال آنان ندارد؟ و اگر در مواقع خاص، مشکل جز با وضع قیمت بر کالاها حلّ نشود آیا باز هم حاکم حقّ قیمت‌گذاری ندارد؟ این سؤال‌ها بر صاحبان این دیدگاه مطرح است. بنابراین نمی‌توان ادّعاء کرد که روایات قیمت‌گذاری به طور مطلق ناظر به ممنوعیت آن هستند. علاوه بر اینکه در بعضی از این روایات، قیمت به خدا نسبت داده شده است در حالیکه برخی از قیمت‌ها ظالمانه بوده و به ضرر جامعه و مصرف کننده است و نمی‌توان چنین قیمت‌هایی را به خدا نسبت داد. بلکه قیمتی مورد رضای خدا است که مطابق با قیمت‌های رایج بازار بوده و در آن هیچ ظلمی نسبت به کسی (چه فروشنده و چه خریدار) روا داشته نشود. علاوه بر اینکه برخی از نصوص خاصّ نیز

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

از موضوع بحث خارج و مربوط به شرایط طبیعی بازار است؛ چرا که در آنها ارزانی قیمت‌ها نیز فرض شده است و در وضعیت احتکار و امثال آن، قیمت‌ها سیر صعودی پیدا می‌کند. اصل برائت نیز از اصول عملیه می‌باشد که با وجود دلیل اجتهادی نوبت به آن نمی‌رسد.

جواز قیمت‌گذاری در صورت اجحاف

گروهی از فقیهان برآنند که محتکر، ابتداء مجبور به فروش می‌شود و به هنگام فروش اگر کالا را به قیمت عادلانه عرضه کرد به نحوی که اجحافی در قیمت کالا روا نداشت کسی حق اعتراض به او را ندارد اما اگر قیمت معین شده توسط صاحب کالا ظالمانه بود در این صورت بر حاکم شرع است که قیمت عادلانه بر کالا وضع نماید (ابن‌حمزه، ۱٤۰۸ق: ۲٦۰ و علامه حلّی، ۱٤۱۳ق: ٤۱/۵ و فاضل مفداد، ۱٤۰٤ق: ٤۲/۲ و شهید ثانی، ۱٤۱۳ق: ۱۹٤/۳ و شهید اوّل، ۱٤۱۰ق:۱۱۰).

صاحبان این دیدگاه دو مطلب را مدعی هستند: اوّل اینکه اگر قیمت‌ها، عادلانه و متعارف باشد قیمت‌گذاری از طرف حاکم شرع جایز نیست و برای اثبات این مطلب به ادله دیدگاه دوم استناد کرده‌اند، دوم اینکه در صورت اجحاف صاحب کالا در تعیین قیمت، بر حاکم شرع لازم است قیمت خاصی را تعیین نماید. و برای اثبات این مطلب دو دلیل می‌آورند:

۱) عموم دلیل «لا ضرر»، و این دلیل، حاکم بر عمومات و نصوص خاصی است که در دلیل دیدگاه دوم بیان شد. به این بیان که: اگر تعیین قیمت ظالمانه توسط مالک جایز باشد مستلزم ضرر به عموم است و از آنجایی که ضرر در اسلام نفی شده است پس بر حاکم شرع لازم است که بر کالای چنین شخصی قیمت خاصّی را تعیین نماید تا ضرر منتفی گردد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۲) اینکه اگر در این فرض، توسط حاکم، قیمت تعیین نشود اجبار محتکر برفروش، فایده‌ای نخواهد داشت. چون اگر بگوییم بایع بعد از اجبار می‌تواند کالا را به هر قیمتی که دوست داشت عرضه کند و او نیز کالا را به قیمت بالایی که عموم مردم، قدرت خرید آنرا ندارند عرضه نماید غرضی که از اجبار او بر فروش، مدّ نظر بود حاصل نشده و به نوعی نقض غرض لازم می‌آید. بنابراین باید حاکم شرع در فرض اجحاف، قیمت خاصّی را تعیین نماید تا چنین نقض غرضی پیش نیاید (علامه حلّی، همان: ٤٢/٥ و نجفی، ١٣٦٨ش: ٤٨٦/٢٢ و شهید ثانی، ١٤١٣ق: ١٩٤/٣ و همان، ١٤١٠ق: ٢٩٩/٣ و عاملی، ١٤١٩ق: ٣٦٢/١٢).

بررسی دیدگاه

با اینکه در این دیدگاه بر خلاف دیدگاه دوم، صورت اجحاف نیز فرض شده و راهکاری در قبال آن ارائه شده است امّا با این حال دلیلی بر قیمت‌گذاری در فرض اجحاف نیز وجود ندارد و دلیل «لاضرر»، با توجه به نفی صریح قیمت‌گذاری در روایات و اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام هیچ وقت، قیمت تعیین نکردند معنای دیگری پیدا می‌کند و آن اینکه حاکم شرع باید در کنار اجبار محتکران بر عرضه کالاها تدابیری اتخاذ کند تا مردم متضرّر نشوند مانند تصدّی مستقیم دولت نسبت به عرضه کالاهای خاص یا اعطای یارانه به اقشار خاص و ...؛ البته اگر هیچ راهی برای دفع ضرر، جز قیمت‌گذاری باقی نماند این ادله می‌تواند مستند جواز قیمت‌گذاری باشند. این مطلب در دلیل دوم این دیدگاه نیز قابل طرح است. بنابراین لزوم قیمت‌گذاری، به صرف ظالمانه بودن قیمت ثابت نمی‌شود؛ بلکه به ملاک رفع ضرر و ایجاد تعادل در بازار، چنانچه راه دیگری برای طبیعی‌سازی اوضاع بازار وجود داشته باشد، نوبت به قیمت‌گذاری نمی‌رسد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

اجبار محتکر بر کاهش قیمت

در این دیدگاه نیز همچون دیدگاه سوّم، بین صورت اجحاف در قیمت کالا و صورت عدم اجحاف، تفصیل داده شده است؛ با این تفاوت که در این دیدگاه، قیمت‌گذاری به طور مطلق ممنوع شمرده شده و در صورت اجحاف، حاکم شرع باید محتکر را أمر به تنزّل نماید یعنی علاوه بر اجبار او به عرضه کالا، او را مجبور به فروش آن به قیمت عادلانه نیز نماید چه اینکه این قیمت، همان قیمت بازار یا بالاتر از آن باشد (سبزواری، ۱٤۱۳ق: ۳٤/۱٦ و شهید ثانی، ۱٤۱۰ق: ۲۹۹/۳ و نراقی، ۱٤۱۵ق: ۱٤/ ۵۱ – ۵۲).

ادله این دیدگاه نیز در هر دو فرض، همانند ادلّه دیدگاه سوم است؛ یعنی عدم تسعیر در صورت عدم اجحاف به خاطر قواعد عامّ و خبر ضمره و نیز مرسله صدوق می‌باشد که دلالت بر ممنوعیت قیمت‌گذاری داشتند (سبزواری: همان و نراقی، همان: ۵۲/۱٤).

و اما امر به تنزّل در صورت اجحاف به خاطر دلیل لاضرر می‌باشد. چنانکه از کلام شیخ انصاری نیز چنین استظهار می‌شود؛ چرا که ایشان در بیان دیدگاه شهید ثانی و استدلال بر آن می‌فرمایند: «جمعاً بین النهی عن التسعیر و الجبر بنفی الاضرار» یعنی از یک طرف، از قیمت‌گذاری نهی شده است و از سوی دیگر اگر قیمت کالاهای عرضه شده توسط محتکر به قدری گران باشد که عموم مردم قدرت خرید نداشته باشند موجب ضرر بر آنها خواهد بود و دفع این ضرر منحصر در قیمت‌گذاری نیست بلکه می‌توان با مجبور ساختن محتکر به رعایت قیمت عادلانه این ضرر را برطرف کرده و نقض غرضی هم پیش نمی‌آید (شیخ انصاری، ۱٤۱۵ق: ۳۷٤/٤ و سبزواری: همان و نراقی: همان و خویی، ۱۳۷۷ش: ۸۲۲/۳).

لازم به ذکر است که برخی از فقیهانی که این دیدگاه را پذیرفته‌اند امر به تنزّل را از باب امر به معروف و نهی از منکر لازم می‌دانند (نراقی: همان) که در این صورت نه فقط حاکم بلکه عموم مؤمنین نیز می‌توانند أمر به تنزّل نمایند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

بررسی دیدگاه

با توجه به آنچه در بررسی دیدگاه‌های قبلی بیان شد روشن می‌شود که ملاک بحث، دفع ضرر بوده و به تناسب این ملاک باید با محتکرین و انحصارگرایان مقابله شود. مطابق این دیدگاه آنچه بر حاکم لازم است اجبار بر کاهش و پایین آوردن قیمت می‌باشد و فرض اینکه اگر عرضه کننده از کاهش قیمت نیز امتناع ورزید وظیفه حاکم چیست؟ بیان نشده است. و از آنجایی که هدف از طرح این مسأله، ارائه راهکار مناسب جهت تنظیم و کنترل بازار و دفع ضرر از جامعه است، لازم است حکم این صورت نیز روشن گردد.

اجبار محتکر بر کاهش قیمت و قیمت‌گذاری در صورت امتناع

امام خمینی(ره) معتقد است در صورت اجحاف، أمر به کاهش قیمت می‌شود و چنانچه این راه نیز مؤثر واقع نشد حاکم حق دارد او را مجبور به عرضه کالا به قیمتی که خود حاکم تعیین کرده نماید (خمینی، ١٤٢١ق: ٦١٢/٣ و ٦١٣) و همین نکته است که دیدگاه امام را از دیدگاه قبلی جدا می‌سازد چرا که در نظریه چهارم جای این سؤال باقی است که اگر بعد از أمر به تنزل، باز هم محتکر بر قیمت ناعادلانه پافشاری کرد وظیفه حاکم چیست؟ حضرت امام این نکته را متذکر شده و قیمت‌گذاری را در آن فرض جایز شمرده است.

ایشان بر این باور هستند، روایاتی که برای اثبات ممنوعیت قیمت‌گذاری به طور مطلق به آنها استدلال شده است در واقع مطلق نبوده و از صورت اجحاف، انصراف دارند چرا که در برخی از این روایات، قیمت، به خدا نسبت داده شده است و روشن است که قیمتی می‌تواند بدست خدا باشد که متعارف بوده و اجحافی در آن نباشد امّا نسبت دادن قیمت به خدا در جایی که با آن قیمت، ظلمی بر یک طرف (فروشنده یا خریدار) واقع می‌شود، روا نیست. بنابراین روایاتی که بر منع از قیمت‌گذاری دلالت دارند از صورت اجحاف، منصرف بوده و مربوط به جایی است که اجحافی در میان نباشد و در صورت اجحاف

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

ابتداء أمر به کاهش قیمت می‌شود و در صورت امتناع، قیمت‌گذاری جایز است و چنانچه در این فرض نیز، قیمت‌گذاری ممنوع باشد احتکار کالا باقی مانده و این موجب نقض غرض است.

دیدگاه مختار

دقت در ادلّه شرعی اعم از آیات و روایات و ملاحظه استدلال‌های فقیهان، ما را به چند نتیجه می‌رساند:

أ. ممنوعیت قیمت‌گذاری در شرایط طبیعی

از عمومات آیات و روایات و همینطور برخی نصوص خاص که در بخش نخست مقاله بیان شد استفاده می‌شود که در شرایط عادی و طبیعی بازار که معاملات بر اساس علل طبیعی و عادی انجام می‌پذیرند، کسی از جمله حاکم شرع، حق دخالت در امور قیمت‌گذاری را ندارد. چرا که قیمت بازار در این حالت، به تبع عوامل طبیعی(کمی و فراوانی کالا) و میزان عرضه و تقاضا تنظیم می‌شود و چه بسا دخالت دولت در قیمت کالاها، منجرّ به پیدایش احتکار و انحصار، تبانی و مشکلات دیگری گردد. نهایت وظیفه‌ای که در این حالت بر حاکم اسلامی ثابت است حفظ شرایط طبیعی بازار و جلوگیری از بروز هرگونه ناهنجاری در أمر معاملات می‌باشد که این مطلب به وضوح از ادلّه شرعی و اخبار و روایات موجود در متون روایی استفاده می‌شود.

علاوه بر آن امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نامه خود به مالک اشتر این مطلب را بیان داشته و می‌فرمایند: «باید خرید و فروش در جامعه اسلامی به سادگی و با موازین عدل انجام گیرد. با نرخ‌هایی که به فروشنده و خریدار زیانی نرساند».

این بیان نورانی حضرت، حاکی از آن است که حاکم اسلامی باید اوضاع طبیعی بازار را حفظ نماید و فلسفه منع از احتکار نیز همین است چرا که حضرت این مطلب را در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مقام تعلیل بر منع از احتکار متذکر شده است.

ب. اجبار محتکر بر عرضا کالا

در شرایط غیر طبیعی به ویژه احتکار، به استناد اخبار متواتر، محتکر مجبور به عرضه می‌شود، احادیثی که گذشت و غیر آن‌ها، در حدّ یقین بر این حکم دلالت دارند، گرچه سند برخی از آنها ضعیف است اما اگر کسی مجموع روایات را به دیده انصاف بنگرد به چنین قطعی خواهد رسید. البته باید در این مسئله به ضوابط احتکار و نوع کالاهای احتکاری نیز توجه شود. برای مثال حکم به اجبار محتکر برای عرضه کالا در صورتی است که احتکار سبب پیدایش ضرر عمومی گردد اما اگر ذخیره سازی وی چنین پیآمدی نداشته باشد (مثل اینکه کالای احتکار شده توسط یک تاجر، در بازار موجود بوده و مردم می‌توانند آن را به قیمت عادلانه تهیه کنند) حکم پیش گفته در این حالت ثابت نمی‌شود چون در این فرض ضرری متوجه عموم نمی‌شود. بنابراین جایز است تاجری به امید گران شدن کالا، آن را ذخیره کند همانطور که صحیحه حلبی نیز به صراحت بر این مطلب دلالت می‌کند.

بنابراین در جایی حکم به اجبار محتکر بر عرضه کالا ثابت است که ضرر عمومی در بین باشد و وقتی این ضرر، ملاک حکم باشد به راحتی نمی‌توان علاوه بر اجبار محتکر، حکم به جواز قیمت گذاری را هم استفاده کرد چرا که هدف از اجبار، ایجاد شرایط عادی و طبیعی در جریان بازار و از بین بردن ناهنجاریهای اقتصادی حاکم بر بازار می‌باشد و چنانچه محتکر با همین اجبار، کالای خود را روانه بازار کرده و به قیمت جاری در بازار، آنرا عرضه کند موضوع حکم، منتفی شده و نیازی به قیمت گذاری نیست علاوه بر اینکه حاکم هم در صورت جواز قیمت گذاری نمی‌تواند قیمتی پایین‌تر از قیمت بازار یا بالاتر از آن را بر کالا معین کند چرا که به فرموده أمیرالمؤمنین علیه السلام در معامله هیچ یک از

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

طرفین نباید متضرر شوند. پس اگر خود محتکر با همین قیمت، کالا را در بازار بـه فـروش رساند بر حاکم جایز نیست در قیمت آن دخالت نماید.

ج. مسئولیت دولت برای تنظیم بازار

چنانچه با فرض اجبار محتکر بر فروش کالا ضرر عمومی مرتفع نشود مثـل اینکـه محتکـر کالای خود را با قیمت بالایی عرضه کند به نحوی کـه مـردم قـدرت خریـد آن را نداشـته باشند در این صورت حاکم شرع مسولیّت دارد با اتخاذ تدابیری، ایـن ناهنجـاری را مرتفـع سازد و بازار را به حالت طبیعی برگرداند، و اگر با استفاده از تدابیر اقتصادی (هـر چنـد بـا تصدّی مستقیم دولت در عرضه برخی کالاها) بتوان ضرر عمومی را مرتفع سـاخت، نوبـت به قیمت‌گذاری نمی‌رسد. این نکته را می‌توان از جمع روایات ناهی از قیمت‌گذاری و نامـه امیرالمومنین علیه‌السلام که وجود بازار روان و عادلانه را از فرمانروا می‌خواهد استفاده کرد.

د. اجبار محتکر بر کاهش قیمت و قیمت‌گذاری در صورت امتناع

در صورتی که هیچ تدبیری برای برگرداندن بازار به شرایط طبیعی کارساز نبود و از طرفـی هم محتکران کالا را به قیمت متعارف عرضه نمـی‌کننـد در ایـن صـورت همـانطور کـه در دیدگاه امام خمینی گذشت در مرحلـه نخسـت حـاکم شـرع از محتکـران مـی‌خواهـد کـه خودشان داوطلبانه قیمت‌ها را کاهش دهند و در صورت اجتنـاب، اقـدام بـه تعیـین قیمـت می‌کند. دلیل این حکم نیز جمع بین روایات نافی قیمت‌گذاری و قواعد رفع ضرر از جامعه اسلامی و جلوگیری از نقض غرض اجبار محتکر بر فروش کالا است.

ه. تعیین قیمت عادلانه

چنانچه کار به قیمت‌گذاری منتهی گردد در تعیین آن بایسـتی ضـوابطی رعایـت شـود کـه احادیث و روایات سابق، آن‌ها را بیان می‌کنند، قیمتها در بازار باید به نحوی باشد کـه هـیچ

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

اجحافی بر بایع یا مشتری در آن نباشد بنابراین حاکم اسلامی که می‌خواهد قیمت کالای احتکار شده را تعیین کند باید این ملاک را مراعات کرده و قیمتی را تعیین نماید که مصلحت بایع و مشتری در آن رعایت شده باشد. به همین جهت، حتی شیخ مفید هم که معتقد به جواز قیمت‌گذاری بود، بر این باور است که حاکم شرع به آنچه که مصلحت می‌داند به گونه‌ای که صاحبان کالاها متضرر نشوند می‌تواند قیمت تعیین کند (مفید، ١٤١٣ق: ٦١٦). حضرت امام نیز در این مقام میزان قیمت تعیین شده توسط حاکم را منوط به صلاح‌دید حاکم می‌داند و بدیهی است که صلاح‌دید حاکم شرع نباید موجب ضرر در حق بایع و محتکر گردد بنابراین در جایی که شارع اجازه قیمت‌گذاری به او داده است موظّف است قیمت تعیین شده توسط کارشناسان را بر کالا وضع کند (خمینی، ١٤٢١ ق: ٦١٣/٣ و حسینی شیرازی، بی‌تا: ٢٧٩).

نتیجه‌گیری

یکی از مؤلفه‌های اساسی اقتصاد مقاومتی عدالت است که هم بصورت مکرر در فرمایشات رهبری آمده است و هم مقصود از عدالت به صورت دقیق توضیح داده شده است.

این اقتصاد، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری – رشد ملّی، تولید ناخالص ملّی – اکتفا نمی کند؛ بحث اینها نیست که بگوییم رشد ملّی اینقدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملّی اینقدر زیاد شد؛ که در شاخص‌های جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده می‌کنید. در حالی که تولید ناخالص ملّی یک کشوری خیلی هم بالا می رود، امّا کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می میرند! این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت – عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه – یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است، امّا معنای آن این نیست که به شاخص های علمی موجود دنیا هم بی اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخص‌ها هم توجّه می‌شود، امّا بر محور «عدالت» هم

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

کار می شود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملّی را افزایش دادن است. (بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۳/۱/۱).

یکی از مسائل اساسی که در بلند مدت روی تولید داخلی از جهت کمیت و کیفیت تاثیر می‌گذارد و موجب رهایی اقتصاد از وابستگی می‌شود توجه به قیمت‌های تعادلی بازار است و گرنه باعث افت انگیزه تولید کننده شده تولید داخلی را کاهش و موجب وابستگی اقتصادی می‌شود که خلاص اصول اساسی اقتصاد مقاومتی است. بر این اساس اگر بخواهیم با استناد به ادله شرعی و رعایت عدالت و حقوق همه ذینفعان در جامعه اسلامی شده و در بلند مدت حامی تولید داخلی و تعادل بازار شود، به مدل عملیاتی از قیمت‌گذاری برسیم در عین پذیرش مسئولیت دولت در مقام قانون گذاری، سیاست‌گذاری و نظارت. مراتب ذیل بایستی به ترتیب رعایت شود:

۱. در شرایط عادی و طبیعی بازار دولت حق قیمت‌گذاری نداشته و قیمت توسط سازوکار بازار (عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضا) و توافق طرفین تعیین می‌شود.
۲. در شرایط غیر طبیعی چون احتکار، انحصار و تبانی، دولت اسلامی موظف است با تمهیدات لازم شرایط غیر طبیعی را از بین ببرد بنابر این دولت موظف به اجبار محتکر و انحصارگر به عرضه کالاست اما حق قیمت‌گذاری ندارد.
۳. چنانچه محتکران و انحصارگران حاضر به عرضه کالاها به قیمت عادلانه نباشند و این موجب ضرر و ضرار جامعه شود حاکم اسلامی می‌تواند آنان را وادار به کاهش قیمت کند.
٤. در صورت امتناع فروشندگان از قیمت عادلانه، حاکم اسلامی می‌تواند اقدام به تعیین قیمت کند.
۵. چنانچه به هر دلیل کار به تعیین قیمت به صورت دستوری برسد، حاکم شرع

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

موظف است با مراجعه به دیدگاه کارشناسی قیمت‌ها را به گونه‌ای (عادلانه) تعیین کند که به ضرر هیچ یک از فروشنده و خریدار نباشد.

کتابنامه

۱- ابن أبی جمهور؛ (۱٤۰۷ق)، «عوالی اللآلی»، انتشارات سید الشهداء، قم.

۲- ابن حمزة، محمد بن علی بن حمزة طوسی؛ (۱٤۰۸ق)، «الوسیلة إلی نیل الفضیلة، مکتبة آیة الله المرعشی»، چاپ اول، قم.

۳- بحرانی، یوسف؛ (۱٤۰۵ق)، «الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة»، دفتر انتشارات اسلامی، قم.

٤- البوصیری، حافظ احمد بن ابی‌بکر بن اسماعیل؛ (۱٤۲۰ق)، «إتحاف الخیرة المهرة بزوائد المسانید العشرة».

۵- البیهقی، احمد بن الحسین بن علی؛ «السنن الکبری»، دارالفکر، بیروت.

٦- تمیمی مغربی؛ (۱۳۸۵ق)، «دعائم الإسلام»، دارالمعارف، مصر.

۷- حر عاملی؛ (۱٤۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسة آل البیت، قم.

۸- حسینی، سیدرضا؛ (۱۳۸٤)، «قیمت‌گذاری از دیدگاه فقه و اقتصاد»، دو فصلنامه علمی – پژوهشی جستارهای اقتصادی، سال دوم، شماره چهارم.

۹- حلی، حسن بن یوسف مطهر؛ (۱۳۱٤ق)، «تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة».

۱۰-حلی، حسن بن یوسف مطهر؛ (۱٤۱٤ق)، «تذکرة الفقهاء»، مؤسسة آل‌البیت علیه‌السلام، چاپ اول، قم.

۱۱-حلی، حسن بن یوسف مطهر؛ (۱٤۱۳ق)، «مختلف الشیعة فی أحکام الشریعة»،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲-حلی، حسن بن یوسف مطهر؛ (۱۳۳۳ق)، «منتهی المطلب»، چاپخانه حاج احمد آقا و محمود آقا.
۱۳-حلی، حسن بن یوسف مطهر؛ (۱٤۱۰ق)، «نهایة الإحکام فی معرفة الأحکام»، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
۱٤-حلی، جمال الدین احمد بن محمد اسدی؛ (۱٤۰۷ق)، «المهذب البارع فی شرح مختصر النافع»، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، قم.
۱۵-حلی، ابن ادریس؛ (۱٤۱۰ق)، «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی»، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، قم.
۱٦-حلی، محقق نجم لدین جعفر بن حسن؛ (۱٤۰۸ق)، «شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام»، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، قم.
۱۷-خمینی، روح الله، (۱٤۲۱ق)، «کتاب البیع»، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، قم.
۱۸-خویی، ابوالقاسم، (۱۳۷۷)، مصباح الفقاهة؛ «مکتبة الداوری»، چاپ اول، قم.
۱۹-راوندی، قطب الدین؛ (۱٤۰۵ق)، «فقه القرآن»، مکتبة آیة الله المرعشی، چاپ دوم، قم.
۲۰-زحیلی، وهبه؛ (۱٤۰۵ق)، «الفقه الأسلامی و ادلّته»، دارالفکر، چاپ دوّم، دمشق.
۲۱-سبزواری، سیدعبد الإعلی؛ (۱٤۱۳ق)، «مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام»، دفتر آیت‌الله سبزواری، چاپ چهارم، قم.
۲۲-السجستانی، سلیمان بن الأشعث؛ (۱٤۱۰ق)، «سنن ابی داود»، دار الفکر، بیروت، چاپ اوّل.
۲۳-سیدرضی؛ (۱٤۱٤ق)، «نهج البلاغة»، مؤسسه نهج البلاغة، قم، چاپ اوّل.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۲٤-شفیعی، سید علی؛ (۱۳۷۷) «الاحتکار و ما یلحقه من الاحکام و الآثار»، انتشارات خوزستان، اهواز.
۲۵-شهید اول، محمد بن مکی عاملی؛ (۱٤۱۰ق)، «اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة»، دارالتراث - الدارالإسلامیة، چاپ اول، بیروت.
۲٦-شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد عاملی؛ (۱٤۱۰ق)، (الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة)، کتابفروشی داوری، چاپ اول، قم.
۲۷-شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد عاملی؛ (۱٤۱۳ق)، (مسالک الأفهام إلی تنقیح شرایع الإسلام)، مؤسسة المعارف الإسلامیة، چاپ اول، قم.
۲۸-شیخ صدوق؛ (۱۳۹۸ق)، «التوحید»، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۲۹-شیخ صدوق؛ (۱٤۱۳ق)، «من لایحضره الفقیه»، دفترانتشارات اسلامی، قم.
۳۰-شیرازی، سیدمحمد حسینی؛ «فقه العولمة»، بی‌نا.
۳۱-شیخ انصاری، مرتضی؛ (۱٤۱۵ق)، «کتاب المکاسب»، کنگره جانی بزرگداشت شیخ انصاری، قم.
۳۲-صدر، محمدباقر؛ (۱٤۰۷ق)، «اقتصادنا»، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، قم.
۳۳-طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن؛ (۱۳۸۷ق)، «المبسوط فی فقه الإمامیة، المکتبة الرضویة لإحیاء الآثار الجعفریة»، چاپ سوم، تهران.
۳٤-طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن؛ (۱٤۰۰ق)، «النهایة فی مجرد القثه و الفتاوی»، دارالکتاب العربی، بیروت.
۳۵-طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن؛ (۱٤۰۷ق)، «الخلاف»، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، قم.
۳٦-طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن؛ (۱٤۰۷ق)، «تهذیب الأحکام»، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، تهران.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۳۷-طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن؛ (۱۳۹۰ق)، «الإستبصار فیما اختلف من الأخبار»، دار الکتب الإسلامیهٔ، چاپ اول، تهران.

۳۸-طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن؛ (۱٤۰۷ق)، «رجال الشیخ»، دفتر انتشارات اسلامی، قم.

۳۹-عاملی، جواد بن محمد حسینی؛ (۱٤۱۹ق)، «مفتاح الکرامهٔ فی شرح قواعد العلامهٔ»، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، قم.

٤۰-فاضل مقداد، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله؛ (۱٤۰٤ق)،«التنقیح الرائع لمختصر الشرائع»، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، چاپ اول، قم.

٤۱-فاضل، حسن بن أبی طالب یوسفی؛ (۱٤۱۷ق)، «کشف الرموز فی شرح مختصر النافع»، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، قم.

٤۲-القزوینی، محمد بن یزید؛ «سنن ابن ماجهٔ»، دار الفکر، بیروت.

٤۳-کلینی؛ (۱٤۰۸ق)، «الکافی»، دار الکتب الإسلامیهٔ، چاپ چهارم، بیروت.

٤٤-مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری؛ (۱٤۱۳ق)، «المقنعهٔ»، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم.

٤٥-مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری؛ (۱٤۱۳ق)، «المسائل الصاغانیهٔ»، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، قم.

٤٦- منتظری، حسینعلی؛ (۱٤۰٦ق)، «رسالهٔ فی‌الاحتکار و التسعیر»، سازمان انتشارات وآموزش انقلاب اسلامی، تهران.

٤۷-محقق داماد، مصطفی؛ (۱۳٦۲)، «تحلیل و بررسی احتکار از نظرگاه فقه اسلامی»، انتشارات اندیشه‌های نو در علوم اسلامی، قم.

٤۸-الموسوعهٔ الفقهیّهٔ الکویتیّهٔ؛ (۱٤۰٤ق)، «وزارهٔ الأوقاف و الشؤون الأسلامیّهٔ»، کویت، چاپ دوّم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۴۹-نجاشی؛ (۱٤۰۷ق)، «رجال النجاشی»، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۵۰-نجفی، محمد حسن بن باقر؛ (۱۳٦۸)، «جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام»، دار الکتب الأسلامیّة، چاپ نهم.
۵۱-نراقی، مولی احمد بن محمدمهدی؛ (۱٤۱۵ق)، «مستند الشیعة فی احکام الشریعة»، مؤسسة آل البیت، چاپ اول، قم.
۵۲-نوری، میرزاحسن؛ (۱٤۰۸ق)، «مستدرک الوسائل»، مؤسسة آل البیت علیه‌السلام، چاپ اول، بیروت.
۵۳-هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله؛ (۱۳۵۸)، «مناهج البراعة فی شرح نهج البلاغة»، مکتبة الإسلامیة، چاپ چهارم، تهران.
۵٤-یوسفی، احمدعلی؛ (۱۳۸۵)، «رفتار پیامبر و امامان در برابر نوسان قیمت‌ها»، فصلنامه علمی – پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش۲٤.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهارم و پنجم، پاییز و زمستان۱۳۹۲، ص۱۲۳-۱۶۰

آموزه‌های اخلاقی خرید و فروش (معاملات) در جامعه اسلامی و تأثیر آن بر انباشت سرمایه اجتماعی و تقویت سایر بخش‌های مولد اقتصادی

وحید ارشدی[1]

چکیده

سرمایه اجتماعی یکی از مهمترین سرمایه‌هایی که باعث تشکیل شبکه‌های افقی پایدار می‌شود و باعث قدرتمندتر شدن تعاملات اجتماعی می‌شود. احکام و آموزه‌های اخلاقی اسلامی مربوط به آداب تجارت بسترساز این روابط اعتماد آمیز و تشکیل سرمایه اجتماعی می‌شوند. در این مقاله به چند مورد از این آداب و اخلاقیات اشاره شده است و با استفاده از قرآن و سنت، آموزه‌های دینی اعتمادساز در حوزه فعالیت‌های اقتصادی ارائه شد. صداقت و راستی، انصاف در معاملات، مشارکت، تعاون و انفاق در معاملات تجاری، دخالت نکردن در معاملات دیگران، ثبت کردن معاملات، اعتدال و میانه‌روی در مخارج، مستحکم کار کردن و ارائه کالا و خدمات مناسب، خوش برخوردی، هشت آموزه دینی اعتمادساز است که منتهی به تشکیل شبکه‌های افقی پایدار خواهد شد و در کنار آسایش، آرامش را در فعالیت‌های اقتصادی حاکم می‌کند.

واژگان کلیدی

آموزه‌های اخلاقی اسلام، معاملات، سرمایه اجتماعی

طبقه‌بندی**JEL**: A12, F1, Z13

[1] دانشجوی دوره دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد Email: vahidarshadi@mail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مقدمه

یکی از سرمایه‌های لازم برای فعالیت‌های اقتصادی که موجب تسهیل روابط و کاهش هزینه‌های مبادلاتی می‌شود، سرمایه‌اجتماعی است. مهمترین، شاخص سرمایه اجتماعی، وجود اعتماد اجتماعی بین بازیگران یک حوزه است. برای تشکیل این سرمایه نیاز است که رفتارهای بازیگران اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد، بررسی شود. به جهت گستردگی رفتارهای اقتصادی، تمرکز این مقاله بر یک بازی اقتصادی فراگیر و متداول، که همه اقشار جامعه در سطح خرد و کلان، با آن درگیر بوده، می‌باشد. آن بازی، مربوط به تعاملات بخش تجاری و به ویژه بازار است که بازیگران آن خریداران و فروشندگان آن هستند.

اسلام به عنوان دین جامع، احکام و توصیه‌های اخلاقی بسیار مؤثری را به جامعه بشری به ویژه جامعه اسلامی، عرضه داشته است. به نظر می‌رسد، اساس این توصیه‌ها، رسیدن به درجه آسایش همراه با آرامش اجتماعی است.

با اتکاء به احکام و توصیه‌های اخلاقی اسلام، بین بازیگران، اعتماد ایجاد خواهد شد و این اعتمادسازی منجر به انباشت سرمایه اجتماعی می‌گردد. یکی از تبعات مثبت رفتارهای اعتمادآمیز رونق اقتصادی است که نیاز به بسترسازی داشته و حاصل انباشت انواع سرمایه است. به عنوان نمونه، در یک شبکه‌ای که طرفین معامله عرضه‌کننده و تقاضاکننده است، اعتماد بین طرفین معامله، زمینه بالا رفتن تقاضا برای محصولات عرضه شده را فراهم می‌کند و در این فرآیند، عرضه بدنبال تقاضا رونق خواهد گرفت. بنگاه‌های اقتصادی در چنین فضای مسالمت‌آمیزی، نگرانی از تقاضای مؤثر نخواهند داشت.

در جامعه اسلامی ایرانی، اخلاق اسلامی اقتصادی، باید مبنای تعامل بازیگران باشد. پیروی از آموزه‌های دینی بسترساز تشکیل شبکه‌های افقی گسترده و تعمیق روابط نوع دوستانه بین اقشار مختلف جامعه خواهد شد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

در این مقاله، ابتدا به چیستی سرمایه اجتماعی در ادبیات اقتصاد معاصر پرداخته، سپس، تمرکز بر اعتماد اجتماعی و آثار آن در فعالیتهای اقتصادی می‌شود. پس از آن، معاملات تجاری را بستری برای تشکیل سرمایه اجتماعی دانسته و به ارائه آموزه‌های دینی و نحوه تأثیرگذاری بر تشکیل سرمایه اجتماعی پرداخته خواهد شد.

۱- چیستی سرمایه اجتماعی[1]

سرمایه اجتماعی، سرمایه‌ای است که حاصل پیوندهای بین بازیگران در بخش‌های مختلف یک جمع ایجاد می‌شود. این مفهوم در ادبیات اقتصادی و جامعه شناسی، با کارهای جیمز کلمن[2]، پیر بوردیو[3]، رابرت پاتنام[4] و فرانسیس فوکویاما شکل گرفت. تعاریف متعددی از سرمایه اجتماعی ارائه گردیده است. اما غالب این تعاریف به پیوندهای اجتماعی و تعاملات حاصل از این پیوندها اشاره کرده است. در دین مقدس اسلام، از اساسی‌ترین احکام و توصیه‌های اخلاقی توجه به شکل‌گیری پیوندها و پایدار بودن پیوندهای اجتماعی جامعه مسلمین است. اسلام با شکست پیوندهای اجتماعی مخالف است و راه‌های متعددی را در پیش انسان گذاشته است. ابتدا به تعاریف ارائه شده از طرف نظریه پردازان و صاحبنظران این حوزه پرداخته می شود:

بوردیو (۱۹۸۰)، سرمایه اجتماعی را یکی از اشکال سرمایه می‌داند. سرمایه از نظر او سه شکل بنیادی دارد: اول «سرمایه اقتصادی» که قابلیت تبدیل شدن به پول را دارد و می‌تواند بشکل حقوق مالکیت نهادینه شود .دوم «سرمایه فرهنگی» که در برخی شرایط به سرمایه اقتصادی بدل می شود و به شکل کیفیت آموزشی نهادینه می شود و سوم «سرمایه اجتماعی» که از الزامات اجتماعی (پیوندها) ساخته شده است وتحت برخی شرایط

[1] Social capital
[2] James Coleman
[3] Pierre Bourdieu
[4] Robert Putnam

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

می‌تواند به سرمایه اقتصادی تبدیل شود. او معتقد است که ایجاد و اثر بخشی سرمایه اجتماعی بستگی به عضویت در یک گروه اجتماعی دارد (ایمانی جاجرمی،۳٦، ۱۳۸۰).

در نظریات بوردیو، با استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی، توجه او به انباشت منابع بالقوه و بالفعلی است که ناشی از ایجاد یک شبکه بادوام و روابط نهادینه شده بین بازیگران متقابل هست. بعبارتی او روابط اجتماعی را یک منبع بالقوه و بالفعلی محسوب می کند که توان دارد بعنوان یک سرمایه، به فرآیند توسعه کمک کند.

کلمن (۱۹۸۸)، سرمایه اجتماعی را عنصری مطلوب برای انجام همکاری‌های درون گروهی می‌دانند که هزینه‌های ارتباط را تقلیل میدهد. هرچه میزان آن بالاتر باشد دستیابی گروه به اهداف خود با هزینه کمتری انجام می گیرد. اگر در گروهی به سبب نبود ویژگی هایی مانند اعتماد و مشارکت، سرمایه اجتماعی به اندازه کافی فراهم نباشد، هزینه‌های همکاری افزایش خواهد یافت و تحقق عملکرد گروهی بستگی به برقراری نظام‌های نظارتی و کنترل پر هزینه مثل سازمانهای امنیتی، قضائی پیدا خواهد کرد. در مقابل وجود سرمایه اجتماعی به میزان کافی و مناسب سبب برقراری انسجام اجتماعی و اعتماد متقابل شده و هزینه‌های تعاملات و همکاری‌های گروهی کاهش می یابد و در نتیجه عملکرد بین گروهی بهبود می‌یابد. پس اگر ما فضای اقتصادی یک جامعه را بمثابه یک گروه در نظر بگیریم که دارای یک هدف مشترک هستند، آنگاه هرچه سرمایه اجتماعی در فضای اقتصادی جوامع بیشتر، هزینه همکاری و تعامل در آن فضا کمتر، در نتیجه عملکرد و دستیابی به اهداف گروهی بیشتر و هرچه سرمایه اجتماعی در آن محیط کمتر، هزینه همکاری و تعامل بیشتر، در نتیجه عملکرد و دستیابی به اهداف کمتر (جاجرمی،۱۳۸۱:۵).

کلمن بر این نظر معتقد بود که سرمایه اجتماعی یک «کالای عمومی» است و شیئ واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: یکی اینکه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

همه آنها برخوردار از یک ساخت اجتماعی هستند، دیگر اینکه کنشهای معین افرادی را کـه درون ساختار اجتماعی هستند را تسهیل می‌کند (کلمن، ٤٦٢:١٣٧٧).

از دیدگاه زتومکا[1] (۱۹۹۱)، سرمایه اجتماعی رابطه ایست در ابعاد سیاسـی، اجتمـاعی، فرهنگـی و اقتصـادی بـرای یـک موضـع یـا پایگـاه اجتمـاعی در شـبکه تعـاملی جامعـه (شارع‌پور،۱۰۳:۱۳۷۹).

پاتنام (۱۹۹۳)، مفهوم سرمایه اجتماعی را به ویژگی های سازمان اجتماعی معطوف می کند که هماهنگی و همکاری را برای منفعت متقابل تسهیل می‌کند. او شاخص‌های سـرمایه اجتمـاعی را اعتمـاد، هنجارهـای معاملـه متقابـل و شـبکه هـای افقـی مـی دانـد (ایمـانی جاجرمی،۳۷:۱۳۷۹). پاتنام و همکارانش با ابداع مفهوم سرمایه اجتماعی موجـب پیشـرفت در زمینه مباحث مربوط به سرمایه انسانی شدند. وی معتقد است سرمایه اجتمـاعی تشـکیل شده از شبکه‌ای از ارتباطات اجتماعی، مانند خانواده‌های گسترده، انواع مراودات شهروندی در سطوح مختلف از ده تا کل اجتماع، هنجارها و ارزش‌هایی که از طریق محبت و علاقـه، اجزای این شبکه را به یکدیگر پیوند می دهد و با تقویـت اعتمـاد، بهـره‌وری و توسـعه را تحرک می‌بخشد (توکلی،۲۹۲:۱۳۸۰).

فوکویاما (۱۹۹۷)، سرمایه اجتماعی را بعنوان وجـود مجموعـه معینـی از هنجارهـا یـا ارزش‌های غیر رسمی تعریف می کند و معتقد است، اعضای گروهی که همکاری و تعـاون میانشان مجاز است (مثلاً فعالیت اقتصادی می کنند)، در آن سهیم خواهنـد بـود (فوکویامـا، ۱۱:۱۳۷۹). وی عواملی را که باعث تولید سرمایه اجتماعی می‌شـود را شـامل سـجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه می‌داند (فوکویاما،۱۲:۱۳۷۹).

بر این اساس سرمایه اجتماعی عبارت است از نـوعی روابـط اجتمـاعی کـه منجـر بـه شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، هنجارها، اعتماد اجتماعی و تسهیل همـاهنگی و همکـاری

[1] Piotr Ztumka

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

به منظور دست‌یابی به منافع دو طرفه می‌شود (تاجبخش و اسدی کیا:۸۳۸). یا عبارت است از روابط دوجانبه، تعاملات و شبکه‌هایی که در میان گروه های انسانی پدیدار می‌گردند و سطح اعتمادی که در میان گروه و جماعت خاصی به عنوان پیامد تعهدات و هنجارهای اجتماعی یافت می‌شود و منافعی را برای طرفین تأمین می‌کنند.این سرمایه می‌تواند در ابعاد گوناگون اجتماعی حائز اهمیت باشد و وجود آن دارای پیامدهای مثبت باشد (ارشدی، وحید، ۱۳۸۷: ۵۸۵).

تعریف رایج سرمایه اجتماعی عبارت است از روابط دوجانبه تعاملات و شبکه‌هایی که در میان گروه‌های انسانی پدیدار می‌گردند و سطح اعتمادی که در میان گروه و جماعت خاصی به عنوان پیامد تعهدات و هنجارهایی پیوسته با ساختار اجتماعی یافت می‌شود. در یک تعریف دیگر، سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین مدن سطح هزینه‌های مبادلاتی و ارتباطات می‌گردد. بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است (بانک جهانی، ۱۹۹۸). سرمایه اجتماعی به تعامل اجتماعی بین افراد بستگی دارد و بدون کنش جمعی افراد، هیچ مفهومی ندارد. جستجو برای راه حل‌های همکارانه و تلاش برای دستیابی به منابع دو طرفه در این مفهوم محوریت اساسی دارد. مشارکت در شبکه‌های اجتماعی، تمایل به همکاری و اعتماد بین افراد وجه غالب تعاریف است. سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، احساس هویت جمعی بین بازیگران و احساس وجوه تصویری مشترک از آینده دانست (صیدائی، سید اسکندر و همکاران، ۱۳۸۸).

مرور آثار مربوط به تئوری سرمایه اجتماعی نشان می دهد که سرمایه اجتماعی دارای ٤ بُعد تحلیلی مهم و مرتبط هر چند متمایز آگاهی، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

اجتماعی متقابل و مشارکت اجتماعی می‌باشد.

الف) آگاهی

آگاهی اولین عنصری است که در وجود تک تک افراد یک جامعه، نسبت به مشترکات موجود در جامعه وجود دارد وبه عنوان پیش شرط اولیه برای مشارکت اجتماعی، مطرح می‌باشد. جایی که افراد از ماهیت مسائل اجتماعی آگاه نمی‌شوند، فرصت‌های مشارکت اجتماعی و حس قوی اجتماعی یا ذخیره سرمایه اجتماعی پائین‌تر خواهد بود. آگاهی عامل مهمی در زمینه‌سازی ایجاد سرمایه اجتماعی در یک جامعه است. از فرد گرفته تا نهادهای اقتصادی، اجتماعی،... برای بدست آوردن منافع خود بر اساس آگاهی و شناختی که از طرف مقابل دارند به هم اعتماد می‌کنند و از لحاظ اقتصادی عقلائی نیست که افراد بدون آگاهی و شناخت به هم پیوند بخورند (کلمن،۱۳۷۷:٤٧٤).

ب) اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی دومین و مهمترین بعد سرمایه اجتماعی است، که باعث افزایش مبادلات و کاهش اصطکاک بین عناصر یک جامعه می‌شود.اعتماد نوعی ارزش اخلاقی است که افراد را با دیگرانی که ممکن است با آنها متفاوت باشند، پیوند می‌زند.

ج) هنجارها و ارزش‌های اجتماعی متقابل

در گروه اجتماعی، هنجارهایی هستند که مهم‌ترین سودمندی آنها تقویت اعتماد، کاهش هزینه معاملات و تسهیل همکاری است. پاتنام هنجارهای معامله را از مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی می‌داند. گروه‌ها و جوامعی که بر آنها این هنجارها حاکم است و از آن پیروی می‌کنند به شکل مؤثری بر فرصت طلبی و مشکلات جمعی فائق می‌آیند (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۰:۳۸). بعنوان مثال، ارزش اجتماعی وفاداری. یعنی شما چیزی را به امانت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

می‌گذارید یا یک تعهد و قولی را می‌دهید، که در این تعهد، دزدی و خیانت صورت نگیرد. یعنی اگر فروشنده می‌خواهد شیئی را ۹۰۰ گرم بفروشد آن را تحت ۱ کیلوگرم نفروشد. خاصیت ارزش‌های اجتماعی متقابل از جمله وفاداری این است که میزان ریسک را فوق‌العاده پائین می‌آورد. تفاوت اعتماد و وفاداری در این است که اعتماد یک ذهنیت است و عمل متقابل ندارد، اما وفاداری در حقیقت یک اقدام عملی است که منجر به اعتماد در ذهن طرف مقابل می‌شود. وفاداری یکی از عوامل ایجاد اعتماد است (رضایی،۱۳۸۱:۵).

د) مشارکت اجتماعی

چهارمین بعد از سرمایه اجتماعی، مشارکت افراد در سازمان‌های اجتماعی است که در قالب شبکه‌ها ظهور و بروز می‌کند. شبکه‌های رسمی و غیررسمی، ارتباطات و مبادلات در هر جامعه‌ای اعم از مدرن و سنتی اقتدارگرا و دموکراتیک، فئودالی یا سرمایه‌داری، مذهبی یا غیرمذهبی وجود دارند. شبکه‌ها بر دو نوعند: افقی و عمودی.

در شبکه‌های افقی، شهروندانی عضویت دارند که دارای قدرت و وضعیت برابری هستند. بطور ملموستر همه عناصر اجتماعی و اقتصادی در محضر قوانین حاکم بر جامعه دارای یک تکلیف هستند، در نتیجه همه عناصر اجتماعی بر اساس منافع مشترک به همدیگر پیوند میخورند.

در شبکه‌های عمودی، شهروندان از طریق روابط نابرابر مبتنی بر سلسله مراتب و وابستگی به هم پیوند دارند. بطور مشخص‌تر حد فاصل همه عناصر اجتماعی و اقتصادی تا قوانین حاکمیت مساوی نیست، آنکه دسترسی بیشتر به تغییر قانون دارد قانون را بر اساس منافع خود تنظیم می‌کند. از نظر پاتنام هر چه شبکه‌های افقی قویتری در جامعه وجود داشته باشد و روابط اجتماعی متراکم تری حاکم باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند (ایمانی جاجرمی،۱۳۸۰:۳۷). او

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

شبکه‌های عمودی را فاقد توان برقراری اعتماد و همکاری اجتماعی می‌داند. دو عامل اساسی این قضیه عبارت است از:

۱- وجود جریان شفاف اطلاعات در شبکه‌های افقی نسبت به شبکه‌های عمودی

اهمیت سرمایه اجتماعی در شبکه عمودی را در اقتصاد اطلاعات می توان بخوبی درک کرد . در شبکه عمودی مبادله اطلاعات بسختی امکان پذیر است.از آنجا که اطلاعات بطور فزاینده ای پس از استفاده باز تولید می شود و به علاوه بهای آن بشدت کاهش می یابد با انواع تولیدات دیگر متفاوت است. بعبارتی با یک بار پخش کردن اطلاعات، بهای آن رایگان خواهد شد (فوکویاما،۱۳۷۹:۷۵).

۲- هنجارهای معامله متقابل که در آن، همه افراد در برابر قانون یکسان هستند

مجازات‌های متخلفین فقط برای سلسله مراتب پائین نیست و همگی به یک گونه در برابر قانون مجازات خواهند شد و مانع از فرصت طلبی افراد در یک جامعه نمی‌شود. (knack,2000:1) بطور مصداقی در فضای اقتصادی، حاکمیت شبکه افقی بر جامعه، دولت‌ها را وادار خواهد کرد تا نسبت به رفتار عاملان اقتصادی اعم از آنان که در نقش تولیدکننده یا مصرف کننده ظاهر می شوند، رفتار حقوقی یکنواختی داشته باشد (خداپرست، ۱۳۸۰:٦۹).

سرمایه اجتماعی می‌تواند به ویژگی ای از یک سازمان، نهاد و ساختار اجتماعی، اقتصادی تبدیل شود. به عبارت دیگر این مفهوم جزء جدایی ناپذیری از بدنه اجتماعی، اقتصادی یک جامعه به شمار می‌رود .بنابراین ملزومات ترویج این نوع سرمایه به اعتماد و مشارکت اجتماعی(پیوند اجتماعی) باز می‌گردد. این دو عنصر از مؤلفه‌های مهم این مفهوم بشمار می‌آیند یعنی تمایلی که افراد برای همکاری در جهت کسب منافعی دارند و حس اعتمادی که در جمع برای همکاری وجود دارد، در شکل دادن به سرمایه اجتماعی بسیار

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مهم است.

۲- اعتماد اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی

فعالیت‌های اقتصادی در تمام حوزه‌ها، مستلزم ارتباط دو یا چندجانبه بین عوامل مبادله است و حداقل رابطه اقتصادی تعریف شده در ارتباط بین عرضه کننده و تقاضاکننده تجلی پیدا می‌کند.

یکی از مهمترین عوامل تسهیل کننده این ارتباط، اعتماد بین فعالان هر حوزه اقتصادی است که در بستر سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد. وجود اعتماد در جوامع مهمترین، بُعد حاصل از تشکیل سرمایه اجتماعی است که باعث افزایش مبادلات و کاهش اصطکاک بین عناصر یک جامعه می شود.

یک جلوه اعتماد در فعالیت‌های اقتصادی را می توان از زبان کهن سالان شنید که نشان می‌دهد، در گذشته اگر مردم به فردی چیزی امانت میدادند، وثیقه یا سندی در مقابل آن نمی‌کردند. دریافت کننده قول می داد که یکسال دیگر جبران کند. همین اعتماد باعث افزایش مبادلات، تولید و تسریع در انجام امور اقتصادی جامعه می‌شود. واضح است که این نگرش حاصل احساس امنیت اقتصادی در یک جامعه است. اگر افراد یک جامعه نسبت به هم آگاهی نداشته باشند منافع خود را فدای اعتماد به همدیگر نخواهند کرد. اعتماد متقابل همکاری را تسهیل می‌کند و از طرف دیگر نیز همکاری در یک جامعه منجر به اعتماد می‌شود. هرچه تعامل بین افراد بیشتر باشد، آنها اطلاعات بیشتری درباره یکدیگر بدست می‌آورند و انگیزه بیشتری برای اعتماد پیدا می‌کنند (ایمانی جاجرمی،۳۸:۱۳۸۰). عوامل مختلفی در شکل‌گیری اعتماد نقش ایفاء می‌کنند که می‌توانند به منزله موتور محرکه برای تولید اعتماد باشند. از طرفی اعتماد دارای شاخص‌های قابل سنجش است.

این عناصر به نوبه خود در یک چارچوب علی و معلولی توان دارد، فضای اقتصادی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

یک کشور را به سمت رشد و توسعه اقتصادی سوق دهند. یکی از پیامدهای عینی وجود اعتماد در فضای اقتصادی هنگامی است که اعتماد در محیط اقتصادی حاکمیت پیدا می‌کند، بیشتر هزینه‌ها بطور نسبی صرف تولید و توزیع خواهد شد تا صرف نظارت؛ بعبارتی عاملان اقتصادی نگران محیط اقتصادی خود نبوده و توان خود را روی وظایف اصلی خود خواهند گذاشت.

به اعتقاد کلاس اوفه[1]، اعتماد اجتماعی به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود.این باور بر مبنای احتمال است که دیگران، کارهای بخصوصی انجام می‌دهند و یا از انجام کارهای بخصوصی پرهیز می‌کنند (تاجبخش، ۱۳۸٤: ۲۱۱). فوکویاما در این رابطه، استدلال می‌کند که اعتماد از یک جنبه متضاد اطمینان است و این در حالی است که این دو واژه، اغلب مترادف هم محسوب می‌شوند.

رابطه اطمینان با اعتماد، همچون رابطه واقعیت با اقدام است. فردی که اعتماد می‌کند، نمی‌تواند مطمئن باشد که فرد یا افراد معتمد،در واقع بگونه ای که وی انتظار دارد عمل می‌کنند. فردی که اعتماد می‌کند از این منطق پیروی می‌کند: «با وجود آنکه می‌دانم این مسئله ممکن است رخ دهد، ولی عقیده دارم که رخ نخواهد داد.» (همان، ۲۰۷).

کلمن، رابطه اعتماد را حداقل بین دو طرف بحث می‌کند: ۱- اعتمادکننده ۲- امین و معتمد. هرفردی می‌تواند به دوست، خانواده، گروه، نهاد یا حاکمیت اعتماد داشته باشد.در اینجا فرد به عنوان اعتماد کننده محسوب شده و دوست، گروه، نهاد، حاکمیت بعنوان امین و معتمد محسوب می‌شوند. هر دوطرف (اعتمادکننده و امین) هدفمندند و هدف آنها تأمین منافعشان است. کلمن، معتقد است که تنها اعتماد کننده نیست که باید تصمیماتش را در نظر گرفت، بلکه در بسیاری از موارد امین، امکان انتخاب بین حفظ اعتماد و گسستن اعتماد را دارد. ممکن است امین در بعضی از موارد سلب اعتماد را از نظر مالی یا از جهاتی

[1] Clause Offe

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

دیگر به نفع خود بداند. بدیهی است امین ممکن است در کوتاه مدت سود ببرد، اما در بلندمدت که اعتماد کننده دوباره به او اعتماد نکند، زیان خواهد دید. اما امین معمولاً در جهت تأمین منافع خود بدنبال اعتمادسازی است.اعتماد کننده نیز با احتمال بدست آوردن منفعت بطرف مقابل خود اعتماد خواهد کرد.

در اقتصاد هر دو طرف اعتماد کننده و معتمد از برقراری این رابطه بر مبنای اعتماد بدنبال حداکثر کردن منافع خود هستند. اعتماد، به معنی احتمال رفتار یک فرد یا گروه یا نهاد به برآورده شدن انتظارات خود از سوی دیگران از بنیان‌های شکل‌گیری و تداوم روابط میان افراد، خصوصاً روابط اقتصادی و بازرگانی است که نقش مهمی در کسب موفقیت‌های اقتصادی ایفا می‌کند.

در اقتصاد خرد برای آنکه طراحی یک نظام سازگار و منطقی امکان‌پذیر باشد در همان بحث‌های مقدماتی باید وجود قید، شرط یا فرض را پذیرفت. یکی از آنها فرض اطلاع دقیق از شرایط بازار است. بعبارت دیگر اگر این شرط پذیرفته نشود، ایجاد یک نظام منطقی تصمیم‌گیری در سطح خرد با اشکال مواجه می‌شود. از آنجا که در تمامی جهان و بویژه در جهان سوم هیچ رویداد اقتصادی، با اطمینان و بطور کامل شناخته شده نیست، شرط فوق‌الذکر در همان ابتدای راه نقض می‌شود و نظام نظری ساخته شده را با مشکلات کاربردی و اجرائی مواجه می کند. بعنوان مثال در تئوری مصرف، عواملی مانند درآمد مصرف‌کننده، ترجیح زمانی پول و نرخ تورم، رفتار فروشنده در تصمیم‌گیری دخالت دارد.

تغییر هر یک از عوامل به تنهایی یا ترکیبی از آنها نیز موجب تغییر در تصمیم خواهد شد. بعبارتی هر نهاد اقتصادی بر اساس اعتمادی که به ثبات عوامل مذکور دارد، اقدام به تصمیم‌گیری خواهد کرد (نوری نائینی،۱۳۷۲:٦).

در تئوری‌های معمول اقتصاد، اعم از خرد و کلان بعضاً عنوان می‌شود که اطلاعات بقدر کافی در دسترس همگان قرار دارد، اما در عمل می‌دانیم که منشأ بسیاری از رفتارهای

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

اقتصادی نهادهای اقتصادی، ناهمگونی کمی و کیفی اطلاعات است.

در بسیاری از موارد، چگونگی عملکرد هر واحد اقتصادی بر فعالیت دیگران اثر می‌گذارد. بنابراین فرض عقلائی بودن رفتار نهاد، مستلزم آن است که فعالیتهای سایرین در نظر گرفته شوند. اما اغلب بدلیل ناشناخته بودن پارامترهای مؤثر در تصمیم دیگران برای یک نهاد اقتصادی، این نهاد بناچار بر اساس تخمینی که از رفتار دیگران دارد، فعالیت‌های خود را تنظیم می‌نماید. اساس اعتماد در فضای اقتصادی رابطه ایست که بین دو نهاد اقتصادی بر مبنای حداکثر کردن منافع خود بر قرار می‌شود. بطور عینی، هر نهاد اقتصادی استراتژی خود را مشروط براعتماد و انتظاری که از رفتار طرف مقابل دارد، اتخاذ خواهد کرد و بگونه‌ای تصمیم خواهد گرفت که منافع خود را حداکثر کند. اگر طرف مقابل، رفتار خود را عوض کند، نتایج پیش‌بینی شده توسط نهاد اقتصادی اول بدست نخواهد آمد و اعتماد بین آنها سلب خواهد شد. این مسئله در قالب اقتصاد خرد وکلان در تئوری بازی مشهود است.

تئوری بازی‌ها شاخه جذابی در اقتصاد بوده و مبنای آن اعتماد نهادهای اقتصادی به استراتژی طرف مقابل است. این تئوری به موضوع بی اعتمادی در اقتصاد از زاویه تصمیم‌گیری نگاه می‌کند. یعنی روش‌های تصمیم‌گیری را در زمان بی‌اعتمادی در اقتصاد تحلیل و بررسی می‌کند (مک کنا،۱۳۷۲:٤١). هر چه اطلاعات اعتمادکننده از رفتار نهاد طرف مقابل کامل‌تر باشد در اتخاذ تصمیم صحیح موفق‌تر خواهد بود.

پال زاک و استیفن ناک[1] (۱۹۹۸) یک مدل کلی رشد متعادل ارائه نمودند که در آن سرمایه‌گذاران مختلف به صورت تصادفی هر دوره با واسطه های معاملات بازرگانی در مناطقی که اعتماد سیر نزولی داشت، روبرو می‌شدند. آنها در مدل خود فرض کرده‌اند که یک سرمایه‌گذار زمان خود را به دو قسمت تقسیم می‌کند. زمان صرف شده برای تولید کالا

[1] Paul zak & Stephen Knack

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

و زمان صرف شده برای کنترل باز گشت سرمایه. حال هرچه زمان صرف شده برای کنترل بازگشت سرمایه بیشتر باشد، نشان می‌دهد اعتماد در آن فضای اقتصادی کمتر است. به علت اینکه در آن فضا، امنیت احساس نمی‌شود و عامل اقتصادی به طرفهای معامله و اطرافیان اعتماد ندارد. تعریفی که زاک و ناک از اعتماد در مدل خود مدت زمانی است که هر نهاد اقتصادی برای کنترل بازگشت سرمایه خود صرف نمی‌کند. این زمان بیانگر میزان اعتماد در فضای اقتصادی می‌دانند. بعبارتی دیگر هرچه این زمان کمتر باشد نشان از بی‌اعتمادی در محیط اقتصادی است. آنها فرض کرده‌اند که ریشه این بازرسی به بی‌اعتمادی به دلالان سرمایه یا به عبارتی واسطه گران بین سرمایه‌گذار و مصرف‌کننده باز می‌گردد. بعبارتی احساس ناامنی از طرف سرمایه‌گذاران باعث خواهد شد که زمان زیادی را به کنترل وضعیت روند سرمایه اختصاص دهد. حال هرچه نهادهای قضایی و امنیتی و بازرسین خارج از محیط اقتصادی بیشتر باشد، بسبب اینکه هر سرمایه‌گذار می‌داند در صورت از بین رفتن سرمایه خود، ارگانی برای برخورد با فریبکاران و فرصت طلبان است، اعتماد در آن فضای اقتصادی بیشتر خواهد بود.

بررسی آنها در ۸ کشور صورت گرفت و فرضیه ایشان مبنی بر رابطه اعتماد و رشد اقتصادی ثابت گردید. آنها به این نتیجه رسیدند که اعتماد به مقدار قابل ملاحظه‌ای با رشد در ارتباط است (ارشدی، وحید، ۱۳۸۲: ٤۲).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۳- معاملات تجاری، بستری برای تشکیل سرمایه اجتماعی

همانطور که اشاره شد، سرمایه اجتماعی در بطن روابط اجتماعی حاصل می‌شود. این روابط، می‌تواند در بستر اجبار یا اختیار حاصل شود. معمولاً اگر در بستر اجبار، شکل بگیرد و یک طرف تعامل اجتماعی از جایگزین برخوردار باشد، امکان گسستن پیوند، بسیار زیاد است و حفظ پیوند منوط به حاکمیت ارزش‌های اخلاقی در دو سوی تعامل است. اگر تعامل اختیاری باشد و طرفین تعامل بر اساس شناخت از هم، به هم پیوند بخورند، شبکه اجتماعی پایدارتری تشکیل می‌شود. آنچه که در تعامل و تشکیل سرمایه اجتماعی اهمیت دارد، پایداری تعامل بین اعضاء شبکه است.

از بدو فعالیت‌های اقتصادی توسط انسان، معاملات تجاری در یک بستر اجباری، انسان را وارد یک شبکه اجتماعی کرده است. نیاز انسان‌ها به تأمین احتیاجات و تقسیم کار بین انسان‌ها و تقسیم محیط فیزیکی برای تأمین نیازها، عاملی اجباری برای شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی شده است و بر اساس این نیاز، تولید کنندگان و صاحبان کالاها و خدمات، خود را در اختیار انسان نیازمند قرار داده‌اند. در یک فرآیند تدریجی کسب منفعت از این پیوند برای طرفین حاصل شده است.

یک طرف پیوند، به دنبال تأمین مطلوبیت خود بوده است و طرف دیگر، به دنبال تأمین سود خود. با تعدد و تکثر صاحبان کالاها و خدمات، بردارهای تعاملاتی رقابتی برای جذب تقاضاکننده کالا و خدمات بصورت خودکار ایجاد شده است. اگر در این فرآیند عرضه کننده، مشتری خود را از دست بدهد، در حکم ضرر محسوب می‌شود و این اتفاق برای او یک امر ناخوشایند است. رابطه بین دو طرف معامله وقتی از پایداری برخوردار است که هر دو طرف معامله از رفتار همدیگر، احساس مطلوبیت داشته باشند. این احساس مطلوبیت، حاصل اعتماد ایجاد شده بین خریداران و فروشندگان می‌باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

اسلام به واسطه دستورات اخلاقی و احکام، بسترساز شکل‌گیری روابط اعتماد آمیز و انباشت سرمایه اجتماعی است. برای پایداری این اعتماد، دین مقدس اسلام انسان را مکلف به رعایت آدابی کرده است که قابلیت ایجاد می‌کند تا انسان در یک تعامل اخلاقی، بتواند مطلوبیت و سود خود را در یک دوره بلندمدت کسب کند. به عبارتی روابط اعتمادآمیز بین فعالان اقتصادی، منافع بلندمدت را در پی دارد.

٤- آداب و اخلاق خرید و فروش اسلامی و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی

در ادبیات اقتصاد اسلامی، زمانی‌که خرید و فروشی انجام می‌شود در قالب «بیع» صورت می‌گیرد. بیع در لغت اعطاء مثمن وأخذ ثمن است. گاهی بیع را به معنی خریدن و شراء به معنی فروختن استعمال می‌شود. در بیع انعقاد و اطاعت وجود دارد و بیعت کننده و بیعت شونده، تعهد و مسئولیت طرفینی وجود دارد. اعراب، وقتی داد و ستد می‌کردند و چیزی را می‌فروختند با یکدیگر دست می‌دادند و این نشانه خرید و فروش در نزد آنها محسوب می‌شد.

دین مقدس اسلام برای انجام بیع، به انسان أمر و نهی کرده است و برای آن چارچوبی اخلاقی و احکامی قرار داده است. روایات صحیح و متعدد بر اهمیت یادگیری احکام و دستورات اخلاقی قبل از پرداختن به تجارت تأکید کرده است. این احکام و اخلاقیات، مولد اعتماد و سرمایه اجتماعی هستند.

معروفترین روایتی که تأکید بر یادگیری احکام و اخلاقیات قبل از ورود به کسب و کار دارد، روایتی از امیرالمؤمنین علی (ع) که فرموده است:[1] (میرعمادی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). «الفقه ثم المتجر» «اول یادگیری احکام، سپس تجارت».

عمده این احکام و دستورات اخلاقی، باعث ایجاد شبکه‌ها و پیوندهای هم سطح افقی

[1] کافی، ج ۵، ص ۱۵۰.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

بین اعضاء جامعه و افزایش اعتماد و بالتبع آن انباشت سرمایه اجتماعی خواهد شد.

در دین مقدس اسلام، رعایت حق الناس از حق الله از جایگاه بالاتری برخوردار است. این امر بیانگر نظر اسلام بر ایجاد، حفظ و پایداری روابط اجتماعی در کلیه سطوح است. زیرا اگر مردم، رعایت حق هم‌دیگر را نکنند، شبکه‌های افقی فرو می‌پاشند. بزرگترین گناهان هم گناهانی است که ماهیت آن، منجر به گسست پیوندهای اجتماعی خواهد شد مانند دروغ، تهمت، غیبت و ...

آداب کسب و تجارت از دیدگاه اسلام که منجر به انباشت سرمایه اجتماعی می‌شوند، عبارتنداز:

أ. صداقت و راستی

یکی از اصول و فضیلت‌های اخلاقی، مسأله صداقت است. صداقت و راستی طرفین معامله، باعث حاکم شدن آگاهی و شفافیت در معامله، برای طرفین می‌شود و در نتیجه منجر به شکل‌گیری اعتماد و تعامل بلندمدت خواهد شد.

دین مقدس اسلام، بزرگترین گناه را عدم صداقت و دروغگویی می‌داند و به شدت آن را مذموم دانسته‌است و یکی از موارد کسب حرام، منفعتی است که بر اساس یک رابطه فریبکارانه شکل گرفته باشد.

صداقت در معامله، به حدی مهم است که پیامبر مکرم اسلام(ص) می‌فرمایند: «یا معشر التجار انتم فجار، الا من اتقی و بر و صدق»[1] «ای گروه تاجران، همه شما به دلیل رعایت نکردن مسائل اخلاقی فاجر هستید، مگر کسانی که در معاملات از خدا بترسند و نیکی کنند و صداقت و راستی در معامله داشته باشند».

[1]- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۵۱.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

در روایت دیگر فرمودند: «البیعان بالخیار ما لم یتفرقا فإن صدقا وبینا بورک لهما فی بیعهما وإن کتما وکذبا محقت برکة بیعهما»[۱]

در روایت دیگری حضرت سه بار تأکید می‌فرمایند: «من غش فلیس منا»[۲] کسی که تقلب و حیله در معامله به کار می‌برد، از ما نیست.

فروشنده و مشتری، هر کدام حق خیار و فسخ معامله را دارند تا زمانی‌که متفرق نشدند (خیار مجلس) آنگاه فرمود: اگر خریدار و فروشنده در معامله صداقت داشته باشند، خداوند به معامله آنها برکت می‌دهد، اما اگر عیب را کتمان کنند و دروغ بگویند، برکت از آنها برداشته می‌شود.

احمد بن محمد یحیی می‌گوید: یکی از یاران امام صادق(ع) می‌خواست به کار تجارت و معاملات بپردازد، از حضرتش مشورت خواست. حضرت توصیه کردند که صداقت مبنای تجارتش باشد:[۳] «علیک بصدق اللسان فی حدیثک و لا تکتم عیبا» بر تو باد به صداقت و درستی در معامله، مبادا عیبی را کتمان کنی و به مشتری ضرر بزنی.

از امام صادق(ع) پرسید: «شخصی که دو نوع از یک جنس دارد، یکی گران و دیگری پست و ارزان، پس هر دو را مخلوط می‌کند و به یک قیمت می‌فروشد. آیا جایز است؟» ایشان فرمودند: «نباید با مسلمانان غش کند و این طور معامله کند، مگر اینکه مخلوط بودن را به مشتری بگوید».

تقلب و غش در معامله، مصادیق متعدد دارد، مثل: مخلوط کردن آب در شیر،فروش کالا در تاریکی نور، مخلوط کردن جنس خوب و بد، متفاوت بودن رو و زیر جنس، مخفی داشتن عیب جنس و جنس را به جنس دیگر وانمود دادن. همه این‌ها از عدم صداقت بین

---

[۱] اصول کافی، ج ۵، ص ۱۷۰.

[۲] بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲٤۳.

[۳] وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۸۵.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

طرفین معامله شکل می‌گیرد و منجر به بی‌اعتمادی می‌شود. و تحصیل مال از این راه‌ها ممنوع و حرام و معامله آن هم باطل است.

مهمترین جلوه صداقت، شکل‌گیری اعتماد عمومی و به تبع آن انباشت سرمایه اجتماعی و پیوندهای پایدار بلندمدت بین طرفین معامله است.

از پیامبر اکرم(ص)، کسب و کار حلال را در چارچوب صداقت معامله‌گران تعریف می‌کنند و می‌فرمایند:[۱]

هرکس چهارچیز را رعایت کند، کسب و کارش پاکیزه و حلال خواهد بود:

- هنگام فروش از کالای خود تعریف بی جا نکند.
- هنگام خریدار جنس مورد نظر، مذمت نکند.
- در معامله، تدلیس و دغل کاری نکند.
- در معامله در هیچ حال سوگند نخورد.

و اجر کاسب راستگو را محشور شدن با شهیدان و صدیقان می‌دانند.[۲]

ب. انصاف در معامله و اجتناب از ظلم

انصاف، از اصول اخلاقی است که می‌تواند منجر به پایداری پیوند بین طرفین معامله شود. امیرالمؤمنین علی(ع)، ماهیت برقراری عدالت را در رعایت انصاف، می‌بینند[۳]. «العدل الانصاف و الاحسان التفضل» عدل آن است که انصاف را رعایت کنی و احسان آن است که بر کسی سخت نگیری.

[۱] وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۸٤.

[۲] کنزالعمال، ج ٤، ص ۷.

[۳] نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

نشانه رعایت انصاف در سخن گران‌بهای امیرالمؤمنین(ع) است که فرمودند: پایداری اجتماع به این است که درافراد آن حس اجتماعی و عاطفه اجتماعی وجود داشته باشد، یعنی همان طوری باشد که امام صادق علیه السلام فرمود: «خودت را همواره به جای دیگران بگذاری وبرای آنها همان را بپسندی که برای خود پسندی و همان را کراهت داشته باشی که برای خویشتن کراهت داری».

شهید مرتضی مطهری (ره) در مقاله «تجلی پیام: ص ۵۷۱» که در پایگاه جامع استاد شهید مطهری منتشر شده است، اثر انصاف و رعایت حقوق همدیگر را بر استحکام روابط اجتماعی و وحدت مورد بررسی قرار داده‌اند و می‌فرمایند:[1]

«در اخبار و روایات ما وارد است که کمترین حقی که مؤمن نسبت به مؤمن پیدا می کند این است که باید هر چه را که برای خود دوست می دارد برای او دوست بدارد و هر چه را برای خود مکروه می دارد برای او مکروه بدارد؛ یعنی کمترین حق او این است که خود را به جای او فرض کند و همان طوری که به حسب طبیعت و غریزه هیچ وقت برای خود، جز خیر و سعادت آرزو نمی کند و جز از شر و بدبختی کراهت ندارد، برای سایر افراد مؤمن نیز باید اینچنین باشد. مثلاً آنجا که او بیمار است و خودش طبیب، باید چنین فرض کند که خودش بیمار است و او را پیش طبیب برده‌اند و چقدر علاقه پیدا می‌کند که در امر معالجه و پرستاری او دقت شود. آنجا که دیگران حاجتی در مؤسسه ای دارند که خودش در آن مؤسسه کار می کند باید چنین فرض کند که این مراجعه کنندگان خود من هستم، من هستم و برادرانم و فرزندانم و همه کسانی که من به آنها علاقه طبیعی دارم، پس نباید این مراجعه کنندگان معطل بشوند و وقت بیهوده تلف کنند و عصبی بشوند و کارشان معطل شود و یا آنجا که جنسی از مأکول و مشروب و ملبوس و وسایل و کارفرما برای مردم تهیه می‌کند باید چنین فرض کند که این کارفرما و یا این آذوقه را برای خانه خودم

[1] http://www.mortezamotahari.com/fa/articleview.html?ArticleID=9058

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

تهیه می‌کنم، پس دیگر نباید غشّ و تقلّب به کار ببرم. و یا در وقتی که معامله می کند باید این طور فکر کند که خود من خریدار هستم، پس رعایت انصاف و عدالت را بکنم.

رسول خدا فرمود: مَثَل اهل ایمان در دوستی متبادل و عاطفه مشترک همانا مَثَل یک پیکر است که چون عضوی درد می‌گیرد، سایر اعضای جسد، بیقراری و همدردی می‌کنند؛ درجه حرارت بدن بالا می‌رود و تب عارض می‌گردد، استراحت و آسایش از تمام بدن رخت بر می‌بندد، بی خوابی پیدا می‌شود.

خاصیت موجود زنده این است که بین اعضا و اجزای آن همکاری و همدردی و هماهنگی هست و آن جماد و مرده است که از خراب شدن یک جزء، اثری در سایر اجزاء دیده نمی شود. جامعه نیز به نوبه خود حیات و ممات دارد. روح اجتماعی نیز به نوبه خود حقیقتی است از حقایق این جهان. اگر روح اجتماعی وجود داشته باشد و جامعه زنده و جاندار باشد بدون شک همدردی و همکاری در آن جامعه وجود دارد، دیگر در آن جامعه جنس تقلّبی برای یکدیگر تهیه نمی کنند، به یکدیگر کم نمی فروشند، رعایت انصاف و عدالت را می نمایند، در خوشی و ناخوشی دیگران شریک می باشند.

سالی در مدینه خشکسالی پیدا شد. امام صادق(ع) از ناظر خرج منزل خود پرسید: امسال ما در خانه چه داریم؟

او گفت: جای نگرانی نیست، به قدر آنکه تا آخر سال ما را کفایت کند من گندم تهیه و ذخیره کرده‌ام.

امام فرمود: فعلاً وضع مردم چه طور است؟

گفت: سخت است؛ مردم معمولاً نان روزانه خود را روز به روز از دکان نانوایی تهیه می‌کنند و به واسطه کمیابی گندم، نان معمولی مردم نیمی گندم و نیمی جو است. امام فرمود: برو هر چه گندم در خانه ما هست به مردم بفروش.

او گفت: این کار صلاح نیست، زیرا دیگر برای ما میسر نخواهد شد گندم بخریم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

امام فرمود: مانعی ندارد؛ همه اینها را بفروش، بعد ما هم مانند دیگران روزانه از نـانوایی‌هـا از همان نانی که نیمی گندم و نیمی جو است می‌خریم و مصرف می‌کنیم. هر چند برای من مقدور است که تمام سال، خودم و کسانم گندم خالص مصرف کنیم ولی مـن دوسـت دارم با سایر مسلمانان شریک و همدرد باشم.

این است معنای روح اجتماعی و این است معنای این که جامعه زنده باشد. زنده بودن اجتماع به این است کـه در افـراد آن اجتمـاع روح اجتمـاعی و حـس اجتمـاعی و عاطفـه اجتماعی وجود داشته باشد؛ یعنی همان طوری باشـد کـه امـام صـادق فرمـود: خـودت را همواره به جای دیگران بگذاری و برای آنها همان را بپسندی که برای خود مـی پسـندی و همان را کراهت داشته باشی که برای خویشتن کراهت داری.»

رعایت انصاف، ابعاد مختلفی دارد. یکی از این ابعاد این اسـت کـه مربـوط بـه حـوزه معاملات است این‌که فرد فروشنده به حداقل سود راضی باشد. امام صادق(ع) به صـراحت به این موضوع اشاره فرمودند[1]: «فریب دادن کسی که در نرخ کالا به شما اعتمـاد مـی‌کنـد، حرام و سود گرفتن بیش از اندازه ظلم است.»

بُعد دیگری آسان گرفتن معاملات است که از آموزه‌های مؤکد دین اسلام است. پیـامبر اکرم(ص) فرمودند کسی که خرید و فروش را آسان سازد و آسان بگیرد مورد رحمت الهی قرار می‌گیرد.[2] امیرالمؤمنین علی(ع)، برکت را در آسان‌گیـری معـاملات مـی‌داننـد.[3] از امـام صادق(ع) روایت شده است کـه هـرکس در معاملـه‌اش، کـالا را از مسـلمانی پـس بگیـرد، خداوند در روز قیامت از لغزش او درگذرد».

[1] من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۲.
[2] صحیح بخاری، ج ۳،ص ۷۱.
[3] بحارلانوار، ج ۷۸، ص ۷۱.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

میرعمادی، سیداحمد (۱۳۹۰: ۱۰۷)، اثر انصاف در معامله را در خیر و برکت مادی، تحکیم اخوت ایمانی، سلمت دینی و اعتماد عمومی می‌داند.

یکی دیگر از ظلم‌هایی که در معاملات اقتصادی صورت می‌گیرد و باعث بی‌اعتمادی می‌شود، کم فروشی است. این مسئله آنقدر از اهمیت برخوردار است که سوره‌ای به نام «مطففین»، مختص این پدیده ظالمانه اقتصادی نازل شده است (قرضاوی، یوسف، ۱۳۹۰: ۳۷۸-۳۷۹).

«ویل للمطففین، الذین اذا اکتالوا علی الناس یستوفون و اذا کالوهم أو وزنوهم یخسرون» وای به حال کاهندگان (از جنس و کالای مردم به هنگام خرید و فروش) کسانی که وقتی در معامله‌ای برای خود می‌پیمایند به تمام و کمال و افزون به اندازه لازم برمی‌دارند و هنگامی که در معامله برای دیگران پیمانه و یا وزن می‌کنند، از اندازه لازم می‌کاهند، آیا اینان گمان نمی‌کنند که دوباره زنده می‌شوند (و باید حساب و کتاب) پس بدهند. یا در آیات دیگری در سوره شعراء آیه ۱۸۱ تا ۱۸۲ آمده است: «پیمانه را به تمام و کمال انجام دهید و از جمله کم دهندگان (جنس به مردم و کاهندگان (جنس مردم و کاهندگان اموال ایشان) نباشید، و با ترازوی دقیق (اشیاء و اجناس را) بکشید».

همچنین، برخی از خیاراتی که دین مقدس اسلام در مورد حق اختیار فسخ دادن قرارداد، به طرفین معامله داده شده است را می‌شود در راستای ظلم نرساندن به طرفین معامله و رعایت انصاف تفسیر نمود: فسخ در مجلس، فسخ در مورد حیوان، شرط فسخ، فسخ در مورد غبن، فسخ به علت تأخیر، فسخ به علت رؤیت کالا و فسخ به علت عیب[1] (وحید، رضا، ۱۳۸۷: ۵۹-۵۷).

[1] مراجعه به تحریر الوسیله حضرت امام خمینی (ره) و رساله‌های مراجع تقلید شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

ج. ضرورت به مکتوب کردن مستندات معامله

در آیه ۲۸۲ سوره بقره، به عنوان بزرگترین آیه قرآن مجید بـر روی ثبـت مکتـوب عقـود و گرفتن شاهد تأکید شده اشت.

مقصود از اسناد تجاری، عبارت از هر نوشته‌ای که در مقام دعوی یا در مقام دفاع قابـل استناد باشد؛ اعم از اسناد رسمی یا اسناد عادی در معـاملات رایـج اسـت. از آن جـایی کـه اسلام، دین جامع و کامل است، برای ایجاد انضباط اقتصـادی و رعایـت مسـائل حقـوق و اخلاق مالی، دستور به تظیم اسناد مالی و تجاری در معاملات داده شـده اسـت. «دَیْـن»، در قرآن شامل تمام معاملات، اعم از خرید و فروش و معاملات نقدی و نسیه‌ای و... می‌شـود. اثر این دستور، حفظ اعتماد و خوش‌بینی به همدیگر و آرامش روحی طـرفین و جلـوگیری از فراموشی، انکار، سوء ظن و ... تأثیر فراوان دارد. در حدیث آمده اسـت:[1] «اگـر کسـی در معامله سند و شاهد نگیرد و مالش در معرض تلف قرار گیـرد، هرچـه دعـا کنـد، خداونـد مستجاب نمی‌کند». در آداب ثبت مکتـوب معـاملات، بـر مـوارد زیـر تأکیـد شـده اسـت: (میرعمادی، ۱۳۹۰: ۱۱٤–۱۱۲)

الف– نوشتن تمام خصوصیات معامله؛

ب– عادل و امین بودن نویسنده اسناد؛

ج– شاهد گرفتن تنظیم اسناد؛

د–ثبت سند و ضبط دقیق معملات.

د. مشارکت، تعاون و انفاق در معاملات اقتصادی

تأکید بر فعالیت‌های مشارکتی و بهره‌گیری از همکاری جمعی در فعالیت‌های اقتصـادی در ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفته است. این همکاری باعث بلا اسـتفاده نشـدن منـابع و

[1] بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۰۱.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

سرمایه‌های انسانی و فیزیکی می‌شود و باعث تشکیل سرمایه اجتماعی می‌گردد. از یک طرف در آیه دوم سوره مائده، بر تعاون و همکاری برای انجام کارهای خوب تأکید شده است: «تعاونوا علی البر والتقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان».

فعالیت‌های اقتصادی در اشکال گوناگون ظاهر می‌شود. یکی از اشکال، همکاری فروشندگان با مشتریان، مخصوصاً توجه به مشتریان که از طبقه متوسط و ضعیف جامعه، راه را برای توانمند کردن این قشر فراهم کرده و باعث می‌شود قدرت خرید آنها افزایش پیدا کند. بالارفتن قدرت خرید اقشار مختلف، باعث افزایش تقاضا و انگیزه برای تولید می‌شود. البته برای آن هم اعتدال لازم است، بطوریکه در قرآن مجید آمده است: «و لاتجعل یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کل البسط»[1] هرگز دستت را مبند و بسیار هم گشاده دستی مکن، بلکه حد وسط را انتخاب کن.

اسلام از مردم می‌خواهد منابع خود را کنز نکرده و در چرخه گردش اقتصادی وارد کنند. ورود این منابع، یا خود فرد را بهره‌مند می‌کند یا دیگران را. تعاون و همکاری در قالب وام و قرض، انفاق و بخشش، احسان و نیکوکاری و...از مصادیق مشارکت محسوب می‌شود.

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «انما اعطاکم الله هذه الفضول من الاموال لتوجهوها حیث وجهها الله و لم یعطکموها لتکنزوها»[2] همانا، خداوند این اموالی را که افزون بر نیاز شماست، به شما داده تا بوسیله آن به خدا نزدیک شوید؛ نه اینکه آنها را کنز کرده و روی هم انباشته کنید.

بسیاری از صاحبان مشاغل توانایی دارند از سرمایه‌های خود در جهت توسعه فعالیت‌های اقتصادی، توانمندسازی مردم و در جهت منافع ملی استفاده کنند.

---

[1] سوره اسراء، آیه ۲۹.

[2] کافی، ج ٤، ص ۳۲.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۵-دخالت نکردن در داد و ستد دیگران

یکی از سوء خلق‌هایی که در معاملات بشدت مذموم شده است و باعث گسست اجتماعی می‌شود، دخالت کردن در معاملات دیگران است. بسیار مشاهده می‌شود که افراد مانع از یک معامله می‌شوند. نباید جهت از بین بردن یک رابطه تجاری، آن هم در یک معامله واحد، یک نفر خارج از معامله وارد شده و با هدف سودجویی قیمتی کمتر پیشنهاد دهد تا رابطه بین معامله کنندگان از هم بپاشد. یا خریداری خارج از معامله حاضر باشد قیمتی را بالاتر بپردازد تا معامله صورت نگیرد. از رسول اکرم(ص) آمده است:[1] «لایبیع الرجل علی بیع اخیه» برخی از شما وارد معامله دیگر نشود.

دخالت در معامله دیگران با هدف از بین رفتن پیوند معامله گران و کسب سود شخصی مداخله‌گر، باعث از بین رفتن شغل، سرمایه فیزیکی و اجتماعی، اعتماد فعالان اقتصادی می‌شود و راه را بر معاملات بعدی می‌بندد.

٦-اعتدال و میانه‌روی در مخارج و ابعاد گوناگون آن

اسلام به عنوان یک دین جامع، در کلیه شئون زندگی بر اعتدال و میانه‌روی تأکید دارد و تنفر خداوند را از انسان‌هایی که در رفتار خود افراط و تفریط می‌کنند، از طریق کتاب و سنت پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) به گوش مخاطبینش رسانده است. امیال، بسیار فراتر از نیازهاست؛ به عبارت دیگر، امیال انسان از دو منشأ سرچشمه می‌گیرد: نیازهای حقیقی و نیازهای موهوم.

در جهت ایجاد اعتدال و میانه‌روی در مخارج، انسان باید این تقسیم‌بندی را در ذهن خود شکل دهد که نیازهای حقیقی، منشأ جسمی یا روحی واقعی دارند؛ در حالی‌که

[1] سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۷۳٤.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

نیازهای موهوم، به وسیله توهّمات ذهنی که ریشه در تبلیغات، چشم و هم چشمی و امثال آن ریشه دارد، پدید می‌آید (میرمعزی،۱۳۹۰: ۲۱٤).

به‌عنوان نمونه، ممکن است کسی بدون مبلمان منزل هم یک زندگی راحتی داشته باشد، اما به دلیل چشم و هم چشمی اقدام به خرید مبلمان می‌کند. بنابراین مبلمان نیاز موهوم می شود. مثال دیگر در مورد تغذیه است. تغذیه خوب و سالم، نیاز واقعی است. اما هر نوع تغذیه‌ای، خوب و سالم نیست و شاید که خرید آن مضرّ باشد، اما بر اساس تبلیغات دلنواز، افراد گرایش به خرید غذاهایی مثل فست فودها می‌کنند، در صورتی که نسبت به غذاهای سنّتی از سلامت کمتری برخوردارند. تقسیم‌بندی دیگر اینکه، نیازهای واقعی را می‌توان با محصولات و خدمات خوب پر کرد، می‌توان با محصولات و خدمات بد. به عنوان نمونه، تفریح خوب و سالم، نیاز واقعی است، اما هر نوع تفریحی خوب و سالم نیست و شاید که اختصاص زمان و منابع مالی به این نوع تفریح، انسان را در معرض خطرات روحی و معنوی قرار دهد. مثل خرید و مشاهده یک فیلم مستهجن. وسیله نقلیه خوب و سالم، نیاز واقعی است. اما برخی وسایل نقلیه، فقط قابلیت خودنمایی دارند. یعنی فرد می‌تواند با هزینه کمتری، نیاز واقعی خود را با خرید یک خودروی ساده‌تر رفع نماید. (ارشدی، وحید، ۱۳۹۱).

به عنوان نمونه، تجمل‌گرایی، اسراف و ولخرجی کردن توسط عده‌ای از اقشار جامعه، باعث می‌شود اقشار ضعیف جامعه نتوانند به حداقل نیازهای خود دسترسی پیدا کنند. زیرا این منابع که می‌توانست بواسطه خصلت نوع دوستانه بشری از راه‌های مختلف و مشروع، در اختیار نیازمندان قرار گرفته است، در اختیار تمایلات زودگذر دنیوی دیگران قرار گرفته و قابلیت بازگشت به جامعه اسلامی را از دست می‌دهند. اسراف باعث هلاکت و محرومیت اجتماعی می‌شود. نص صریح قرآن، حکایت از مفسد بودن شخص اسراف کار

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

دارد. تجمل گرایی پدیده مذموم است که جامعه را به فساد می‌کشاند. این پدیده ضد اعتدال و میانه‌روی است.

با تجمل گرا شدن و به رخ دیگران کشیدن زندگی توسط هر کدام ازانسان‌ها، به پدیده حرص و ولع در جامعه دامن زده می‌شود. یعنی خانواده‌های کم درآمد هم به آنها نگاه می‌کنند و می‌خواهند خودشان را به اقشار تجمل‌گرا برسانند. آن وقت برای رسیدن به یک زندگی به اصطلاح آبرومندانه مجبورند به هر کاری دست بزنند. در یک مسابقه مصرف گرایی، اقشار ناتوان در گرداب فساد خواهند افتاد و همین أمر منجر به گسست اجتماعی خواهد شد و سرمایه اجتماعی کاهش پیدا خواهد کرد. این نوع رفتار مصرف کنندگان، علامت نادرستی به تأمین کالا از طرف تولیدکننده یا فروشنده می‌دهد. به عبارتی، فروشنده و تولیدکننده منابع خود را در جهت رفاه کاذب صرف می‌کنند و از تأمین نیازهای اساسی اقشار مختلف، باز می‌مانند که خود بر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر است.

در قرآن مجید، سوره شعراء آیات ۱۵۱ و ۱۵۲ آمده است: «از مسرفان اطاعت نکنید، زیرا آنها کسانی هستند که در زمین فساد می‌کنند و به اصلاح نمی‌پردازند.»

از سیّد السّاجدین، امام زین العابدین(ع) دعای ۳۱ صحیفه سجادیه فرموده‌اند: «...ای پروردگارم! از غصه وام و اندیشه در آن و از دلمشغولی به مسأله قرض و بیخوابیش به تو پناه می‌برم. پس بر محمد و آلش درود فرست و مرا به ثروت بسیار با زندگی تؤام با کفاف که همیشه باشد از آن پناه ده. مرا از اسراف و زیاده روی بازدار و در بخشش و میانه‌روی استوار دار و روش نیکو در زندگی را به من بیاموز و مرا به لطف خود، از ولخرجی حفظ کن و روزیم را از راه‌های حلال جاری ساز و خرج کردن مالم را در کارهای نیک قرار ده و ثروتی را که مرا به کبر و خودبینی آلوده کند یا به ستم بکشاند یا از مرز عبادت و ادب درگذراند از من دور کن».

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

شاید یکی از دلایل این تأکیدات، توزیع ناعادلانه سرمایه‌های انسانی، فیزیکی و مالی می‌شود که موجب تباهی سرمایه‌های دیگران خواهد شد و در نتیجه باعث گسست اجتماعی می‌شود.

یکی از دستورات اخلاقی که بیانگر توجه انسان به اعتدال و میانه‌روی است، قناعت و مناعت طبع در زندگی است که در مقابل طمع کاری و زیاده خواهی است. قناعت، به معنای اکتفا کردن به حد ضرورت و بسنده کردن به مقدار نیاز است.

پیامبر اکرم(ص)، فرمودند:[1] «بهترین امت من، قناعت کنندگان و بدترین آنها، طمع کاران هستند».

برخی فروشندگان، مهارت ویژه‌ای دارند که اگر انسان قصد خرید هم نداشته باشد، جنسی را که اصلاً به آن نیازی هم ندارد به وی می‌فروشند. مهارت آنها در بازار داغی، کسب منفعت خودشان است. آیا واقعا به آن جنس نیاز است؟ بازاریابان حرفه‌ای با رویکرد سود محوری خالص، تلاش می‌کنند برای انسان نیازی بیآفرینند و چنین وانمود می‌کنند که با خرید محصولات آنها برخی کمبودهای اصلی و اساسی زندگیبرطرف می شود. مهارت برخی از آنها به حدی است که خریدار، گمان می‌کند از خواب غفلت بیدار شده و با خرید وسیله‌ای که پیشنهاد می‌شود، زندگی جدیدی را آغاز خواهد کرد (ارشدی، وحید، ۱۳۹۱).

منافع فردی و اجتماعی انسان قانع عبارتند از: آسایش و آرامش، بی نیازی و سربلندی و عزت و اقتدار درونی. که همه اینها منجر به تشکیل سرمایه اجتماعی می‌شود و از گسست پیوندها جلوگیری می‌کند. از طرف دیگر فرد طمع‌کار، باعث گسست شبکه‌های افقی جامعه میگردد و مسیر را برای ارتباطات بلندمدت و پایدار می‌بندد.

[1] میزان الحکمه، ج ۸، ص ۲۸۰.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

حلال خوری، عامل قناعت و دور شدن از طمع کاری خواهد شد: اکتفا به طلب رزق حلال و دوری جستن از حرام واجب است . پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «هر کس بر آنچه از مال دنیا که خداوند حلال فرموده اکتفا کند سالم باشد و هر کس ن را از حرام بدست آورد در فساد هلاک شود».

پیامبر اکرم(ص) در حجه الوداع فرمودند: «هیچ نفسی نمیرد تا تمام رزق خود را بخورد. پس خدا را فراموش نکنید و در طلب رزق بسیار حرص نزنید و دیر رسیدن رزقتان شما را وادار نکند که از راه حرام اکتساب کنید. چه آن که خداوند متعال رزق‌ها را میان مخلوقاتش بر وجه حلال قسمت فرموده و بر وجه حرام قسمت نفرموده، پس هرکس پرده حرمت را پاره کرده و تعجیل کند تا از غیر حلال به دست آورد، به همان مقدار از رزق حلال او کم شود و روز قیامت بر حرام حساب شود.»

حضرت صادق(ع) فرمود: «خداوند متعال در رزق احمق‌ها وسعت داده تا عاقل‌ها عبرت بگیرند و بدانند آن چه که در دنیاست به عمل و حیله نمی‌توان رسید».

حضرت امیر در وصیت خود به محمد حنفیه فرمود: «ای فرزند رزق دو قسم است یکی رزقی که تو آن را طلب کنی و دیگری رزقی که آن تو را طلب کند. و هر روز تو را به قدری که مقدر شده می‌رسد. دیگر غصه خرج سالیانه را مخور» (وحید، رضا، ۱۳۸۷: ۳۸-۳٦).

۷-ارائه کالای با کیفیت و انجام درست خدمات

دقت داشتن و حوصله داشتن در انجام کار منجر به ارائه کالا و کار خوب می‌شود. ای برخورد باعث مستحکم شدن پیوند اجتماعی به وسیله اعتماد حاصل شده در مبادلات آن

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

کالاها به دست می‌آید. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: [۱] «اذا عمل أحدکم عملا فلیتقن» هرگاه کسی از شما به کاری دست زد، باید درست و محکم انجام دهد.

و در جای دیگر فرمودند: «خداوند بنده‌ای را دوست دارد که چون کاری را انجام دهد، محکم کاری کند».

امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرمایند:[۲] «ارزش هرکس به‌اندازه درستی و استحکام کاری است که انجام می‌دهد.» ایشان خیاطی را دیدند که کم کاری می‌کند، به وی خطاب کردند: «ای خیاط! مادرت به عزایت بنشیند، نخ‌ها را سفت و محکم کن؛ درزها را کوچک بگیر، زیرا من از پیامبر شنیدم که فرمود: «کم کاری باعث عقاب و مجازات الهی است» (میرعمادی، سید احمد، ۱۳۹۰: ۱۹٤).

۸-خوش برخوردی طرفین معامله در کسب و کار

از اخلاق و آداب کسب و کار، خوش خلقی است که در شکل‌گیری پیوند بلندمدت طرفین و تشکیل سرمایه اجتماعی بسیار مؤثر است. حسن خلق، رزق و روزی را زیاد می‌کند. امام صادق(ع) فرمودند[۳]: هر صنعت گر و صاحب شغلی ناگزیر باید صاحب سه خصوصیت باشد:

أ. در کار خود ماهر باشد.

ب. در کار خود امانت به خرج دهد.

ج. خوش برخورد و خوش رفتار باشد.

---

[۱] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲۹ و ۲۳۰.

[۲] نهج البلاغه، کلمات قصار ۷٦.

[۳] بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۵.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

اخلاق و آداب اسلامی در تجارت از ابعاد مختلفی برخوردار است که باید توسط طرفین معامله رعایت شود: در ذیل برخی از مستحباتی که عامل پیوندهای اجتماعی پایدار می‌شود، مطرح می‌گردد:

برای خریدار توصیه شده است که:

۱- ادب خرید به ما می‌گوید که با یاد خدا و با گفتن بسم الله وارد مغازه شده، سپس سلام کرد. جویای احوال شد. سپس، اگر حال فروشنده مناسب بود، یعنی خوش اخلاق بود، وارد مغازه شد و اقدام به خرید شود.

۲- مضطرب وارد مغازه نشد. اگر فروشنده احساس کند که مشتری نیازمند او هست، قیمت برای وی مقطوع خواهد شد و شاید هم بیشتر از حد منصفانه. البته این بستگی به شخصیت فروشندگان دارد. برخورد مشتری باید با آرامش کامل باشد، بطوریکه بتواند راحت از مغازه خارج شود. جالب است زمانی‌که فروشندگان احساس می‌کنند که ما به علت قیمت، تمایل به خرید نداریم، بسیاری از وقت‌ها، برای جذب مشتری، به دنبال وی راه افتاده و شرایطش را پذیرا می‌شوند.

۳- اگر جنسی را از جایی بر می‌داریم و مورد پسند واقع نشد، آن را به جای اولش برگرداند.

٤- حتماً به تاریخ تولید و انقضای اجناس فاسد شدنی دقت شود، که باعث اصطکاک بین طرفین معامله نشود.

۵- وقتی مشتری واقعاً قصد خرید ندارد، فروشنده را خسته نکند. با یک معذرت خواهی کوچک، از مغازه خارج شود.

٦- با ایستادن بی جا، مانع کسب و کار فروشنده نشود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۷- شایسته است مشتری شخصاً بتواند (بدون وابستگی به کسی) خریدهای خود را انجام دهد.

۸- وقتی به عنوان همراه با کسی به خرید می رود، جلوی فروشنده، سلیقه‌ی خود را تحمیل نکند.

برای فروشنده توصیه شده است که:

۱- در کسب و کار مستحب است که فروشنده خوشرو باشد و مشتری را تحویل بگیرد.

۲- در کسب و کار مستحب است که فروشنده ابتدا قیمت کالا را معین کرده و بگوید.

۳- فروشنده نباید بین مشتری‌ها فرق بگذارد. چه آن کس که خوش معامله است و یا آن کس که چانه زننده است. چه فقیر و چه غنی، چه دوست و چه بیگانه، همه در نظر او یکسان باشند.

٤- کاسب باید همانطور که می‌خواهد در موقع خرید جنس از روی عدل و انصاف با وی رفتار کنند، هم چنان هم باید موقع فروش رعایت عدلت و انصاف را در حق مشتری بکند. باید هر جنس و کالایی را به کم ترین سود در دسترس مصرف کننده قرار بدهد.

۵- خودداری از فروش جنس به مردم کراهت دارد. هر معامله‌ای که به سهولت انجام گیرد، خداوند بر ن برکت دهد.

٦- کاسب یا تاجر آن چه را که برای فروش می‌خواهد باید بدقت انتخاب کند که فاسد و گران نباشد و هم بهترین و مناسب‌ترین آن‌ها باشد. مسئولیت نامطلوب بودن کالا به عهده فروشنده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

در ذیل، الگویی از اثرات آموزه‌های دینی بر سرمایه اجتماعی که حاصل مطالب فوق الذکر است ارائه می‌شود.

عوامل مؤثر بر انباشت سرمایه اجتماعی به واسطه ایجاد اعتمادسازی در فضای معاملات.

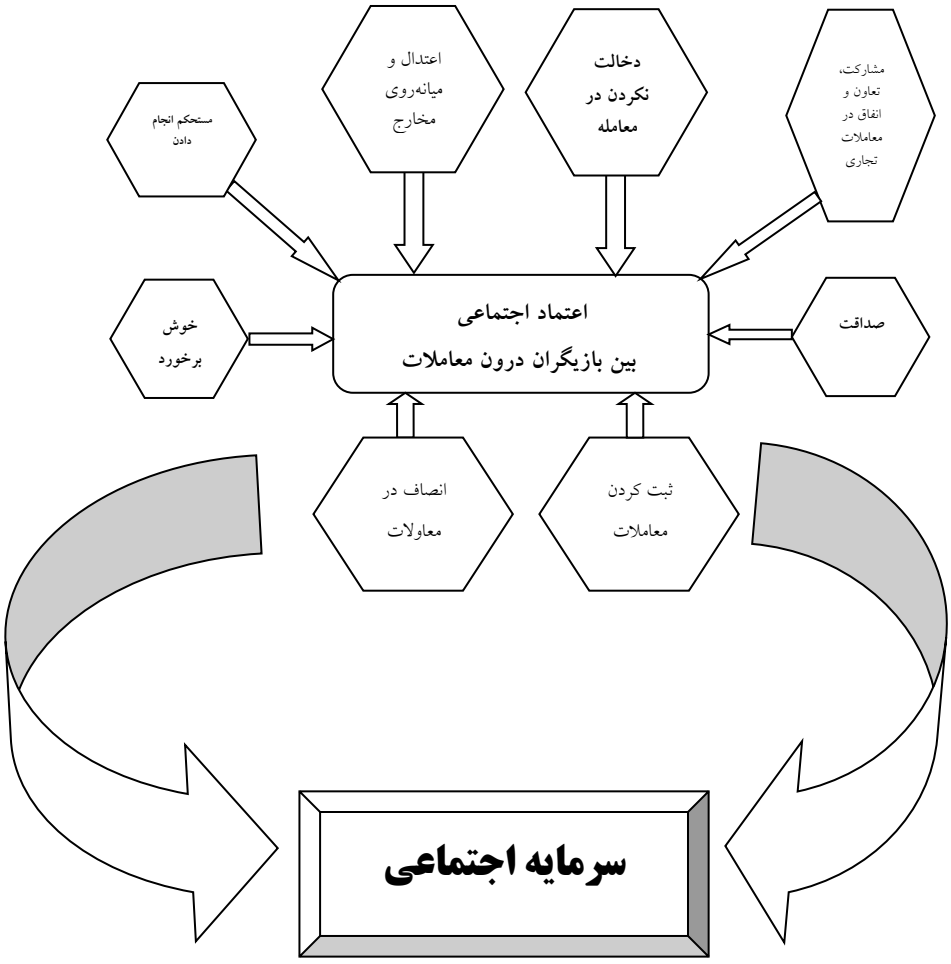

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی یکی از مهمترین سرمایه‌هایی که باعث تشکیل شبکه‌های افقی پایدار می‌شود و باعث قدرتمندتر شدن تعاملات اجتماعی می‌شود. شاخص آن اعتماد است که بواسطه رفتارهای اخلاقی شکل می‌گیرد. احکام و آموزه‌های اخلاقی اسلامی مربوط به آداب تجارت بسترساز این روابط است. در این مقاله به چند مورد از این آداب و اخلاقیات اشاره شد و با استفاده از قرآن و سنت، آموزه‌های دینی اعتمادساز در حوزه فعالیت‌های اقتصادی ارائه شد.

صداقت و راستی، انصاف در معاملات، مشارکت، تعاون و انفاق در معاملات تجاری، دخالت نکردن در معاملات دیگران، ثبت کردن معاملات، اعتدال و میانه‌روی در مخارج، مستحکم کار کردن و ارائه کالا و خدمات مناسب، خوش برخوردی، هشت آموزه دینی اعتمادساز است که منتهی به تشکیل شبکه‌های افقی پایدار خواهد شد و در کنار آسایش، آرامش را در فعالیت‌های اقتصادی حاکم می‌کند.

نهادهای تبلیغی، آموزشی، پرورشی و هنری از خانواده تا حوزه علمیه و آموزش عالی و رسانه ملی و... به عنوان نهادهای رفتارساز باید بستر نهادینه کردن آموزه‌های دینی را فراهم کنند و حتی منافع فردی افراد را در قالب اجرای این آموزه‌ها تبیین کنند.

کتابنامه

۱. قرآن مجید.
۲. نهج البلاغه.
۳. اصول کافی.
٤. بحارالانوار.
۵. صحیح بخاری.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

٦. من لا یحضره الفقیه.
۷. میزان الحکمه.
۸. وسائل الشیعه.
۹. ارشدی، وحید؛ (۱۳۹۱)، «زنبیل زندگی: آداب خریدکردن»، مشهد: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد، انتشارات بوی شهر بهشت.
۱۰. ارشدی، وحید؛ (۱۳۸۷)، «اثر سرمایه اجتماعی بر عدالت اقتصادی»، مجموعه مقالات توسعه مبتنی بر عدالت، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۱۱. ایمانی جاجرمی، حسین؛ (۱۳۸۰)، «سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری»، فصلنامه علمی – پژوهشی مدیریت شهری، شماره ۷.
۱۲. ایمانی جاجرمی؛ «نظریه سرمایه اجتماعی»، قابلیت‌ها و کمبودها
sesource.com/articles: www. Iranian society organization
۱۳. تاجبخش، کیان و بهناز اسدی‌کیان؛ (۱۳۸۲)، «تئوری سرمایه اجتماعی، پیامدهای آن برای توسعه اقتصادی و اجتماعی»، نشریه گفتمان شماره ۳
١٤. توکلی، احمد؛ (۱۳۸۱)، «بازار، دولت کامیابی‌ها و ناکامیابی‌ها»، تهران: نشر سمت.
۱۵. خداپرست، مهدی؛ (۱۳۸۰)، «حقوق اقتصادی در قانون اساسی»، دانش و توسعه، انتشارات دانشکده علوم اقتصادی و اداری مشهد.
١٦. رضایی، محسن؛ (١٣٨٤)، «سرمایه اجتماعی». نشریه بینش سبز، ش ۱۵.
۱۷. شارع‌پور، محمود؛ (۱۳۷۹)، «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن»، فصلنامه علمی – پژوهشی نامه انجمن جامعه شناسی ایران.
۱۸. صیدائی، سیداسکندر و همکاران؛ (۱۳۸۸)، «دیباچه‌ای برسرمایه اجتماعی و رابطه آن با مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در ایران»، فصلنامه علمی – ترویجی راهبرد یاس، شماره ۱۹.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۱۹. فوکویاما، فرانسیس؛ (۱۳۷۹)، «پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ»، ترجمه غلامعباس توسلی، جامعه ایرانیان، حکایت قلم نوین، چاپ اول.
۲۰. قرضاوی، یوسف؛ (۱۳۹۰)، «نقش ارزش‌ها و اخلاق در ارتباط با اقتصاد اسلامی»، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، تهران: نشر احسان.
۲۱. کلمن جیمز؛ (۱۳۷۷)، «بنیادهای نظریه اجتماعی»، تهران: نشر نی.
۲۲. مطهری، مرتضی؛ «تجلی پیام»، بخش دوم، وحدت ملی، پایگاه جامع آثار شهید مطهری.http://www.mortezamotahari.com
۲۳. مک کنا، سی‌جی؛ (۱۳۷۲)، «اقتصاد عدم اطمینان»، سعید مقاری، عبدالرضا فهیمی، پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک دانشگاه امام حسین(ع).
۲٤. میرعمادی، سیداحمد؛ (۱۳۹۰)، «اقتصاد در اسلام»، قم: نشر باقیات.
۲۵. میرمعزی، حسین؛ (۱۳۹۰)، «نظام اقتصادی اسلام»، مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق.
۲٦. نوری‌نائینی، سعید؛ (۱۳۷۲)، «دولت، بازار و قدرت بخش خصوصی»، مشکلات و امکانات، فصلنامه علمی – پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ٤.
۲۷. وحید، رضا؛ (۱۳۸۷)، «کسب و کار از دیدگاه اسلام»، تهران: مبنای خرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهارم و پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص۱۶۱-۱۹۸

مقایسه تطبیقی عقود مبادله‌ای و مشارکتی و شناخت مشکلات و فواید کاربرد آن‌ها در نظام بانکداری اسلامی

معین اکبرزاده[1]

چکیده

در این مطالعه کوشش شده است تا با مقایسه دقیق عقود مشارکتی و مبادله‌ای در ابعاد مختلف، ماهیت و خصوصیات منحصر به فرد هر دسته از این عقود شفاف‌سازی شود و مشکلات و انحرافات به‌کارگیری آن‌ها در بانکداری اسلامی ایران بررسی شود. ناآگاهی کارگزاران و مشتریان به شرایط قراردادها سبب کاهش کارایی عقود بانکی و حتی در مواقعی موجب ربوی شدن معاملات می‌گردد. آشنایی هر چه بیشتر با عقود بانکی می‌تواند از آلوده شدن معاملات بانکی به این حرام الهی جلوگیری کند.

پژوهش‌هایی که تا به حال در زمینه انجام گرفته به صورت جزئی و موردی درباره بعضی از عقود مانند مضاربه یا مشارکت بوده و یا عقود بانکی از جنبه‌ای خاص مورد مقایسه قرار گرفته است، اما در این تحقیق تمام عقود مبادله‌ای و مشارکتی شناسایی شده و مقایسه ای کامل در زمینه‌های مختلف (اقتصادی، حقوقی و ...) بین آن‌ها صورت گرفته است. همچنین مشکلات و فواید هر دسته از عقود نیز بیان شده است. روش‌های به کار گرفته شده در این پژوهش کتابخانه‌ای و تحلیل اسنادی می‌باشد.

واژگان کلیدی

بانکداری اسلامی، عقود مشارکتی، عقود مبادله‌ای، تسهیلات بانکی، مشکلات

[1]. کارشناس‌ارشد رشته اقتصاد و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق(ع) moin.akbarzadeh@isu.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مقدمه

بانکداری اسلامی در بخش تخصیص منابع شامل عقود متنوع و متفاوتی است که هر کدام کارایی و منافعی برای مشتریان و بانک دارد. بانک با ارائه تسهیلات در قالب این عقود نیازهای مختلف جامعه را جواب می‌دهد و خود نیز از امتیازات و نتایج مفید آن‌ها از جمله حذف ربا از جامعه بهره‌مند می‌شود. متأسفانه عوامل مختلفی منجر به ایجاد مشکلاتی در مسیر دستیابی به اهداف عالیه بانکداری بدون ربا شده است و با نگاهی به نحوه اجرای آن‌ها، مسئله انحراف در به‌کارگیری عقود اسلامی و کاهش کارایی سازوکار بانکداری ایران به چشم می‌خورد.

در بینش اسلامی، دریافت و پرداخت «ربا» به طور شدیدی مذمت و تحریم شده است؛ «ربا» عامل عمده وجود فقر و شکاف طبقاتی در جامعه به شمار می‌آید. نظام‌های بانکی که آلوده به ربا هستند، به علاوه سبب گرانی و موجب ورشکستگی واحدهای تولیدی می‌شوند. بانکداری اسلامی بر اساس دوری از ربا، تقسیم ریسک، دادوستد فیزیکی کالا، درگیری مستقیم با قراردادها و تجارت با استفاده از عقود مختلف شرعی استوار است. تقسیم ریسک و مدیریت آن برای دستیابی به حاکمیت مشارکت و همکاری در انجام پروژه‌ها از اهداف مهم بانکداری اسلامی است. اگر این روند ادامه پیدا کند، خطر دور شدن از اهداف عالیه بانکداری اسلامی و حتی رواج یافتن معاملات ربوی جامعه را تهدید می‌کند.

در این مطالعه کوشش شده است تا با مقایسه دقیق عقود مشارکتی و مبادله‌ای در ابعاد مختلف (اقتصادی، اجتماعی و حقوقی) ماهیت و خصوصیات منحصر به فرد هر دسته از این عقود (مشارکتی و مبادله‌ای) شفاف‌سازی شود و مشکلات و انحرافات به‌کارگیری هر یک از عقود در بانکداری اسلامی ایران بررسی شود

.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

ادبیات پژوهش

۱. بانکداری اسلامی

اقتصاد کشورهای اسلامی در سال‌های اخیر مورد توجه اقتصاددانان و فعالان بخش مالی و سرمایه‌گذاری کشورهای پیشرفته جهان قرار گرفته است. در چارچوب اصول اسلامی پرداخت و دریافت هر گونه بهره که در قالب ضوابط اسلامی تعریف نشده باشد غیر شرعی بوده و همچنین هر گونه فعالیت و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های غیرشرعی ممنوع است. گسترش جمعیت مسلمان در سراسر دنیا به ویژه در اروپا موجب شده تا کشورهای اروپایی نیز اقدام به تأسیس بانک‌های اسلامی کنند. نظام بانکداری ایران از سال ۱۳۶۳ با توجه به اینکه قانون جدید بیشتر ناظر بر حذف ربا از سیستم بانکی است، «بانکداری بدون ربا» نام‌گذاری شد.

۲. عقود اسلامی

اسلام برای همه وجوه زندگی قوانینی دارد. وجود اقتصاد اسلامی موید این مطلب است که در حوزه اقتصاد، معیشت و تأمین رفاه هم روش‌های خاصی موجود است که باید به آن‌ها پرداخته شود. بانکداری اسلامی و عقود اسلامی از آن دسته‌اند.

در بینش اسلامی، دریافت و پرداخت «ربا» تحریم شده است؛ «ربا» عامل عمده وجود فقر و شکاف طبقاتی در جامعه به شمار می‌آید. نظام‌های بانکی که آلوده به ربا هستند، به علاوه سبب گرانی و موجب ورشکستگی واحدهای تولیدی می‌شوند؛ بنابراین عملیات بانکداری و مالی باید بدون بهره انجام شود و اسلام روش‌هایی را برای جایگزین کردن بهره و نهادهای اقتصادی مبتنی بر آن پیشنهاد می‌کند که از آن جمله می‌توان به عقود اسلامی به عنوان ابزاری کارآمد اشاره کرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

در سال‌های اخیر بانک مرکزی طی گزارشی اعلام کرد ۷۰ درصد مردم چیزی درباره عقود اسلامی نمی‌دانند. بانک مرکزی در گزارشی آماری نحوه دسترسی خانوارهای شهری ایران به خدمات مالی را از طریق مصاحبه با حدود شش هزار و ۵۵ خانوار بررسی کرده است. در این بین ۷۰ درصد از مردم هیچ اطلاعی از عقود اسلامی ندارند. بر اساس این آمارگیری ٦٩/٧ درصد از افراد هیچ‌گاه در مورد عقود اسلامی مطلبی نشنیده‌اند، ۱۷ درصد شنیده و معنی آن را نمی‌دانستند و ۱۳/۳ درصد شنیده و معنی آن را نیز می‌دانستند. به طور کلی عقود اسلامی در نظام بانکی به چهار گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

عقود مبادله‌ای (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین، جعاله، ضمان و استصناع)، عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه، مساقات)، گروه سوم قرض‌الحسنه و گروه چهارم سرمایه‌گذاری مستقیم که از نظر آثار و نتایج شبیه قراردادهای مشارکتی است و گاهی جزء این دسته قرار می‌گیرد.

گاهی نیز به این شکل دسته بندی می‌کنند: عقد غیرانتفاعی (قرض‌الحسنه)، عقود انتفاعی با سود معین (عقود مبادله‌ای) و عقود انتفاعی با سود انتظاری (عقود مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم). تعدادی از این عقود را به طور مختصر توضیح داده می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۲-۱. عقود مبادله‌ای

عقود مبادله‌ای، عقودی هستند که در آن ها، مؤسسه اعتباری تمام یـا بخشـی از منـابع مـالی مورد نیاز را به منظور انجام فعالیت اقتصادی و یا برطـرف کـردن نیـاز یـک خـانوار تـأمین می‌کند؛ این دسته از عقود، دارای ویژگی‌های خاصی هستند که می‌توان از بین آنان، وجـود رابطه حقوقی بدهکار و بستانکار، قابلیت برای تعیین نرخ سود از ابتـدای معاملـه، تملیکـی بودن قراردادها و تأمین مالی نیازهـای مصـرفی، تجـاری، تولیـدی و خـدماتی را مثـال زد. همچنین این عقود، دارای کاربردهای متمایزی هستند که به عنوان نمونه می‌توان بـه تـأمین سرمایه در گردش برای خرید مواد اولیه و کالاهای واسـطه ای، تـأمین سـرمایه در گـردش برای خرید ماشین آلات، پیش خرید محصولات واحدهای تولیدی، تـأمین مـالی خانوارهـا برای خرید کالاهای مصرفی با دوام، تعمیر و بازسازی مسکن و تنزیل دیون و اسناد تجاری اشاره کرد.

این قراردادها اصطلاحاً ماهیت تجاری دارند و بانک در آن نقش واسطه را دارد. بانـک در این قراردادها واسطه خرید و فروش کالاها می‌شود یا اسناد تجـاری منتشـر مـی‌کنـد یـا دارایی به اجاره می‌دهد. در این قراردادها که همانند کار یک تاجر رفتار مـی‌شـود، سـود از پیش معین و تثبیت شده است.

از جمله عقود مبادله‌ای می‌توان به اجاره بـه شـرط تملیـک، فـروش اقسـاطی، سـلف، خرید دین، جعاله، ضمان و استصناع اشاره کرد که در ادامه توضـیحاتی دربـاره ایـن عقـود ذکر می‌شود.

۲-۲. عقود مشارکتی

عقود مشارکتی عقودی هستند که در آن‌ها فرد و یا مؤسسه مالی، تمام یـا بخشـی از منـابع مورد نیاز برای انجام یک فعالیت اقتصادی (تولیدی، تجاری و یا خدماتی) را تأمین می‌کنـد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

و در نهایت و بر اساس قراردادی که با کارفرما منعقد کرده است، سود فعالیت به درصدی که از پیش تعیین شده است، تقسیم می‌شود.

مشارکت طرفین در سود و زیان، متغیر بودن سود در قراردادها و نیاز به نظارت و پایش مستمر بانک در عقود مشارکتی، از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های این نوع عقود می‌باشد. گفتنی است که این عقود دارای کاربردهای خاصی هستند که در نظام بانکداری بدون ربا عبارت تند از: مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه، مساقات و استصناع.

پیشینه تحقیق

سارکر در مقاله‌اش آسیب‌ها و مشکلات عقود بانکداری اسلامی را در بنگلادش بیان کرده است و ادعا می‌کند که بانک‌های اسلامی در بنگلادش به گونه‌های مختلف با ریسک‌ها مواجه می‌شوند (سارکر، ۸۲).

- موسویان در مقاله خود بیان می‌کند که تنها قراردادهای مبادله‌ای با ماهیت بانک و با اهداف و سلایق متقاضیان تسهیلات بانکی سازگار است و به تنهایی برای تأمین تمام نیازهای متقاضیان تسهیلات بانکی کافی است. مشکل دیگر، بحث شیوه‌های اعطای تسهیلات است (موسویان، ۸۵).
- نصرآبادی در پایان نامه خود می نویسد عملکرد نظام بانکی ایران پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا نشان دهنده گرایش آن به سمت استفاده از عقود با بازدهی ثابت و از جمله فروش اقساطی بوده به طوری که بیش از ۵۰ درصد تسهیلات اعطایی از این روش انجام گرفته است (نصر آبادی، ۸٦).
- آقا نظری معتقد است که در بانکداری اسلامی مشکلات اساسی این نیست که بیشتر فعالیت‌های بانکی از راه عقود مبادله‌ای انجام می‌پذیرد؛ بلکه مشکل اساسی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

عقود مشارکتی، فقدان زیرساخت‌های نهادی مناسب جهت اجرای مشارکت در سود (زیان) است (آقا نظری، ۱۳۸۷).

- قلیچ در پژوهش دیگری به منظور حل مشکلات به‌کارگیری عقود مشارکتی از جمله: وجود اطلاعات نامتقارن، اجرا شدن برخی از عقود به شکل صوری، ناکافی بودن نظام‌های نظارتی و هزینه بر بودن نظارت طرحی پیشنهادی درباره ساماندهی بانک‌ها بر اساس عقود بانکی ارائه می کند (قلیچ، ۹۰).
- عبدالهی و موسویان در مقاله‌شان بیان می کنند که به‌کارگیری صحیح و کارآمد عقود در نظام بانکی، مستلزم بازنگری همه جانبه و جامع در ابعاد فقهی، قانونی، اقتصادی و مالی است (عبدالهی و موسویان، ۹۱).

مسئله‌ای که نیاز به توجه و تمرکز دارد و در تحقیقات انجام شده بدان پرداخته نشده است مقایسه دقیق عقود بانکی و بررسی ماهیات، فواید و نقاط ضعف اجرای آن هاست که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. آشنایی هر چه بیشتر با عقود بانکی می‌تواند از استفاده نادرست از این عقود و آلوده شدن معاملات بانکی به ربا جلوگیری کند.

تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکداری اسلامی و رایج

در عقود مشارکتی برای اینکه عملیات بانک‌ها با شریعت اسلام منطبق باشد، لازم است که بانک ها در قبال اعطای تسهیلات به متقاضیان از آن ها بهره مطالبه ننمایند، بلکه باید این پرداخت ها در قالب عقودی صورت پذیرد که اساس آن ها بر مشارکت در سود و زیان مبتنی باشد.

دو نظام بانکداری ربوی و غیر ربوی از نقطه نظر تجهیز منابع پولی تشابه مختصری با یکدیگر دارند، حال آنکه از نقطه نظر شیوه مصرف منابع پولی دارای تمایز می‌باشند. در نظام ربوی، بانک به وساطت از سوی سپرده‌گذاران، بدون اینکه عملاً

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

در فعالیت اقتصادی سهم یا نقشی داشته باشد، وام یا اعتبار می‌دهد و در نظام غیر ربوی، شبکه بانکی به وکالت از سوی صاحبان سپرده از طریق عملیات بانکداری مبتنی بر ضوابط شریعت اسلام (عقود اسلامی) در تولید یا خدمتی اقتصادی سهیم می‌شود.

بانکداری رایج در جهان (بانکداری بر مبنای ربا)

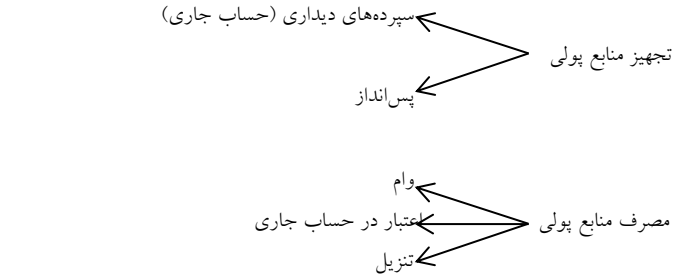

بانکداری بر مبنای بانکداری اسلامی

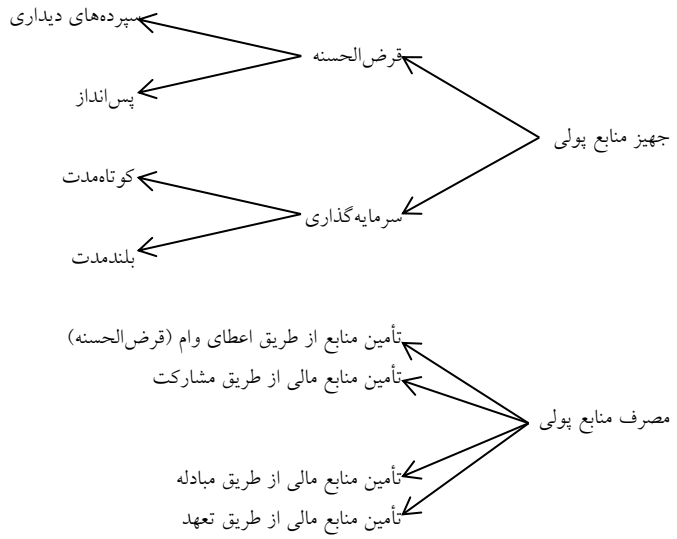

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

انواع عقود مبادله‌ای

از جمله عقود مبادله‌ای می‌توان به اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی، سلف، خرید دین، جعاله، ضمان و استصناع اشاره کرد که در ادامه توضیحاتی درباره این عقود ذکر می‌شود.

۱. اجاره به شرط تملیک

اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره می‌شود، اما به طور کلی می‌توان تعریف کرد: تملیک منافع معلوم در مقابل عوض معلوم و اجاره به شرط تملیک عقد اجاره ایست که در آن شرط شود موجر در پایان مدت اجاره در صورت عمل مستأجر به شرایط، عین را به مستأجر تملیک کند.[۱] اجاره به شرط تملیک از سه عقد به شرح ذیل تشکیل می‌گردد:

أ. خرید

ب. اجاره

ج. واگذاری یا فروش

۲. فروش اقساطی

فروش اقساطی عبارت است از واگذاری عین به بهای معلوم به غیر، به ترتیبی که تمام یا قسمتی از بهای مزبور به اقساط مساوی و یا غیر مساوی در سررسیدهای معین دریافت شود. با توجه به قانون عملیات بانکی بدون ربا، فروش اقساطی را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

أ. فروش اقساطی مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزار کار

۱. قانون مدنی، ماده ۳۳۸

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

ب. بفروش اقساطی وسایل تولید، ماشین آلات و تأسیسات
ج. فروش اقساطی مسکن

۳. سلف

پیش خرید نقدی محصولات تولیدی به قیمت معین را سلف می‌گویند. طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک می‌تواند بـه منظـور ایجـاد تسـهیلات لازم جهـت تـأمین قسـمتی از سرمایه در گردش واحدهای تولیدی (اعم از اینکه مالکیت این واحدها متعلـق بـه شـخص حقیقی یا حقوقی باشد)، منحصراً «بنا» به درخواست این گونه واحـدها مبـادرت بـه پـیش خرید محصولات تولیدی آن‌ها کند. پیش خرید محصولات واحدهای تولیدی توسط بانـک در صورتی مجاز است که کالای تولیدی توسط واحد درخواست کننده تولید شـده، سـریع الفساد نبوده و سهل البیع باشد.

٤. خرید دین

خرید دین تسهیلاتی است که به موجب آن، بانک سفته یا براتی را که ناشی از معامله نسـیه تجاری است، خریداری می‌کند. در واقع اشخاص کالاهـای مـورد نیـاز خـود را خریـداری می‌کنند و به جای پرداخت وجه نقد، سفته ای معادل قیمت خریـد بـه سررسـید معـین بـه فروشندگان تحویل می‌دهند. فروشندگان کالا سفته را به بانـک محـل اعتبـار خریـدار بـرده تنزیل می‌کنند.

خرید دین از جمله تسـهیلات کوتـاه مـدت جهـت تـأمین نیازهـای مـالی واحـدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی می‌باشد و فقط بدهی واقعی می‌تواند موضوع خرید و فـروش قرار گیرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۵. جعاله

جعاله التزام یک شخص به ادای اجرت در مقابل یک عمل است.[۱] جعالـه قـراردادی اسـت به موجب آن جاعل یا کارفرما در مقابل انجام عمل معین (طبق قرارداد) ملزم به ادای مبلـغ یا اجرت معلوم می‌شود. طرفی که عمل یا کار را انجام می‌دهد «عامل» یا «پیمانکـار» نامیـده می‌شود. این عقد در بخش‌های صنعت و معدن، کشاورزی، مسکن و ساختمان، بازرگانی و خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نحوه اجرای عقد جعاله در مواردی که بانک عامل باشد به این صورت است که بانـک ضمن انعقاد قرارداد با متقاضی، انجام کار مشخصی را قبول مـی‌کنـد. سـپس بـا توجـه بـه شرایط خاص کار موضوع قرارداد، بانک حسب مورد تمام یـا قسـمتی از عملیـات اجرایـی کار پذیرفته شده را طبق قرارداد دوم به غیر واگذار و به این ترتیب ایفای تعهد می‌کند.

٦. ضمان

عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهـده بگیـرد. متعهد را ضامن، طرف دیگر را مضمون له و شخص ثالث را مدیون اصلی گویند.

بانک‌ها می‌توانند در هر مورد که منع قانونی نداشته باشد نسبت به صدور ضمانت‌نامـه اقدام نمایند؛ مثلاً برای ترخیص کالا از گمرک، تعهد خروج برگشت کالا بـه مبـدأ و انجـام تعهدات، تعهدات در مقابل مقامات قضایی و اجرایی، شرکت در مناقصه و مزایده و غیره.

۱. قانون مدنی ماده ٥٦١

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

انواع عقود مشارکتی

این عقود دارای کاربردهای خاصی هستند که در نظام بانکداری بدون ربا عبارتند از: مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه، مساقات و استصناع.

۱. مضاربه

مضاربه یکی از عقود معین قانون مدنی است که به موجب آن تسهیلات لازم در اختیار اشخاصی که در امر تجارت و بازرگانی اشتغال دارند قرار می‌گیرد.

مضاربه قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین (مالک) عهده‌دار تأمین سرمایه (نقدی) می‌شود. با قید اینکه طرف دیگر (عامل) با آن تجارت کرده و در سود حاصله، هر دو طرف شریک باشند. مضاربه عقدی است لازم و موضوع آن همان خرید و فروش کالایی است که بین صاحب سرمایه (مالک) و عامل توافق گردیده است (محمودی گلپایگانی، ۱۳۸۱). مضاربه عقدی است که به شرکت، ودیعه و وکالت شباهت دارد. مضاربه ماهیت اعتباری مستقل دارد که در بعضی احکام و شرایط با عقد دیگری مشترک می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۰۸؛ باریک‌لو، ۱۳۸۸: ٤٤).

۲. مزارعه

مزارعه قراردادی است که در آن بانک زمین مشخصی را برای مدت معین در اختیار طرف دیگر قرار می‌دهد تا در آن کشاورزی کند. در نهایت سود حاصل بین طرفین تقسیم می‌شود. البته معمولاً بانک‌ها زمین کشاورزی در اختیار ندارند مگر آنکه مشتری صاحب زمین، زمین خود را به بانک اجاره دهد و به این وسیله بانک مالک منافع زمین شود و آن را به مزارعه در اختیار همان کشاورز یا زارع دیگری قرار دهد. مزارعه عقدی لازم و یکی از روش‌های تأمین مالی کوتاه مدت در بخش کشاورزی محسوب می‌شود. زیرا حداکثر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مدت مزارعه یک سال می‌باشد مگر اینکه دوره زراعی زراعت موضوع قرارداد بیش از یک سال باشد.

۳. مساقات

معامله‌ای است که بین صاحب درخت و مانند آن، با عامل منعقد می‌گردد و براساس آن صاحب درخت، درخت یا درختان خود را به عامل می‌سپارد تا وی فعالیت‌های مربوط به نگهداری و آبیاری را انجام دهد و در مقابل بخشی از محصول را مالک شود. عقد مساقات در مورد درختانی صحیح است که دارای ریشه ثابت باشند و از آن‌ها میوه مورد استفاده بدست آید. درختان باید فعال و میوه‌رسان باشند؛ بنابراین مساقات در مورد درختانی که به میوه ننشسته‌اند و تا پایان قرارداد میوه نخواهند داشت صحیح نیست.

به موجب قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها می‌توانند درختان مثمری را که مالک عین یا منفعت آن‌ها بوده و یا به هر عنوان مجاز در تصرف و بهره‌برداری از آن‌ها باشند، به منظور افزایش بهره‌وری و تولید محصولات کشاورزی به مساقات داده و عند اللزوم نیز سایر عوامل لازم نظیر آب، کود، سم و وسیله حمل‌و نقل را تأمین نمایند (هدایتی، ۱۳۸۱: ۱۵۵).

٤. مشارکت حقوقی

مشارکت حقوقی قراردادی است که طی آن بانک قسمتی از سرمایه شرکت‌های سهامی جدید را تأمین و یا قسمتی از سهام شرکت‌های سهامی موجود را خریداری می‌کند و از این طریق در سود آن‌ها شریک می‌شود. این ابزار کارآمد اگر در قلمرو تأسیس و راه‌اندازی واحدهای جدید و یا تکمیل و توسعه واحدهای موجود به کار گرفته شود، موجب رشد تولید و خدمات بازرگانی شده که منجر به افزایش کالا و خدمات در جامعه و در نتیجه کمک به توسعه اقتصاد کشور خواهد شد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

٤-۱. ماهیت مشارکت

شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه. شرکت اختیاری است یا قهری. شرکت اختیاری یا در نتیجه عقدی از عقود حاصل می‌شود یا در نتیجه عمل شرکا از قبیل مزج اختیاری یا قبول مالی مشاعاً در ازای عمل چند نفر و نحو این‌ها. شرکت قهری اجتماع حقوق مالکی است که در نتیجه امتزاج یا ارث حاصل می‌شود.[1] شرکت عقدی است که اثر ذاتی آن جواز تصرف در مال مشاعی باشد. در فقه امامیه شرکت به عنوان مالکیت مشاعی و عقدی از عقود شناخته می‌شود (نجفی، ۱۲۱۷، ج ۲٦: ۲۸٦؛ باریک‌لو، ۱۳۸۸: ۸۰).

۵. مشارکت مدنی

مشارکت مدنی یکی از عقود موثر به منظور ایجاد تسهیلات برای توسعه فعالیت‌های تولیدی، بازرگانی و خدماتی است. مشارکت مدنی عبارت است از درآمیختن سهم الشرکه نقدی و یا غیر نقدی متعلق به اشخاص حقیقی و یا حقوقی متعدد به نحو مشاع، به منظور انتفاع و طبق قرارداد متقاضیان می‌توانند با توجه به کارایی این عقد از تسهیلات بانکی استفاده کنند.

در قانون مدنی شرکت مدنی به معنای مالکیت مشاع مورد بحث قرار گرفته است. ولی در فقه امامیه که مواد قانون مدنی که از آن اقتباس شده است. شرکت به دو معنای مالکیت مشاعی و عقدی از عقود که اثر ذاتی آن جواز تصرف در مال مشاع است مورد بحث قرار گرفته است (موسویان، ۱۳۷۹: ۵۵-۵٦).

۱. قانون مدنی مواد ۵۷۱ تا ۵۷٤

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

٦. استصناع

قراردادی است با تولید کننده برای ساختن چیزی که در آن خریدار «مُستَصنِع»، فروشنده یا تولید کننده «صَنیع» و کالای ساخته شده «مصنوع» نامیده می‌شوند یا توافقی است بین تولیدکننده (به عنوان فروشنده) و خریدار برای فروش کالایی که به هنگام انعقاد قرارداد وجود ندارد و به سفارش خریدار با اوصاف معین در آینده ساخته و تحویل می‌شود. نکته مهم در استصناع و وجه تمایز آن با عقود مشابه، موجل بودن ثمن آن است. استصناع عقدی است لازم، یعنی طرفین عقد نمی‌توانند بدون رضایت یکدیگر به طور یک جانبه آن را فسخ کنند. در قرارداد استصناع نمی‌توان شرطی مبنی بر عدم مسئولیت فروشنده در قبال عدم تحقق شرایطی که برای کالای موضوع قرارداد (مصنوع) شمرده می‌شود، درج نمود.

۷. سرمایه‌گذاری مستقیم

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان رابطه بانک و مشتریان را در دو شکل خلاصه کرد:

رابطه اول: رابطه وام‌دهی و وام‌گیری بدون بهره که بدون هیچ‌گونه مشکلی انجام می‌گیرد.

رابطه دوم: رابطه‌ای که بانک در آن نقش میانجی و وکیل را بازی می‌نماید. مشکلاتی که برای سپرده‌گذاران وجود دارد، از همین رابطه ناشی می‌شود؛ زیرا صاحبان وجوه در بانکداری بدون ربا، سپرده‌های خود را به عنوان وام در اختیار بانک قرار نمی‌دهند، بلکه به عنوان سپرده سرمایه‌گذاری به بانک‌ها می‌سپارند. سپرده‌گذاری به منظور سرمایه‌گذاری در بانک، ممکن است به دو صورت انجام پذیرد:

- سپرده‌گذاری جهت تأمین سرمایه لازم برای پروژه معین اقتصادی؛
- سپرده‌گذاری جهت تأمین سرمایه به صورت مشاع (برای همه پروژه‌هایی که توسط بانک در آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

شیوه سرمایه گذاری مستقیم می‌تواند در تأمین مالی طرح‌های مهم و زیربنایی کشور – که دولت به جهت کسری بودجه توان تأمین مالی آن‌ها را ندارد – شیوه مفید و مؤثری باشد و بدون تحمیل آثار تورمی به رشد و توسعه اقتصادی کمک کند.

۸. قرض‌الحسنه

قرض عقدی است که موجب آن احد طرفین مقداری معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر در مثل، قیمت یوم الرد را بدهد.[۱]

قرض‌الحسنه قرار دادی است که به موجب آن بانک (به عنوان قرض‌دهنده) مبلغ معینی را طبق ضوابط مقرر به اشخاص حقیقی و یا حقوقی (به عنوان قرض‌گیرنده) به قرض واگذار می‌کند. تعهد بازپرداخت قرض‌گیرنده صرفاً «معادل» مبلغ دریافتی به علاوه کارمزد آن خواهد بود. سهم قرض‌الحسنه اعطایی هر بانک، سقف تسهیلات اعطایی به متقاضیان و کارمزد آن سالانه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مشخص می‌شود. حداکثر مجموع کل قرض‌الحسنه های اعطایی هر بانک معادل کل سپرده های پس انداز قرض‌الحسنه است.

در دین اسلام تأکید ویژه‌ای به قرض‌الحسنه شده است. این نوع قرض چه در قرض خون (شهدا) و چه در قرض پول (قرض‌الحسنه) به معنای قرض به خدا تلقی شده است و هر کس به خدا قرض دهد خداوند هجده برابر آن را در آن روز برایش جبران خواهد کرد؛ چرا که در بخشش ماهی را به نیازمند دادن است تا یک بار آن را بخورد، اما در قرض به شخص نیازمند پول ارزان و به صورت موقت، قرض داده می‌شود تا او ابزار ماهیگیری برای خود فراهم کند و پول را نیز برگرداند.

---

۱ . قانون مدنی، ماده ٦٤٨

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

عقد قرض‌الحسنه در بانکداری اسلامی، در زمره عقود تملیکی بوده و ماهیتی خیرخواهانه دارد. این عقد تنها عقد خیرخواهانه (غیرانتفاعی) در بانکداری اسلامی می‌باشد و از جمله عقودی است که مکرراً در قرآن کریم و روایات معصومین (علیه‌السلام) مورد تأکید و توصیه قرار گرفته است. سپرده‌های قرض‌الحسنه که به وسیله سپرده‌گذاران و متقاضیان پرشمار تأمین می‌شود، به طور عمده مبالغی کوچک بوده و کمتر مشاهده می‌شود که مبالغ کلانی به عنوان سپرده‌های قرض‌الحسنه مورد تجهیز بانک‌ها قرار گیرد. امکان پرداخت و دریافت سود به سپرده‌ها و تسهیلات قرض‌الحسنه وجود ندارد و بانک‌ها و مؤسسات مالی، تنها مجاز به دریافت کارمزد خدمات هستند. این منابع برای بیشتر برای رفع مشکلات اقشار محروم جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرند (قلیچ، ۱۳۹۰، ۸۱-۸۲). قرض‌الحسنه دارای اهمیت‌های ویژه‌ای می‌باشد که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- امری مقدس و ارزشمند و پسندیده است.
- باعث کمک به نیازمندان و رفع معضلات اجتماعی می‌شود.
- روشی کارآمد مبتنی بر دین می‌باشد.
- سازو کاری مناسب برای استفاده از وجوه متدینین در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی است.
- از مصادیق بانکداری خرد که موضوع روز نهادهای پولی و مالی بین‌المللی است، می‌باشد.

قرض‌الحسنه می‌تواند به عنوان یکی از بهترین ابزارهای کارآمد در نظام بانکی باشد و برای آن دسته از افراد که بضاعت کافی برای تأمین مالی نیازهای عمومی و ضروری خود را ندارند، قدرت مالی نسبی ایجاد کند. برخی از آثار اقتصادی عقد قرض‌الحسنه گفته خواهد شد که مطالب فوق را تأیید می‌کند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

أ. چون این وجوه در اختیار سایر مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان قرار می‌گیرد و تقاضای آن‌ها تأمین می‌شود، رفاه و تولید کل در اقتصاد بالا می‌رود.

ب. جریان اطلاعات در اقتصاد افزایش می‌یابد، زیرا متقاضیان برای ابراز تقاضا و توجیه آن باید اطلاعات خود را ارائه دهند.

ت. در اثر انتشار و ازدیاد جریان اطلاعات، خطر و نا اطمینانی در اقتصاد کاهش می‌یابد.

ث. گسترش قرض‌الحسنه موجب بهبود توزیع درآمد میان قشرهای مختلف می‌شود.

ج. کارایی اقتصادی بالا می‌رود.

۹. مقایسه تطبیقی عقود اسلامی

در ادامه به مقایسه تطبیقی عقود مبادله‌ای و مشارکتی و عقد قرض‌الحسنه پرداخته خواهد شد. در رابطه با وضعیت عقود مبادله‌ای و مسائل پیرامون آن که در سیستم بانکداری مطرح می‌شود، آیه ۲۷۵ سوره بقره به صراحت می‌فرماید:

«الَّذِینَ یَأْکُلُونَ الرِّبَا لاَ یَقُومُونَ إِلاَّ کَمَا یَقُومُ الَّذِی یَتَخَبَّطُهُ الشَّیْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ قَالُواْ إِنَّمَا الْبَیْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَ أَحَلَّ اللّهُ الْبَیْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا فَمَن جَاءهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانتَهَیَ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَی اللّهِ وَ مَنْ عَادَ فَأُوْلَئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ؛» (بقره/۲۷۵)

«کسانی که ربا می‌خورند، (از گور) برنمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: (داد و ستد صرفاً مانند رباست) و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال و ربا را حرام گردانیده است. پس، هر کس، اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید و (از رباخواری) باز ایستاد، آنچه گذشته، از آنِ اوست و کارش به خدا واگذار می‌شود و کسانی که (به رباخواری) باز گردند، آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود.»

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

در این آیه بیع حلال و ربا حرام شمرده می‌شود و نکته قابل توجه اینکه مبادله خود نوعی بیع است. از نظر شریعت هر دو عقد مشارکت و مبادله‌ای از عقود مقبول هستند و خدا ربا را حرام کرده و بیع را حلال کرده و مراد از بیع در این‌جا هم مبادله و هم مشارکت هستند و اسلام سود ثابت عقود مبادله‌ای را پذیرفته و چنان‌چه مطرح شد، افراد بسته به موضوع طرح و پروژه اقتصادی می‌توانند از عقود و منافع آن بهره‌مند شوند. گاهی شراکت در یک طرح مورد قبول صاحب طرح یا پروژه نیست. از این رو از قرارداد مبادله‌ای استفاده می‌کند و نباید صرف اینکه در یک عقد سود ثابت و از پیش تعیین شده مورد توافق قرار گرفته، آن را غیر اسلامی و غیرشرعی تلقی کنیم. با توجه به ویژگی‌های عقود اسلامی می‌توان به طرق گوناگون آن‌ها را طبقه‌بندی کرد:

۹-۱. بر اساس مدت زمان

۱- کوتاه‌مدت: مانند قرض‌الحسنه، مضاربه، مشارکت مدنی، مزارعه، مساقات، جعاله، سلف، فروش اقساطی مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزار کار؛

۲- میان‌مدت: قرض‌الحسنه، مشارکت مدنی (تولیدی و خدماتی)، فروش اقساطی وسایل تولید، ماشین آلات و تأسیسات، اجاره به شرط تملیک؛

۳- بلندمدت: مانند مشارکت حقوقی، فروش اقساطی (وسایل تولید، ماشین‌آلات و تأسیسات)، اجاره به شرط تملیک.

۹-۲. بر اساس بخش‌های اقتصادی

در این خصوص می‌توان به موارد زیر مراجعه کرد:

۱- نوع عقد: مشارکت حقوقی. موارد کاربرد: صنعت، کشاورزی، معدن، واردات، صادرات، بازرگانی داخلی، خدمات؛

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۲- نوع عقد: مشارکت مدنی. موارد کاربرد: صنعت، کشاورزی، معدن، واردات، صادرات، بازرگانی داخلی، مسکن؛

۳- نوع عقد: فروش اقساطی. موارد کاربرد: صنعت، کشاورزی، معدن، خدمات، مسکن؛

٤- نوع عقد: اجاره به شرط تملیک. موارد کاربرد: صنعت، کشاورزی، معدن، خدمات، مسکن؛

۵- نوع عقد: سرمایه گذاری مستقیم. موارد کاربرد: صنعت، کشاورزی، معدن، مسکن؛

٦- نوع عقد: سلف. موارد کاربرد: صنعت، کشاورزی، معدن؛

۷- نوع عقد: جعاله. موارد کاربرد: صنعت، کشاورزی، معدن، واردات، صادرات، بازرگانی داخلی، مسکن؛

۸- نوع عقد: مزارعه. موارد کاربرد: کشاورزی؛

۹- نوع عقد: مساقات. موارد کاربرد: کشاورزی؛

۱۰-نوع عقد: قرض‌الحسنه. موارد کاربرد: نیازهای شخصی در هر بخش و نیاز اشتغال خانواده های کم بضاعت و به اشخاص حقیقی و یا حقوقی؛

۱۱-نوع عقد: مضاربه. موارد کاربرد: واردات، صادرات، بازرگانی داخلی.

۹-۳. بر اساس وجه اشتراک در کاربرد

- گروه اول: در ارتباط با وام‌دهی (قرض‌الحسنه).
- گروه دوم: در ارتباط با مشارکت (مشارکت حقوقی، مشارکت مدنی، سرمایه‌گذاری مستقیم، مزارعه، مساقات، مضاربه).
- گروه سوم: در ارتباط با مبادلات تجاری (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف).
- گروه چهارم: در ارتباط با تعهدات (جعاله).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۹-٤- بر اساس بازدهی (متغیر یا ثابت)

تقسیم‌بندی عقود بر حسب بازدهی (متغیر و ثابت):

۱- بازدهی متغیر: مشارکت حقوقی. بازدهی ثابت: فروش اقساطی؛

۲- بازدهی متغیر: مشارکت مدنی. بازدهی ثابت: اجاره به شرط تملیک؛

۳- بازدهی متغیر: سرمایه گذاری مستقیم. بازدهی ثابت: جعاله؛

٤- بازدهی متغیر: سلف؛

۵- بازدهی متغیر: مزارعه؛

٦- بازدهی متغیر: مساقات؛

۷- بازدهی متغیر: مضاربه.

در بانکداری ربوی اساس فعالیت‌ها بر روی وام استوار است و هر چه وثیقه گران‌بهاتر باشد مبلغ وام بیشتر خواهد بود. پس بنابراین نظام بیشتر در خدمت اغنیا و ثروتمندان جامعه است تا گروه‌ها و طبقات دیگر. درحالی‌که در بانکداری اسلامی که اساس آن بر مشارکت (بازدهی متغیر) بنا شده است، بعد از تنظیم قرارداد مشارکت، وثیقه به طور طبیعی به وجود می‌آید (توتونچیان، ۱۳۷۹).

۹-۵. مقایسه میزان مواجهه با ریسک در عقود اسلامی

در سالیان اخیر، بحث ریسک و مدیریت آن در تعابیر مالی و بانکی همواره مورد توجه قرار گرفته است. ریسک در هر حیطه ای قابلیت مطرح شدن دارد. یکی از مهم‌ترین این حیطه‌ها بانک‌ها هستند، زیرا بانک‌ها از یک سو سپرده های مردم را جمع‌آوری کرده و از سوی دیگر با استفاده از این منابع به انجام عملیات بانکی اقدام می‌کنند؛ لذا با توجه به تغییرات مداوم در عوامل محیطی و سیستم‌های اقتصادی هر روز ریسک‌های متفاوتی بر ساختار مالی بانک‌ها تأثیر می‌گذارد. در این میان نظام بانکداری و مالیه اسلامی با عنایت به

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

ویژگی‌های خاص خود با ریسک‌هایی روبه رو است که شناسایی و مدیریت انواع آن بسیار مهم است، به طوری که می‌تواند به طراحی روش‌ها، استانداردها، آموزش‌ها و سیستم‌هایی برای کنترل، کاهش و پیشگیری از رخدادهای نامطلوبی که اثر تخریبی بر حیات بانک‌های اسلامی دارد، منجر بشود. البته هر گونه اندیشه و نوآوری برای مواجهه با موضوع ریسک در بانکداری اسلامی، مستلزم شناخت مبانی مدیریت ریسک در بانکداری سنتی و شناخت کافی از فرهنگ غنی و رفتارهای اسلامی در زمینه معاملات و قراردادهای اسلامی می‌باشد؛

۱۰. مقایسه کلی

۱۰-۱. عقود مبادله‌ای

به طور کلی عقود مبادله ای دارای ویژگی‌های زیر هستند:

۱. مقطعی بودن معاهده‌ها: معاهده‌های مبادله‌ای، پس از پایان قرارداد به پایان می‌رسند و دو طرف قرارداد، مسئولیتی در برابر فعالیت‌های اقتصادی و معامله‌های همدیگر ندارند. در عقد اجاره وفاء به قرارداد تابع مدت اجاره است، هرچه مدت کوتاه‌تر باشد، وفاء به آن نیز در مدت‌کوتاه‌تری صورت می‌گیرد و هر چه طول مدت اجاره بیشتر باشد، وفای به آن نیز به همان نسبت طولانی خواهد بود، در سلف نیز بستگی به مدت انجام تعهد دارد. در تنزیل بدهی نیز همچون عقد بیع کوتاه است، زیرا نوعی بیع است.

۲. رابطه بدهکار و بستانکار: پس از پایان معاهده‌های مبادله‌ای، رابطه حقوقی متعاملین، رابطه بدهکار و بستانکار است و پس از وفا به معاهده، این رابطه به پایان می‌رسد.

۳. قابلیت برای نرخ‌های ثابت و از قبل تعیین شده: معاهده‌های مبادله‌ای، قابلیت برنامه‌ریزی برای نرخ‌های سود ثابت و از قبل تعیین شده را دارند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

٤. تملیکی بودن قراردادها: یعنی در پایان قرارداد، عوضین به ملکیت طرفین در می‌آید.
٥. عدم نیاز به کنترل و نظارت: لازمه منطقی ویژگی‌های پیشین این است که پس از پایان قرارداد مالی، به نظارت و کنترل از طرف متعاقدین بر فعالیت‌های اقتصادی همدیگر نیازی نباشد، چرا که نه تحولات اقتصادی کل جامعه و نه تدابیر مدیریتی بنگاه مربوط، هیچ تأثیری در مبالغ قرارداد ندارد.

۱۰-۱-۱. فواید عقود مبادله‌ای

قابل ذکر است که حتی دیدگاهی وجود دارد که تنها قراردادهای مبادله‌ای با ماهیت بانک و با اهداف و سلایق متقاضیان تسهیلات بانکی سازگار است و این گروه از قراردادها به تنهایی برای تأمین صد درصد نیازهای متقاضیان تسهیلات بانکی کافی است. در نتیجه الزام بانک یا مشتریان به سایر قراردادها موجب اتلاف منابع بانک خواهد شد. فوایدی که توسط طرفداران این دیدگاه برای قراردادهای مبادله‌ای پیشنهاد شده است عبارتست از:

۱- تعداد قراردادهای اعطای تسهیلات از دوازده نوع به پنج نوع کاهش می‌یابد که سبب تسهیل و روان‌سازی معاملات بانکی می‌شود.
۲- شیوه‌های اعطای تسهیلات متنوع شده و افزون بر شیوه متعارف، شیوه اعتبار در حساب جاری و کارت اعتباری را نیز شامل می‌شود. مطالعه کاربردی قراردادهای مبادله‌ای نشان می‌دهد که این گروه از قراردادها، افزون بر قابلیت کاربرد در اعطای تسهیلات به روش متعارف، قابلیت کاربرد در اعطای تسهیلات به روش اعتبار در حساب جاری و کارت‌های اعتباری را دارند.
۳- از آنجا که قراردادهای مبادله‌ای بر اساس حسابداری بدهکار و بستانکار است، هماهنگ با شیوه‌های حسابداری بانکداری متعارف و بین‌المللی خواهد بود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

٤- از آنجا که قراردادهای مبادله‌ای بر اساس نرخ‌های سود معین و قطعی است، با ماهیت بانک و اهداف و انگیزه‌های متقاضیان تسهیلات هماهنگ بوده و زمینه برای پرداخت سود معین برای انواع سپرده‌های بانکی و هماهنگی با بانکداری بین‌المللی فراهم می‌شود.

٥- تمرکز بر قراردادهای مبادله‌ای و استفاده از تمام ظرفیت آن‌ها، صنعت بانکداری ایران را از ورود به فعالیت‌های غیرتخصصی دور می‌کند و روز به روز به عمق و تنوع خدمات آن می‌افزاید. به طوری که بعد از مدت کوتاهی می‌تواند ابزارها و راهکارهای استاندارد برای کشورهای اسلامی و در سطح بین‌المللی ارائه کند (موسویان، ۱۳۸٤: ٤٥-٦۹).

٦- بانک ها برای جذب منابع بیشتر مجبور هستند تا با همتایان خود به رقابت بپردازند؛ بنابراین می‌کوشند تا به سپرده‌گذاران خود خدمات متنوع‌تر و بیشتری نسبت به رقیبان دیگر ارائه کنند. یکی از عامل‌های تشویق برای جذب سپرده، سود سپرده های سرمایه‌گذاری بلندمدت و کوتاه‌مدت است؛ بنابراین بانک‌ها مجبور هستند برای تأمین نرخ سود بالاتر و پرداخت سریع تر برای سپرده‌گذاران خود از انجام معامله‌های ریسکی و بلندمدت تا جایی که ممکن است بپرهیزند. در نتیجه علت اقبال بانک به استفاده از عقدهای مشارکتی به صورت واقعی پایین‌تر خواهد آمد (احمدی حاجی آبادی، ۱۳۸۹: ۱۱۹- ۱۳٦).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۱۰-۱-۲. مشکلات اختصاصی عقود مبادله‌ای

در مقابل دیدگاهی که فواید عقود مبادله‌ای در آن مطرح بود و حتی آن‌ها را مکفی می‌دانست، نقطه نظراتی هم در نفی این عقود مطرح شده است و آسیب‌هایی را برای آن‌ها ذکر کرده‌اند:

۱۰-۱-۲-۱. مشکل هماهنگی با نرخ‌های بهره بین‌المللی

وظیفه بانک‌ها تأمین مالی و تأمین اعتبار است و بهای کالاها در فروش نسیه از دو بخش تشکیل می‌شود: بخش اول، هزینه خرید (بر عهده بانک) و بخش دوم، مبلغ اضافی در برابر مدت فروش نسیه که گاهی حاشیه سود مرابحه نامیده می‌شود و درصدی است که سالانه بر اساس طول مدت بازپرداخت، افزایش می‌یابد و به این حساب که حاشیه سود مزبور درصدی سالانه است و بر اساس مبلغ و مدت بدهی محاسبه و بر عهده مشتری تعلق می‌گیرد، شباهتی با نرخ بهره دارد.

با اینکه بین این سود و بهره تفاوت عمیقی وجود دارد، به این معنا که بهره، زیادی شرط شده در قرض است، در حالی که سود مرابحه بخشی از قیمت فروش نسیه است، با وجود این تفاوت، این سود با نرخ‌های بهره بین‌المللی هماهنگی دارد.

فعالیت بانکی نیاز به معیاری دارد که فرصت‌های مختلف سرمایه‌گذاری براساس آن سنجیده شود؛ معروف است که در همه بازارها نرخی پدیدار می‌شود که نشان دهنده پایه سایر نرخ‌هاست. در بازار نفت مثلاً نرخ نفت برنت دریای شمال نمایشگر این معیار است. این معیار در تحقق ثبات بازارها و یکپارچه‌سازی جهت‌گیری قیمت‌ها نقش مهمی بازی می‌کند و در عملیات بانکداری نیز می‌بینیم نرخ پایه که نرخ بهره بانک‌های نیویورک برای مشتریان ممتاز آن است، نمایشگر معیارهایی است که سایر بانک‌ها نرخ‌های خود را با آن‌ها هماهنگ می‌کنند و بانک‌های اسلامی معیار مستقلی ندارند که دارای کارکردها و مجوزهای

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

غیر ربوی باشد؛ به این سبب نرخ‌های بهره بین‌المللی را مبنا قرار می‌دهند و حاشیه سود خود را با آن هماهنگ می‌کنند تا مطمئن شوند که در راستای جهت گیری عمومی حاکم بر بازارها حرکت کنند (القری بن عید، ۱۳۷۸؛ دکتر مصباحی‌مقدم، ۱۳۸۵: ۲۸۲– ۲۸۵).

۱۰-۱-۲-۲. عدم انعطاف

تأمین مالی به صورت مرابحه از نوعی عدم انعطاف رنج می‌برد که با طبیعت طرح‌هایی که بانک می‌خواهد آن‌ها را تأمین مالی کند، ناسازگار است؛ زیرا با آنکه برای بازپرداخت بدهی مرابحه سررسیدی تعیین می‌شود، ولی تاجر بدهکار با توجه به راکد بودن بازار و افت قیمت‌ها و به انتظار بالا رفتن قیمت برای عرضه کالای خود به بازار، از بانک مهلت بیشتری می‌طلبد. اما وی حق ندارد در بازپرداخت بدهی خود تأخیر کند؛ زیرا بانک اسلامی (فروشنده مرابحه‌ای) تمدید مهلت نمی‌کند و نمی‌توان بانک اسلامی را نیز به تمدید مهلت مجبور ساخت؛ زیرا مال دیگران را به کار گرفته است و حق ندارد بدون انتظار سود مال دیگران را واگذارد (نجات الله صدیقی، ۱۳۷۸، ج ۱؛ دکتر مصباحی‌مقدم، ۱۳۸۵).

۱۰-۱-۲-۳. عدم امکان انتفاع زیاد در این عقود

از آن جایی که در عقود مبادله ای سود ثابت و از قبل مشخص است امکان کسب سود زیاد و اوج گرفتن در این عقود وجود ندارد و اگر بانک هزینه های زیادی داشته باشد منافع این عقود پاسخگو نخواهد بود. همچنین اگر متقاضیان در بازگرداندن وجوه دریافتی تعلل کنند بانک حتماً نیازمند منابعی است که در آن مدت بازپرداخت بتواند هزینه‌های خود را فراهم کند. چهارچوب ثابت این عقود مانع از کسب منفعت زیاد است و ریسک بالایی را برای بانک رقم می‌زند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۱۰-۱-۲-٤. تنوع پایین عقود مبادله‌ای

در دیدگاه مقابل استفاده صرف از عقود مبادله ای را محرومیت از منافع عقود مشارکتی می‌داند. مجموعه بانک معاملات مختلف از عقد قرض‌الحسنه گرفته تا سرمایه گذاری مستقیم، مضاربه، مساقات و سلف و... هر یک در صورت اجرای صحیح می‌توانند بخشی از مشکلات تأمین مالی تولید را حل نماید. بنابراین، تنوع عقود مختلف بانکی تا زمانی که در اجرا تفاوت ماهوی بین آن‌ها وجود نداشته باشد، نمی‌تواند در رفع مشکلات ناظر بر تأمین مالی واحدهای تولیدی نقش چندانی داشته باشد.

تولیدکنندگان برای تأمین مالی خرید مواد اولیه، تجهیزات سرمایه ای، فروش اعتباری محصولات خود و انبارداری نیازمند منابع مالی با مبالغ مختلف و سررسیدهای متنوع هستند. به عنوان مثال خرید مواد اولیه با توجه به تغییر قیمت فلزات، محصولات کشاورزی و مواد شیمیایی (که در بسیاری از صنایع به کار گرفته می‌شود) با ریسک همراه است.

بانک‌ها می‌توانند در جریان تولید با ارائه قالب‌های متنوع قرارداد تأمین مالی به تولیدکنندگان کمک کنند. اگر تنها بخواهیم به عقود مبادله‌ای اکتفا کنیم بسیاری از منافعی که از عقود مشارکتی حاصل می‌شود، محروم می‌مانیم.

۱۰-۱-۲-۵. عقود صوری

یکی از تفاوت‌های عقود مبادله‌ای همچون مرابحه با قراردادهای ربوی مربوط به میزان ریسک طرفین است. تاجر خود را در معرض خطر واقعی قرار می‌دهد، ولی در مرابحه تأمین‌کننده مالی خود را در معرض خطر واقعی قرار نمی‌دهد. مخاطراتی که بانک اقدام‌کننده به فروش مرابحه ای متحمل می‌شود، مانند خطر نابودی کالا در میان راه یا در انبار پیش از تحویل به مشتری، یا خطر ناشی از اینکه کالای وارداتی غیر از کالای مورد تقاضا با ویژگی مطلوب مشتری باشد، از نوع خطرهایی است که می‌توان با بیمه آن‌ها را

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

رفع کرد، و از نوع خطر واقعی که اساس کار تجارت واقعی است، محسوب نمی‌شود. اما اگر عقود صوری انجام شود و مشتری کالا را از فروشنده اول و نه از بانک دریافت کند و بهای نقد را خودش به فروشنده پرداخت کند عقد مرابحه از حقیقت خود فاصله می‌گیرد و صوری خواهد شد (نجات‌الله صدیقی، ۱۳۷۸، ج ۱؛ دکتر مصباحی‌مقدم، ۱۳۸۵: ۳۲۲–۳۲۵).

همچنین در عقودی مثل جعاله یا فروش اقساطی اگر نظارت به درستی صورت نگیرد، تسهیلات داده شده در چهارچوب خودش و طبق قوانین به کار گرفته نخواهد شد. موضوع باید در قرارداد به وضوح مشخص شود و در عمل نیز همان جا مورد استفاده قرار گیرد.

۱۰-۲- عقود مشارکتی

همچنین ویژگی عقود مشارکتی را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱. مستمر بودن قرارداد: معاهده های مشارکتی، ماهیتی استمراری دارند و تا پایان فعالیت اقتصادی و سررسید معاهده، قرارداد، استمرار دارد، برای مثال، وقتی چند نفر جمع شده، از طریق مشارکت مدنی، سرمایه فعالیت اقتصادی را تأمین می‌کنند تا زمانی که فعالیت مذکور ادامه دارد و شرکت منحل نشده، قرارداد استمرار دارد. همین وضعیت در دیگر معاهده‌های مشارکتی نیز وجود دارد.

۲. مشارکت در نتایج سود و زیان: در معاهده های مشارکتی، دو طرف یا طرفین به تمام حوادث و پیامدهای مثبت و منفی فعالیت اقتصادی ملتزم هستند، اگر نتیجه فعالیت سود سرشار بود، برای همه توزیع می‌شود و اگر ضرر بود، برای همه است و اگر هیچ چیز نبود، نتیجه برای همه می‌شود.

۳. متغیر بودن سود: مقدار سود صاحبان شرکت، تحت تأثیر متغیرهای اقتصادی کل جامعه و متغیرهای تأثیرگذار بر بنگاه مربوطه قرار دارد، در نتیجه در ابتدای سال

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مالی گرچه می‌توان با توجه به پارامترهای گوناگون، دامنه سود انتظاری را پیش‌بینی کرد، سود تحقق یافته در پایان دوره مالی مشخص می‌شود.

٤. اذنی بودن قرارداد: یعنی سرمایه‌ای که بانک در اختیار واحدها می‌گذارد به مالکیت آن‌ها در نمی‌آید بلکه تنها اذن تصرف به آن‌ها داده می‌شود.

٥. نیاز به نظارت و کنترل: نتیجه منطقی ویژگی‌های پیشین این است که شریکان و صاحبان فعالیت اقتصادی برای استیفای کامل حقوق خود، به صورت پیوسته و مستمر جریان هزینه‌ها و درآمدها را نظارت و کنترل کنند، چون احتمال انواع اشتباهات مالی وجود دارد.

بعد از ذکر ویژگی‌های عقود مشارکتی و عقود مبادله‌ای پرداخته شد، در انتهای این فصل به مشکلات و فواید اختصاصی هر یک از این عقود به اختصار پرداخته می‌شود:

۱۰-۲-۱. فواید اختصاصی عقود مشارکتی

از طرفی عقود مشارکتی اگر به طور واقعی و صحیح به کار گرفته شود، نتایج مطلوب اقتصادی را به دنبال خواهد داشت که هزینه‌های مربوط به چالش‌های فوق را بر طرف خواهد کرد؛ برخی از نتایج مطلوب اقتصادی عبارتند از:

- تنوع زمینه‌های فعالیت؛
- نداشتن سقف سود معین و ثابت؛
- طولانی بودن دوره برگرداندن وجوه؛
- توزیع عادلانه درآمد؛
- کاهش فشارهای تورمی و هزینه تولید؛
- افزایش بهره‌وری؛
- افزایش سرمایه‌گذاری و اشتغال؛

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

- نیاز نبودن به وثیقه؛
- توزیع ریسک.

۱۰-۲-۲. مشکلات اختصاصی عقود مشارکتی

۱۰-۲-۲-۱. افزایش هزینه‌های بانک جهت نظارت و دخالت در فعالیت‌های اقتصادی

هزینه‌بر بودن فرآیند نظارت از جهت هزینه‌های کارشناسی، احتمال تبانی بین کارشناس ناظر و مدیر طرح، شفاف نبودن شاخص‌های نظارت و نگرانی شریک درباره افشای اطلاعات به علت ترس از امکان بروز سوء استفاده‌های احتمالی در بعضی موارد را می‌توان از مشکل های نظام بانکی در نظارت بر قراردادهای مشارکتی دانست (احمدی حاجی‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۱۹- ۱۳۶).

البته این مسئله را باید مدنظر قرار داد که هم چنان که هزینه نظارت در عقود مشارکتی، هزینه‌های بانک را افزایش می‌دهد، سود عقود مشارکتی بالاتر از سود عقود مبادله‌ای تحقق می‌یابد. زیرا کسانی در عقود مشارکتی حضور می‌یابند که ریسک‌پذیری بیشتری دارند و معمولاً ریسک بالاتر، منتهی به سود بیشتری می‌شود.

۱۰-۲-۲-۲. مشکل اطلاعات نامتقارن و عدم اعتماد به گزارش سود و زیان از طرف متقاضی

آنچه که فی الحال وجود دارد بانک‌ها اطلاعات کافی دارند و این اطلاعات در بندهای قرارداد گنجانده شده است که سرمایه‌گذار و وام‌گیرنده بدون مطالعه دقیق بندهای قرارداد آن را امضا می‌کنند و نتیجه این کار بدین صورت است که منبع تغذیه افراد از عقود اسلامی تنها مفاد قراردادها است و موج بانکداری اسلامی و ترویج فرهنگ استفاده از آن، آن طور که باید به جامعه منتقل نشده و آن را در بر نگرفته است. این مسئله هم به مشکلات اجرایی در امر انعقاد قراردادها برمی‌گردد. مشکلاتی از قبیل:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۱. در بندهای مفاد قرارداد بسیار کلی‌گویی شده است و تک‌تک آن برای مشتری قابل بحث و بررسی است.
۲. از سویی واژه‌هایی در آن استفاده می‌شود که برای مردم عادی قابل فهم نیست و مردم به درستی در جریان قرار نمی‌گیرند.

وجود اطلاعات نامتقارن مانع از کاربرد کارآمد ابزارهای مشارکتی می‌شود، مگر آنکه صاحبان بانک از طریق نظارت بر اجرای قرارداد، مشکل عدم تقارن اطلاعات را حل کنند (صدر، ۱۳۸٤: ۷۹– ۹۸). متأسفانه در حال حاضر، در اکثر موارد نه سپرده‌گذاران و نه سرمایه‌گذاران (و اغلب حتی کارمندان و مدیران بانک) درک مشخصی از رابطه حقوقی فرد با بانک در عقود مختلف نداشته و نقل‌و انتقال وجوه فقط **محدود** به امضای چند قرارداد شده است. این مسئله به شدت سبب تردید در صحت شرعی اجرای قراردادهای بانکی می‌شود (عیوضلو، ۱۳۸۷: ۳۵–٦۲؛ قلیچ، ۱۳۹۰: ۷۲–۷۵).

۱۰-۲-۲-۳. ناتوانی بازار پول متعارف در اجرای کامل عقدهای مشارکت محور

فعالیت بانکداری متعارف بر بازارهای پولی متمرکز است. بازارهایی که در اساس ساختار تشکیلاتی و عملکرد آن‌ها با ساختاری که بتواند فعالیت‌های مشارکتی را به درستی به سرانجام برساند متفاوت است. ساختار بانک متعارف از سپرده‌گذاری از یک سو و وام‌دهی از سوی دیگر تشکیل شده است و کارکرد آن تنظیم عرضه و تقاضا در بازار پولی است. عمده ویژگی‌های بازار پول عبارتند از:

۱. بالا بودن درجه اطمینان مالی در این بازار (ریسک کم)؛
۲. بالا بودن سرعت انجام معامله‌های مالی در این بازار؛
۳. استفاده از ابزارهایی با درجه بالای نقدینگی؛
٤. اعمال کنترل مقام‌های پولی (بانک مرکزی) با استفاده از ابزارهای سیاست پولی؛

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۵. ماهیت کوتاه‌مدت آن.

روابط اقتصادی و حقوقی حاکم بر سپرده‌گذاری و وام دهی سنخیت تمام با روابط مشارکتی (شراکت در سود و زیان فعالیت اقتصادی) ندارد. ورود به عملیات اجرایی یا دست کم کنترل و نظارت بر اجرای طرح ها و پروژه‌های موضوع قراردادهای مشارکتی نیازمند برخورداری از ساختاری است که:

اولاً، بسیار منعطف باشد. در حقیقت از آنجا که سود و زیان عقدهای مشارکتی تابع سود و زیان فعالیت اقتصادی است؛ بنابراین نمی‌توان به طور قطع و برای زمان مشخصی تضمین سود ثابت به سپرده‌گذاران و سهامداران بانک داد. در صورت اجرای دقیق مشارکت در سود و زیان، سودهای پرداختی به سپرده‌گذارن در ارتباط مستقیم با شرایط اقتصادی خواهد بود و نمی‌توان آن را از پیش تعیین کرد؛

ثانیاً، به لحاظ حوزه فعالیت، بسیار وسیع باشد. طبق نظریه‌های مالی، مدیریت سرمایه‌گذاری بهینه، حالتی است که سرمایه گذاری در حوزه‌های گوناگون اقتصادی صورت گیرد تا از این راه ریسک ناشی از سرمایه گذاری کاهش یابد.

ثالثاً، هزینه های مترتب بر انجام کنترل ها و نظارت های مستمر را متقبل شود. در بانکداری مرسوم، هزینه نظارت یا سهمی در هزینه تمام شده خدمات ندارد یا سهم بسیار ناچیزی دارد. این در حالی است که تمرکز فعالیت‌های بانکداری اسلامی بر عقد های مشارکتی، سهم هزینه نظارت بر اجرای طرح ها و کنترل آن را به مراتب نسبت به نظام بانکی رایج، افزایش می‌دهد (احمدی حاجی‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۱۹– ۱۳۶).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۱۰-۲-۲-٤. نا اطمینانی نسبت به نتایج فعالیت اقتصادی و در نتیجه ریسک سوخت شدن منابع و ریسک بازار

در وضعیت اقتصادی ایران به علت وجود پیچیدگی‌های ساختاری و اداری و نیز اعمال تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی، انجام پروژه‌ها و طرح‌های سرمایه‌گذاری برای هر مجری همراه با انواع مشکل ها؛ مانند: مسائل مربوط به تأمین مالی، تجهیز کارخانه، هزینه‌های بالاسری و ... است؛ بنابراین می‌توان گفت که انجام بسیاری از طرح های اقتصادی ریسک درجه بالایی دارند. ضعف بانک ها در بهره‌گیری گسترده از متخصصان فنی در حوزه‌های متنوع کاری و صنایع گوناگون باعث می‌شود که کارشناسان بانکی در تشخیص فنی موضوع و زمینه مورد مشارکت با مشکل روبه رو شوند. بنابراین وجود انواع ریسک‌ها را می‌توان به عنوان نخستین عامل برای عدم ورود واقعی‌تر به قراردادهای مشارکتی عنوان کرد. ورود به عقدهای مشارکتی به صورت واقعی به علت بالا بودن ریسک این پروژه‌ها همراه با عدم توانایی بانک در مدیریت ریسک پروژه، چندان مورد تمایل نظام بانکی نخواهد بود. چرا که بانک باید در پایان سال مالی سودآوری مناسبی را از خود نشان دهد.

جدول درصد سهم عقود مبادله‌ای و مشارکتی در تسهیلات بانکی از سال ۸٦ تا ۹۱

	۱۳۸٤	۱۳۸۵	۱۳۸٦	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
عقود مشارکتی	۲۱,۲	۳۵,۲	۲۷,۱	۲۵,۹	٤۳,۲	٤۹,۳	٤۳,۹	٤۵,۵
عقود مبادله‌ای	۷۸,۵	٦٤,٦	٦۱,۹	۵۷,۳	۳٦,۹	۵۰,۱	٤۲,۱	۳۵,۱

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

منحنی درصد سهم عقود مبادله‌ای و مشارکتی در تسهیلات بانکی از سال ۸٦ تا ۹۱

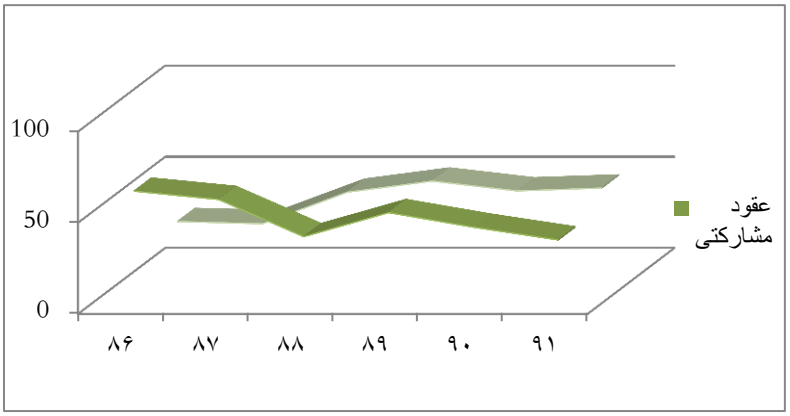

نتیجه‌گیری

در این مطالعه کوشش شده است تا با مقایسه دقیق عقود مشارکتی و مبادله‌ای در ابعاد مختلف (اقتصادی، اجتماعی و حقوقی) ماهیت و خصوصیات منحصر به فرد هر دسته از این عقود (مشارکتی و مبادله‌ای) شفاف‌سازی شود و مشکلات و انحرافات به‌کارگیری هر یک از عقود در بانکداری اسلامی ایران بررسی شود.

عقود مبادله‌ای دارای ویژگی‌های خاصی هستند که می‌توان از بین آنان، وجود رابطه حقوقی بدهکار و بستانکار، قابلیت برای تعیین نرخ سود از ابتدای معامله، تملیکی بودن قراردادها و تأمین مالی نیازهای مصرفی، تجاری، تولیدی و خدماتی را مثال زد. از جمله عقود مبادله‌ای می‌توان به اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی، سلف، خرید دین، جعاله، ضمان و استصناع اشاره کرد که در ادامه توضیحاتی درباره این عقود ذکر می‌شود. از مشکلات اجرایی عقود مبادله‌ای می‌توان به: مشکل هماهنگی با نرخ‌های بهره بین‌المللی، عدم انعطاف، عدم امکان انتفاع زیاد در این عقود، تنوع پایین عقود مبادله‌ای و عقود صوری اشاره کرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مشارکت طرفین در سود و زیان، متغیر بودن سود در قراردادها و نیاز به نظارت و پایش مستمر بانک در عقود مشارکتی، از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های این نوع عقود می‌باشد. گفتنی است که این عقود دارای کاربردهای خاصی هستند که در نظام بانکداری بدون ربا عبارتند از: مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه، مساقات و استصناع. از مشکلات اجرایی عقود مشارکتی می‌توان افزایش هزینه‌های بانک جهت نظارت و دخالت در فعالیت‌های اقتصادی، مشکل اطلاعات نامتقارن و عدم اعتماد به گزارش سود و زیان از طرف متقاضی، ناتوانی بازار پول متعارف در اجرای کامل عقدهای مشارکت محور، نا اطمینانی نسبت به نتایج فعالیت اقتصادی و در نتیجه ریسک سوخت شدن منابع و ریسک بازار را ذکر کرد.

کتابنامه

۱. موسویان، سیدعباس؛ (۱۳۸٤)، «ارزیابی قراردادها و شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا»، فصنامه علمی – پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۹.

۲. نصرآبادی، داوود؛ (۱۳۸٦)، «ارزیابی عملکرد عقد مشارکت در بانکداری جمهوری اسلامی ایران»، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

۳. آقانظری، حسن؛ (۱۳۹۱)، «نظریه مشارکت در سود و زیان؛ چالش‌ها و راهکارها»، فصنامه علمی – پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۲۹.

٤. قلیچ، وهاب؛ (۱۳۹۰)، «طرح ساماندهی بانک‌ها بر اساس عقود اسلامی»، ویژه‌نامه بانکداری اسلامی.

۵. محمودی گلپایگانی؛ (۱۳۸۱)، «مبانی فقهی نظام مشارکت در بانکداری بدون ربا»، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، تهران، ص ٦۰ تا ٦۵.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

٦. کاتوزیان؛ (۱۳۸۷)، «قواعد عمومی قراردادها»، ج ٤، چاپ پنجم، انتشارات: شرکت سهامی، تهران، جلد٤، ص۱۰۸.
۷. باریکلو، (۱۳۸۸)، «حقوق مدنی (۷)»، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، ص٤٤.
۸. هدایتی؛ (۱۳۸۱)، «عملیات بانکی داخلی»، مؤسسه عالی بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چاپ ۸، ص۱۵۵.
۹. نجفی؛ «جواهر الکلام»، ج ۲٦، ص ۲۸٦.
۱۰. موسویان، سیدعباس؛ (۱۳۷۹)، «بانکداری بدون ربا از نظریه تا عمل»، محل نشر: تهران، ص ۵۵–۵٦.
۱۱. توتونچیان، ایرج؛ (۱۳۷۹)، «پول و بانکداری اسلامی»، ناشر: توانگران (تهران).
۱۲. احمدی حاجی‌آبادی، سیدروح‌الله و احمد بهاروندی؛ (۱۳۸۹)، «راهکارهای اجرای صحیح عقدهای مشارکتی در نظام بانکی ایران»، فصلنامه علمی – پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸، ص ۱۱۹ تا ۱۳٦.
۱۳. القری بن عید؛ (۱۳۷۸)، «التعویض عن ضرر المماطله فی الدین فی الشریعه و الاقتصاد»، مجله الاقتصاد الاسلامیه، دانشگاه ملک عبدالعزیز، جده، شماره ۳.
۱٤. مصباحی‌مقدم، غلامرضا؛ (۱۳۸۵)، «مسائل کنونی پول، بانک و مشارکت در شرکت‌ها»، چ۱، انتشارات: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام: تهران، ص ۲۸۲ تا ۲۸۵.
۱۵. صدیقی؛ (۱۳۷۸)، «المصارف الاسلامیه فی اطار العمل الاسلامی»، الاداره المالیه فی الاسلام، ج۱، عمان: مجمع سلطنتی برای تحقیقات تمدن اسلامی، موسسه آل البیت علیه‌السلام.
۱٦. صدر؛ (۱۳۸٤)؛ «انتخاب کارآمد ابزارهای مالی اسلامی واطلاعات نامتقارن»، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۷۹ تا ۹۸.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۱۷. عیوضلو، حسین؛ (۱۳۸۷)؛ «اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۲۹، ۳۵ تا ۶۳.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهارم و پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص۱۹۹-۲۲۰

تمرکززدایی مالی و اقتصاد اسلامی؛ برخی ملاحظات نظری در باب مالیات‌ستانی و تخصیص بودجه

محمدجواد رضائی[۱]
مهدی موحدی بک‌نظر[۲]

چکیده

اخذ مالیات و تخصیص آن به تدارک کالاهای عمومی از وظایف دولت‌ها است. دولت‌ها در چارچوب ویژگی‌های موجود در ساختارهای اداری و تصمیم‌گیری‌شان، سعی در انجام این وظیفه دارند. نظریه انتخاب عمومی با تمرکز بر شیوهٔ تصمیم‌گیری عمومی و با درک موارد شکست دولت، فدرالیسم مالی را به عنوان یک راهکار مورد توجه قرار داده است. هدف اصلی این مقاله بررسی موضع اقتصاد اسلامی در برابر این پیشنهاد است. در راستای دستیابی به این هدف، موضوعاتی چون یکسان بودن ماهیت خمس، زکات و مالیات‌های متعارف و شواهدی از دخل و خرج منطقه‌ای مالیات [به معنای اعم آن] نیز مورد اشاره قرار گرفته است. در نهایت نیز این نتیجه ظاهر شد که با پذیرش برخی مفروضات، از نظر اسلامی منعی در پیاده‌سازی سطوحی از فدرالیسم مالی در دولت وجود ندارد.

واژگان کلیدی

عدم تمرکز مالی، خمس، زکات، مالیات‌ستانی، نظریه انتخاب عمومی، فدرالیسم

طبقه‌بندی JEL: H77، H71، H30، D72

[۱] دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول) j.rezaei@isu.ac.ir
[۲] دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) Movahedi@isu.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مقدمه

کسب درآمد از طریق مالیات و مصرف این منابع، از مهم‌ترین موضوعات در ایفای نقش تخصیصیِ دولت است. وجود برخی اشتراکات بین «وظیفهٔ دولت»، «واکنش‌های افراد به برخی سیاست‌ها» و «پیامدهای برخی سیاست‌های اقتصادی» در جوامع مختلف، راه را برای تحلیلی مقایسه‌ای بین نظریات و مکاتب مختلف هموار می‌کند. وجود این اشتراکات، در توصیه‌های سیاستی نه در همهٔ مبانی نظریِ مکاتبِ مورد مقایسه، مبنایی اولیه به منظور انجام مطالعات تطبیقی است. ازاین‌رو با توجه به اهمیت موضوعِ تخصیص منابع و پیامدهای محتمل بر رفتار مردم، این تحقیق در پی انجام مطالعه‌ای مقایسه‌ای است.

هدف این تحقیق بررسی نگاه منطقه‌ای به دخل و خرج منابع مالیاتی از نگاه اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد است. به لحاظ نظری، تکیه اصلی در توصیف و تبیین از نظر علم اقتصاد، بر مطالعات و تحلیل‌های نظریه انتخاب عمومی است. از نظر شواهد و بررسی پیامدهای فدرالیسم اقتصادی نیز به مطالعات کمی و کیفی صورت گرفته در این حوزه استناد شده است. برای درک جایگاه نگاه منطقه‌ای به کسب و صرف منابع مالیاتی در اقتصاد اسلامی نیز، از شواهد تاریخی و منابع روایی استفاده شده است.

سؤالات اصلی این مقاله آن است که آیا می‌توان با رویکردی اسلامی رابطه‌ای میان درآمدهای مالیاتی و مصارف آن منابع در مناطق ایجاد نمود؟ به بیانی دیگر آیا امارات یا شواهدی بر به‌کارگیری نظام غیرمتمرکز مالی در منابع اسلامی وجود دارد؟ در مسیر دستیابی به پاسخ نیز به این پرسش خواهیم پرداخت که برخی پیامدها و ویژگی‌های نظام دخل و خرج منابع مالیاتی مبتنی بر نگاه منطقه‌ای از نظر علم اقتصاد چیست؟

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مبتنی بر این امکان‌سنجی نظری، ساختار مطالعهٔ حاضر بدین شکل سامان یافته است: در بخش دوم حول فدرالیسم مالی[۱] و ویژگی‌های آن به کنکاش خواهیم پرداخت. در این بخش با بررسی مطالعات انجام‌شده و ارائهٔ برخی ابعاد نظری بحث، تحقیقی در باب عدم تمرکز مالی در دولت و ضرورت آن صورت می‌گیرد. در بخش سوم نیز در پی درک نوعِ نگاهِ قابل انتساب به منابع شیعی در زمینهٔ تقویت نگاه منطقه‌ای به مالیات خواهیم بود. در قسمت پایانی، نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی مبتنی بر فرضیهٔ ادعائیِ این مقاله ارائه خواهد شد.

فدرالیسم مالی

می‌توان فدرالیسم را به منزلهٔ نوعی شیوه تفکر سیاسی انگاشت، اما آنچه در این تحقیق در پی آن هستیم، استفاده از رویکرد سیاسی نیست بلکه تنها توجه به فدرالیسم اقتصادی (مالی) یا عدم تمرکز مالی است. به لحاظ اقتصادی، اصطلاح «فدرالیسم» متفاوت از اصطلاح سیاسی آن است. در اصطلاح سیاسی، فدرالیسم به نوعی تضمین خودمختاری در سطوح مختلف حکومت برمی‌گردد، اما به لحاظ اقتصادی همهٔ دولت‌ها سطوحی از فدرالیسم مالی را دارا هستند (Oates, 1999). فدرالیسم اقتصادی به معنای طبقه‌بندی سیاست‌ها و اجرائیات دولت در برنامه‌های متمرکز و برنامه‌هایی که قابلیت اجرای منطقه‌ای آن کاراتر است، گفته می‌شود (Tullock and et. al., 2002: 71). به دیگر بیان اگر ساختار

[۱] علیرغم تفاوت‌هایی که بین مفاهیمی چون «فدرالیسم مالی»، «فدرالیسم اقتصادی»، «عدم تمرکز مالی» و «ساختار اقتصادیِ منطقه‌ای» وجود دارد، در سراسر این تحقیق این مفاهیم معادلی برای یکدیگر در نظر گرفته شده‌اند. وجه مهم اشتراک آن‌ها و البته مورد تأکید در این مطالعه، وجود ارتباطی وثیق بین کسب درآمد مالیاتی از مناطق و صَرف آن‌ها در همان مناطق است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

حکومت توسط سطوح مختلفی متمایز گردد، آن حکومت را فدرال می‌نامند.[۱] در حال حاضر هر حکومت اختیار دارد که به لحاظ عملی در برخی از شیوه‌های ادارهٔ منطقه‌ای امور مالی، به جمع‌آوری عوارض و مالیات بپردازد و آن را تحت قاعده‌ای با دولت فدرال تقسیم کند، (خوبروی پاک، ۱۳۷۷: ۹۹) که در علم اقتصاد مباحث بسیاری حول این مفهوم شکل گرفته است. به طور نمونه ماسگریو [در مقام اقتصاددانی نوآور در مالیه سنتی[۲] در مباحث مربوط به فدرالیسم مالی]، با اشاره به وظایف دولت در بخش تخصیص، می‌گوید: «با توجه به ویژگی‌های کالاهای اجتماعی، می‌توان قلمرویی برای عرضهٔ این کالاها ارائه نمود». در هر قلمرو باید خدمتی ارائه گردد که ثمرهٔ آن نصیب افراد همان ناحیه شود. (ماسگریو و ماسگریو، ۱۳۸٤: ٦۷۷)

پس از بیان کلیاتی راجع به فدرالیسم، حال به ارتباط این بحث با نظریهٔ انتخاب عمومی می‌پردازیم. نظریهٔ انتخاب عمومی با بررسی موارد شکست دولت، به ویژه تمرکز بر نوع تعاملاتِ بازیگران عرصهٔ سیاست و کارگزاران دولتی به طور ضمنی به مطالعهٔ فدرالیسم و مزایای آن در مقایسه با انواع دیگر ادارهٔ اقتصادی جوامع می‌پردازد. پس از درک وجود مشکلاتی در ساختار تصمیم‌گیری دولت، فدرالیسم نه‌تنها به عنوان یک شیوهٔ اداره در برخی کشورها از جمله ایالات‌متحده، بلکه به دلیل کاستن از مشکلات مطرح شده، مورد توجه نظریهٔ انتخاب عمومی قرار گرفته است[۳].

---

[۱]. البته استفاده از این تعریف کلی برای موضوع موردنظر، یعنی فدرالیسم اقتصادی قابل استفاده است؛ می‌توان حکومتی را به لحاظ اقتصادی فدرال تعریف نمود که در ساختار اقتصادی آن (به طور نمونه در نظام مالیاتی، بودجه‌ریزی یا تصمیم‌گیری) سطوح مختلفی قابل تشخیص باشند (Filippov and et. al., 2004: 9).

[2] Publi Finance

[۳] گرچه به لحاظ تاریخی، خاستگاه تاریخیِ تحلیل مورد نظر در مکتب انتخاب عمومی به ویکسل برمی‌گردد، اما اقتصاددانان پیشگامی چون بوکانان و تالوک از ایالات متحده ظهور کرده و بسیاری از مطالعات آنان معطوف به همان کشور است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مطالب اشاره شده در قالب ویژگی‌ها و ابعاد نظری و کاربردی عدم تمرکز مالی ارتباطات وثیقی با یکدیگر داشته و ارائه یک طبقه‌بندیِ جامع، مانع و فاقد همپوشانی از آن‌ها غیر ممکن به نظر می‌رسد. با این وجود ویژگی‌های مربوط به نظام غیرمتمرکز مالی در دو عنوان کلی مشخصات مربوط به عملکرد اقتصادی و رفتارهای فردی مورد نظر قرار گرفته‌اند.

۲,۱. ویژگی‌های مربوط به عملکرد اقتصادی در نظام مالیِ منطقه‌ای

(الف) افزایش رقابت بین مناطق: ویژگی اساسی فدرالیسم، رقابت است. به فرض وجود دیگر جنبه‌های فدرالیسم اقتصادی به ویژه دخل و خرج محلی، انگیزه رقابت بین مناطق زیاد می‌شود (Tullock and et. al., 2002: 76). پس از آنکه مناطق و تصمیم‌گیران منطقه‌ای مبتنی بر منابع مالیاتیِ خود به عرضهٔ کالاهای عمومی بپردازند، فضای رقابتی نیز شکل می‌گیرد. انگیزهٔ این رقابت‌ها را می‌توان در تأمین مناسب‌تر کالاهای عمومی و جذب سرمایه‌گذاری‌ها و حتی افراد بیشتر را برای فعالیت در منطقه جذب نمود. وجود مشخصه‌های مانند کاهش رفتار لِویاتانی[۱] دولت، سیاست‌های مناسب‌تر در نظام مالیاتی و تأمین کالاهای عمومی و نرخ مالیاتی پایین‌تر پیامدهای مهمی را با خود به همراه دارد.[۲]

به عنوان مصادیقی از مطالعات تأییدکننده نیز می‌توان به نتایج برآمده از یک پژوهش انجام‌شده در مورد عدم تمرکز مالی، البته بر اساس دو مدلِ «منحنی لافر» و «وابستگیِ

---

۱ لویاتان اصطلاحی برگرفته از مجموعه آراء توماس هابز در فلسفه سیاسی است. این واژه که به لحاظ لغوی به معنای هیولا یا موجودی عظیم الجثه است، توسط هابز به عنوان استعاره‌ای برای یک دولت قدرتمند به کار برده شد. در مجموعه مطالعات انتخاب عمومی و مجموعه مطالعات اقتصادی با تعابیر منفی از این اصطلاح نیز استفاده می‌شود؛ دولتی که در کمال قدرت با دخالت در بسیاری از امور، موجبات پیدایش رانت و عدم تخصیص بهینه منابع می‌شود.

۲ باید اشاره نمود که هیچ اقتصاددانی قائل به وجود رقابت کامل بین مناطق و عدم ارتباط مالی دولت‌های محلی و مرکزی نیست. توجه به برابرسازی آن‌هم براساس ملاحظات برابری و کارایی (کالیس و جونز، ۱۳۸۸: ۷۶۰) امری مورد توجه و معمول در تحلیل‌های اقتصادی و نیز در واقعیت‌های کشورهای با ساختار غیرمتمرکز است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

فضائی»[1] (و البته به کمک داده‌های محدود)، توجه کرد؛ (۱) می‌توان وجود رابطهٔ مثبت میان رقابت‌های بین ایالتی و عدم تمرکز مالی با محدود شدن رفتار لِویاتانیِ دولت را تأیید نمود، (۲) هرچه حکومت‌ها از نظر مالی از عدم تمرکز بالاتری برخوردار باشند، رقابت‌های بین منطقه‌ای بیشتر و نرخ مالیاتی پایین‌تری (در مقایسه با نرخِ مالیاتی حداکثرکنندهٔ درآمد دولت)، مشاهده می‌شود (Crowley and Sobel, 2010).

انتظار می‌رود که رقابت مالیاتی[2] محدودیت‌هایی برای سیاست‌مداران ایجاد نماید که منجر به بسته‌های سیاستیِ مالیاتی و تدارک مناسب‌ترکالاهای عمومی گردد (Adamovich and Hosp, 2003). رقابت مالیاتی برای جذب پایه‌های مالیاتی آن هم با کاهش میزان مالیات و به معنی ایجاد نوعی جنگ مالیاتی بین مناطق است.[3] از طرف دیگر باید توجه داشت که بر اساس نظر برخی اقتصاددانان، وجود رقابت مالیاتی بین مناطق، که می‌توان از آن به عنوان استقلال مالی نام برد، مقدمه‌ای برای بهبود پاسخگویی کارگزاران به مردم است (Buglione and Marè, 2010).

(ب) سازگاری بین عرضه و تقاضای کالاهای عمومی: ویژگی دیگر عدم تمرکز مالی به نحوهٔ تعامل تصمیم‌گیرانِ عمومی و مردم برمی‌گردد. هرچه جوامعِ کوچک، از همگنی و تعداد کمتری از افراد تشکیل شده باشند آنگاه سازگاری بین تقاضای افراد از کالاهای عمومی با عرضهٔ این کالاها بیشتر خواهد بود (Brown and Jackson, 1990: 258). در یکی از مطالعات با موضوع «اثر شیوهٔ کسب درآمد مالیاتی و میزان اعتماد شهروندان به حکومت‌ها» که در ایالات‌متحده انجام گرفته، نتایجی در راستای تقویت این فرضیه به‌دست آمد: مالیات بر درآمد به شیوهٔ ملی به عنوان نامناسب‌ترین نوعِ مالیات تشخیص داده شده و عموم افراد

[1] Spatial Dependence
[2] Tax Competition
[3] شایان ذکر است در مطالعات اقتصادی، رقابت مالیاتی ناظر به پایه‌های مالیاتی متحرک (Mobile Tax Base) است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

نیز میزان اعتماد[1] و اطمینان[2] کمتری به حکومت فدرال در مقایسه با حکومت‌های ایالتی و محلی از خود ابراز داشتند (Cole and Kincaid, 2000).

هماهنگی میان عرضه و تقاضای کالاهای عمومی را نه تنها باید در بین افراد ساکن در نواحی مختلف در یک زمان بلکه با فرض وجود نسل‌ها در زمان‌های مختلف، مورد توجه قرار گیرد. از این جهت که افرادِ متعلق به نسل‌های گوناگون و ساکن در نواحی مختلف، نیازها و تمایلات متنوع و متمایزی از یکدیگر داشته و تولید کالاهای عمومی و ایجاد سرمایه‌های انسانی در بین آن‌ها مبتنی بر درخواست خود و با ائتلاف منابع کمتری صورت می‌گیرد، که می‌توان سازگاری بالاتری برای این ساختار مالی با خواسته‌های افراد جامعه قائل گردید.

وجود این مشخصه، پیامد بسیار مهم دیگری از جمله فساد کمتر را با خود به همراه دارد. در مطالعهٔ نظری انجام گرفته توسط اِریکان با استفاده از چارچوب رقابت مالیاتی و رفتار رانت‌جویانه نشان داده شده که عدم تمرکز مالی منجر به سطوح پایین‌تری از فساد می‌شود (Arikan, 2004). به دیگر بیان، اگر نظارت کافی بر بوروکرات‌ها و کارگزاران دولتی وجود داشته باشد، عدم تمرکز موجب کاهش فساد می‌شود (Lessman, 2009). در رابطه با موضوع عدم تمرکز و استقلال مالی مناطق، برخی از محققان اظهار می‌دارند نهادهایی که به ترجیحات افراد احترام می‌گذارند در مقایسه با نهادهایی که همچون لویاتان رفتار می‌کنند از حمایت بیشتری برخوردارند (Torgler, et. Al., 2010)؛ از این رو نیز می‌توان به سازگاری بیشتر میان عرضه و تقاضا و در نتیجه کاهش برخی فسادهای محتمل به عنوان پیامد عدم تمرکز مالی نگریست.

[1] Trust
[2] Confidence

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

(ج) رشد اقتصادی بالاتر و کاهش اندازه اقتصاد سایه[1]: به لحاظ نظری نیز تلاش‌هایی جهت درک تأثیر رقابت‌های مالیاتی بین مناطق و تأمین کالاهای عمومی، افزایش رفاه ساکنان و بهبود شاخص‌های رشد صورت گرفته است. بر اساس مدل رشد درون‌زا و با فرض اخذ مالیات از سرمایه به منظور تدارک کالاهای عمومی، ساختار غیرمتمرکز اخذ مالیات، نرخ حداکثری رشد را در پی خواهد داشت (Koethenbuerger and Lockwood, 2010)[2]. همچنین بروکنر در ارائه مدل خود که قصد درک تأثیر فدرالیسم مالی بر رشد اقتصادی با توجه به نسل‌های همپوشان را داشته، این نتایج به دست آمده است: ساختار مالی منطقه‌ای موجب پس‌انداز بیشتر در اقتصاد می‌شود که این امر موجب افزایش سرمایه‌گذاری درزمینهٔ نیروی انسانی شده و بالتّبَع رشد اقتصادی سریع‌تری را فراهم می‌آورد (Brueckner, 2006). در همین راستا گرایش کمتر به کسری بودجه در کشورهای با مشخصه استقلال مالی که در برخی مطالعات انجام شده مورد تأیید قرار گرفته است (همچون Eichenberger and Stadelmann, 2010) قابل درک است.

نکته قابل توجه این است که با ایجاد تغییرات در میزان مخارج و تصمیم‌گیری به منظور بودجه‌ریزی در حرکت از سوی نظام متمرکز به طرف نظام‌هایی با استقلال مالی، میزان کل مخارج محلی و ملی افزایش می‌یابد. در مطالعه انجام شده بر اساس داده‌های تابلویی مربوط به کشورهای اتحادیه اروپا مشخص گردیده است که در بلند مدت، استقلال مالیاتیِ مناطق، موجب کاهش مخارج مرکزی و افزایش مخارج منطقه‌ای می‌شود آن‌هم به‌گونه‌ای که شاهد مجموع مخارج بالاتری خواهیم بود (Cassette and Paty, 2010).

[1] Shadow Economy

[2] البته مدل بررسی شده در مطالعهٔ فوق، با فرض عدم وجود شوک‌های فناوآنه بدین نتیجه منتهی می‌گردد. به دلیل خارج بودن از حوصلهٔ این تحقیق، برای درک جزئیات مراجعه به اصل مقاله توصیه می‌گردد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

تحلیل نظری در مورد ارتباط اندازهٔ اقتصاد سایه و استقلال مالی مناطق، بیانگر آن است که هر چه به سمت نظام فدرالیسم پیش رویم، از اندازه اقتصاد سایه در کشور کاسته خواهد شد؛ چرا که فعالیت‌های رسمی و عایدی حاصل از آن‌ها در حالت فدرالیسم و در مقایسه با یک حکومت و نظام تصمیم‌گیری واحدِ مالی بیشتر است که بررسی شواهد و داده‌های کشورها و مناطق نیز مؤید این امر است (Teobaldelli, 2011). در مطالعهٔ انجام شده دیگر نیز رابطه‌ای منفی بین استقلال محلی و اندازه اقتصاد سایه مشاهده شده (Torgler, et. Al., 2010) که می‌توان از این طریق نیز تأثیر بر رشد اقتصادی را تحلیل نمود.

د) کارایی فرایندی[1] و پیامدی[2] بالاتر: به نظر می‌رسد، با توجه به برخی مقیدات مربوط به معیارهای عدالت توزیعی در سطح کشور، تمرکز زدائی مالی تا حد قابل قبولی مورد توافق اعضاء جامعه باشد. همین‌که «اداره مناسب‌تر نظام تصمیم‌گیری و اجرائی و اجرا ی مؤثرتر سیاست‌ها معلول تعامل شهروندان و مراجع دولتی مبتنی بر حس مسئولیت جمعی است»، می‌توان انتظار پیدایش توافق میان افراد جامعه در پذیرش چنین نظامی را داشت (Torgler, et. Al., 2010).

در مطالعهٔ انجام شده توسط اَشوُرث و همکاران، با استفاده از داده‌های تابلویی مربوط به ۲۸ کشور در بازهٔ زمانی ۲۰۰۵-۱۹۷۵ اثر عدم تمرکز بر برنامه‌های بهداشتی، آموزشی و تأمین اجتماعی بررسی شده است[3] که مبتنی بر این مطالعه، عدم تمرکز بالاتر منجر به انجام مصارف بیشتر برای آموزش می‌گردد (Ashworth et. al. 2009).

[1] Process Efficiency
[2] Output Efficiency or Outcome Efficiency
[3] باید اشاره نمود که استفاده از این مطالعه برای تحقیق حاضر با تسامح صورت گرفته است چرا که اثر مستقیم دخل و خرج منطقه‌ای مالیات را مورد بررسی قرار نداده و الزاماً جنبه‌های دیگر چون نظام سیاسی فدرال و نظام قضائی فدرال را نیز در مقایسه بین کشورهای مورد مطالعه در خود جایی داده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

افزایش کارایی، مهم‌ترین عامل در تحولات است که باعث شده اصلاحات زیادی در روابط بین مناطق و کشورهایی چون آلمان، استرالیا و اتریش به وجود آید. به بیان دیگر کارایی و الزامات فرعی مثبت آن، از طرق مختلف بر طراحی اصلاحات اثرگذار بوده است (Braun, 2008; Grewal, 2014: 52).

۲,۲. ویژگی‌های مربوط به رفتارهای فردی در نظام مالیِ منطقه‌ای

(الف) کاهش مسئله سواری مجانی: یکی از دلایل وجود ناکارایی در مصارف مربوط به منابع مالی در کشورها را می‌توان عدم ارتباط منابع و مصارف در افراد جامعه تلقی نمود. از نظر اولسون مخارج بیش از حدِ بخش عمومی زمانی به وجود می‌آید که منافع برنامه‌ها فقط به عده‌ای اندک اختصاص داشته باشد، اما هزینهٔ این برنامه‌ها به شکل گسترده‌ای میان همهٔ افراد جامعه سرشکن شود. اگر مخارج برنامه‌ها در یک محل، از مالیات‌های وضع شدهٔ همان محل تأمین شوند احتمال سرشکن کردن هزینه‌ها کاهش خواهد یافت (کالیس و جونز، ۱۳۸۸: ۷۳۰).

(ب) مقایسهٔ آسان بین مناطق و وجود گزینهٔ خروج: وجود رقابت و نظام دخل و خرج منطقه‌ای مالیات و بالتبع پاسخگویی مسئولان محلی به مردم، موجبات اهمیت مقایسهٔ بین مناطق در نزد مردم را فراهم می‌آورد. به بیان دیگر در این شرایط مقایسهٔ بین مناطق از سوی مردم به آسانی صورت می‌گیرد (Tullock and et. al., 2002: 76). ویژگی دیگر چنین شیوهٔ اداره کردن، پیدایش قدرت انتخاب برای افراد به منظور استفاده از خدمات و کالاهای عمومی است. بوکانان تأکید دارد که رقابت مالی بین دولت‌های محلی، همواره گزینهٔ خروج را برای افراد، در دسترس قرار می‌دهد و ضمانت می‌کند که هر دولتِ محلی به شکل کارآمد و مؤثر فعالیت کند (Buchanan and Musgrave, 1999: 256). اگر این‌طور باشد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

عوامل متحرک از خود عکس‌العمل نشان می‌دهند؛ و مبتنی بر همین ویژگی است که مفهوم رأی‌دهی با پا[1] از سوی نظریهٔ انتخاب عمومی مطرح گردیده است.

(ج) بهبود رفتار مالیاتی مؤدیان: با فرض وجود عوامل دیگری چون وجود عدالت در نرخ‌های مالیاتی، اگر پرداخت‌کنندگان مالیات اطمینان حاصل نمایند که درصد عمده‌ای از منابع مالی ارائه‌شده به تصمیم‌گیران عمومی در مناطق خود صرف شده و موجب تأمین کالاها و خدمات عمومی می‌گردد، تمایل بیشتری به پرداخت مالیات داشته و مسئله فرار مالیاتی کاهش خواهد یافت. گرچه این امر به ویژه در کشور ما و با وجود تجربه‌هایی چون مصارف زکات در مناطق جای تحقیق بیشتری دارد اما هم به لحاظ نظری و هم از نظر وجود شواهد نزدیک در سایر کشورها، این فرضیه قابل تأیید است[2]. مسیر ایجاد این تغییر را در انگیزهٔ افراد می‌توان در دو مؤلفه جستجو نمود: (۱) هزینه‌های پایین‌تر در نظارت بر پرداخت مالیات و به نوعی مردمی شدن این نظارت و (۲) اعتقاد افراد به این امر که منابع مالی جمع‌آوری‌شده، در مناطق خود و برای ارائه کالاها و خدمات عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

(د) تخفیف مسئله خرید و فروش آراء: اصولاً گرایش به فدرالیسم، نتیجهٔ غیرمستقیم خرید و فروش آراء[3] است (Tullock and et. al., 2002: 79). توضیح بیشتر آن‌که در بسیاری از موارد عدم تأثیرگذاری تخصیص بودجه‌ها از خواستهٔ افراد مناطق مختلف کشور و تصمیم‌گیری در این حوزه براساس فرایندهای متداول که در مجلس و نیز دولت‌ها صورت می پذیرد؛ بروز چنین حالتی، موجب پیدایش مسأله خرید و فروش آراء در نهادهای

[1] Voting with feet

[2] به عنوان یک نمونه در مطالعه انجام شده توسط تورگلر و دیگران، این فرضیه که استقلالِ منطقه‌ای موجب افزایشِ تمایلِ افراد به اعلامِ صحیح دارائی‌ها و پرداخت مالیات می‌گردد مورد تأیید قرار گرفته است (تورگلر و دیگران، ۲۰۱۰).

[3] Logrolling

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

تصمیم‌گیر فوق می‌شود. نمایندگان و کارگزاران سیاسی به واسطهٔ وجود انگیزه برای تبانی با یکدیگر در تخصیص بودجه‌ها، تمایل قابل توجهی جهت انحراف تخصیص‌ها از وضعیت بهینه خواهند داشت. در مقابل، عدم تمرکز مالی به واسطهٔ تخفیف بستر بروز چنین مسئله‌ای، پیشنهادی است که نه تنها موجب رضایت مردم می‌شود، بلکه باعث دستیابی به خواسته‌ها و نیازهای افراد به شکل مناسب‌تر و کاراتر می‌گردد.

در انتهای این بخش باید تأکید نمود، توصیه به فدرالیسم اقتصادی به معنای تجویز حکومت‌های محلی از نظر سیاسی نیست؛ چرا که مطابق یافته‌ها و تحلیل عوامل پیدایش فساد، نظام و قانون اساسی متمرکز و واحد موجب کاهش سطح فساد خواهند شد (Gerring and Thacker, 2004).

۳. کسب و صرف منطقه‌ای مالیات در منابع اسلامی

در صدر اسلام، به دلیل وسعت جغرافیایی اندک سرزمین اسلامی همهٔ امور مالی، قضائی و اجرائی در دست حاکم اسلام بود؛ اما در زمان چهارخلیفه پس از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، تغییراتی در این مسائل به وجود آمد که برحسب شرایط حتی اموری چون قضاوت نیز به نواحی مختلف محول گردید. در زمان امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، ایشان بسیاری از اختیارات خود را به کارگزاران تفویض نمودند. سطوح انتخاب کارگزاران در حکومت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را به دو سطح استانداری و فرمانداری می‌توان تقسیم نمود. استانداران در مناطق بزرگ‌تری چون مصر، اختیارات وسیعی (حتی انتخاب قاضی)، داشتند؛ فرمانداران اعزامی نیز گاهی صرفاً زعامت لشگر و امامت جمعه را داشته و قضا بر عهدهٔ شخصی دیگری بود (معینی نیا، ۱۳۷۹: ۲۲٤–۲۲۵). به اعتقاد برخی محققین، حکومت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به لحاظ سیاسی متمرکز ولی از نظر اداری نامتمرکز بود (معینی‌نیا، ۱۳۷۹: ۹۲–۹۱). پس از ارائه این مقدمه به بیان شواهد مدنظر می‌پردازیم؛

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

(الف) در ابتدای نامه معروف امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک اشتر، چهار وظیفهٔ مهم برای وی شمرده می‌شود: اخذ مالیات مصر، پیکار با دشمنان، به سامان رساندن کار مردم و آبادی شهرها (نامه ۵۳: ٤٢٧). همان‌گونه که می‌بینیم جز در چارچوب نظام اداری محلی، این دستورات قابل تحلیل نیست[1]. احالهٔ مطلق امور مصر به مالک اشتر بیانگر وجود چنین رویکردی در اداره حکومت در زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. آنجا که می‌نویسند: «امام تو ... کفایت کارشان (اهالی مصر) را از تو خواسته[2]» (نامه ۵۳: ٤٢٨).

(ب) یکی دیگر از شواهد تأیید نظام مصرف منطقه‌ای مالیات در نامه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک اشتر را می‌توان در این جمله دانست «و به موضوع مالیات آن‌گونه رسیدگی کن که مصلحت مالیات پردازان در نظر گرفته شود، چرا که صلاح دیگران در صلاح مالیات و پرداخت‌کنندگان آن است» (نامه ۵۳: ٤٣٦). آنچه از «مصلحت مالیات پردازان» برمی‌آید، در حوزهٔ صرف منابع مالیاتی قابل درک است. از آنجائی که صلاح سایر افراد جامعه در صلاح پرداخت‌کنندگان مالیات عنوان گردیده، می‌توان این‌گونه برداشت نمود که توجه به مفاسد و مصالح در امور سیاست‌گذاری و اجرائی در صرف مالیات بسیار مهم بوده و باید از ابزارها و شیوه‌های جلب این مصالح و دفع این مفاسد استفاده نمود.

(ج) امیرالمؤمنین علیه‌السلام ارتباط مستقیمی بین مالیات پرداختی از سوی مردم منطقه و ایجاد عمران و آبادانی در آن منطقه برقرار می‌نمایند؛ آنجا که می‌فرمایند: «مالیات جز از راه آبادانی به دست نیاید و هر که بدون آبادسازی مالیات بخواهد سرزمین‌ها را ویران و مردم را هلاک می‌کند و امورش اندک زمانی بیش پایدار نمی‌ماند»(نامه ۵۳: ٤٣٦). از طرفی دیگر پذیرش سیاست‌های اجرایی حاکم، معلول خرج کرد مناسب مالیات‌های پرداختی و

[1] البته موضوع مورد بحث صرفاً فدرالیسم مالی بوده و فرضاً فدرالی بودن اموری چون جنگ از حوصلهٔ این تحقیق خارج است.

[2] و قد استفاک امرهم

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

آبادانی آن منطقه است[۱] (نامه ۵۳: ٤٣٦). امام در جایی دیگر می‌نویسند که همهٔ مردم (منطقهٔ تحت نفوذ حکومتِ تو)، نان‌خور مالیات و مالیات پردازان هستند[۲] (نامه ۵۳: ٤٣٦). همهٔ این اشارات بیانگر وجود و نیز تأیید چنین نگرشی به گرفتن مالیات و مصارف آن در نظام اسلامی است.

(د) مناطق تحت حکومت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به لحاظ وسعت، تنوع فرهنگی و ترکیب جمعیتی چنان گسترده بود که همین تفاوت‌ها، ایجاب می‌نمود که کارگزاران باتجربه و آشنا به منطقه و مردم آن ناحیه را انتخاب نماید (معینی نیا، ۱۳۷۹: ۸٦–۸۵). یکی از ویژگی‌های نظام مالی منطقه‌ای طبق فرضیهٔ مورد ادعای این مقاله (که از الزامات آن وجود رابطه بین دخل و خرج منابع مالیاتی است)، عمل نمودن در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای بر اساس شرایط آن منطقه است، چرا که یکی از مؤلفه‌های موفقیت سیاست‌های اقتصادی و راهبردی رضایت افراد جامعه در چارچوب منطق و تفکر آنان بوده است. با پذیرش این مقدمه، دلالت التزامی مهمی راجع به مصارف مالیاتی قابل استنباط است که «به فراخور نیازهای هر منطقه، درآمد حاصل از مالیات باید صرف همان منطقه شود».

(هـ) در دولت اسلامی قاعده آن است که برای رسیدگی به محرومان و رساندن آنان به سطح حداقل معاش، تفاوتی بین دورترین و نزدیک‌ترین مردم یک منطقه قائل نمی‌شود و در این زمینه حکومت اسلامی، در مورد همه مردم از مسئولیت یکسانی برخوردار است[۳]

---

[۱] آبادانی زمین‌های آنان سبب می‌شود که آنچه بر عهدهٔ آنان گذاری بپذیرند.

[۲] لان الناس کلهم عیال علی الخراج و اهله

[۳] امام راجع به رسیدگی و کمک به طبقات درآمدی پایین به والی خود امر می‌کنند که بخشی از بیت‌المال و محصولات زمین‌های غنیمت گرفته شده در هر شهر را برای طبقات پایین اختصاص دهد چرا که «برای دورترین آن‌ها همان حقی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

(نامه ۵۳: ٤۳۸). با وجود این قاعدهٔ مهم باید توجه داشت که عمل به این قاعده، در چارچوب نگاه منطقه‌ای تعقیب شده است. به منظور تأییدی بر این مطلب می‌توان به این امر اشاره نمود که در زمان حکومت امیرالمؤمنین علیه‌السلام ، حضرت خود حاکم سرزمین‌های اسلامی و حاکم مستقیم منطقهٔ کوفه نیز بودند و امور مالی آن ناحیه در دست ایشان بود. امیرالمؤمنین علیه‌السلام راجع به منطقهٔ تحت نفوذ خود فرمودند که: «در کوفه همه زندگی مناسب دارند: صاحبان پایین‌ترین شغل ها نان گندم می‌خورند، خانه دارند و از آب گوارا (فرات) می‌نوشند» (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۷۹) با توجه به این‌که در همهٔ بلاد اسلامی چنین شرایطی فراهم نبوده[1] و تشابه شدیدی بین مناطق مختلف سرزمین‌های اسلامی به لحاظ رفاهی و مالی وجود نداشته است، از این بیان می‌توان استنباط کرد که در آن زمان سطح بالائی از فدرالیسم اقتصادی حاکم بوده است.

(و) می‌توان رویکرد کلی دستورات مالی اسلام در باب صرف مالیات را تا حدی مؤید نگاه منطقه‌ای دانست. تبیین این امر نیازمند توجه به دو مقدمه است: (۱) زکات و خمس و مالیات‌های متعارف ماهیت واحدی دارند و (۲) موارد مصرف زکات و خمس به شکل ناحیه‌ای بوده و احتمال مصرف منطقه‌ای آن با توجه به واقعیت‌های جوامع بسیار زیاد است. با وجود این دو مقدمه، می‌توان اعلام داشت که مالیات‌های متعارف نیز تا حد بسیاری باید به شکل ناحیه‌ای مورد استفاده مردم مناطق قرار گیرد.

راجع به مقدمه نخست، برخی از نقاط عزیمت دستیابی به این ایده بدین قرارند: (۱،۱) صحیحه علی بن مهزیار (حر عاملی، ۱٤۰۹ ه.ق.: ٤۹۰) و استدلال معصوم علیه‌السلام به هر

است که برای نزدیک‌ترین آن‌هاست و رعایت حق آنان را از تو خواسته‌اند.» (نامه ۵۳: ٤۳۸). البته باید اشاره نمود که این خواستهٔ امیرالمؤمنین از مالک در چارچوب حکومت محلی خودش بوده است.

[1] اگر چنین بود، حضرت(ع) به جای بیان این عبارت، آن‌را برای اهالی نواحی مختلف حکومت خود چون مصر، ایران ایران و حجاز به‌کار برده و بدین وسیله گسترهٔ عدالت‌ورزی و آسایش مردم در حکومت خود را متذکر می‌شدند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

دوی آیات زکات و خمس در این صحیحه[۱]، (۱،۲) مشترکات در مصارف خمس و زکـات، (۱،۳) مبسوط الید بودن حاکم در استفاده از زکات یا خمس در رفع نیازهای فقـرا و انجـام برنامه‌های فقرزدائی، (۱،٤) «وجه الاماره» بودن خمس در بیان امیرالمؤمنین علیه‌السلام (حـر عـاملی، ۱٤۰۹ ه.ق.: ٤۹۰) و از همـه مهـم‌تـر (۱،۵) کفایـت پرداخـت خمـس و زکـات از مالیات‌های متعارف(موحدی بکنظر و رضائی، ۱۳۹۱: ۱٦۳).

راجع به مقدمه دوم نیز می‌توان به امارات زیر استناد کرد: (۲،۱) آنچه از برخی روایـات این باب برمی‌آید، نوعی نگاه منطقه‌ای در پرداخت و صرف صدقات واجب اسـت. رسـول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زکات اهل بادیه را در بین اهل بادیـه و زکـات اهـل شـهر را در میان اهالی شهر تقسیم می‌کردند[۲] (کلینی، ۱٤۰۷ ه.ق.، ج ۳: ۵۵٤). امام صـادق علیـه‌السـلام نیز راجع به زکاتی که فرد زکات دهنده آن را از شهر خودش به شهر دیگری ببرد فرمودنـد: اشکالی ندارد که ثلث [یا ربع] آن را ببرد، اما نمی‌تواند همهٔ زکـات را خـارج از آن منطقـه صرف کند[۳] (کلینی، ۱٤۰۷ ه.ق., ج ۳: ۵۵٤). (۲،۲) همچنین و در همین راستا برخـی فقهـا

---

[۱] ... إِنَّ مَوَالِیَّ أَسْأَلُ اللَّهَ صَلَاحَهُمْ أَوْ بَعْضَهُمْ قَصَّرُوا فِیمَا یَجِبُ عَلَیْهِمْ فَعَلِمْتُ ذَلِکَ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُطَهِّرَهُمْ وَ أُزَکِّیَهُمْ بِمَا فَعَلْتُ فِی عَامِی هَذَا مِنْ أَمْرِ الْخُمُسِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَکِّیهِمْ بِها وَ صَلِّ عَلَیْهِمْ إِنَّ صَلاتَکَ سَکَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ ... وَ لَا أُوجِبُ عَلَیْهِمْ إِلَّا الزَّکَاةَ الَّتِی فَرَضَهَا اللَّهُ عَلَیْهِمْ وَ إِنَّمَا أَوْجَبْتُ عَلَیْهِمُ الْخُمُسَ فِی سَنَتِی هَذِهِ فِی الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ الَّتِی قَدْ حَالَ عَلَیْهَا الْحَوْلُ ... فَأَمَّا الْغَنَائِمُ وَ الْفَوَائِدُ فَهِیَ وَاجِبَةٌ عَلَیْهِمْ فِی کُلِّ عَامٍ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینِ وَ ابْنِ السَّبِیلِ إِنْ کُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ ما أَنْزَلْنا عَلی عَبْدِنا یَوْمَ الْفُرْقانِ، یَوْمَ الْتَقَی الْجَمْعانِ وَ اللَّهُ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَ الْغَنَائِمُ وَ الْفَوَائِدُ یَرْحَمُکَ اللَّهُ فَهِیَ الْغَنِیمَةُ یَغْنَمُهَا الْمَرْءُ وَ الْفَائِدَةُ یُفِیدُهَا وَ ... .

[۲] عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص یَقْسِمُ صَدَقَةَ أَهْلِ الْبَوَادِی فِی أَهْلِ الْبَوَادِی وَ صَدَقَةَ أَهْلِ الْحَضَرِ فِی أَهْلِ الْحَضَرِ.

[۳] قَالَ فِی الزَّکَاةِ یَبْعَثُ بِهَا الرَّجُلُ إِلَی بَلَدٍ غَیْرِ بَلَدِهِ قَالَ لَا بَأْسَ أَنْ یَبْعَثَ الثُّلُثَ أَوِ الرُّبُعَ شَکَّ أَبُو أَحْمَدَ. [البته شک در این‌که ثلث یا ربع مد نظر امام علیه‌السلام بوده از جانب یکی از راویان است]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

معتقدند انتقال خمس به شهری غیر از شهر خود، در صورت وجود مستحق در شهر خودش جایز نیست (همدانی، ١٤١٦ق.: ٢٣٤).

(ز) علاوه بر شواهد فوق که به نوعی جنبهٔ تاریخی و روایی داشتند، می‌توان به طور مستقیم و با استفاده از عمومات مسلم در امور حکومتی، اِماراتی بر تجویز و امکان‌پذیر بودن عدم تمرکز مالی ارائه نمود.[1] توجه به «اصل کارایی» در اقتصاد اسلامی[2] و صحه‌گذاری عقل و عرف بر آن و مهم‌تر از آن «جلب رضایت عامه»[3] (نامه ۵۳: ٣٦٨) از اهم این عمومات هستند و دلیل دیگر بر این امر قرابت آن با عدالت است. گرچه در این مجال قصد ارائه تعریفی جامع و مانع از عدالت وجود ندارد اما اگر شاخصه‌هایی چون «کاهش یا فقدان مسئله سواری مجانی» و «وجود تناسب بین تلاش و نتیجه» را منطبق با درک عرفی از عدالت بدانیم، استناد به این اصل نیز قابل دفاع به نظر می‌رسد. کلیهٔ ویژگی‌های هشت‌گانه‌ای که از نظام مالیاتی منطقه‌ای در بخش دوم ارائه گردید با همین رویکرد قابل بازبینی بوده و احتمال دارد که مورد تأیید قرار گیرد.

٤. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

در این مقاله ضمن بررسی ویژگی‌هایی از نظام مالی غیرمتمرکز به پیشنهاد نظام دخل و خرج منابع مالی به شکل منطقه‌ای پرداخته شد. با وجود برخی مشخصات مطلوب در

---

[1] به بیان بهتر، حتی اگر دلایل فوق‌الذکر برای تأیید فرضیه‌مان به طور قطعی قابل استناد نباشند، از عمومات مطرح شده در این بخش می‌توان سود جست.

[2] شواهدی از توجه اسلام به معیار کارایی را می‌توان بدین‌گونه فهرست نمود (عیوضلو، ١٣٨٤: ٢٣٨ و ٢٣٩): (١) وَ لا تُؤْتُوا السُّفَهاءَ أَمْوالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِياما(نساء، ٥)،(٢) لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفِين(اعراف، ٣١)، (٣) فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْداً فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوالَهُم (نساء، ٦)، (٤) مفهوم شکر(٥) دستور امیرالمومنین علیه‌السلام راجع به بیت‌المال.

[3] وَ لْيَكُنْ أَحَبُ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَ أَعَمُّهَا فِي الْعَدْلِ وَ أَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

چنین نظامی، دریافتیم که از نظر منابع اسلامی می‌توان شواهدی برای امکان‌پذیر بودن بهره‌گیری از این نوع از نظام غیرمتمرکز مالی یا عدم رد آن ارائه نمود.

برای دقت بیشتر و پیشنهاد تحقیقات آتی، ذکر دو نکته، مهم به نظر می‌رسد. نکته اول آن‌که به این مطالعه و سایر مطالعات باید در چارچوب موضوع مورد مطالعه و محدودیت‌های تحقیق نگریسته شود. زعم اصلی این تحقیق تجویز فدرالیسم مالی به طور مطلق نبوده بلکه توصیه‌های سیاستی و تحلیلی باید با توجه به شرایط و ساختارهای موجود مورد استفاده قرار گیرد.

نکته دوم نیز اینکه امکان طرح این سؤال وجود دارد که با توجه به اهمیت وظایف توزیعی دولت، سطح مناسب اِعمال سیاست‌های توزیعی چیست؟ آیا در این بخش نیز قائل بودن به نگاه منطقه‌ای از کارایی برخوردار است؟ شایان ذکر است سیاست‌های توزیعی و اموری چون رفع فقر بخشی از وظایف دولت است. آنچه در این تحقیق به عنوان موضوع مد نظر بوده، تأمین کلیه کالاها و خدمات عمومی با منابع مالیاتی بود که در این حوزه کلیه وظایف مربوط به بهداشت و آموزش عمومی، گسترش امنیت، رفع فقر، ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی و ... می‌گنجد.

در پاسخ به این سؤال ابتداً باید نظرات مختلف موجود در این زمینه احصاء گردد. به طور نمونه ماسگریو و ماسگریو راجع به این موضوع معتقدند که به لحاظ وظیفه توزیعی دولت نیز اصل بر آن است که در سطح ملی و متمرکز بدان عمل شود. توصیه کاربردی برآمده از این نوع نگاه، منجر به این نتیجه می‌شود که مناطق با تحرک سرمایه، کار و محل مسکونی باید بازتوزیع مالی یکنواخت داشته و به همین دلیل این وظیفه دولت، نه جنبهٔ محلی بلکه جنبهٔ ملی پیدا می‌کند (ماسگریو و ماسگریو، ۱۳۸٤: ٦٨٩)؛ اما در مقابل، مخالفین این نظر نیز بر ادعای خود اصرار می‌ورزند. به هر حال در این مورد، از نظر اسلامی باید مقدمات مختلفی را مورد توجه قرار دهیم(۱) لزوم صرف منابع مالیاتی (زکات،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

خمس و مالیات متعارف) در مناطق، (۲) وظیفهٔ حکومت اسلامی در رفع نیازهـای سـطوح پایین جامعه تا حدی که فرد فقیر به سطوح متوسط جامعه برسد مثلاً: به حج بـرود، ازدواج کند و صدقه بدهد[1] (کلینی، ۱٤۰۷ه.ق.: ٥٥٦) و (۳) کلیات حاکم بر نظام توزیـع درآمـد در حکومت اسلامی، آسایش و رضایت همهٔ افراد جامعه (فـارغ از مرزبنـدی‌هـای ناحیـه‌ای)، مورد توجه حکومت است.

حرکت در راستای ایجاد ارتباط بین منابع مالیاتی و تأمین کالاهای عمومی، بیش از همه نیازمند درک افراد جامعه از مفاهیمی چون کارایی و بهره‌وری است. ایجـاد درک و اهمیـت آن در اذهان عموم، موجب تسهیل مراحل بعـدی همچـون ایجـاد انگیـزه بـرای نماینـدگان مجلس و کارگزاران دولتی به منظور انجام اصلاحات خواهد بود. به طور خلاصـه نیـز سـه توصیه سیاستی مربوط به موضوع تحقیق ارائه می‌گردد: (۱) ایجاد ارتباط بـین مالیـات‌هـای اخذ شده از یک منطقـه و صـرف قسـمت عمـده‌ای از آن‌هـا در همـان منطقـه، (۲) ایجـاد شفافیت و اطلاع‌رسانی برای مؤدیان مالیاتی به منظور درک ارتباط بین درآمدهای مالیـاتی و مصارف مالیاتی مناطق و (۳) تغییر یا اصلاح نظام مالیاتی و نظام بودجه و برنامه‌ریزی مبتنی بر افزایش کارایی در قوانین.

کتابنامه

۱. عزیزالله عطاردی؛ «نهج‌البلاغه»، مؤسسه نهج‌البلاغه.

۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی؛ (۱٤۰۹ق)، «تفصیل وسائل الشـیعهٔ إلـی تحصـیل مسائل الشریعهٔ»، ج ۹، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه‌السلام.

[1] از امام صادق ﷺ راجع به مصارف زکات) قَالَ) إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی نَظَرَ فِی أَمْوَالِ الْأَغْنِیَاءِ ثُمَّ نَظَرَ فِی الْفُقَرَاءِ فَجَعَلَ فِی أَمْوَالِ الْأَغْنِیَاءِ مَا یَکْتَفُونَ بِهِ وَ لَوْ لَمْ یَکْفِهِمْ لَزَادَهُمْ بَلْ یُعْطِیهِ مَا یَأْکُلُ وَ یَشْرَبُ وَ یَکْتَسِی وَ یَتَزَوَّجُ وَ یَتَصَدَّقُ وَ یَحُجّ.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۳. حکیمی، محمدرضا و محمد حکیمی و علی حکیمی؛ (۱۳۸۰)، «الحیاة»، جلد ٦، (احمد آرام، مترجم) تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

٤. خوبروی پاک، محمدرضا؛ (۱۳۷۷)، «نقدی بر فدرالیسم»، تهران: موسسه نشر و پژوهش شیراز.

۵. عیوضلو، حسین؛ (۱۳۸٤)، «عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصاد اسلامی»، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

٦. کالیس، جان جی و فیلیپ. آر. جونز؛ (۱۳۸۸)، «مالیهٔ عمومی و انتخاب عمومی»، جلد ۲، (الیاس نادران، آرش اسلامی و علی چشمی، مترجم) تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها سمت.

۷. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب؛ (۱٤۰۷ق)، «الکافی»، جلد ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۸. ماسگریو، ریچارد و پگی ماسگریو؛ (۱۳۸٤)، «مالیه عمومی در تئوری و عمل»، جلد۱، (مسعود محمدی و یدالله ابراهیمی‌فر، مترجم) تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

۹. معینی‌نیا، مریم؛ (۱۳۷۹)، «سیره اداری امام علی(ع) در دوران خلافت»، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی و شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

۱۰. موحدی بکنظر، مهدی و محمد جواد رضائی؛ (۱۳۹۱)، «ارتباط وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی»: دلالت‌هایی برای حل پرداخت‌های دوسویه، فصلنامه علمی – پژوهشی پژوهشنامه مالیات، شماره ٦۳، صص. ۱۵۳-۱۷۳.

۱۱. همدانی، آقارضا بن محمدهادی؛ (۱٤۱٦ق)، مصباح‌الفقیه، جلد ۱٤، بی‌جا: موسسه الجعفریه لاحیاء التراث و موسسه النشر الاسلامی.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۱۲. Adamovich, Ivan Baron and Gerald Hosp (2003), Fiscal Federalism for Emerging Economies: Lessons from Switzerland? Publius, 33, 1-21.

۱۳. Arikan, G. Gulsun (2004), Fiscal Decentralization: A Remedy for Corruption? International Tax and Public Finance, 11, 175-195.

۱٤. Ashworth, John, Emma Galli and Fabio Padovano, (2009) Government decentralization and public spending programs, Italian Society of Public Economics Conference 2009, working paper.

۱۵. Braun, Dietmar (2008), Making Federalism More Efficient: A Comparative Assessment, Acta Politica, 43, 4–25.

۱٦. Brown, C. V., and Jackson, P. M. (1990). Public Sector Economics, Cambridge: Blackwell.

۱۷. Brueckner, Jan K. (2006), Fiscal Federalism and Economic Growth, Journal of Public Economics, 90, 2107- 2120.

۱۸. Buchanan, James M., and Musgrave, Richard A. (1999), Public Finance and Public Choice: Two Contrasting Visions of the State, Massachusetts: MIT Press.

۱۹. Buglione, Enrico and Mauro Marè (2010), Tax Competition and Fiscal Federalism in Italy, Presented at the OECD conference on tax competition between sub-central governments, Bern, 31 May- 1 June 2010.

۲۰. Cassette, Aurélie and Sonia Paty (2010), Fiscal decentralization and the size of government: a European country empirical analysis, Public Choice, 143, 173–189, DOI: 10.1007/s11127-009-9496-x

۲۱. Cole, Richard L. and John Kincaid (2000), Public Opinion and American Federalism: Perspectives on Taxes, Spending, and Trust-An ACIR Update, Publius, 30, 189-201.

۲۲. Crowley, George R. and Russell S. Sobel, (2010), Does Fiscal Decentralization Constrain Leviathan? Evidence from Local Property Tax Competition, (Conference Presentations) Association of Private Enterprise Education, April, Las Vegas, Available in :http://www.be.wvu.edu/div/econ/work/10.htm, تـــاریخ آخـــرین مشـــاهده: ۱۳۹۳/۱۰/۰۸

۲۳. Eichenberger, Reiner and Stadelmann, David (2010),How Federalism Protects Future Generations from Today's Public Debts, Review of Law & Economics, 6, Article 5.

۲٤. Filippov, Mikhail, Ordeshook, Peter C., and Shvetsova, Olga (2004). Designing Federalism: A Theory of Self-Sustainable Federal Institution, New York: Cambridge University Press.

۲۵. Gerring, John, and Thacker, Strom C. (2004). Political Institutions and Corruption: The Role of Unitarism and Parliamentarism. British Journal of Political Science, 34, 295-330.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۲۶. Grewal, Bhajan (2014), Economic perspectives on federalism. In A Federation for the 21 Century, Melbourne: CEDA, 41-53.

۲۷. Koethenbuerger, Marko and Ben Lockwood (2010), Does Tax Competition Really Promote Growth? Journal of Economic Dynamics and Control, 34, 191-206.

۲۸. Lessman, Christian and Gunther Markwardt (2009), One Size Fits All? Decentralization, Corruption, and the Monitoring of Bureaucrats, World Development, 20(10), 20-36.

۲۹. Oates, Wallace E. (1999). An Essay on Fiscal Federalism. Journal of Economic Literature, 37, 1120-1149.

۳۰. Tanzi, Vito (2008), The future of fiscal federalism, European Journal of Political Economy, 24, 705-712, DOI: 10.1016/j.ejpoleco.2008.03.001.

۳۱. Teobaldelli, Désirée (2011), Federalism and the shadow economy, Public Choice, 146, 269-289, Available in: http://dx.doi.org/10.1007/s11127-009-9590-0, DOI: 10.1007/s11127-009-9590-0.

۳۲. Torgler, Benno, Friedrich Schneider and Christoph A. Schaltegger (2010), Local autonomy, tax morale, and the shadow economy, Public Choice, 144, 293–321, DOI: 10.1007/s11127-009-9520-1.

۳۳. Tullock, Gordon, Seldon, Arthur, and Brady, Gordon L. (2002), Government failure: a primer in public choice, Washington, D.C.: Cato Institute.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهارم و پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص۲۲۱-۲٤٤

نقد نگاه ابزاری به عقود شرعی در بانکداری بدون ربا

علیرضا جعفرزاده کوچکی[۱]
محمدجعفر اسماعیلی[۲]

چکیده

نگاه ابزاری به عقود شرعی از مسائل مهم در بحث ربا محسوب می‌شود که از گذشته‌های دور، تحت عنوان «حیله‌های ربا» مورد بررسی دانشمندان مذاهب مختلف قرار گرفته است. امروزه این گونه نظر و نگاه به عقود شرعی در ربا، اهمیت بیشتری نسبت به قبل پیدا کرده است، زیرا از دیدگاه بنیان‌گذاران طرح بانکداری بدون ربا، عقود شرعی پیکره اصلی این طرح را تشکیل می‌دهد. بر اساس همین عقود است که بهره‌های بانکی از ربویت خارج می‌گردد. آنچه در این نوشتار می‌آید، ارزیابی درستی و نادرستی نگاه ابزاری به عقود شرعی در بانکداری بدون ربا می‌باشد (حیله ربوی)، چرا که گونه پردازش به این مسئله فقهی، از اهمیتی که در نتیجه بررسی خود این فرع دارد، نشانگر سبکی ویژه و نگاهی خاص در بررسی‌های فقهی و اقتصادی است. حقیقت این است که اگر دیدگاه ابزاری به عقود شرعی را در سیستم بانکداری بدون ربا بپذیریم، در واقع ربا را به عنوان یک حقیقت موجود در ساختار اقتصادی جامعه پذیرفته‌ایم و این خود، سمت و سوی ویژه‌ای را در روند برنامه‌ریزی اقتصادی به دنبال دارد. به هر حال در این مقاله سعی شده است نگاه ابزاری به عقود شرعی و دلایل رد آن با استفاده از آیات و روایات مطرح و بررسی گردد.

واژگان کلیدی

ربا، حیله ربوی، عقود شرعی در ربا، بانکداری بدون ربا

[۱]استادیار گروه الهیات دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول) az.jafarzadeh@yahoo.com
[۲]کارشناسی‌ارشد علوم قرآن و حدیث mjesmaeili@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مقدمه

در قرآن کریم درباره مخالفت و پرهیز از ربا، شدتی به کار رفته که کمتر در فروع دین پیشینه دارد. در اسلام، عدالت‌خواهی و ستم‌ستیزی، اصلی انکارناپذیر است. عدالت، معیاری کلی است که اسلامی بودن بیشتر فعالیت‌های اقتصادی را می‌توان با آن ارزیابی کرد. رباخواری با این اصل در تضاد است و به همین دلیل، اسلام آن را تحریم کرده است. قرض‌ربوی، استثمار انسان و تضییع حقوق افراد فقیر از سوی ثروتمندان است. در آیات ۲۷۳ تا ۲۸۰ سوره بقره، خداوند پس از بیان حرمت ربا و ویژگی‌های روحی رباخواران و ذکر آثار آن، مؤمنان را از رباخواری برحذر می‌دارد و آنها را از پی آمدهای رباخواری که اعلان جنگ با خدا و پیامبر است، آگاه می‌سازد. در نهایت، علت حرمت ربا را که همان ستم است، بیان می‌کند: «اگر از این کار زشت (رباخواری) دست بردارید، اصل مال شما متعلق به خودتان است. در این صورت، نه به واسطه گرفتن اضافه ستم کرده‌اید و نه به دلیل نگرفتن اصل سرمایه ستم دیده‌اید».

امام خمینی(ره) در سخنی جامع به جایگاه ربا چنین اشاره می‌کند: «و قد ثبتت حرمته بالکتاب و السنه و اجماع من المسلمین بل لا یبعد کونها من ضروریات الدین...؛ حرام بودن ربا به کتاب و سنت و اجماع همه مسلمانان، ثابت شده است، بلکه بعید نیست که از ضروریات دین باشد».

در متون دینی معتبر، با عنوان‌های گوناگون از زشتی ربا سخن به میان آمده و ربا خوار به شدت نکوهش شده است «اعلان جنگ با خدا»، «زشت‌تر از زنای محارم»، «خبیث‌ترین کسب‌ها»، و... ازجمله تعابیری است که در کمتر حرامی می‌توان نمونه آن را جست.

مسلمانان در دوران‌های اخیر، پس از آنکه سلطه اسلام را در تمام شئون زندگی از دست دادند و در وضعی دوگانه میان قوانین غرب و تعالیم اسلام در ترکیبی عجیب و ناسازگار زیستند دست خوش تناقضی تلخ گشتند. ایشان از سویی به اسلام و قرآن ایمان

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

دارند و شعائر دینی را برپا می‌دارند و در بسیاری از امور مدنی خود طبق احکام اسلام عمل می‌کنند؛ ولی از دیگر سو در زمینه‌های سیاسی، حقوقی آموزشی و اقتصادی به روش‌های منفور و غیر اسلامی رفتار می کنند.

از جمله این روش‌ها، کاربرد ربا در نظام بانکی است. تا بدانجا که زندگی اقتصادی ایشان رنگی یافته که از دیدگاه اسلامی مردود است و کار به جایی کشیده است که پاره‌ای از اندیشمندان مسلمان پنداشتند که نظام بانکی ربوی ضرورت ناگزیری است و این امر ایشان را بر آن داشته که در امور مسلم اسلامی تجدید نظر کرده و نصوص را تحریف کنند یا به سویی سوق دهند تا بتوانند بین احکام اسلام و آن نظام، هماهنگی به وجود آورند.

یکی از حوزه‌های فقه، بیان رابطه اسلامی الهی انسان با اشیاء مادی، اسلوب حاکم بر دادو ستد، تولید و توزیع و گردش ثروت است که در روزگار ما، علم اقتصاد و رشته‌های وابسته عهده‌دار تبیین آن است. امروزه اقتصاد و معیشت چه درست چه نادرست، حرف اول را می‌زند. در چنین دنیایی اگر حکومت اسلامی معاش را سامان ندهد در استقرار معاد باوری ناکام خواهد ماند.

به اعتقاد برخی از کارشناسان بانکداری، واقعیت این است که گرچه تلاش گردیده است با تنظیم عقود بانکی، بانکداری بدون ربا، اجرا گردد ولی در عمل اینگونه نبوده و عملاً ربا در عملکرد واقعی اما زیر پوستی بانک‌ها به چشم می‌خورد لذا اهمیت موضوع دو چندان بوده و لازم است اندیشمندان و دست‌اندرکاران جهت جلوگیری از افتادن جمهوری اسلامی ایران به تورهای نا پیدا و پیچیده غرب و آلوده شدن معیشت مردم به ربا اقدام شایسته و عاجل نمایند.

با توجه به اینکه روایاتی در زمینه مشروعیت استفاده از حیله‌های شرعی جهت فرار از ربا وجود دارد لیکن برخورد شدید قرآن و روایات با مسأله ربا باعث گردیده است دو دیدگاه متفاوت در خصوص استفاده از حیله‌های شرعی فرار از ربا بوجود آید بطوریکه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

تعدادی از فقها استفاده از حیله‌های شرعی برای فرار از ربا را مجاز دانسته و برخی فقهـا از جمله امام خمینی(ره)، در کتاب البیع، ج ۲، ص ٥٤٨ شهید صدر در کتاب البنـک الاربـوی فی الاسلام صص ١٦٤-١٨٢ و شهید مطهری رحمهم‌الله در کتاب ربا، بانک بیمه مسأله ربـا، صص ۲۳۸ ـ ۲٤١. استفاده از حیله‌های شرعی را جایز ندانسته‌اند به هر حال در ایـن مقالـه ابتدا به بحث صوری بودن برخی از قراردادهای بانکی می‌پردازیم پـس از آن بـه دلایـل رد نگاه ابزاری به عقود شرعی (حیل شرعی) در بانکداری اسلامی پرداخته و اجمالاً دلایلی که در این زمینه مطرح است را آورده سـپس دیـدگاه حضـرت امـام خمینـی(ره) را در زمینـه استفاده از حیل شرعی مطرح نموده در پایان نتیجه‌گیری و راهکارهایی که مد نظر می‌باشـد ارائه خواهد شد.

صوری شدن قراردادهای بانکی نتیجه نگاه ابزاری به عقود شرعی

نگاه ابزاری به عقود شرعی در بانکداری بدون ربا، موجب شده کـه کـارگزاران بانـک‌هـا و حتی مشتریان آنها به سوی صوری کردن قراردادهـای بـانکی سـوق داده شـوند، چـرا کـه غرض جدی در خصوص عقود مورد نظر وجود ندارد.

در حال حاضر بخش قابل توجهی از عملیات سیستم بانکی صـوری اسـت. بـه عنـوان مثال جهت تعمیر مسکن با استفاده از عقد جعاله، تسهیلاتی داده می‌شود در صورتیکه بانک که عامل جعاله است تنها به متقاضی پول می‌دهد در حـالی کـه شخصـی کـه تسـهیلات را گرفته یا مسکن ندارد یا اساساً آنرا برای تعمیر مسـکن هزینـه نمـی کنـد و بـرای مصـارف دیگری استفاده می نماید همچنین وکیل کـردن مشـتری بـرای خریـد، نیـز یکـی دیگـر از آسیب‌های موجود در سیستم بانکی محسوب می‌شود. بانـک نبایـد مشـتری خـود را بـرای خرید در فروش اقساطی وکیل قرار دهد. در حال حاضر بسیاری از کسـانی کـه تسـهیلات بانکی را از طریق فروش اقساطی می‌گیرند، به خرید کالای مورد نظر اقدام نمی‌کنند و پـول

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

بازگشته به بانک ناشی از فروش نیست. برای کنترل و نظارت بر این کار، ابزارهای مختلفی وجود دارد که سیستم بانکی ما از استفاده از آن ابزارها محروم است. بهره تأخیر تسهیلات بانکی نیز از مصادیق بارز ربا به حساب می‌آید چرا که تاخیر در پرداخت تسهیلات یعنی اینکه واحد دریافت کننده تسهیلات نتوانسته است به سود برسد و دچار زیان شده است و در این صورت بانک نیز به عنوان شریک در مضاربه و یا هر نوع عقود دیگر می‌بایست در این ضرر شریک باشد اما می‌بینیم که در هر حال بانک سود ثابت می‌گیرد و اضافه بر آن نیز بهره دیرکرد هم می‌گیرد. این نوع اقدام بدون شک ربا می باشد و عجیب است که تاکنون پیرامون راه حال این مشکل حاد کمتر سخن گفته شده است و با مرور طرح‌های نظام بانکی بدون ربا کمترین اشاره‌ای به این مسئله حساس و دامنگیر جامعه نگردیده است.

آنچه در قانون بانکداری بدون ربا دنبال شده است، تفکر جایگزین بانکداری بدون ربا با بانکداری متعارف ربوی است شیوه تطبیقی که در نوع خود یک انفعال مزمن است که به دیگر عرصه های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نیز راه یافته است و تصور می کند که با تغییر نام و تبدیل ابزار، ماهیت آنها نیز تغییر می کند. با این تلقی، بهره به سود، اوراق قرضه به اوراق مشارکت، تنزیل مجدد به خرید دین تبدیل شده و همراه با صوری شدن قراردادهای بانکی، اقتصاد متعارف در تار و پود نظام بانکی جای گرفته است. از این منظر اگرچه در برخی موارد توانستیم ظاهر معاملات بانکی را تغییر دهیم اما در عین حال از عوارض بطنی و ماهیتی متغیرهای غیراسلامی در امان نبوده ایم.

حذف ربا از نظام بانکداری متعارف ممکن نیست مگر اینکه ساختار آن کاملاً متحول شود. بهره، پایه و اساس این نوع بانکداری است و نمی‌توان پوسته بانکداری منتسب به سرمایه‌داری را بدون هسته اصلی آن به کار گرفت. برخورد التقاطی با نظام بانکی باعث

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

شده است که عملیات بانکی به شدت به سمت مبهم و پیچیده شدن برود و قراردادها نیز کاملاً صوری شده و به سبب بالارفتن هزینه‌های نظارت، کنترل، نیز کاملاً حذف شود.

در نتیجه قانون عملیات بانکی بدون ربا، به‌طور عمده متفاوت از خود قانون، در مقام عمل و اجرا به کار گرفته شده است. نمی‌خواهیم بگوییم تناقض کاملی میان قانون و عملکرد است اما می‌توان گفت تا حدود زیادی عملکرد متفاوت از قانون بوده است و این باعث گردیده بسیاری از مردم و حتی کارگزاران بانکی تفاوت معناداری بین نظام بانکداری اسلامی و نظام بانکداری مبتنی بر ربا احساس ننمایند.

قانون عملیات بانکداری بدون ربا در شهریور ماه سال ۱۳٦۲ تصویب و از ابتدای سال بعد به اجرا گذاشته شد. قانونی که انتظار می‌رفت دامان نظام اقتصادی حکومت نوپای جمهوری اسلامی را از ربا ناکارایی و بی عدالتی پاک کند و مایه رشد اقتصادی و پیشرفت و ترقی جامعه شود. اکنون بیشتر از سی‌و یک سال از اجرای آن قانون امیدبخش می‌گذرد و نظام بانکی نتوانسته است به همه اهداف خود برسد. چار که اندیشه استفاده ابزاری از عقود، برای دست‌اندرکاران بانک‌ها و مشتریان آنها امری نا آشنا و غیر قابل فهم بوده و این نوع از بانکداری، طرحی است که به نظر می‌رسد برای مردم آن طور که باید و شاید به عنوان بیشترین استفاده‌کنندگان تسهیلات مالی از آن، قابل لمس نبوده از طرفی هنگام دریافت تسهیلات، هیچ کس به قراردادی که با طرف مالی خود (بانک یا مؤسسه اعتباری) می‌بندد توجه نمی‌کند همین عدم اشراف به قرارداد و ماهیت آن، بسیاری شبهه‌ها و نکته‌ها را پیرامون بانکداری ما بوجود آورده است. سودهای پرداختی به تسهیلات بانکی و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مردم، در حالی در نظام بانکداری و سیستم‌های پولی- اعتباری ما رواج یافته که سعی کارگردانان این سیستم، پیروی از نظام بانکداری اسلامی بوده است.

اما این نوع از بانکداری، طرحی است که به نظر می‌رسد سعی کارگردانان این سیستم، استفاده ابزاری از عقود شرعی صرفاً جهت برطرف نمودن شکل ربا بوده است و از ماهیت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

اصلی عقود غافل مانده‌اند. به عنوان مثال عقد مشارکت یکی از عقود مورد استفاده در این سیستم می‌باشد. در این شیوه، مشتری سپرده خود را به بانک واگذار می‌کند و نیت او نیز مشارکت واقعی است، یعنی ممکن است او ضرر ببیند یا صاحب سود شود. از طرف دیگر شخصی هم که گیرنده تسهیلات است آن را در فعالیتی سرمایه‌گذاری می‌کند تا به نیت خود که تقسیم سود و زیان با سپرده‌گذار است، دست یابد. در این بین بانک به عنوان واسطه عمل می‌کند و با دریافت وثیقه و وکالت از طرفین، به تنظیم قرارداد می‌پردازد. در روش مشارکت به سپرده‌گذار گفته می‌شود که پول معینی را به عنوان سود سپرده دریافت خواهد کرد. این در حالی است که در پایان سال مالی، سود مازاد وی نیز علاوه بر سود قبلی و براساس ترازنامه به وی پرداخت خواهد شد. بنابراین می‌توان این امر را مشابه روش‌های ربوی دانست، حتی برای کسی هم که از بانک، اعتبار می‌گیرد این مشکل وجود دارد، چرا که قاعدتاً باید به او گفته شود که پس از انجام فعالیت‌ها و مشخص شدن نتیجه، سود و زیان تعیین و سود حاصله تقسیم خواهد شد.

پس در چنین شرایطی نیز شبهه ربا وجود دارد، به هر حال بانکداری فعلی کشور، یعنی بانکداری براساس عقود، به دلیل آنکه بدون تغییر در ساختار و زیربنا در قالب بانکداری ربوی ریخته شده، برای بانکدار شبهه ایجاد کرده است، البته این شبهه در عملکرد مشتری هم وجود دارد.

شخصی که از بانک تسهیلات می‌گیرد، در عقد مشارکت واقعی باید بانک را در سود شریک کند، بدین معنا که در دفاتر حساب، جایی برای سود شریک در نظر گرفته شود، در حالی که در عمل، اینگونه نیست و در دفاتر و حساب‌های گیرنده تسهیلات، سود پرداختی به بانک، بابت هزینه عملیات بانکی ثبت می‌شود، یعنی مشتری هم براساس مشارکت در سود و زیان با بانکدار رفتار نمی‌کند و عمل او شبیه به رباست. بنابراین بار دیگر به این

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

واقعیت می‌رسیم که ساختار بانکداری ما با وجود چنین مشکلاتی، قالب‌بندی، شکل و ساختار شبه ربوی دارد.

در عقود مشارکتی (مثل مشارکت مدنی، مضاربه، مزارعه، مساقات) هیچ‌گونه نرخی را نمی‌توان از قبل وضع کرد و از گیرنده تسهیلات مطالبه کرد، چرا که مشارکت دیگر معنا پیدا نمی‌کند، مشارکت در سود و زیان است، لااقل در مورد صاحب سرمایه این در همه موارد صدق پیدا می‌کند، اگر زیانی وارد شود صاحب سرمایه هم باید از این زیان سهمی ببرد ولی عقود مشارکتی در بانکداری به گونه‌ای ساماندهی شده است که پذیرای هیچ‌گونه نوسان سود نیستند تا چه رسد به تحمل زیان. قانون عملیات بانکی بدون ربا هم این اجازه را داده است که بانک حداقل نرخی را برای ارزیابی کارشناسی مبنا قرار دهد اما آنچه که در عمل اتفاق افتاد و مطالبه این حداقل از مشتری، بدون توجه به مقدار سود و زیان بوده است و این مسأله بر خلاف روح مشارکت است.

مواردی که به آن ها اشاره شد درکنار برخی علل و عواملی که شرح و بسط آن از حوصله این مقاله خارج است موجب شد بانک ها به تدریج از ماهیت قانون بانکداری بدون ربا فاصله بگیرند تا جایی که باعث شد امروزه بسیاری از بانکداران کشور زبان به انتقاد بگشایند و ماهیت آن را به دور از اهداف و آرمان‌های واضعان قانون مذکور بدانند.

ردّ نگاه ابزاری به عقود شرعی در ربا (حیله ربوی)

آیا می‌توان با تغییر شکل معامله، به همان نتیجه‌ای که از طریق«ربای قرضی» یا «ربای معاملی» حاصل می‌شود، دست یافت. بدون آنکه عمل مزبور از نظر اسلام مواجه با منع شرعی و حرمت باشد؟

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

نگاه ابزاری به عقود شرعی از مسائل مهم در بحث ربا محسوب می‌شود که از گذشته‌های دور، تحت عنوان «حیله‌های ربا» مورد بررسی دانشمندان مذاهب مختلف قرار گرفته است و در روایات نیز، راویان سوالاتی در این مورد نقل کرده‌اند.

آیا در پذیرش این گونه نگاه ابزاری، می توان با استناد جستن به یک یا چند دلیل فقهی و روایی، آسوده خاطر بود؟ چگونه است که برخی از فقیهان، چون امام خمینی(ره) در ارزیابی ادلّه قرآنی و روایی، چشم‌انداز گسترده‌ای را می‌نگرند، ولی برخی دیگر را می‌توان یافت که با بررسی سند و دلالت یک روایت، راه یا راه‌هایی را برای گریز از ربا پیش می‌نهند و هیچ معیار دیگری را در این باره نمی‌بینند.

می‌بینیم که کاوش در زمینه نگاه ابزاری به عقود شرعی در ربا، گذشته از اینکه خود یک مسئله سودمند فقهی است، از جنبه روش شناسی کار فقهی و سبک شناسی اجتهاد فقیهان نیز مهم است. جنبه دیگر اهمیت این مسأله آن است که اهمیت پذیرش یا دوری گزیدن از ربا در ساختار اقتصادی یک جامعه، نیازی به درازای سخن ندارد. بدینسان باید تکلیف مسأله مهمی چون ربا روشن شود.

امروزه این گونه نظر و نگاه به عقود شرعی در ربا، اهمیت بیشتری نسبت به قبل پیدا کرده است؛ زیرا از دیدگاه بنیانگذاران طرح بانکداری بدون ربا، عقود شرعی پیکره اصلی این طرح را تشکیل می‌دهد. بر اساس همین عقود است که بهره‌های بانکی از ربویت خارج می‌گردد. سوای این عقود، این طرح شالوده و اساس خود را از دست می‌دهد.

حال سوال اساسی این است که آیا عقود شرعی به عنوان چاره و حیله می‌تواند وسیله تحلیل ربا باشد یا نه؟ آیا این عمل، حرام را حلال می‌کند و ماهیت حرام را تغییر می‌دهد یا نه؟

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

فقهای شیعه در این مورد اختلاف نظر دارند؛ بعضی آن را پذیرفته‌اند و تحت عنوان «طرق تخلّص از ربا» در کتب فقهی مطرح نموده‌اند. آنان با استناد به عمومات «اوفُوا بالعُقُود»، «احل الله البیع» و «المومنون عند شروطهم» قائل به جواز هستند.

مخالفان حیله‌های شرعی با در نظر داشتن بزرگی گناه ربا و با توجّه به این که احکام شرعی دارای ملاک و مصالح و مفاسد واقعی هستند و ربا نیز به دلیل مفاسد زیان باری که در اقتصاد و داد و ستدها دارد، حرام شده است، بر این عقیده‌اند که نمی توان با یک تغییر جزیی و ظاهری، زشتی و مفاسد آن را از میان برد. آیا راه‌های گریز از غیبت، تهمت، دروغ و مانند آن‌ها نیز به همین سادگی پذیرفتنی است یا ربا در حرام بودنش سبک‌تر از آن‌هاست؟

به هر حال در مقابل مجوزین، همانگونه که قبلاً اشاره کردیم عده‌ای از فقهاء قائل به عدم جواز حیل شرعی شده و به دلایل زیر تمسک کرده‌اند:

- **دلیل اول:** باید دید آیا حیله در احکام شرع جایز است یا نه؟ یک وقت شخص حیله می‌کند به این معنی که خود را از موضوعی به موضوع دیگر خارج می‌کند، مثلاً سفر می‌کند تا نماز را قصر کند و روزه را افطار کند این جایز است، زیرا که در حقیقت برخلاف غرض شارع عمل نکرده است. شارع خودش در مورد حضر حکمی وضع کرده است و در مورد سفر حکمی دیگر و مانع نشده است از سفر اختیاری، ولی اگر می‌خواست مانع شود و مثلاً بگوید در ماه رمضان سفر نکنید و می‌توانست ولی نخواسته است. ولی یک وقت حیله، مبارزه با غرض مقنّن است و در حقیقت کلاه بر سرشارع گذاشتن است. مثال این نوع حیله در قوانین بشری حیله‌هایی است که تجار برای فرار از مالیات در تنظیم دفتر انجام می‌دهند که مبارزه با غرض مقنّن است. زیرا شکی نیست که غرض مقنّن، وصول مالیات است، ولی چون صورت کار وی قانونی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

است نمی‌توانند بر او ایراد بگیرند و لذا قوانین را تغییر می‌دهند، تا شاید جلو فرار از مالیات را بگیرند. مثال این نوع حیله دراحکام شرعی، همین حِیَل ربا است واضح است که شارع خواسته است رباگیر، ربا (یعنی زیاده) نگیرد و در حیله‌های ربوی، اخذ زیاده می‌شود و با غرض شارع مبارزه می‌گردد.

خلاصه اینکه تأمین اغراض شارع در جایی که غرضش معلوم است لازم می‌باشد. اینکه فقهاء فرموده‌اند: «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» و عقل را یکی از ادلّه فقه دانسته‌اند جز این معنی و موردی ندارد. حکم عقل یک نوع بیان است. و لذا تأمین اغراض واجب، به حکم عقل واجب است و حیله‌هایی که از این نوع است در شرع جایز نیست. حیله ربوی موجب نقص غرض است و این عقلاً قبیح است. اگر بگوییم این حیله‌ها جایز هستند، معنایش این می‌شود که شارع به آنچه می‌گوید اعتقاد ندارد. به طور صوری و ظاهری ربا را تحریم می‌کند، سپس ارتکاب آن را از طریق حیله‌های شرعی تجویز می‌کند.

- **دلیل دوم:** از قرآن مجید استفاده می‌شود که ملاک حرمت ربا «ظلم» است؛ «لا تَظلمون و لا تُظلمون». و روشن است که این ظلم، چیزی جز ظلم رباگیرنده بر ربا دهنده نیست و همین نکته از آیه «لیربوا فی الاموال الناس» و آیه «لاتأکلوا الربا اضعافاً مضاعفه» (که در مقام تقبیح است) نیز فهمیده می‌شود. این ملاک قطعی و مورد تصریح قرآن کریم است و با حیله‌های ربا این ظلم برداشته نمی‌شود، زیرا ماهیت عمل از لحاظ اقتصادی فرق نمی‌کند لذا به طور قطع این حیله‌ها صحیح نیست. حتی تعلیل مسلم و معروف روایات؛ «لئلاّ یمتنع الناس من اصطناع المعروف» که خلاصه‌اش این است که تحریم ربا موجب می‌شود که باب قرض الحسنه سدّ نشود، آیا با این حیله‌ها مردم از قرض‌الحسنه امتناع می‌کنند یا نمی‌کنند؟ این حیله مبارزه با غرض شارع است

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

نه تبدیل موضوعی به موضوعی دیگر. روایات دالّ بر جواز حیله اگر توجیه نشود، معارض با قرآن است و قابل اعتماد نیست. این رأی با روش فقهاء مطابقت دارد. زیرا در نزد فقهاء مسلم است که روایاتی که معارض با صریح قرآن باشد، مطروحه است. البته ممکن است این تعارض برای برخی پوشیده باشد.

- **دلیل سوم**: در حدیث نبوی آمده است که: «الاعمال بالنیات». با توجه به این روایت، معیار در اعمال، نیت و قصد است و یکی از شرایط عمومی تمام تکالیف شرعی، قصد جدی است، در حالی که در مسأله حیله، قصد جدی وجود ندارد. در حیله‌های شرعی قصد طرفین در معامله، همان معامله ربوی است. و در واقع دهنده‌ی مقدار زیادی و گیرنده آن از اول قصدشان این بود که اخذ زیادی به عنوان سود و منفعت است و معامله به قصد اخذ سود جاری شده است و اگر ربا و زیادی در بین نمی‌بود اصلاً معامله واقع نمی‌شد.

کسی که یک من برنج خوب را در مقابل یک من برنج نامرغوب می‌فروشد. و طرف مقابل یک من برنج نامرغوب دیگر به او هبه می‌کند، قصد جدی بر این هبه ندارد، بلکه قصد جدی آنها معاوضه یک من برنج خوب با دو من برنج نامرغوب است و هبه بهانه است. یا بعضی از مؤسساتی که در وام‌های قرض‌الحسنه سود و بهره را به عنوان کارمزد می‌گیرند، قصد جدی آنها کارمزد نیست بلکه سود و بهره است و نام آن را تغییر داده‌اند؛ بنابراین معاملات فوق که در قالب بیع، هبه، مصالحه، ضمّ ضمیمه و مانند آن صورت می‌گیرد، صحیح نیست، چون قصد جدی در آن وجود ندارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

کوتاه سخن اینکه ما عمومات و اطلاقات را قبول داریم و به اصطلاح در مورد کبرای مسأله نزاعی نداریم ولی معتقدیم صغرای مسئله مشکل دارد، یعنی در بخش مهمی از حیله‌های ربا قصد جدی نیست و از عقود به عنوان وسیله و ابزار در تحلیل ربا استفاده می‌شود و شرایط لازم برای معامله را ندارد چون یکی از شرایط که دارا بودن قصد جدی است، در اینجا حاصل نیست.

در اینجا اگر بپذیریم که قصد جدی وجود دارد، ولی به یقین چنین معامله‌ای عقلایی نیست. در کجای دنیا و کدام عاقل، یک قوطی کبریت را با قیمت گزاف معامله می‌کند؟ بنابراین، چنین معامله‌ای عاقلانه و منطقی نیست، بلکه شوخی یا سفهی است. روشن است که اگر معامله عقلایی نباشد، مشروع نیست؛ چون منظور از«اوفوا بالعقود» عقدهای عقلائیه متعارفه است، همچنان که منظور از بیع در«احلّ الله البیع» معاملات عقلائیه متعارفه است.

در اینجا سؤالی مطرح می‌شود و آن اینست که آیا در شریعت اسلام، قیمت کالاها سقف معین و مشخصی دارد؟ و هر کسی موظف است که از آن قیمت بالاتر نفروشد؟ یا اینکه قیمت کالاها محدود نیست و به مقتضای «تجاره عن تراض» منوط به رضایت و توافق فروشنده و خریدار می‌باشد.

پاسخ این است که هر کس آزاد است که کالای خود را به هر قیمتی بفروشد. البته اگر حکومت اسلامی، روی مصالحی لازم ببیند در زمان خاصی نرخ‌گذاری کند، مراعات آن لازم است، ولی در کالاهایی که مشمول نرخ‌گذاری نیست، معیار توافق طرفین است؛ هرچند رعایت عدل و انصاف در همه حال توصیه شده است.

درست است که قیمت کالا حد خاصی ندارد، ولی تا آنجا می توان قیمت آن را بالا برد که معقول باشد؛ بنابراین، اگر در معامله، قیمت نامعقولی مورد توافق قرار گیرد، آن معامله سفهی و باطل است. در مثال بالا نیز معامله غیر معقول و سفیهانه است و مجاز نمی‌باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

به تعبیر روشن‌تر، قیمت کالا تا حدی مجاز است که معقول باشد؛ بنابراین، اگر به حدی برسد که معقول نباشد و مردم، خریدار چنین کالایی را به قیمت مذکور، سفیه بدانند، چنین معامله‌ای سفیهانه و باطل خواهد بود. نتیجه این که چنین معاملاتی عقلایی نیست و مشمول عمومات و اطلاقات نمی شود.

- **دلیل چهارم:** تعلیلی که در بعضی روایات برای تحریم ربا آمده، حیل شرعی را نیز تحریم می کند. این علت‌ها با حیله‌های فرار از ربا سازگار نیست:

ورد عن هشام بن الحکم انّه سال ابا عبدالله(ع) عن علّه تحریم الربا، فقال: لو کان الربا حلالاً لترک الناس التجارات و ما یحتاجون الیه، فحرّم الله الربا لینفر الناس من الحرام الی الحلال، و الی التجاره و البیع و الشراء».

واضح است که عمل تجارت ماهیتی دارد و عمل رباخواری ماهیتی دیگر، و روشن است که تفاوت این دو عمل در ماهیت و حقیقت است نه در صیغه فقط. فسادی که در رباخواری وجود دارد، این است که رباخوار تجارت نمی کند و لو آنکه صیغه بیع را جاری کند. عمل تجارت این نیست که بنشیند و دائماً با ربا دهندگان صیغه بیع را اجرا کند و گرنه وکلا در اجرای صیغه، تجار حقیقی بودند. طبق این روایت، یکی از فلسفه‌های تحریم ربا، جلوگیری از مفتخواری، رواج تجارت و کار و کسب است و روشن است که با به کاربردن حیله‌های شرعی فرار از ربا، نه تنها تجارت رواج پیدا نمی کند، بلکه تعطیل خواهد شد و مفتخواری و رباخواری همه جا رواج می یابد؛ بنابراین، راههای فرار از ربا مشروع نیست.

- **دلیل پنجم:** برای عدم جواز حیله‌های شرعی به آیه ذیل استدلال شده است:

«وسئلهم عن القریه التی کانت حاضره البحر اذ یعدون فی السبت اذ تاتیهم حیتانهم یوم سبتهم شرّعاً و یوم لایسبتون لا تاتیهم کذلک نبلوهم بما کانوا یفسقون».

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

این سرگذشت چنانچه در روایات اسلامی به آن اشاره شده مربوط به جمعی از بنی‌اسرائیل است که در ساحل یکی از دریاها(ظاهراً دریای احمر بوده که در کنار سرزمین فلسطین قرار دارد) در بندری به نام«ایله»، که امروز به نام بندر ایلات معروف می‌باشد، زندگی می‌کردند و از طرف خداوند به عنوان آزمایش و امتحان دستوری به آنها داده شد. آن اینکه صید ماهی را در آن روز (شنبه) تعطیل کنند اما آنها با آن دستور مخالفت کردند و گرفتار مجازات دردناکی شدند.

در اینکه این جمعیت، قانون شکنی را از کجا شروع کردند، در میان مفسّران گفتگو است. از بعضی از روایات چنین استفاده می‌شود که نخست دست به حیله به اصطلاح شرعی زدند و در کنار دریا حوضچه‌هایی ترتیب دادند و راه آن را به دریا گشودند و روزهای شنبه راه حوضچه را باز می‌کردند و ماهیان فراوان همراه آب، وارد آنها می‌شدند. اما به هنگام غروب که می‌خواستند به دریا بازگردند، راهشان را محکم می‌بستند. سپس روز یکشنبه شروع به صید آنها می‌کردند و می‌گفتند: خداوند به ما دستور داده است صید ماهی نکنید، ما هم صید نکرده‌ایم بلکه تنها آنها را در حوضچه‌ها محاصره نموده‌ایم. گرچه در آیه مذکور تصریح به حیله‌گری اصحاب سبت در زمینه گناه نشده است، ولی بسیاری از مفسران در شرح این آیه اشاره به داستان کندن حوضچه‌ها و یا نصب قلاب‌ها در دریا در روز شنبه کرده‌اند و در روایات اسلامی نیز این موضوع دیده می‌شود.

در روایتی از امام سجاد آمده است: «کان هولاء قوم یسکنون علی شاطی ء بحر نهاهم الله و انبیاؤه عن اصطیاد السمک فی یوم السبت فتوصّلوا الی حیله لیحلّوا بها لانفسهم ما حرّم الله...». مجازات و کیفر الهی که با شدت درباره این گروه جاری شد، نشان می‌دهد که چهره واقعی گناه هرگز با دگرگون ساختن ظاهر آن و به اصطلاح کلاه شرعی درست کردن دگرگون نمی‌شود. حرام، حرام است خواه صریحاً انجام گیرد یا زیر لفافه‌های دروغین و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

عذرهای واهی. بعضی از مفسران با استناد به آیه سبت، حیله‌های شرعی را امری باطل می‌دانند، چرا که موجب تعطیل شرع مقدس الهی می‌شود.

عیب بزرگی که این عمل دارد – علاوه بر زشت نشان دادن چهره مذهب- این است که گناه را در نظرها کوچک می‌کند و از اهمیت آن می‌کاهد و افراد را چنان جسور در برابر گناه می‌سازد که پس از انجام این گونه کارها، کم‌کم آماده برای انجام گناهان به طور صریح و آشکار می‌شوند.

- **دلیل ششم**: روایاتی که راه‌های فرار از ربا را تجویز می‌کند، با روایات دیگری که حیله‌های شرعی را باطل می داند، تعارض دارند. طبق این روایات معارض، مسلمانان از این کار نهی شده‌اند:

۱. در نهج البلاغه می‌خوانیم که علی(ع) از پیامبر(ص) چنین نقل می‌کند: «روزی فرا می‌رسد که مردم به وسیله اموالشان آزمایش می‌شوند، برخدا منّت می‌گذارند که دیندارند و در عین حال در انتظار رحمت اویند و از مجازات او خود را در امان می‌بینند: یستحلون حرامه بالشبهات الکاذبه والاهواء الساهیه فیستحلّون الخمر بالنبیذ و السحت بالهدیّه و الربا بالبیع؛ حرام خدا را با شبهات دروغین و خیالات واهی حلال می‌شمرند شراب را تحت عنوان نبیذ و رشوه را به عنوان هدیه و ربا را به نام بیع برای خود حلال می‌پندارند».

سؤال: چگونه شراب را به وسیله «نبیذ» حلال می‌کنند؟

پاسخ: از برخی احادیث استفاده می‌شود که وقتی پیامبر اکرم(ص) از مکه به مدینه مهاجرت فرمود، مشاهده کرد که آب مدینه با مزاج مهاجرین سازگار نیست و ظاهراً علت آن بود که آب مدینه، سنگین‌تر از آب مکه بود. مهاجرین از این موضوع رنج می‌بردند، پیامبر(ص) برای حل این مشکل دستور داد که در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

ظرف‌های آب مقدار کمی خرما بریزند، به گونه‌ای که رنگ و طعم آب عوض نشود و به اصطلاح مضاف نگردد؛ سپس مهاجرین از این آب، هم برای خوردن استفاده می‌کردند و هم برای وضو و بعضی اسم این آب را «نبیذ» گذاردند. کم‌کم افراد فرصت طلب از این راهنمایی پیامبر سو استفاده کرده، خرمای بیشتری درون ظرف‌های آب ریختند، که با گذشت زمان، آب‌های مذکور تبدیل به شراب مست کننده خفیفی می‌شد و بدین وسیله در لباس«نبیذ» شراب خواری می‌کردند.

خلاصه این که پیامبر(ص) در این روایت کسانی را که از حیله‌های به اصطلاح شرعی، برای رباخواری و غیر آن استفاده می کنند، مذمت نموده است.

۲. از رسول خدا(ص) نقل شده که فرموده‌اند: «لا ترتکبوا ما ارتکبت الیهود فتستحلّوا محارم الله بأدنی الحیل؛ مبادا آنچه را یهودیان مرتکب شده‌اند انجام دهید، تا محرمات الهی را به کوچکترین حیله‌های شرعی حلال بشمرید».

سند این روایت اگرچه معتبر نیست، ولی جمعی از بزرگان اهل سنّت، مانند ترمذی و ابن کثیر آن را معتبر می‌دانند.

- **دلیل هفتم**: مخالفت جمعی از فقهاء با جواز حیله شرعی از جمله مرحوم سیدمرتضی(ره) آنجا که در باب شفعه می‌گوید: «کل حیله من شفعه و غیرها من المعاملات بین الناس فانّی أبطلها ولاأجیزها».

فقیه بزرگوار مرحوم آقاباقر بهبهانی که او را مجدد مذهب شیعه در قرن دوازدهم می‌دانند، در کتاب آداب التجارة می‌نویسد: «این حیله‌ها مطلقاً حیله (و راه چاره) نیست بلکه عین ربا است و راه را بر روی قرض الحسنه می‌بندد».

محقق اردبیلی فقیه معروف و وارسته در کتاب «شرح ارشاد» می‌گوید: «باید از حیله‌ها اجتناب ورزید، زیرا پس از درک علت تحریم ربا دیگر نباید به صورت ظاهر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

(ظاهرسازی) قناعت کرد». فاضل قطیفی که او نیز فقیهی است شناخته شده، همین عقیده را دارد.

شهید مطهری(ره) در یکی از آثارش می گوید: دلائل نقلی هم دلالت دارد برحرمت حیله به معنای کلاه گذاشتن بر سر شارع، مثل آنچه درباره اصحاب سبت در قرآن مجید ذکرشده است و روایاتی هم در باب خصوص ربا وارد شده است، مثل آنچه در کافی است: «والله للربا فی هذه الامّه أخفی من ذَبیب النَمل علی الصفا».

دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) در مورد استفاده ابزاری از عقود در ربا

امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران از جمله کسانی است که به تحریم ربا در هر قرض و همچنین به حرمت هر معامله‌ای که برای فرار از ربای قرضی انجام پذیرد، فتوا می‌دهد. ایشان در«کتاب البیع» به علت اهمیت مسأله، به رغم اینکه این بحث را از سیاق بحث خود بیرون می‌داند، بدان می‌پردازد و می‌گوید: «انّ الربا مع هذه التشدیدات و الاستنکارات التی ورد فیه فی القرآن الکریم و السنه من طریق الفریقین ممّا قلّ نحوها فی سائر المعاصی و مع ما فیه من المفاسد الاقتصادیه والاجتماعیه و السیاسیه، مما تعرض له علماء الاقتصاد کیف یمکن تحلیله بالحیل الشرعیه کما وردت بها الاخبار الکثیره الصحیحه و افتی بها الفقهاء الّا من شذّ منهم و هذه عویصه بل عقده فی قلوب کثیر من المتفکرین و اشکال من غیر منتحلی الاسلام علی هذه الحکم و لابدّ من حلّها و التشبث له بالتعبد فی مثل هذه المسئله التی ادرکت العقول مفاسد تجویزها و مصالح منعها بعید عن الصواب».

امام(ره) بحث در این‌باره را با طرح این پرسش آغاز می‌کند که چگونه می‌توان آن سان که اخبار صحیح فراوانی در این‌باره آمده و بسیاری از فقیهان نیز به جزشماری اندک برآن فتوا داده‌اند، ربا را با حیله‌های شرعی حلال کرد، با آنکه ربا حرام است و چنان سختگیری و مخالفتی با آن در قرآن کریم و همچنین سنّت رسیده است که کمتر درباره معصیتی از

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

دیگر معصیت‌ها روی می‌دهد و نیز در آن مفاسدی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که علمای اقتصاد بدان پرداخته اند؟

امام(ره) بار دیگر پس از طرح پرسش به اهمیت پاسخگویی به آن تصریح می‌کند و می‌نویسد: این یک مسأله دشوار و بلکه یک گره نزد بسیاری از اندیشمندان است و نیز خاستگاه اشکالی سخت که غیرمسلمانان بر این حکم وارد آورده‌اند. مناسب است که جهت روشن شدن مبنای حضرت امام خمینی(ره)، بحث را از دو استفتائی که از ایشان در مورد «اجاره به شرط وام» صورت گرفته ادامه دهیم:

سؤال: در معامله امروزی که اکثر صاحب‌خانه‌ها قبلاً مبلغ زیادی پول می‌خواهند تا فرضاً دو اتاق در اختیار مستأجر قرار دهند و مستأجر هم آن پول را می‌پردازد، لکن یک کرایه‌ای از طرف صاحب منزل گفته می‌شود و مطابق پولی که پرداخته است از کرایه کم می‌کند. مثلاً در ازای دو اتاق هزار و پانصد تومان کرایه و ده هزارتومان پول نقد است. صاحب منزل می‌گوید: اگر شما فلان مبلغ بدهید، بنده دو اتاق را مثلاً هزار و سیصد تومان در اختیار شما قرار می‌دهم. با توجه به این که اکثرا در مورد مساله مذکور، این گونه عمل می‌کنند، بفرمایید این موضوع چه صورت دارد، کم شدن پول نقد جهت کرایه چگونه است؟

پاسخ: هر نحو معامله که برای فرار از ربا باشد محکوم به حکم ربا و باطل است و کم کردن وجه اجاره به حساب پول قرض، رباست، مگر آن که شرط قرض در ضمن اجاره باشد که در این صورت اشکال ندارد.

سؤال: شخصی خانه‌ای را به مبلغ ماهیانه پنج هزار و پانصد تومان اجاره می‌نماید و مبلغ یکصد هزار تومان به عنوان ودیعه به مالک می‌دهد که هنگام تخلیه پس بگیرد، ولی ماهیانه مبلغ چهار هزار و پانصد تومان اجاره می‌پردازد و ماهی یک هزار تومان بابت پول که

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

ودیعه گذارده کسر می‌نماید، چون دادن و گرفتن ربا هر دو حرام است، لطفاً روشن نمایید آیا کسر مبلغ یک هزار تومان صحیح بوده یا خیر؟ و اگر ربا محسوب می گردد، مستأجر مکلف به پرداخت آن می‌باشد یا خیر؟

پاسخ: در فرض مرقوم اجاره صحیح است ولی باید تمام مال الاجاره را بدون کسر کردن مبلغی بپردازد بلی، اگر اجاره به مبلغ کمتر شده باشد و در ضمن اجاره شرط شده که پولی به صاحبخانه به عنوان ودیعه یا قرض یا غیر آن داده شود، اشکال ندارد.

در پاسخ پرسش دیگری در این زمینه می‌نویسد: کم کردن مال الاجاره اگر به حساب پولی باشد که به مؤجر سپرده‌اید حکم ربا را دارد.

اگر اصل، اجاره بود و شرط وام به دنبال اجاره آمده باشد ربا نیست ولی اگر اجاره‌ای را به دلیل پولی که وام داده است کم کنند، ربا است؛ چرا که همان وام به شرط اجاره خواهد بود.

حضرت امام(ره) در پاسخ‌هایشان، جداسازی میان قراردادهای درست و نادرست را به خوبی انجام داده‌اند. در هر کدام، عقود شرعی به عنوان ابزار و وسیله استفاده شده است، فتوا به حرمت آن داده‌اند.

اگر به راستی کسانی بخواهند وامی بدهند و بگیرند و اجاره را گریزی برای ربا سازند، کارشان حرام است و تنها همین را باید گوشزد کرد تا چنین گمان نرود که چهره دین و فقه چیزی جز همان چهره دلپذیر، گوارا، آسان و هموار است.

نتیجه‌گیری: اینکه با گذشت حدود سی و یک سال از اجرای قانون بانکداری بدون ربا که قرار بود پنج سال اجرا و بازنگری شود این قانون همچنان بدون بازنگری در سیستم بانکی کشور اجرا می‌گردد و علیرغم اینکه تأثیرات مخرب آن بر اقتصاد و مسایل اجتماعی در علم جدید نیز به اثبات رسیده است و یکی از مهمترین اهداف انقلاب اسلامی نیز اقتصاد و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

نظام بانکی بدون ربا بود و به همین دلیل بعد از انقلاب نظام بانکی بدون ربا تبدیل به یکی از مهمترین دغدغه های متدینان جامعه و مسئولان نظام گردیده است، همچنان کارشناسان اقتصادی فهرست بلند بالایی از مصادیق شبهه ربوی بودن که هم اکنون در سیستم بانکی رایج است را ارائه می‌دهند و دلایلی را برای آن بر شمرده‌اند از جمله مواردی که مطرح می‌گردد عدم اعتقاد مسئولان بانکی به نظام بانکی بدون ربا می‌باشد از نظر ایشان در صورتی که حذف ربا از اعتقاد واقعی مسئولان بانکی سرچشمه نگیرد ربا از بین نمی‌رود بلکه هماره برای توجیه آن (فراتر از حیله‌های شرعی) به توجیهات حقوقی فرار از ربا در قالب قانون، بخشنامه و... تمسک می‌جویند. بعضی دیگر از کارشناسان صوری بودن قراردادها را عامل اصلی عدم تحقق نظام بانکی بدون ربا می‌دانند و معتقد هستند که چون در حال حاضر بخش قابل توجهی از عملیات سیستم بانکی صوری است و در قالب عقود منعقد می‌شوند و سیستم بانکی نیز فاقد نظام کنترل و نظارت است، پس نتیجه می‌گیرند که ما به این دلیل با بانکداری اسلامی همچنان فاصله داریم. بعضی از کارشناسان نیز ساختار فعلی سیستم بانکی را عامل اصلی عدم تحقق نظام بانکی بدون ربا می‌دانند و با این استدلال که ساختار فعلی بانکداری در ایران با سازکار بهره هماهنگ است و بانکداری با بهره مساوی بانکداری با ربا می باشد و این نوع ساختار با بهره هماهنگ است و توجیه بعضی کارشناسان مبنی بر اینکه بهره جبران کاهش ارزش پول است نیز نتوانسته است چاره مشکل باشد. به هر حال امیدوار هستیم پس از گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی شاهد برداشته شدن گام مهمی در جهت تحقق نظام بانکی بدون ربا باشیم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

راهکار و پیشنهاد

با نظر به مطالب ارائه شده در این مقاله به نظر می‌رسد با شکل‌گیری عناصر ذیل، مـی‌تـوان تحقق بانکداری اسلامی را انتظار داشت:

۱. اعتقاد واقعی مسئولان بانکی کشور به حذف ربا با دو مؤلفه شریعت و عدالت مـد نظر قرار گیرد زیرا در صورتی که حـذف ربـا، از اعتقـاد واقعـی مسـئولان بـانکی سرچشمه نگیرد، ربا از بین نمی رود؛ بلکه هماره برای توجیه آن کوشش می‌گردد و با تمسک به توجیهات حقوقی و فقهی فـرار از ربـا را کـه از گذشـته‌هـای دور وجود داشته، به صورت قانون، بخشنامه و ... دنبال نمایند.

۲. اصلاح ساختار بانکداری کشور و بازنگری در قانون بانکداری اسلامی توسط نهاد های ذیربط چرا که ساختار فعلی بانکداری با ساز و کـار بهـره هماهنـگ اسـت و نیاز است این قانون مورد بـازنگری قـرار گرفتـه و قـوانینی قابلیـت اجـرا ندارنـد اصلاح گردند .

۳. تحقیقات راهبردی و کاربردی دقیق و عمیقی با ید انجام بگیرد تا نظـام بانکـداری ما بیش از پیش از بهره فاصله بگیرد، بدون تردید بانکداری اسلامی بـه تحقیقـات راهبردی و کاربردی نیاز شدید دارد. در حال حاضر احساس می گردد با توجه بـه اینکه بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی می گذرد، پژوهشکده پولی و بـانکی کـه به عنوان یک قطب علمی و پژوهشی وابسته به بانک مرکـزی جمهـوری اسـلامی ایران در جایگاه بازوی تحقیقاتی این ارگان به شمار می‌رود تمـایلی بـه ایـن نـوع تحقیقات ندارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

کتابنامه

۱. امـام خمینـی(ره)؛ (۱۳٦۸)، «تحریـرالوسـیله»، ج۱، ص٥۳٦، مؤسسـه مطبوعـاتی اسماعیلیان، قم.

۲. عبدالکریم بی آزار شیرازی؛ (۱۳٦۸)، «نظام اقتصادی اسلامی»، ص۱۳۲، دفتر نشـر فرهنگ اسلامی، تهران.

۳. سیدمحمدحسن علوی؛ «حیله‌هـای شـرعی گریـز از ربـا»، بخـش چهـارم، مرکـز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

٤. رشیدرضا؛ «الربا و المعـاملات فـی الاسـلام»، ص۸٥، مکتـب الکلیـات الازهریـه، القاهره.

٥. علامه مجلسی؛ «بحارالانوار»، ج٤۹، ص۱٦۲، مؤسسه الوفاء، بیروت.

٦. مرتضی مطهری؛ (۱۳٦۸)، «ربا و بانـک- بیمـه»، ص۲۳۸-۲۳۷، انتشـارات صـدرا، تهران.

۷. شیخ حرّ عاملی؛ «وسـایل الشـیعه»، ب٥، ابـواب المقـدمات العبـادات، حـدیث ٦، داراحیاء التراث العربـی، بیـروت؛ ایـن روایـت بـا دو نـصّ نقـل شـده؛ اول: عـن النبی:«الاعمال بالنیات» و دومی با حصـرآمده«انّمـا الاعمـال بالنیـات و انّمـا لکـل امریء مانوی».

۸. این مثال را شهید ثانی در مسـالک الافهـام، ج۱، ص۲۰۰، و در شـرح لعمـه، ج۲، ص۳۷۲، مطرح کرده است و فقهای دیگر از او تبعیت نموده‌اند.

۹. آیت‌الله مکارم‌شیرازی؛ (۱۳۸۰)، «بررسی طرق فرار از ربا»، ص٥۳، مدرسـه الامـام علی(ع)، قم.

۱۰. شیخ حرّ عاملی؛ «وسایل‌الشیعه»، بـاب یـک از ابـواب الربـا، حـدیث۸، دار احیـاء التراث العربی، بیروت.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

١١. شهید مطهری؛ (١٣٦٨)، «ربا و بانک- بیمه»، ص٢٤٠، انتشارات صدرا، تهران.
١٢. آیت‌الله مکارم شیرازی؛ «تفسیر نمونه»، ج٦، ص ٤١٨، دارالکتاب الاسلامیه، تهران.
١٣. بحرانی؛ «تفسیر برهان»، ج٢،ص٥٩٩، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
١٤. وهبه الزحیلی؛ «التفسیر المنیر»، ج٩، ص١٤٥، دارالفکر، دمشق.
١٥. سیدرضی؛ «نهج‌البلاغه»، خطبه ١٥٦، ترجمه فیض الاسلام، چاپخانه آفتاب، طهران.
١٦. شیخ حرّ عاملی؛ «وسایل‌الشیعه»، ج١٧، ابواب الاشربه المحرمه، باب ٢٤، اشاره‌ای به این مطلب دارد.
١٧. ابن ماجه و محمدبن یزید قزوینی؛ «السنن»، کتاب الزهد، باب ٣٩، قاهره، حلبی.
١٨. محمد عبدالوهاب بحیری؛ (١٣٧٦)، «حیله‌های شرعی ناسازگار با فلسفه فقه»، ص٢٨٥، ترجمه: حسین صابری، مشهد، آستان قدس رضوی.
١٩. سید مرتضی؛ «الناصریات»، (چاپ شده در الجوامع الفقهیه)، ص٢٥٣، المسأله ١٧٨، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم.
٢٠. آیت‌الله مکارم شیرازی؛ خطوط اصلی اقتصاد اسلامی، ج ١، ص٢٤٤، انتشارات هدف، قم.
٢١. شهید مطهری؛ (١٣٦٨)، «ربا و بانک- بیمه»، ص٢٤٠، انتشارات صدرا، تهران.
٢٢. امام خمینی(ره)؛ (١٣٦٨)، «کتاب البیع»، ج ٢، ص٤٠٥، اسماعیلیان، قم.
٢٣. امام خمینی(ره)؛ «استفتائات»، ج٢، ص٢٠٦ و ٢٠٥ و ١٣٦، انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین، قم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهارم و پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص۲٤٥-۲٦٥

حقانیت دین اسلام مبنی بر زیان بار بودن قمار برای فرد و جامعه

محمود فرخی کاشانی[۱]
عباس عرب‌مازار[۲]

چکیده

قمار پدیده‌ای است که در دین اسلام از انجام آن نهی شده و در قرآن همراه شراب که یکی از حرام‌های مسلم است آورده شده است. در این نوشتار مفید بودن این نظر دین مبین اسلام برای جامعه انسانی را با استفاده از علم اقتصاد و به دور از هر گزاره ارزشی اثبات می‌کنیم. به علاوه نشان می‌دهیم قمار موجب کاهش رفاه فرد می‌شود. به این منظور از دو دید تئوری و تجربی به بررسی موضوع پرداخته اثبات می‌کنیم از هر دو منظر، قمار موجب کاهش رفاه اقتصادی فرد شده و برای فرد و جامعه زیان بار می‌باشد.

واژگان کلیدی: قمار، رفاه اقتصادی، اقتصاد رفتاری، مطلوبیت

[۱] استادیار دانشکده علوم سیاسی و اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) Ma_Farrokhi@yahoo.com
[۲] دانشیار دانشکده علوم سیاسی و اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی Ab_arabmazar@sbu.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مقدمه

قمار چیست؟

ابتدا لازم است تعریفی از قمار داشته باشیم. قمار، بازی همراه با برد و باخت به وسیله آلات مخصوص فراهم شده برای قمار با در میان گذاشتن و قرار پول یا چیز دیگر به عنوان عوض است[۱]. در تعریف دیگر هر نوع بازی و مسابقه‌ای که در آن شرط شود که برنده از بازنده چیزی را بگیرد هر چند آن چیز معین نباشد قمار است[۲].

قمار در اسلام

در قرآن کریم، در سه آیه و به طور صریح ممنوعیت قمار بیان شده است تا آنجا که در هر سه آیه قمار همراه با شراب آمده و خداوند حکیم این دو را از نظر زیان برای انسان در یک سطح قرار داده و ضررهای آنها را با هم بیان نموده است.

سوره مائده، آیه ۹۰:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالأَنصَابُ وَالأَزْلاَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلیدند و از عمل شیطانند پس از آنها دوری گزینید باشد که رستگار شوید.

سوره مائده، آیه ۹۱:

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاء فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللّهِ وَعَنِ الصَّلاَةِ فَهَلْ أَنتُم مُّنتَهُونَ

---

[۱] تعریف از حضرت آیت الله بهجت http://portal.anhar.ir/node/2820

[۲] تعریف ازحضرت آیت الله خامنه‌ای http://farsi.khamenei.ir/treatise-content?uid=10

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یـاد خدا و از نماز باز دارد پس آیا شما دست برمی‌دارید؟

سوره بقره، آیه ۲۱۹:

يَسْأَلُونَکَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَـافِعُ لِلنَّـاسِ وَإِثْمُهُمَـآ أَكْبَـرُ مِـن نَّفْعِهِمَـا وَيَسْأَلُونَکَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِکَ يُبَيِّنُ اللّهُ لَكُمُ الآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ

درباره شراب و قمار از تو می‌پرسند بگو در آن دوگنـاهی بـزرگ و سـودهایی بـرای مـردم است و[لی] گناهشان از سودشان بزرگتر است و از تو می‌پرسند چه چیزی انفاق کنند بگـو مازاد [بر نیازمندی خود] را این گونه خداوند آیات [خود را] برای شما روشـن مـی‌گردانـد باشد که بیندیشید.

در تفسیر این آیه آمده است: میسر یعنی قمار و لذا قمارباز را یاسـر گوینـد. ریشـه آن یسر به معنای آسانی است و علت نامیدن قمار به میسر این اسـت کـه قماربـاز بـا آن مـال دیگران را به آسانی و بدون زحمت به چنگ می آورد[۱]. در تفسیر المیزان آمده است: میسـر عبارتست از جمیع انحاء قمار و ازلام عبارتست از چوبهائی که با آن بطرز مخصوصی قمار می‌کرده‌اند. از امام رضا علیه‌السلام نقل شده، المیسر هوالقمار، میسر همان قمـار اسـت[۲]. در بعضی از روایات آمده است: قریش آنقدر به قماربازی ادامه می‌دادند که حتی زن و بچـه ی خود را بر سر آن گرو گذاشته و می‌فروختند! از این رو بازی با آلات قمار(حتی اگر بـدون برد و باخت باشد) حرام شمرده شده است تا کسی به این وادی خطرناک نزدیک نشود[۳].

[۱] منبع [٤]
[۲] منبع [٥]
[۳] منبع [٦]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

قمار در علم اقتصاد از دید تئوری

در علم اقتصاد برای بنگاه‌های اقتصادی سود مالی هدف است و فرض اولیه آن است که هر بنگاهی سعی می‌کند تا سود خود را بیشینه کند. اگر افراد را هم به عنوان بنگاه اقتصادی در نظر بگیریم، در یک قمار چون میزان برد برنده بازی با میزان باخت بازنده برابر است (صرفنظر از هزینه‌های جانبی انجام بازی که در صورت وجود مجموع دو نفر ضرر کرده‌اند) مجموع سود و زیان برابر خواهد شد و در کل و از دید کلان اقتصادی اتفاقی رخ نداده و تولیدی هم انجام نشده و تنها جابه جایی پول انجام شده است و لذا مشکلی برای اقتصاد در بعد کلان ایجاد نمی‌شود. با این دید، کل قضیه قمار همین خواهد بود که البته به دو دلیل عمده برداشتی سطحی و نادرست می‌باشد:

اول اینکه هزینه‌های دیگری از نوع هزینه فرصت در انجام یک بازی قمار وجود دارد. زمانی که افراد جهت انجام قمار سپری می‌کنند، هزینه فرصت مکانی که قمار در آن انجام می‌شود و اینکه بسیاری از بازی‌های قمار گونه در مکان هایی انجام می شود که برای انجام بازی مبلغی را دریافت می‌کنند. لذا در مجموع هزینه‌ای که دو طرف بازی می‌پردازند بیشتر از دریافتی طرف برنده است و این به معنی ضرر نهایی بازیگران است.

دلیل دومی که بحث بی ضرر بودن قمار را باطل می‌نماید، این است که درست است که در علم اقتصاد بنگاه‌های اقتصادی به دنبال بیشینه کردن سود مالی خود هستند، اما برای افراد جامعه این گونه نیست و به هیچ وجه در علم اقتصاد بیشینه نمودن سود مالی به عنوان هدف فرد در نظر گرفته نمی‌شود. در علم اقتصاد هدف یک فرد بیشینه نمودن مطلوبیت خود است و این مطلوبیت به معنی عام همان رضایت خاطری است که از انجام یک عمل برای او حاصل می‌شود. به عنوان مثال انسانی که به فرد نیازمندی کمک می‌کند پولی را از دست می‌دهد و در برابر آن رضایت خاطری را از انجام این عمل انسان دوستانه کسب می‌نماید که این رضایت خاطر برای او ارزشی بیش از آن پول داشته است. این عمل

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

کمک به نیازمند را به هیچ وجه نمی‌توان با کسب سود مالی بیشتر که هدف بنگاه اقتصادی است توجیه نمود اما با بیشینه نمودن مطلوبیت فرد قابل توضیح است.

برای ساده‌تر شدن بحث تحلیل علمی قمار و تأثیر آن بر افراد و جامعه فعلاً از تمام هزینه‌های جانبی انجام قمار چشم‌پوشی می‌نماییم و صرفاً وجه مبادله شده را در نظر می‌گیریم. فرض می‌کنیم دو دوست با هم در اتاقی نشسته‌اند و هریک مبلغ صد هزار تومان دارند. طبق دستور اسلام قمار کردن روی این پول حرام و ممنوع می‌باشد. واقعاً دلیل علمی آن چیست؟ آیا با دانسته‌های امروز ما در علم اقتصاد می‌توان این ممنوعیت را توجیه نمود. اینکه جابه‌جایی پولی در اتاقی بین دو دوست انجام شود چه آثاری بر ایشان و در بعد بزرگتر اقتصاد و رفاه جامعه می‌تواند داشته باشد که اسلام آن را ممنوع نموده است؟

با آنچه تا به امروز در نظریات علم اقتصاد مطرح شده است، دو دلیل عمده برای این ممنوعیت قابل ذکر است:

۱- تقعر تابع مطلوبیت افراد[1]

طبق یافته‌های حاصل از مطالعه رفتار انسان‌ها در علم اقتصاد، تابع مطلوبیت افراد مقعر است. یعنی اینکه میزان افزایش آن کاهنده است. به عبارتی مطلوبیت نهایی حاصل از مصرف یک کالا نزولی است و این یعنی اینکه هر چه فرد از کالا بیشتر مصرف کند لذت مصرف واحد بعدی کمتر می‌شود. از آنجا که پول و ثروت قدرت خرید کالا را دارد لذا می‌توان همین تعریف را در مورد آنها نیز به کار برد و گفت هر چه فرد پول بیشتری داشته باشد، کسب واحد بعدی درآمد مطلوبیت کمتری برای او به ارمغان می‌آورد. به عنوان نمونه، نمودار زیر یک تابع مطلوبیت مقعر را نشان می‌دهد:

[1] Concavity of Utility Function

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

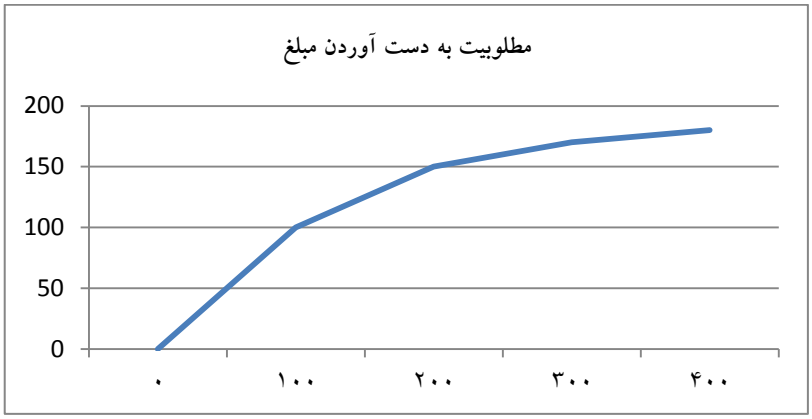

یکی از نتایجی که مقعر بودن تابع مطلوبیت افراد نسبت به ثروت به دست می‌دهد این است که مبلغ یکسان مثلاً صد هزار تومان برای دو نفر با ثروت‌های متفاوت ارزش یکسانی ندارد و اضافه شدن این مبلغ به ثروت ایشان افزایش مطلوبیت‌های متفاوتی را به همراه خواهد داشت. احساس خوشحالی حاصل از به دست آوردن این مبلغ برای فردی که ثروت بیشتری دارد نسبت به فردی که ثروت کمتری دارد، کمتر خواهد بود. در حالت حدی یک انسان بسیار نیازمند با مبلغ صد هزار تومان می‌تواند بسیار شادمان شود چرا که می‌تواند برخی از نیازهای ضروری زندگی‌اش را تأمین نماید در حالی که این مبلغ تأثیر بسیار ناچیزی بر رفاه و مطلوبیت یک فرد ثروتمند خواهد داشت.

حال به بررسی حالتی می‌پردازیم که ثروت دو فرد یکسان باشد. اگر دو فرد ثروت یکسانی داشته باشند، افزایش یکصد هزار تومانی در ثروت برای هر دو (با فرض یکسان بودن ارزش و اهمیت ثروت نزد هر دو) مطلوبیت یکسانی به ارمغان می‌آورد. مقعر بودن مطلوبیت افراد نسبت به ثروت به این معنی است که به عنوان مثال مبالغ زیر مطلوبیت‌های ذکر شده را برای هر دو نفر به طور یکسان ایجاد می‌کند:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مطلوبیت	ثروت
۰	۰
۱۰۰	۱۰۰
۱۵۰	۲۰۰
۱۷۰	۳۰۰
۱۸۰	٤۰۰

یعنی اینکه داشتن صد هزار تومان، موجب ایجاد صد واحد مطلوبیت (رضایت خاطر) می‌شود و داشتن دویست هزار تومان موجب ایجاد ۱۵۰ واحد مطلوبیت در فرد می‌گردد.[۱] همانطور که مشاهده می‌شود مطلوبیت اضافه شده به فرد با افزودن مبالغ یکسان به ثروت وی کاهنده است و هر چه ثروت بیشتر می‌شود مطلوبیت اضافه شده از افزوده شدن مبلغ یکسان کمتر می‌گردد. حال فرض می‌کنیم به عنوان مثال هر دو دوست دویست هزار تومان دارند و لذا هر دو مطلوبیت یکسان ۱۵۰ واحدی دارند. حال اگر ایشان روی صد هزار تومان قمار کنند، برنده قمار ثروتش سیصد هزار تومان خواهد شد و مطلوبیت او ۱۷۰ واحد (۲۰ واحد افزایش) و بازنده ثروتش صد هزار تومان و مطلوبیت وی ۱۰۰ واحد (۵۰ واحد کاهش). و این یعنی اینکه مجموع مطلوبیت (رضایت خاطر) ایشان ۳۰ واحد کاهش یافته است! و در کل رضایت خاطر این جامعه دو نفری با انجام آن قمار کاهش یافته است. اگر ثروت هر دو سیصد هزار تومان بود باز هم مجموع افزایش مطلوبیت برنده (۱۰ واحد) و کاهش مطلوبیت بازنده (۲۰ واحد) بود و این امر برای هر سطحی از ثروت یکسان درست است. در مقیاس کلان و برای مجموع افراد جامعه نیز به همین صورت خواهد بود. با انجام هر قماری از مجموع مطلوبیت بازیگران آن کاسته می شود و چنانچه این پدیده در

[۱] البته میزان رضایت خاطر یا همان مطلوبیت را نمی‌توان اندازه گرفت و فقط می‌توان گفت که کمتر شده است یا بیشتر و اینکه بیشتر کم شده یا اضافه. اینجا برای واضح شدن بیشتر مطلب از مثال عددی استفاده کرده‌ایم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

جامعه شایع شود با انجام هر چه بیشتر آن مجموع رضایت خاطر افراد جامعه کمتر و کمتر می‌گردد و این امر تبعات اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی سوء برای جامعه خواهد داشت.
حال چنانچه ثروت دو فرد یکسان نباشد و بازنده فردی باشد که ثروت کمتری داشته خسارت قمار شدیدتر می‌شود[۱]. در حالتی که ثروت برنده کمتر از بازنده باشد اینکه مجموع مطلوبیت افراد چه تغییری می‌کند بستگی به میزان ثروت افراد و مبلغ قمار دارد.

۲- نظریه پراسپکت کانمن[۲]

دانیل کانمن روانشناسی بود که برای اولین بار نظریه‌های روانشناسی را وارد علم اقتصاد نمود. مهمترین نظریه وی تئوری پراسپکت بود که جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۲ را برای وی به ارمغان آورد. این نظریه که امروزه به طور وسیعی در میان اقتصاددانان جهان مورد پذیرش واقع شده است بیان می‌دارد که مطلوبیت کسب شده از به دست آوردن مبلغ معینی با مطلوبیت از دست رفته حاصل از از دست دادن همان مبلغ یکسان نیست. یعنی اینکه اگر فردی مثلاً همان صد هزار تومان را به دست آورد، مطلوبیتی که کسب می کند برابر مطلوبیت از دست رفته (رنجش خاطر) از دست دادن صد هزار تومان نیست. وی با مطالعه آزمایش‌های اقتصاد رفتاری و همچنین داده‌های موجود در علم اقتصاد به این نتیجه رسید که نمودار مطلوبیت حاصل از کسب یا از دست دادن پول به صورت زیر می باشد[۳]:

[۱] مثلاً اگر ثروت برنده سیصد هزار تومان و ثروت بازنده صد هزار تومان افزایش مطلوبیت برنده ۱۰ واحد و کاهش مطلوبیت بازنده ۱۰۰ واحد خواهد بود. هر عقل سلیمی تأیید می‌کند که عملی که خسران ۱۰۰ واحدی یک دوست در برابر سود ۱۰ واحدی دیگر را ایجاد می کند، عاقلانه نیست.

[2] Prospect Theory of Daniel Kahneman

[۳] منبع [۲۰]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

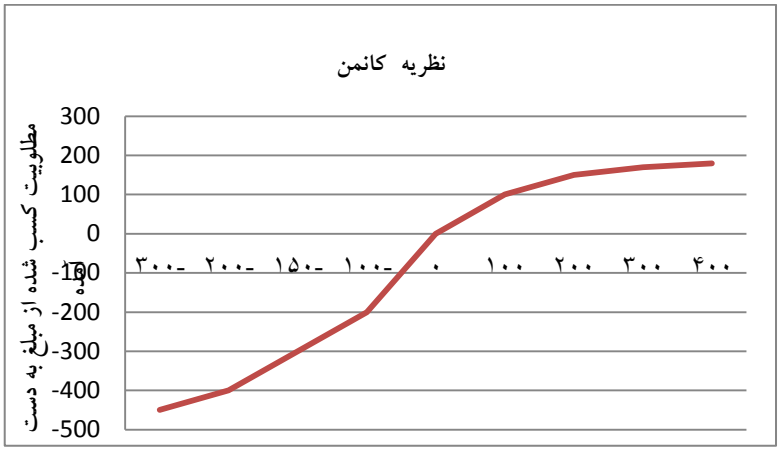

همان گونه که مشاهده می‌شود هر فرد در هر سطحی از ثروت که باشد مطلوبیت از دست رفته به خاطر از دست دادن مبلغ معینی تقریباً دو برابر مطلوبیت کسب شده حاصل از کسب همان مبلغ می‌باشد. این به این معنی است که مجموع مطلوبیت دو دوست که قماری را انجام می‌دهند همیشه به مقدار قابل توجهی منفی است و البته هر چه مبلغ قمار شده بیشتر باشد این مطلوبیت از دست رفته و خسران مجموع دو نفر بیشتر خواهد شد.

حال اگر دو نفر دوست باشند، طبق آخرین یافته‌های اقتصاد رفتاری از دست دادن مطلوبیت یکی بر مطلوبیت دیگری هم تأثیر دارد. به زبان ساده وقتی دوستی ناراحتی دوست خود را که ناشی از باخت در قمار باشد را ببیند ناراحت می‌شود و از خوشحالی وی (که در مقایسه با ناراحتی دوستش کمتر هم بود) نیزکاسته می‌شود و این در کل موجب کاهش بیشتر جمع مطلوبیت‌ها یا همان رضایت خاطر می‌شود.

هزینه‌های جانبی

علاوه بر موارد بحث شده، انجام بازی قمار دارای هزینه‌های جانبی است که در اینجا به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

أ. هزینه انجام قمار

انجام بازی قمار معمولاً شامل هزینه‌های جانبی می‌باشد. معمولاً این نوع بازی‌ها در مکان‌هایی انجام می‌شود که برای انجام بازی باید هزینه‌ای پرداخت شود.

ب. هزینه فرصت زمان صرف شده برای قمار

از جمله هزینه‌های جانبی که در هر قمار وجود دارد هزینه فرصت افراد است. یعنی اینکه افرادی که مثلاً دو ساعت را مشغول بازی قمار می‌شوند می‌توانستند همین زمان را به انجام کار تولیدی بپردازند و در برابر آن سودی کسب نمایند که در مجموع درآمد ایشان افزایش می‌یافت در حالی که در قمار همانگونه که بحث شد مجموع درآمد افراد بدون در نظر گرفتن هزینه‌های جانبی صفر و با در نظر گرفتن آن منفی می‌باشد. یا دو نفر به جای اینکه زمان خود صرف قمار نمایند، صرف تفریحی نمایند که نفس انجام تفریح شادی بخش بوده و فواید جانبی همچون سلامتی در پی داشته باشد. انجام ورزش‌های مورد علاقه می‌تواند نمونه ای از این موارد باشد. از دست دادن لذت حاصل از آن تفریح و سلامتی حاصل از انجام آن نیز جزو هزینه‌های فرصت قمار محسوب می‌شود.

ج. هزینه‌های روحی و روانی قمار

بازی قمار یعنی انجام کاری که نتیجه آن کاملاً تصادفی می‌باشد. تحقیقات مختلف در علم روانشناسی و اقتصاد نشان داده است که عموم افراد جامعه ریسک گریز می‌باشند و مایل به انجام فعالیت‌هایی که شامل ریسک زیاد می‌باشند نیستند. این ریسک گریزی موجب می‌شود که چنانچه فرد در یک موقعیت با ریسک بالا همچون قمار قرار گیرد، دچار استرس فراوان شده و از نظر روحی و روانی تضعیف شود. این استرس بر سایر فعالیت‌های زندگی فرد نیز تأثیر گذاشته و موجب کاهش بهره‌وری وی می‌شود. برد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

در قمار ارزشی برای فرد برنده ندارد چرا که می‌داند کاملاً تصادفی بوده و نتیجه تلاش وی نبوده است. اما باخت موجب کاهش اعتماد به نفس فرد شده چرا که باخت نوعی شکست است و او این باخت را حاصل بی مهارتی و یا نداشتن شانس می‌داند و در کل باخت در قمار بر سایر فعالیت‌های زندگی بازنده تأثیر منفی خواهد داشت[۱].

د. اعتیاد به قمار

تحقیقات و مشاهدات مختلف[۲] نشان می‌دهد که بازی قمار اعتیاد آور است و افرادی که به انجام قمار عادت کنند معمولاً نمی‌توانند از تکرار آن فرار کنند. کسی که برنده می شود به طمع به دست آوردن سود بادآورده بیشتر انگیزه بالای تکرار بازی را دارد و فرد بازنده نیز به امید جبران خسارت از دست رفته میل شدیدی به تکرار قمار دارد و این خود موجب فزاینده شدن زیان‌های قمار می‌گردد.

ه. کاهش انگیزه فعالیت‌های سالم اقتصادی

زیان‌های بازنده در قمار واضح‌تر از آن است که به تحلیل آنها بپردازیم. نکته قابل توجه این است که برنده شدن هم شامل زیان‌های فراوانی می‌باشد. در ظاهر امر فرد برنده سودی کسب کرده اما با دقت بیشتر و در نظر گرفت نتایج برنده شدن به این حقیقت پی می‌بریم که حتی فرد برنده نیز در کل از انجام قمار زیان دیده است. یکی از اولین آثار برنده شدن در قمار اعتیاد به انجام آن است که قبلاً عنوان شد. اثر نامطلوب دیگر برنده شدن در قمار این است که به طور ناخود آگاه فرد برنده میل کمتری به انجام فعالیت‌های سالم اقتصادی که موجب کسب سود می‌گردد خواهد داشت. زیرا فردی که با یک بازی یک ساعته درآمدی معادل دستمزد یک هفته‌ای خود

[۱] منبع [۱۹]

[۲] منابع [۱۱]، [۱۲]،[۱۸]،[۱۹]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

به دست می‌آورد، برای وی سخت خواهد بود که پس از آن با یک هفته کـار تولیـدی سالم همان مبلغ را به دست آورد. حتی اگر وی مجبور به انجام کـار سـالم هـم باشـد، پس از برنده شدن در قمار عدم مطلوبیت کار سالم برای او بیشتر می‌شود و او از انجام کار خود دچار سختی و عدم رضایت خاطر بیشتری نسبت به حالتی کـه قمـار نکـرده خواهد شد[1] و این خود زیان دیگری از انجام قمار است که قابل توجه می‌باشد.

قمار در علم اقتصاد از دید تجربی

قمار امروزه یکی از مشکلاتی است که کشورهای پیشرفته با آن مواجه اند. به عنوان نمونـه ۱/۵درصد از جمعیت بالای ۱۵ سال فنلاند دچار مشکل اعتیاد بـه قمـار بـودانـد. ایـن امـر موجب بروز شرایط بد زندگی همچون قرض‌هـای سـنگین، طـلاق و مشـکلات روحـی و روانی شده است (هایر و گریفث ۲۰۰۹). نکته قابل توجه این است که اکثر این افراد گفتـه اند که می‌خواستند انجام قمار را متوقف کنند اما قادر به ایـن کـار نبـوده‌انـد در حـالی کـه هنگام شروع اصلاً فکر نمی‌کرده‌اند که ممکن است به آن اعتیاد پیـدا کننـد. جهـت داشـتن تصویر کلی از تأثیر قمار بر زندگی افراد، برخی از اظهار نظرهای افرادی که بین سه تا پـنج سال است به قمار مشغول بوده‌اند را عنوان می‌کنیم (چالاگای ۲۰۱۰):

- در شروع برای تفریح بازی می‌کردم، حدود سه سال پیش بود که فهمیدم به قمـار معتاد شده‌ام و نمی‌توانم انجام آن را متوقف کنم.
- وقتی فهمیدم نمی‌توانم برای دو یا سه هفته بازی نکنم ترسیدم. احساس می کـردم که فقط باید بازی کنم. حتی همسرم تهدید کرد که اگر قمـار را رهـا نکنـی تـو را ترک می‌کنم. اما من نمی‌توانستم قمار را ترک کنم و همسرم مرا تـرک کـرد. تنهـا

[1] منبع [۱۹]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

تلاشم برای به دست آوردن پولی و بازی کردن بود. من تمام موجودی حسابم و همه چیزم را برای قمار از دست دادم.

- وقتی فهمیدم به قمار معتاد شده‌ام که برای دفعات زیادی باخته بودم. همسرم گفت باید این کار را ترک کنی. تو بر خودت تسلط نداری. من گفتم بله، من آن را در کنترل دارم. اما بعد مدتی فهمیدم که واقعاً نمی‌توانم انجام آن را متوقف کنم. هرگاه که با همسرم بحث کوچکی می‌کردیم، یک راست به سراغ اینترنت می‌رفتم و قمار می‌کردم تا اینکه همسرم از من جدا شد.
- اگر بخواهم در مورد آنچه قمار با زندگی من کرده است بگویم، باید بگویم نتایج قمار برای من صدمه دیدن، گرسنگی، عدم امنیت، طلاق، فقدان احترام، احساس مقصر بودن و نداشتن امید به فردایی بهتر بوده است. تنها چیزی که مانع خودکشی من شده است اعتماد به خدا بوده است. با این وجود فکر و انگیزه خودکشی چندین بار به طور جدی در من به وجود آمده است.
- من هیچ گاه پس از یک برد بزرگ هم راضی نمی‌شدم و همیشه می‌خواستم که دو برابر آن را به دست آورم و در نهایت هیچ چیز عایدم نمی شد.

همانطور که مشاهده می‌شود تأثیر منفی قمار بر زندگی افراد بسیار شدیدتر از آن است که ممکن است به فکر برسد. مطالعه زندگی قمار بازان نشان داده است که جرم، روابط نامشروع، مشکلات روانی و اعتیاد به مواد مخدر و خودکشی از عواقب اعتیاد به قمار است (اسکات و مارشال ۲۰۰۹). این محققین اعتقاد دارند قمار به خودی خود بزرگترین مشکل نیست اما عواقب آن و اعتیاد به آن مشکلات بزرگتری هستند. ایشان یکی دیگر از مشکلات قمار را عدم توانایی کنترل بر خود دانسته و بیان می‌دارند که پس از مدتی انجام قمار فرد نمی‌تواند دست از قمار کشیده و آن را ادامه ندهد. الستر و اسکاگ (۱۹۹۹) نیز

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

عنوان می‌کنند که اعتیاد به قمار معمولاً با از داست دادن کنترل بر خود به معنی توانایی عدم تکرار بازی همراه است و همچنین فرد دچار ضعف در اهداف و انگیزه‌های زندگی خود می‌شود. چالاگای (۲۰۱۰) در مطالعه و مصاحبه با تعدادی از افرادی که برای سه تا پنج سال به قمار مشغول بوده‌اند نتایج تکان دهنده‌ای را به دست آورده است. اکثر مصاحبه شوندگان قمار را به عنوان تفریح و برای لذت آن شروع کرده‌اند و هیچ کدام در ابتدا حتی تصور اینکه به قمار معتاد شود را هم نمی‌کرده، اما سرانجام کار اعتیاد وحشتناک به قمار بوده است. معمولاً افراد ناراحتی حاصل از باخت و تلاش برای جبران آن را دلیل تکرار قمار عنوان کرده‌اند.

زنگنه، بلازینسکی و تورنر (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیده‌اند که برنده شدن یک پیامد مثبت قمار است و نتیجه آن تکرار قمار برای بیشتر شدن این پیامد است در حالی که اتفاق نمی‌افتد و در نهایت فرد بازی را ترک می‌کند در حالی که هیچ پولی برای او باقی نمانده است. افراد زیادی گزارش کرده‌اند که با وجواد آنکه می دانسته اند برنده نخواهند شد باز هم به قمار ادامه می‌داده‌اند. در این گونه موارد فرد واقعاً نمی‌داند از قمار چه می‌خواهد. او نه از دست دادن پول می‌ترسد و نه حاضر به توقف قمار است. آنها در انتظار برد بزرگ به قمار ادامه می‌دهند. تحقیق دیگری نیز این نتایج را تأیید می‌نماید. الستر و اسکاگ (۱۹۹۹) با مصاحبه و مطالعه قمار بازان به این نتیجه رسیده‌اند که اکثر افراد پولی بیشتر از آنچه در نظر داشته‌اند در قمار خرج کرده‌اند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

(چالاگای ۲۰۱۰) از تعدادی از معتادین به قمار خواسته شده است نظر خود را قبل از شروع قمار و در حال حاضر نسبت به قمار بگویند. نتایج قابل توجه‌ای به صورت زیر به دست آمده است:

نظر افراد نسبت به قمار قبل از انجام آن	نظر افراد نسبت به قمار در حال حاضر
راهی برای تفریح	خطرناک، اعتیادآور
راهی برای برقراری ارتباط با دیگران و آشنایی با افراد جدید	موجب فراموشی: خانواده، علایق، عشق
کاری طبیعی و غیر مضر	امکان ایجاد اعتیادهای دیگر چون الکل و مواد مخدر
راهی برای شادی و سرگرمی	راهی برای تخریب: زندگی، سلامتی، ارتباطات اجتماعی، پول و وقت
راهی برای به دست آوردن پول	از بین برنده کل پول‌های بانکی و دارایی‌ها
کاری هیجان انگیز	دیگر هیجان انگیز نیست
	نوعی بیماری که موجب می‌شود بر خود کنترل نداشته و مسئولیت پذیر نباشی
	دست کشیدن از آن غیر ممکن است

عوارض اعتیاد به قمار:

معتادین به قمار با مشکلات بزرگی در زندگی رو به رو می‌شوند. مشکلات جسمی و روانی، ارتکاب جرم‌های مالی و اجتماعی، عصبانیت، فقر، اعتیاد به الکل و مواد مخدر، افسردگی، اخراج از کار و طلاق به وفور در زندگی این افراد به چشم می‌خورد. به طور کلی عوارض ناشی از قمار در زندگی افرادی که به این کار اعتیاد پیدا کرده‌اند موارد زیر می‌باشد:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۱- طلاق

در مطالعه چالاگای (۲۰۱۰) طلاق در زندگی بیش از نیمی از افراد قبلاً متاهلی که اعتیاد به قمار دارند مشاهده می‌شود. شروع طلاق این گونه بوده است که در ابتدا افراد اعتیاد خود به قمار را از همسر خود مخفی می‌کرده‌اند و پس از نمایان شدن آن، با اینکه همسران چندین با فرصت اصلاح رفتار و ترک قمار را می‌دادند، اما آنها نمی‌توانستند خود را کنترل کرده و از قمار دست بکشند. حتی در چند مورد افراد جهت تأمین هزینه قمار از حساب‌های همسران خود سرقت کرده‌اند. تکرار و ناتوانی در ترک قمار لاجرم به طلاق منجر شده است. ابوجپود و کورآن (۲۰۱۰) نیز گزارش کرده‌اند که طلاق در میان قمار بازان زیاد مشاهده می‌شود.

۲- مشکلات شدید مالی

در مطالعات متفاوتی که بر زندگی قمار بازان انجام شده است تمام افراد دارای قرض‌های سنگینی بوده‌اند که برای قمار صرف شده بوده است (چالاگای ۲۰۱۰). برخی ورشکست شده‌اند (ابوجپود و کورآن ۲۰۱۰) و برخی برای تأمین هزینه‌های قمار خود از شرکت محل کار خود سرقت کرده‌اند و برخی از وام های سریع که نرخ بهره‌های سنگین دارد استفاده نموده‌اند (ابوجپود و کورآن ۲۰۱۰، چالاگای ۲۰۱۰). با بررسی مطالعات مختلف رفتار مالی قمار بازان را می‌توان به این صورت تحلیل کرد:

در ابتدا افراد برای به دست آوردن پول قمار می‌کنند، وقتی پول اولیه خود را در قمار از دست می‌دهند، پول بیشتری را به کار می‌گیرند تا پول رفته را برگردانند و این دور باطل تکرار می‌شود در حالی که به ندرت برنده می‌شوند. در مطالعه چالاگای (۲۰۱۰) که در فنلاند و در میان افراد معمولی انجام شده است، افرادی بودند که ۳۰۰۰۰ یورو معادل تقریباً ۱۳۰ میلیون تومان در قمار از دست داده بودند. برخی حتی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

برای تهیه غذای خود دچار مشکل بودند. برخی ار قمار بازان که روزی دارای همسر و کار و حقوق و زندگی مناسب بوده‌اند حال از جمع آوری و فروش زباله‌های خیابان غذای خود را تهیه می‌کنند.

۳- ارتکاب جرم

برای تهیه هزینه‌های قمار افراد زیادی دست به سرقت می‌زنند. یکی از قمار بازان می‌گوید:

من مدیر مالی یک فروشگاه بودم و دسترسی آسانی به پول داشتم. هر دفعه برای قمار ۱۰۰ یا ۲۰۰ یورو از پول‌ها را بر می‌داشتم. وقتی فهمیدم چیزی حدود ۲۰۰۰۰ یورو (معادل ۹۰ میلیون تومان) از پول‌های فروشگاه را برداشته‌ام که دیر شده بود و من کارم را از دست داده بودم. عده‌ای هم از همسر خود سرقت می‌کردند و چون این امر برای درازمدت نمی‌توانست مخفی بماند کار به طلاق ختم می‌شد.

٤- روابط نامشروع

برخی از افراد بیان کرده‌اند با اینکه دارای زن بودند پس از باخت و برای از بین بردن درد حاصل از باخت بزرگ خود با زنان تن فروش رابطه برقرار می‌کرده‌اند.

۵- اعتیاد به الکل و مواد مخدر

برخی پس از قمار به مصرف الکل و مواد مخدر روی می‌آورده‌اند و با تشدید باخت میزان مصرف آنها افزایش می‌یافته تا آنجا که اعتیاد به قمار با اعتیاد به الکل و مواد مخدر همراه می‌شده است. چالاگای (۲۰۱۰) بیان می‌دارد که اعتیاد به الکل و مواد مخدر از رایج‌ترین مسائل در میان معتادین به قمار است. محققین دیگر هم بیان

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

نموده‌اند که اعتیاد به قمار به طور مستقیم و غیرمستقیم باعث ایجاد اعتیادها یا مشکلات دیگر در زندگی فرد می‌شود (ابوجپود و کورآن ۲۰۱۰).

٦- از دست دادن موقعیت اجتماعی

از جمله مشکلات معتادین به قمار از دست دادن اعتماد دوستان و اعضای خانواده است. طبق گفته خودشان، این افراد ابتدا سعی می‌کرده‌اند که اعتیاد خود را مخفی نگه دارند اما در درازمدت که افراد خانواده از اعتیاد آنها به قمار مطلع می‌شده‌اند اعتماد خود را از آنها سلب کرده و آنها اعتبار خود را از دست می‌داده‌اند.

۷- مشکلات روانی

مشکلات روانی و افسردگی شدید از جمله عوارضی است که در میان معتادین به قمار به شدت مشاهده می‌شود. بزخی از معتادین گفته‌اند که چندین بار به فکر خودکشی نیز افتاده‌اند (چالاگای ۲۰۱۰).

۸- احساس‌های بد

احساس تنهایی و خستگی از جمله عوارض قمار است که به طور مستقیم بر فعالیت‌های کاری و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. یکی از قمار بازان گفته است: من عادت داشتم که شب‌ها تا دیر وقت در اینترنت قمار بازی می‌کردم. به خاطر چنین عادتی روز بعد نمی‌توانستم بر کارم تمرکز داشته باشم و همیشه سر کار احساس خستگی می‌کردم (چالاگای ۲۰۱۰).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

۹- عدم کنترل خود

تمام قمار بازان گفته‌اند که پس از مدتی انجام قمـار قـادر بـه کنتـرل رفتـار خـود نبوده‌اند و با وجود خواست باطنی خود برای ترک قمار بـه آن ادامـه مـی‌داده‌انـد. آنچه در تمام معتادین به قمار دیده می‌شود این است که آنها با فکـر اینکـه رفتـار خود را در کنترل دارند به انجام قمار ادامه می‌دهند. وقتی مشاهده می‌کنند که زیان زیادی دیده‌اند و باید این کار را ترک کنند می‌فهمند که قدرت ترک آن را ندارنـد و نمی‌توانند بر رفتار خود کنترل داشته باشند.

نتیجه‌گیری

در بیش از ۱٤۰۰ سال پیش دین اسلام انسان‌ها را از قمار نمودن برحذر داشـته اسـت و در نهایت روشنفکری با تأیید برخی سود های کوچک قمار تأکید نموده است که ضررهای آن بیشتر است. امروزه با گسترش قـدرت فکـری بشـر و رشـد و توسـعه نظریـات اقتصـادی مضرات این پدیده اثبات گردیده است. از دید تئوری، جدیدترین نظریات مضر بودن قمـار را تأیید می‌نماید و از دید عملی هم مشاهدات و مطالعات اقتصادی فراوانی که بـر زنـدگی قمار بازان انجام شده است تأیید نموده است که این پدیده باعـث ویرانگـری زنـدگی آنهـا شده، افراد تمام دارایی‌های مادی و معنوی خود را در این راه از دست می‌دهند و به جـایی می‌رسند که توان ادامه زندگی را ندارند و دست به عمـل شـنیع خـود کشـی مـی‌زننـد. در نهایت می‌توان به طور قاطع گفت که علم اقتصاد نظر دین مبین اسلام مبنی بر حرمت قمـار را تأیید می‌نماید.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

کتابنامه

١. قرآن کریم؛ بقره ٢١٩، مائده ٩١-٩٠.

٢. انصاری؛ (١٣٧٦)، «کتاب المکاسب»، به نقل از سیدمصطفی حسینی‌دشتی، معارف و معاریف، ج ٨، ص ٣٦٨، چاپ صدر.

٣. «برخی از مسائل زندگی‌ساز اسلامی، در راه حق»، ص ١٦٠، مجموعهٔ انتشارات نسل جوان، سال دوم، ص ٣٣٠، نشریه پیشرفت‌های ایران (درباره الکل و قمار).

٤. سیدعلی اکبر قرشی؛ «قاموس قرآن»، ج ٧، ص ٢٦٣.

٥. حر عاملی؛ «وسائل الشیعه»، ج ١٧، ص ١٦٥.

٦. حر عاملی؛ «وسائل الشیعه»، ج ١٢ صص ١١٩- ١٢١.

7. http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=182658
8. http://www.rawanonline.com/pathological_gambling_html/
9. http://www.andisheqom.com/Files/faq.php?level=4&id=6602&urlId=2216
10. Aboujapude, Elias and Koran, Lorrin M.(2010). Impulse Control Disorders. New York:Cambridge University Press.
11. Bennett, Tony, Martin, Graham, Mercer, Colin & Woollacott Janet (1981). Culture,Ideology and Social Process. London: B.T. Batsford Ltd, in association with The Open University Press.
12. Elster, Jon and Skog, Ole-Jorgen (1999) (Digitally published on 2007). Getting.
13. Hooked: Rationality and Addiction. Cambridge: Cambridge University Press.
14. Ministry of Interior, Finland. Lotteries Act (1047/2001; amendments up to 1344/2001included). Unofficial translation. Accessed on 2.9.2010.
15. http://www.finlex.fi/en/laki/kaannokset/2001/en20011047.pdf.
16. Finnish Society and Culture Complete Report (2010). California: World Trade Press.
17. http://www.worldtradepress.com. Accessed 15th September 2010.
18. http://anna.diak.fi:2056/lib/diak/docDetail.action?docID=10389277&p00. finland%2C%20the%20society%20culture%20complete.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

19. Zangeneh, Masood, Blaszczynski, Alex & Turner Nigel E. (2008). In the Pursit of Winning: Problem Gambling Theory, Research and Treatment. New York: Springer Science + Business Media.
20. Yle News, (2010).Tougher gaming laws to take effect. Accessed 16.10.2010.
21. http://www.yle.fi/uutiset/news/2010/09/tougher_gaming_laws_to_take_effect_2019229.html.
22. Som Prasad Chaulagai, (2010), Causes and Consequeces of Gambling among Finns and Immigrants in Finland. Thesis, Diaconia University of Applied Sciences.
23. Daniel Kahneman and Amos Tversky, Prospect Theory: An Analysis of Decision under Risk, *Econometrica,*Vol. 47, No. 2 (Mar., 1979), pp. 263-292

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

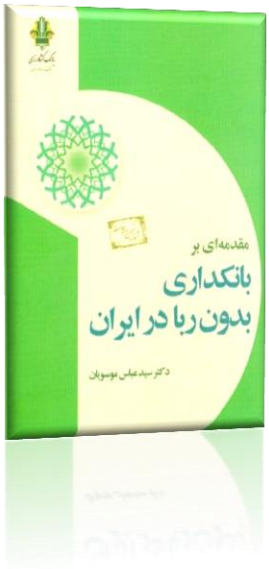

بیش از چهار دهه از تجربه بانکداری بدون ربا در کشورهای اسلامی و برخی کشورهای غیراسلامی می‌گذرد. این مدت گرچه در مقایسه با پیشینه بیش از چهارصد ساله صنعت بانکداری ربوی زمان کوتاهی است، ولی فرصت مناسبی را فراهم آورده تا صنعت بانکداری مدل دیگری از بانکداری را تجربه کند. در جمهوری اسلامی ایران نیز بیش از سی سال از تصویب و اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌گذرد .در این مدت نظام جدید بانکی گرچه توانسته هدف‌های اصلی بانکداری در حوزه‌های تجهیز و تخصیص منابع و خدمات پولی را پوشش دهد، ولی برای رسیدن به وضعیت مطلوب با چالش‌های مهمی روبه‌رو است.

کتاب «مقدمه‌ای بر بانکداری بدون ربا در ایران» پس از پرداختن به تاریخچه پیدایش بانک و وضعیت بانکداری اسلامی در جهان به نظریه‌های توجیه ربا و حیله‌های فرار از ربا و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

مقایسه اجمالی بانکداری ربوی و بانکداری بدون ربا و ابزارهای تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا اشاره کرده و در بخش‌های پایانی به مقوله‌هایی چون اعتبار در حساب جاری، کارت‌های اعتباری، وجه التزام و جریمه تاخیر تادیه و ابزارهای سیاست پولی و عملیات بانک مرکزی در الگوی بانکداری بدون ربا پرداخته است. این کتاب با همکاری اداره کل آموزش و توسعه مهارت‌ها و کارگروه بانکداری اسلامی در بانک کشاورزی و همت حجت‌الاسلام دکتر سیدعباس موسویان عضو شورای فقهی بانک مرکزی تهیه شده است.

ویراست نخست کتاب «مقدمه‌ای بر بانکداری بدون ربا در ایران» در سال ۱۳۹۳، از سوی مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر با تیراژ سه هزار نسخه در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

فرم اشتراک فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی

اشخاص حقیقی

نام: نام خانوادگی:

محل فعالیت: رتبه علمی: آخرین مدرک تحصیلی:

اشخاص حقوقی

نام سازمان/کتابخانه:

وابسطه به:

نشانی کامل پستی:

کدپستی(حتماً قید شود):

تلفت ثابت (با ذکر پیش شماره):

تلفن همراه:

پست الکترونیک:

بهای اشتراک ۱ساله (٤شماره): ۲٤۰,۰۰۰ریال

دانشجویان و اساتید دانشگاه با ارائه تصویر کارت از تخفیف ۵۰٪ برخوردار می‌شوند.

مزایای اشتراک:

- ✓ دریافت به موقع و منظم فصلنامه
- ✓ رایگان بودن هزینه ارسال فصلنامه

اعلام پرداخت:

وجه اشتراک به مبلغ ..... ریال طی فیش بانکی به شماره .....

و تاریخ ..... بانک ..... شعبه ..... به حساب جاری شماره ۰۱٤۳۳۷۹٤۲٦ به نام انجمن علمی اقتصاد اسلامی ایران در بانک تجارت شعبه دانشگاه تربیت مدرس پرداخت شده است.

لطفاً اصل رسید بانکی را همراه با برگ درخواست اشتراک تکمیل شده به نشانی پست الکترونیک ذیل و یا شماره فکس ۸۸۵۷۹۹۸۵ ارسال کنید:

ieaoi@isu.ac.ir
pourhassan.abbas@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

چکیده انگلیسی مقالات

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

A critism of Instrumental View on Shariah Contracts in Usury – Free Banking

Alireza Jafarzadeh Kochaki[1]
Mohammadjafar Esmaeli[2]

Abstract
Looking legal instrument contracts is important in the interest of the distant past, as the "tricks of interest" has been studied by scientists of different religions.
The look of these terms and legal contracts on interest, has become more important than ever before, because of the vision of the founders of interest-free banking, legal contracts, the main body of the form. According to the contract, the bank interest from Rbvyt out.
What is in this article, look right and wrong assessment tool legal contracts are interest free banking (usury gimmick), because this type of legal process, the importance of this branch is the result of its review, the indicator light special and at certain legal and economic studies.
there

Keywords: Usury, Usury Tricks, Shariah Contracts, Usury – Free Banking.

[1] Aassistant Professor of Elahiyat, pyame nor University (Corresponding Author)
az.jafarzadeh@yahoo.com
[2] Master in Elahiyat mjesmaeili@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

Fiscal Decentralization and Islamic Economics; Some Theoretical Considerations on Taxation and Budget Allocation

Mohammad Javad Rezaei[1]
Mahdi Movehdi Beknazar[2]

Abstract
Taxation and allocation of the budget for providing public goods is the responsibility of governments. Governments according to their administrative and decision-making structures, trying to perform this task. Public choice theory, by focuses on public decision-making and government failure, consider fiscal federalism as a solution. The main goal of this paper is to examine the Islamic economics counter to this proposal. In order to achieve this goal, topics such as similarities between natures of khums, zakat and conventional tax and Islamic evidence of regional budget expenditure has been mentioned. Finally, by assuming certain considerations, according to Islamic point of view, there is no obstacle to implementation of some level of fiscal federalism in the state.

Keywords: Fiscal Decentralization, Khoms, Zakat, Taxation, Public choice Theory, Federalism

[1] PhD Student of Economics, Imam Sadiq University (Corresponding Author), J.rezaei@isu.ac.ir
[2] PhD Student of Economics, Imam Sadiq University, Movahedi@isu.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

Comparative collaborative and exchange contracts and Identify problems and benefits of its application in the Islamic banking system

Moen Akbarzadeh[1]

Abstract

This study attempts to compare between Exchange and Collaborative Contracts Accurately in various dimensions (economic, social and legal) and clarify the nature and the unique characteristics of each of these contracts (Exchange and Collaborative Contracts) and investigate Problems and deviations in the implementation of each of the contracts in Islamic banking of Iran. Ignorance parties (trade) brokers and clients to contract condition and the lack of information on the contents of the document signed contracts causes Reducing the efficiency of the banking contracts Even leads to interest and void Contracts. Greater familiarity with banking contracts can prevent to the improper use of these contracts and contaminate banking transactions to the unlawful God. Methods used in the research are the library, documentary analysis and These two contracts are compared from various aspects such as interest rates, costs, demand, and are described the advantages and limitations of each other.

Keywords*:* Islamic banking, Exchange Contracts, Collaborative Contracts, Banking Facilities Granted, problems

[1] Master in Economics, Imam Sadiq University. moin.akbarzadeh@isu.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

Islamic Teachings on Buy and Sell (Transactions) And Their Effects on Social Capital and Continuation of Economic Relations

Vahid Arshadi[1]

Abstract

Social Capital is the important capitals and has Capable of forming a stable horizontal networks and Leading to stronger social interactions. As religious capital Accumulation provides ground of Trustworthy relations and social capital, Because of the faith and practice of the moral teachings of Islam. Social capital in transactions can be the economic engine of the productive sector Due to the continuing stability and economic relations with other capitals. In this paper, using the analytical method Is investigated to Explain some teachings related to The rules and ethics of buy and sell (transactions) Based on Book (Quran) and the Sunnah.

The findings of this study show that Important instructions of Islam Based on honesty and truth, equity in transaction, Severe prohibition of low sales, Participation, Not Greed to the property of other people and order to Contentment, Cooperation and spend in commercial transactions, Not interfere in other transactions, Recording of transactions, doing of Strong work and supply of quality goods and services, Well behaved are some Trustworthy Islamic teachings. Resulted in the formation of horizontal networks of sustainable economic cooperation between the parties to the transaction and will continue. Compliance of This Islamic teachings is created Peace between the distribution and consumption of Economics and provides their Spiritual and material interests.

Keywords: Moral teachings of Islam-transaction-social-capital Continuation of Economic Relations

[1] Ph.d Student of Economics University Of Mashhad Ferdowsi, vahidarshadi@mail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

A Pricing Model for Goods and Services Market in the Resistance Economy

Sayyed Abbas Mousavian[1]
Hasan Baharie Gharamalekie[2]

Abstract
Resistance economy focuses on the domesticated form of Islamic economy, in which its components get crystallized and operated. Resistance economy is, thus, inseparable from Islamic economy, and its actually being achieved depends on that the major components and elements of Islamic economy be known and that the scene be set for their being implemented in accordance with the Iranian society's situation. One of the fundamental topics of Islamic economy which crystallizes in resistance economy is designing a model for pricing goods and services, which has diverse effects on such basic parameters as investment, employment, output, total supply and general price level.
Although, because of the special economic situation of the period after the 1979 revolution and specially that of the wartime, Iranian officials and statesmen used to prefer fixing most of the prices by state command, most Islamic theorists, specially the economists and jurists, considering the jurisprudential arguments and the long-run effects of price-fixing by command, have regarded it harmful to the economy and declared it forbidden.
In this research, using the descriptive-analytical method and considering the jurisprudential arguments, we have examined the issue of price-fixing in the viewpoint of Islamic jurisprudence. The results show that in the usual economic circumstances no one has a right to fix the prices and they ought to be fixed by the market process. However, in the case of hoarding, monopoly and collusion, at first the hoarder or the monopoly gets required to supply the goods. But if it refuses to charge the fair price, it is forced to decrease the price, and if it refuses to supply the goods at the fair price, a particular price would be fixed for it to charge, and in such cases, the relevant jurisprudential official, considering the experts' view, fixes the prices so (just) that it neither harms the seller nor the buyer.

Keywords: resistance economy, Islamic economy, exchange, price-fixing, hoarding, collusion.

[1] Associate Professor of Economics, Research Center for Islamic Culture and Thought. (Corresponding Author) samosavian@yahoo.com
[2] Researcher in Islamic Economy. Hgbahari@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

Role of Cash Waqf in Islamic Microfinance

Seyyed Mohammad Seyyed Hosseini[1]
Taqi Ebrahimi Salari[2]
Sayyed Mahdi Narimani Zaman Abadi[3]

Abstract
Microcredit system is one of proposed solution for accelerating the Investment process and reinforcement of financial foundation and savings in rural areas and rural communities poverty reduction in two past decade. Getting microcredit from commercial banks entails lots of pledges and assurance which poor and low-income people can't afford them. Hence, these people may turn toward informal financing in the cities and villages. Therefore, establishing Islamic institutions and new methods on microcredit financing would resolve the financial needs of poor and have the shariah framework in financial activities due to making more opportunities for employment, running micro size business and eliminate the poverty in the society. The aim of this paper is to study the cash waqf as an Islamic micro finance source. For this purpose, experiences are provided, specially institutions in the field of providing micro finance. Then potential behavior of cash waqf in microfinance and its results are studied. The results of this research which are based on analytical-descriptive method, shows that there is a potential capacity that cash waqf can be used in the frame work of Islamic finance due to empowering the usury free micro finance and solve the socio-economical problems in society.

Keywords**:** Islamic Financing, Cash waqf, Microcredit, Iran

[1] Ph.D. Student in Economics, Ferdowsi University of Mashhad (Corresponding Author), Sm.Sh65@gmail.com
[2] Assistant Professor, Department of Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Ebrahimi@um.ac.ir
[3] Ph.D. Student in Feqh and Principles of Islamic Law, Narimani@stu-mail.um.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

A Critical Study of the Application of Murabaha in Islamic Financing

Hossin Kafshgar[1]
Mohammadnaghi nazarpour[2]

Abstract
Islamic financing instruments conform to Islamic law and the local rules of Islamic countries. Therefore, countries with Muslims as a majority try to spread their use. In a short time, they attracted the attentions of investors and savings account holders with different tastes so much so that it became an alternative to common financial instruments. Murabaha is an Islamic financing instrument. With a 67% growth rate, it is the most prominent and well-known financing instrument among Islamic banks. Murabaha was also approved by the Islamic Consultative Assembly of Iran in Article 98 of Development Plan Law in 2010. It was then approved by the Guardian Council. Its executive regulations were approved by the Money and Credit Council in August 16th, 2011. Later, the CEOs of governmental and non-governmental banks, the Post Bank of Iran, and financial institutions were notifed of the law. Despite its benefits, including being the most applicable financing method, having a higher contribution compared to other contracts with fixed returns, appropriate variety to fulfill the tastes of investors, and a lower risk compared to other contracts, it is criticized by some economic activists. For instance, it is criticized as being against the general spirit of Islamic banking and, generally, Islamic financing. Moreover, they object to spreading its use among all contracts used in financing. They consider it as a big risk for other contracts with expected returns. With a descriptive and content analytical method and using library resources, this paper aimed at proving that financing using murabaha contracts not only conforms to the general Islamic spirits, but also is one of the most prominent Islamic financing methods. It also fulfills the expectations of various investors and is in line with other contracts with fixed and expected returns.

Keywords: Murabaha, murabaha contracts, installment sale, flexibility, avoiding risk, fixed returns

[1] Ph.D. Student in Economics, Edalat Tehran University (Corresponding Author), hkj6066@gamil.com
[2] Associate Professor of Economics, Mofid University, mjesmaeili@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

Confirmation the harmfulness of gambling emphasized in Islam by economic sciences foundlings

Mahmoud Farrokhi[1]
Abbas Arabmazar[2]

Abstract
Gambling is forbidden in Islam and in Quran it has been named besides drinking alcohol which is one of the strongest forbidden behaviors in Islam. In this paper we explore the effects of this rule of Islam on human society which has found in economics so far. In addition we show that gambling reduces the welfare of individuals and society. To do this, we explore the topic via two theoretical and experimental views and we found that from both views, gambling reduces the welfare of a society.

Keywords: Gambling, welfare, behavioral economics, utility

[1] Assistant Professor of Economics, Shahid Beheshti University, Ma_Farrokhi@yahoo.com
[2] Associate Professor of Economics, Shahid Beheshti University, Ab_arabmazar@sbu.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

Contents

A Critical Study of the Application of Murabaha in Islamic Financing……7
Hossin Kafshgar, Mohammadnaghi nazarpour

Role of Cash Waqf in Islamic Microfinance……...39
Seyyed Mohammad Seyyed Hosseini, Taqi Ebrahimi Salari, Sayyed Mahdi Narimani Zaman Abadi

A Pricing Model for Goods and Services Market in the Resistance Economy……79
Seyed Abbas Mousaviyan, Hassan Bahari

Islamic Teachings on Buy and Sell (Transactions) And Their Effects on Social Capital and Continuation of Economic Relations……...……....123
Vahid Arshadi

Comparative collaborative and exchange contracts and Identify problems and benefits of its application in the Islamic banking system ……..…….……161
Moen Akbarzadeh

Fiscal Decentralization and Islamic Economics;Some Theoretical Considerations on Taxation and Budget Allocation……...……...…..……199
Mohammad Javad Rezaei, Mahdi Movehdi Beknazar

lucre, Usury tricks, Legal contracts on interest, Interest-Free Banking……223
Alireza Jafarzadeh Kochaki, Mohammadjafar Esmaeli

Confirmation the harmfulness of gambling emphasized in Islam by economic sciences foundlings……...…245
Mahmoud farrokhi kashani

New Books…….……...266

Abstracts (in English)……...…….…..271

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]

In the Name of Allah

Quarterly Journal of

Islamic Economics & Banking

No.4 & 5
Autumn & Winter 2013

Editorial Board

Seyed Hadi Arabi: Aassistant Professor, RIHU

Abbas Arabmazar: Associate Professor, SBU

Morteza Ezzati: Aassistant Professor, TMU

Hossin heshmati: Aassistant Professor, IBI

Gholamreza Mesbahimoghadam: Associate Professor, ISU

Meysam Mousaei: full Professor, TU

Seyed abbas mousavian: Associate Professor, IICT

Abolfazl pasebani: Aassistant Professor, JTT

Publisher
Islamic Economics Association Of Iran

Director & Editor - in - Chief:
Dr.Abbas Arabmazar

Executive assistant:
Abbas Pourhassan yami

Address:
Islamic Economics Association Of Iran
Imam Sadiq University, Modiriat Bridge, Shahid Chamran Expway, Tehran Islamic Republic Of Iran

P.O.Box: 14655-159

Website
http://www.mieaoi.ir
E mail
m_ieaoi@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-08]